

بسم الله الرحمن الرحيم

درگذشت عالم خدمتگزار و قرآن پژوه آیت الله آقای حاج
شیخ محمدهادی معرفت رحمة الله عليه را به حوزه علمیه و
علما و فضلاى قرآنى و مردم وفادار قم و به خانواده و فرزندان
محترم ایشان تسلیت می گویم. این روحانی عالی مقام
خدمات ارزشمندی در زمینه تحقیقات و تألیفات دینی به ویژه
در تفسیر و علوم قرآنی به جامعه علمی کشور عرضه داشته اند
و تألیفات ایشان یادگارهایی ماندنی به شمار می آید.

ایشان همچنین در عرصه های مجاهدات ملت ایران در
دوره های گوناگون حضور داشته اند و فرزندان در دفاع
مقدس به فیض شهادت رسیده است. از خداوند متعال
علو درجات این فقید سعید را مسألت می کنم.

سیدعلی خامنه ای

۱۳۸۵/۱۱/۱



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دولته نامه تخصصی

خبرگزاری قرآنی ایران

(ایکنا)



سال ششم، شماره ۷۹، پانزده اردیبهشت ۱۳۸۹
آیت الله معرفت (ره): احیاگر علوم قرآنی در دوران معاصر

مدیر مسئول: عیسی علیزاده

سردبیر: مرتضی رضائی زاده

مدیر اجرایی: آزاده عقیقی

مدیر هنری: احسان حسینی

دبیر تحریریه: طاهره خیرخواه

معاون داخلی تحریریه: غلامرضا حسین پور

مشاور مطبوعاتی: مرتضی نجفی قدسی

هیئت تحریریه: سرویس اندیشه و علم: حمیدرضا یونسی، ابوالفضل عنایستانی

محمد پارسائیان، سیدحسین امامی

سرویس عکس: سید محمد نمازی، نقی خوش خلق، امیر حسامی نژاد

حسن آقا محمدی، پیام اکبری



- | | |
|---------|--|
| ۵-۵۰ | فصل نخست: زندگی نامه، منش و روش آیت الله معرفت (ره) |
| ۵۱-۶۰ | فصل دوم: نگاهی به آثار آیت الله معرفت (ره) |
| ۶۱-۱۲۴ | فصل سوم: احیای علوم قرآن در آثار آیت الله معرفت (ره) |
| ۱۲۵-۱۶۴ | فصل چهارم: تفسیر مآثور و مبنای حدیثی آیت الله معرفت (ره) |
| ۱۶۵-۱۷۸ | فصل پنجم: نگاه قرآنی آیت الله معرفت به فقه و اصول (ره) |



شورای عالی
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
مرکز تحقیقات و پژوهش قرآنی
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

این شماره از «رایحه» با مشارکت و حمایت مرکز هماهنگی، توسعه و ترویج فعالیت های قرآنی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و شهرداری تهران (شورای عالی قرآن) تدوین و منتشر شده است.

نشانی نشریه: تهران، خیابان قدس، خیابان بزرگمهر، پلاک ۸۵، خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)

پست الکترونیک نشریه: Rayehe@iqna.ir تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۷۰۲۱۲-۹۸+

سخن نخست

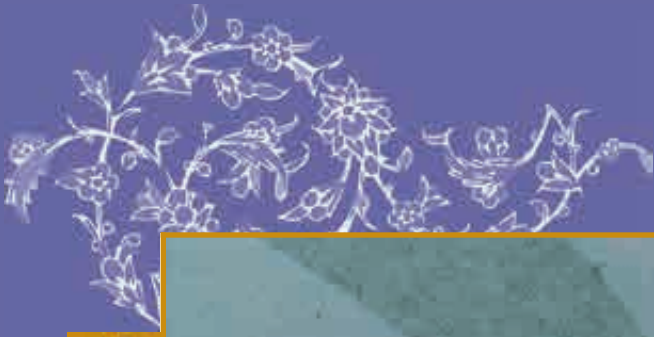
مرحوم آیت الله محمد هادی معرفت را بحق می‌توان سلسله جناب احیای علم قرآنی در حوزه‌های علمیه اسلام شیعی در دوران معاصر قلمداد کرد. آیت الله معرفت علی‌رغم برجستگی و شأنت کامل در فقه و اصول، به خاطر مهجوریتی که از زمان اقامتش در نجف، در حوزه معارف قرآن احساس می‌کرد، با بیان و بنان محکم و استوار خود شروع به فعالیت در این عرصه کرد تا به آنانی که بر پیروان اهل بیت (ع) خرده می‌گرفتند که مباحث علوم قرآنی در میان آثارشان جایگاه والایی ندارد، پاسخ گفته باشد.

دغدغه پاسخ‌گویی به شبهاتی که علیه قرآن و تشیع ساخته شده بود، از همان عنفوان جوانی در او نهادینه شده بود، فلذا در هنگام اقامتش در کربلا با گروهی از فضایی آن دیار، مجله «اجوبة المسائل الدینیة» را منتشر کرد و این سنت مبارک را ادامه داد تا «التمهید فی علوم القرآن»، «شبهات وردود»، «التفسیر و المفسرون»، «صیانة القرآن من التحریف» و... آثار ماندگار و باقیات صالحات او در دوران ما باشد.

مهجوریت و مظلومیت این مفسر، فقیه و عالم برجسته علوم قرآنی از یک سو و ضرورت واکاوی و تحلیل آثار و آرای قرآن پژوهی اش، خصوصا نظرگاه‌های ویژه او که به معارف قرآنی طراوتی تازه بخشیده است، از سوی دیگر، مارا به عنوان تنها خبرگزاری تخصصی قرآنی بر آن داشت تا در پی انتشار بزرگداشت‌نامه‌ای برای این عالم فرزانه که حق حیات معنوی بر ذمه تالیان کتاب خدا در این دیار دارد، باشیم.

نکوداشت مقام علمی مرحوم آیت الله معرفت، شناساندن زوایای پنهان اندیشه‌های نوین این مفسر برجسته و در پی آن، آشنا کردن مخاطبان و جامعه علمی کشورمان با مفاهیم ارزشمند و جاوید کتاب مبین است. احیای شخصیت علمی مرحوم معرفت، آن هم در عصر مهجوریت قرآن، کاری بس عظیم و مبارک و در واقع احیای علوم قرآنی است. رحمة الله علیه رحمة واسعة.

غلامرضا حسین پور
معاون داخلی تحریریه ایکننا



دوخت ہمارے

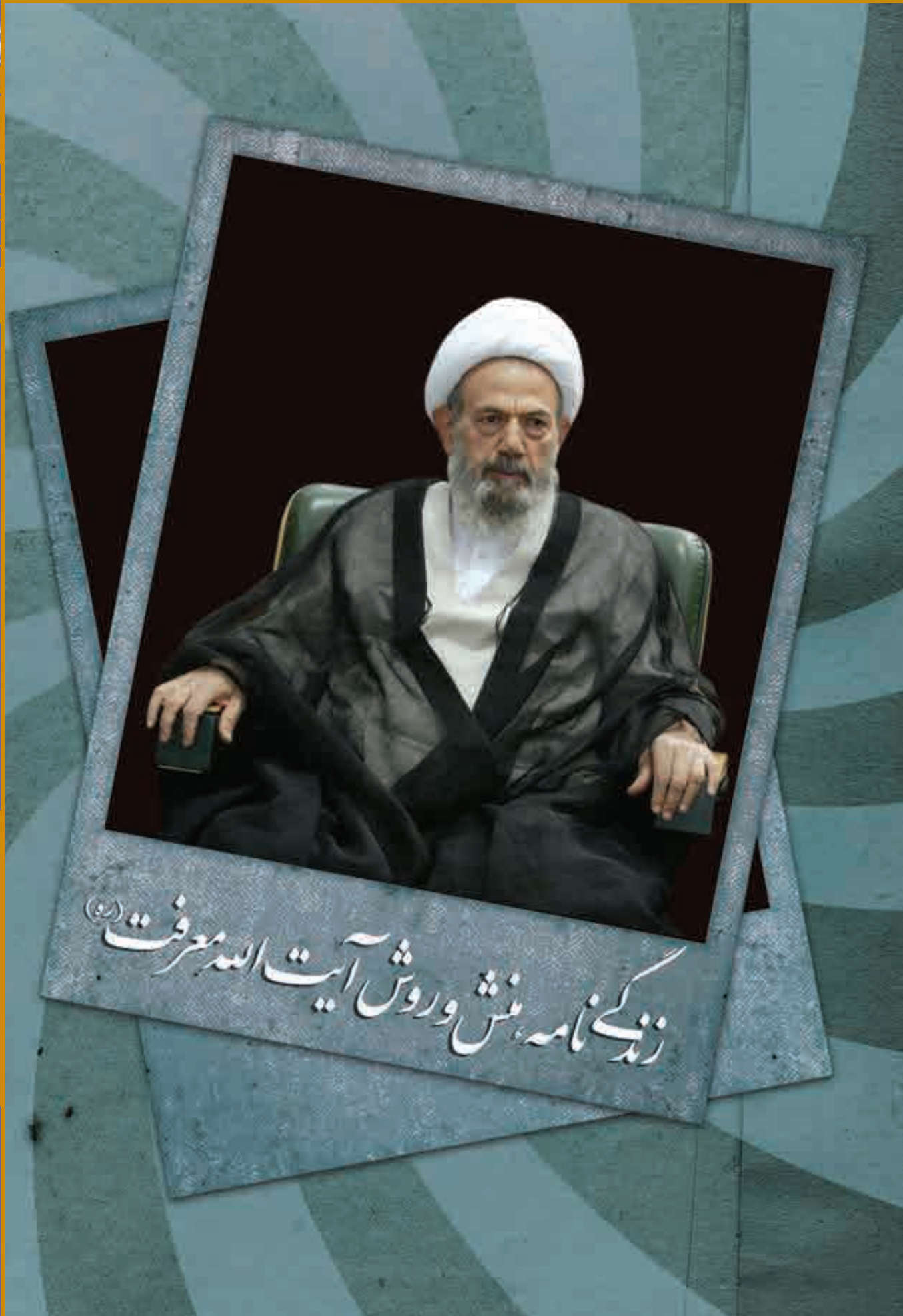
راہِ حق

سال ششم

شماره ۷۹

۱۵ اردیہشت ۱۳۸۹

۵



زندگی نامہ پیش و روش آیت اللہ معرفت

آیت اللہ معرفت (ع)؛ احیاء علوم قرآنی در دوران معاصر

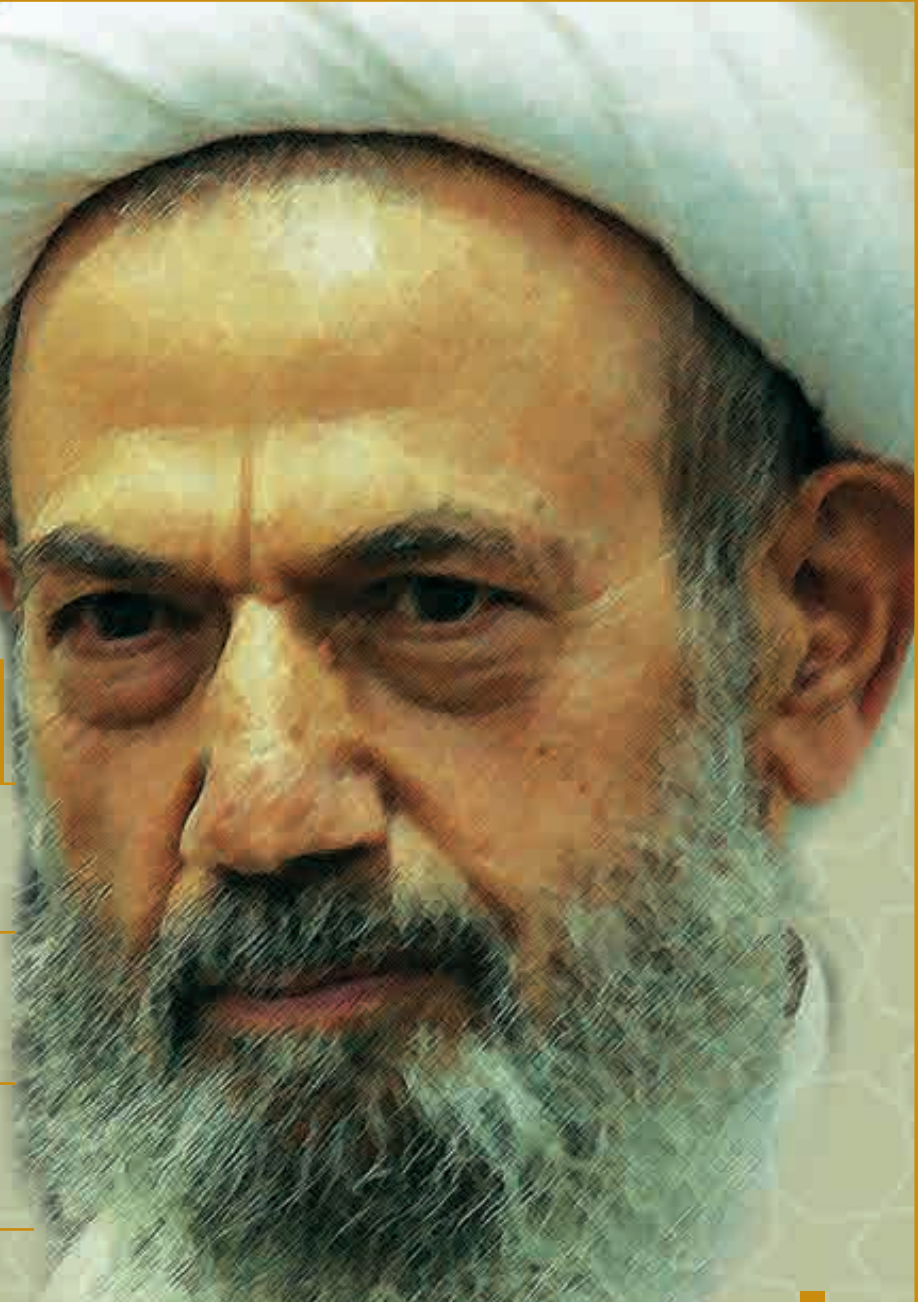


زندگی‌نامه

خودنوشت

آیت الله

معرفت



دوران کودکی و

نوجوانی

اینجانب محمد هادی

معرفت در سال ۱۳۰۹ هجری

شمسی، در خانواده‌ای روحانی در شهر کربلا متولد شدم. پدرم شیخ علی، فرزند میرزا محمدعلی از نوادگان شیخ عبدالعالی میسی اصفهانی از خطبای بنام کربلا در آن دوران بود. پدرم به اتفاق والدین و دیگر اعضای خانواده‌اش در سال ۱۲۹۰ هجری شمسی در سن پانزده سالگی از سده اصفهان به کربلا مهاجرت کرد و در سن ۶۳ سالگی در سال ۱۳۳۸ هجری شمسی، در کربلا وفات یافت و در ایوان پشت سر بارگاه حضرت ابوالفضل علیه السلام به خاک سپرده

شد. وی دانشمند و خطیبی توانا و

مورد احترام مردم کربلا بود. پدران

پدرم همگی تا سه قرن از سلسله جلیله

روحانیت و علما بوده‌اند.

مادرم سیده زهرا، دختر سیدهاشم تاجر رشتی بود که در کربلا

متوطن گردیده و در سال ۱۳۶۳ هجری شمسی وفات یافت و

همانجا مدفون گردید.

اساتید

پدرم مراد در سن پنج سالگی برای سوادآموزی به مکتبی فرستاد

پس از آن مقدمات را نزد استاد حاج شیخ علی اکبر نائینی و سپس

نزد پدر آموختم. ادبیات و منطق را نزد دیگر اساتید حوزه کربلا فرا



بود که در این دوران از محضر اساتیدی همچون: سید محسن حکیم، سید ابوالقاسم خویی، میرزا باقر زنجانی، شیخ حسین حلّی، سیدعلی فانی اصفهانی و اخیراً امام راحل (قدس سرّه) بهره وافر گرفتیم.

آقای حکیم در طرح و بررسی آراء فقها مهارت و دقت فراوانی داشت و درس ایشان از این لحاظ دارای امتیازی خاص بود. ایشان به آراء فقهای سلف همان عنایت و دقت را می داشتند که با اقوال معصومین (علیهم السلام).

آقای خوئی در قوت بیان و قدرت استدلال و در ضمن رسا و ساده گویی ولی عمیق، سرآمد بود، و بحث فقه و نیز اصول را در اندک مدت ولی با حجمی تناور از مطالب، مطرح می ساخت و در این جهت بی نظیر بود. آقای زنجانی در شرح و بسط دادن مطالب و روشن ساختن ابعاد مسئله با بیانی شیوا و رسا و عمیق اختصاص داشت.

آقای حلّی در طرح اقوال مختلف در هر مسئله و بررسی دلائل و جرح و تعدیل آن ها مهارت به سزایی داشت و در مباحث فقهی نوآوری های فراوانی از خود به یادگار گذارد. شاگردان وی محدود، ولی از ممتازان افاضل حوزه بودند. ایشان شیوه تدریسی بخصوصی داشت؛ نظر خود را نوعاً بیان نمی داشت بلکه لابلای نظرات دیگران بدون شاخصه مطرح می کرد و هرگاه از ایشان درخواست می شد که در این هنگام رأی خود را بیان دارد می فرمود: «به صلاح شما نیست»؛ زیرا هرچه باشد، شاگرد به استاد خود بک نوع گرایش دارد که احیاناً ناخودآگاه نظر او را راجح می داند در حالی که این گرایش گمراه کننده است و او را از آزاد اندیشیدن باز می دارد.

این چنین بود که شاگردانی نیرومند و آزاد اندیش تربیت نمود (قدس سره). آقای فانی، محقق ژرف نگر و توانمند بود و در تربیت علمی شاگرد سعی فراوان داشت. علاوه بر جلسات درسی روزانه، در روزهای پنج شنبه و جمعه به اتفاق آقای رضوانی (عضو هیئت شورای نگهبان) و آقای قدیری مسئول پاسخ در دفتر استفتائات امام و مقام معظم رهبری، از اول صبح تا ظهر در خدمت ایشان حضور یافته و به گفت و گو بحث پیرامون مسائل می پرداختیم که در این جلسات مایه های علمی فراوانی بدست آوردیم.

حضرت امام در طرح کردن آراء بزرگان و گسترش در نقد و بررسی آن ویژگی خاصی داشت. ایشان بر این باور بودند - و چنین هم تربیت نمودند - که قداست تنها از آن اقوال معصومین (ع) است. آری اقوال بزرگان احترام دارد نه قداست و احترام آن در آن است که به نقد و بررسی آن پرداخته شود نه آن که تعبداً پذیرفته شود. و با شایستگی لازم به این کار می پرداخت و از سؤال و جواب و نقض و ابرام شاگردان استقبال می نمود و در این راه شاگردانی نقاد و روشنگر تربیت نمود. جزاه الله خیراً. در این دوره مقداری از فلسفه و حکمت متعالیه را نزد فاضل ارجمند آقای رضوانی آموختم و در کنار تحصیل در این مراکز علمی

گرفتیم و مقداری هم علوم فلکی و ریاضی را تلمذ نمودم.

اساتید این دوره عبارتند از: پدر، سید سعید تنکابنی (متخصص در تدریس ادبیات عربی)، سید محمد شیرازی (آیت الله)، شیخ محمد حسین مازندرانی، سیدمرتضی قزوینی.

مرحله بعد فقه و اصول و مبادی فلسفه بود. اساتید این مرحله عبارتند از: شیخ محمد کلباسی، شیخ محمد حسین مازندرانی، پدرم، شیخ محمد خطیب (از علمای بزرگ و مرجع در حوزه)، سید - حسن حاج آقا میر قزوینی (از علمای بزرگ و صاحب نظر در حوزه و از شاگردان مرحوم آخوند خراسانی)، شیخ محمد رضا جرقویی اصفهانی (از علمای بزرگ و جامع و معقول و منقول و از شاگردان بالواسطه مرحوم شیخ هادی طهرانی) و شیخ محمد مهدی کابلی - مقداری از قوانین الاصول - شیخ یوسف بیارجمندی خراسانی (از شاگردان بزرگ مرحوم نایینی و متبحر در فقه و اصول) کتاب فصول، رسائل و مکاسب شیخ و یک دوره اصول خارج و مقدار زیادی خارج فقه را نزد ایشان گذراندم و چون ایشان از شاگردان ادیب نیشابوری بزرگ بوده، مطول را نیز نزد ایشان تعلیم یافتیم، تمامی این دوره در حوزه کربلا تا سال ۱۳۳۹ش انجام گرفت.

در این دوره، در کنار تحصیل به تدریس و تحقیق اشتغال داشتم. در رشته های ادبی و علمی و در حوزه های تدریس متناسب و در هفته یک بار جلسه دینی برای جوانان داشتم و هر دو با اقبال قابل توجهی روبرو شد و شاگردان بسیاری تربیت یافتند. همگام با آن، با همکاری گروهی از فضلاء حوزه (سید محمد شیرازی، سید عبدالرضا شهرستانی، سید محمد علی بحرانی، شیخ محمد باقر محمودی و ...) دست به تأسیس و نشر ماهنامه «أجوبة المسائل الدینیة زدیم و با اعلام: "سؤال های دینی شما را پاسخگو هستیم"، با کمال جدیت مشغول شدیم که در سطح وسیعی گسترش یافت به ویژه در دانشگاه ها و حتی برخی دانشگاه های بزرگ خارج از کشور عراق با استقبال فراوان روبرو شد، و سالیان دراز ادامه داشت. ضمناً مقاله و نوشته های تحقیقی، علمی - دینی فراوانی تدوین و انتشار یافت. و برخی از این مقالات به جهت اهمیت موضوع سپس به صورت کتاب یا رساله چاپ و منتشر شد؛ از جمله: حقوق زن در اسلام، ترجمه قرآن: امکان، نقد، ضرورت، دو فرقه شیخیه: اسکویی، کریمخانی، اهمیت نماز و تأثیر آن در حیات فردی و اجتماعی و غیره. تمامی این ها به زبان عربی روز انجام شده است. و برخی از آن ها سپس به فارسی ترجمه شده است.

هجرت به نجف اشرف

در آغاز سال ۱۳۴۰ش و پس از فوت پدر (قدس سره) برای تکمیل تحصیل به همراه خانواده به نجف اشرف مهاجرت نمودم. هدف اصلی شرکت در جلسات درسی فرهیختگان علم و فقاہت



پر بار، به تدریس پرداختم. صبح‌ها برای تحصیل و تدریس و عصرها صرفاً برای تدریس اختصاص داشت.

ضمناً از کار تحقیق و نوشتن مقالات علمی غافل نبودم. با گروهی از فضایی بنام حوزه که عبارت بودند از: سید جمال‌الدین خوئی (فرزند برومند آیت‌الله خوئی)، سید محمد نوری، سید عبدالعزیز طباطبائی، شیخ محمد رضا جعفری اشکوری، دکتر محمد صادقی (صاحب تفسیر)، و اخیراً استاد عمید زنجانی، جلسات هفتگی تشکیل می‌دادیم و پیرامون مباحث و مواضع مختلف به بحث و تحقیق می‌پرداختیم، هر کدام در یک رشته، که اینجانب رشته علوم قرآنی را برگزیدم و پایه تحقیقاتم در این رشته گردید. علاوه بر نوشتن مقالات و نشر مجلات (از جمله مجله اجوبة المسائل الدینیة)، که هنوز ادامه داشت، رساله‌های گوناگون از جمله: کتاب تناسخ الأرواح، در ردّ نظریه تناسخ که در آن روزگار شایع بود، نگاشتم و در سطح دانشگاهیان در بغداد منتشر گردید و سپس در ایران ترجمه و بر آن افزوده گشت و به نام بازگشت روح انتشار یافت.

و نیز رساله ای در قضای فوائت (نمازهای فوت شده) به نام تمهید القواعد که بعضاً تقریر درس حضرت استاد آیت‌الله خوئی بود، تألیف و چاپ و منتشر گردید. و این اولین نوشته فقهی استدلالی اینجانب می‌باشد، که با اسلوب و شیوه تازه، مسائل فقهی را بررسی کرده است.

انگیزه پرداختن به مسائل قرآنی در کنار فقه و اصول آن بود که هنگام مراجعات و مطالعه برای آمادگی تدریس تفسیر، به حقیقت تلخی برخورد نمودم و آن فقدان بحث زنده پیرامون مسائل قرآنی، در کتابخانه فعلی تشیع بود. و این برخورد تلخ از آنجا بوجود آمد که برای تهیه مقاله پیرامون مسئله «ترجمه قرآن» به کتابخانه اختصاصی قرآنی مراجعه می‌نمودم و در این زمینه کتاب‌های زیاد که برخی در دو مجلد و نیز رساله‌ها و مقالات بسیار از مصر و غیره در اختیار بود که دانشمندان معاصر آن دیار نوشته بودند. ولی در حوزه نجف جز یک برگه اعلامیه حضرت آیت‌الله شیخ محمد حسین کاشف الغطاء، چیز دیگری نیافتیم و این امر، گران نمود و بر آن داشت که در این زمینه (مسائل قرآنی) بطور گسترده، دیدگاه‌های دانشمندان گذشته و حال مکتب را روشن و ارائه دهم که نتیجه آن تلاش پیگیر، ۷ مجلد التمهید و ۲ مجلد التفسیر و المفسرون گردید که این نوشته اخیر در واقع تکمیل و تدارک مافات نوشته محمد حسین ذهبی مصری است که به ناحق، جایگاه تشیع را در حیطه قرآنی نادیده گرفته است.

هجرت به قم

در سال ۱۳۵۱ش که حکومت بعث عراق دستور مهاجرت ایرانیان را صادر نمود به اتفاق همسر و فرزندان رهسپار حوزه علمیه قم شدیم و کتاب‌های مهم بویژه دست‌نوشته‌ها را با خود آوردیم و بقیه کتاب‌ها بعداً ارسال گردید. از بدو ورود به قم، همان شیوه که در حوزه علمی پیشین (کربلا و نجف) داشتیم، ادامه داده شد منتهی در بعد تحصیلی تنها به حوزه درس اصول مرحوم میرزا هاشم آملی حضور یافته، و بقیه اوقات را به تدریس و تحقیق پرداختیم. در بعد تدریس در سطحی بالاتر رسائل، مکاسب، کفایه و سپس تدریس خارج فقه و اصول انجام گرفت ضمناً در مدرسه عالی حقانی که به سرپرستی مرحوم شهید قدوسی اداره می‌شد و با دعوت ایشان به تدریس مسائل قرآنی بویژه علوم قرآنی که هنوز به صورت جزوه بود اشتغال یافتیم و افرادی که در کلاس درس شرکت می‌کردند افرادی شایسته بودند و امروز از رجال نامی شمرده می‌شوند.

علاوه بر تفسیر و علوم قرآنی، تدریس فقه (مکاسب شیخ) و اصول (رسائل) نیز خواسته شد. بعد تحقیق در کنار تدریس جدیت بیشتر بخود گرفت و تحقیقات انجام شده در نجف به طور گسترده و همه جانبه مورد بررسی قرار گرفت و پیشرفت نمود و جزوات التمهید یکی پس از دیگری به زیور طبع آراسته گردید و سال ۱۳۵۸-۱۳۵۷ بدو انقلاب شکوهمند اسلامی، مجلد سوم در حال چاپ بود و تا شش مجلد - مجدداً - به همت انتشارات جامعه مدرسین به چاپ رسید.

ضمناً موضوعات مطرح شده در این کتاب، در حوزه - پس از استقرار انقلاب - بطور رسمی برای همگان به عنوان مواد درسی اولی مطرح و به تدریس آن در مرکز حوزه مشغول شدم و رفته رفته افرادی تربیت شده و رشته‌های مختلف علمی از جمله رشته تفسیر و علوم قرآنی در حوزه دائر گردید و کسانی دست به تألیف و تدریس در این رشته نمودند و رو به گسترش نهاد، که امروزه ۱۴ دانشکده خاص علوم قرآنی در کنار حوزه‌های علمی تخصصی در سطح کشور دائر است.

در این زمینه کتاب‌های دیگری به تناسب شرایط روز تألیف نمودم، از جمله کتاب صیانة القرآن من التحریف در دفاع از حریم قرآن و حراست از کرامت آن نوشته شد و آن بدان سبب بود که یکی از نویسندگان در دیار پاکستان به نام «احسان الهی ظهیر» کتابهایی علیه مکتب تشیع و در رابطه با مسئله تحریف نوشت و شیعه را متهم ساخت که قائل به تحریف می‌باشند؛



لذا برای دفع این تهمت و حراست از کيان مقدس قرآن دامن همت بر کمر زده و در مدت شش ماه (۱/ صیام ۱۴۰۷ق - ۳۰/ صفر ۱۴۰۸ق) این کتاب را نگاشتم و در تاریخ ۱۳۶۶/۲/۸ش به پایان رسید و تاکنون چندین بار به چاپ رسیده و مورد توجه قرار گرفته است. ضمناً دو ترجمه کوتاه و مفصل از آن گردیده و به چاپ رسیده است. و نیز کتاب «التفسیر و المفسرون» در دو مجلد و ترجمه آن به نام «تفسیر و مفسران» در همین زمینه قرآنی در اختیار پیوندگان قرار گرفت.

در زمینه معارف قرآنی مقالات فراوان نوشتم و در مجله و ماهنامه‌ها به چاپ رسیده و مجموعاً ضمن ۵ مجلد آماده چاپ است. کاری که اخیراً (از ابتدای سال ۷۹ش) به آن دست زده و از ویژگی و اهمیت خاص برخوردار است، جمع و تنسیق روایات تفسیری فریقین است که با همکاری دو گروه ۱۰ نفری از نخبگان حوزه و تربیت یافتگان مدرسه قرآنی در حال پیشرفت سریع است. روایات تفسیری، جملگی به صورت خام در کتاب‌ها عرضه شده و کاری که فقها بر روی روایات فقهی انجام داده‌اند، بر روی روایات تفسیری انجام نگرفته و لذا سلیم و سقیم به هم آمیخته است. برای جدا سازی و تعیین سرنوشت نخبه تفاسیر روایی با همت دوستان فضل خویش به این کار خطیر اقدام نمودم، از خداوند مسألت دارم که توفیق اکمال و اتمام به نحو احسن مرحمت فرماید. ان شاء الله.

ضمناً مجلد ۷ التمهید که ردّ شبهات علیه قرآن است و به نام شبهات و ردود چاپ و نشر شده است.

در کنار کار قرآنی، کار فقه‌های از همان دوران نجف اشرف همگام پیشرفت داشته و دارد و کتاب‌ها و رساله‌های متعددی در این زمینه به رشته تحریر در آمده که مختصر آن عبارتند از: «تمهید القواعد»، «حدیث لاتعداد»، «ولایة الفقیه - ابعادها و حدودها»، «مالکیة الارض»، «مسائل فی القضاء» به زبان عربی و چاپ شده است.

و عمل گسترده ای که در این زمینه (فقه) از دیر باز به آن مشغول بوده و هستم، نظرات فقهی نوین بر اساس اجتهاد پیشرفته در قرون اخیر که محصول درس‌های خارج فقهی است به ترتیب ابواب فقهی جواهر الکلام و با عنوان شرح و تعلیق بر آن، از ابتدای کتاب طهارت تا پایان کتاب دیات، بطور پیوسته و ناپیوسته نوشته و در دست تکمیل است، توفیق اتمام آن را بنحو اکمل از خداوند خواستارم.

امروز (سال ۱۳۷۹ش) کما کان بحمدالله با همان نشاط اولیه و با عنایت پرودگار به امر تدریس به طرز نوین (خارج فقه و اصول و علوم قرآنی) و تحقیق در دو رشته فقه و تفسیر بر مبنای مستحکم پذیرفته شده نزد اهل تحقیق به کار خود ادامه می‌دهم و پایان کار با خدا است. انه ولی التوفیق.

قم - محمد هادی معرفت ۱۳۷۹/۱۲/۱



آیت الله معرفت؛ قهرمان علوم قرآنی در تشیع

نظر مسلمانان (عامه) مفسر بزرگ ابن عباس است که در واقع شاگرد امیر مؤمنان (ع) است. بعد از پیامبر اکرم (ص) عترت ایشان پیوسته در شرح و تبیین قرآن کوشش کردند و در حقیقت معلمان قرآن بودند.

این مرجع عالیقدر شیعه با بیان این که پس از اهل بیت (ع)، علمای شیعه به قرآن اهتمام ویژه‌ای داشتند، تصریح کرد: علمای شیعه که جمعی از آنان اصحاب عترت رسول اکرم (ص) و گروهی هم که از رهروان غیبت آن بزرگواران بودند، تفسیرهای متعددی بر قرآن نوشته‌اند و نویسندگی آنان هم یک نواخت نیست.

وی با اشاره به رویکردهای مختلف تفسیری به قرآن کریم، بیان کرد: برخی از علمای شیعه لغات قرآن را شرح و معنی کردند، گروهی ناسخ و منسوخ قرآن را معین کردند، برخی دیگر اسباب نزول، و گروهی هم تفسیر قرآن را نوشتند.

آیت الله معرفت در علوم قرآنی محققى راستین بود که انصافاً خلأ علوم قرآنی در تشیع را پر کرد و امروز دیگر کتاب التمهید هر کجا برود، افتخار آیت الله معرفت و حوزه علمیه و شیعه است؛ زیرا کتابی سرشار از تحقیق و خالی از تنش است.



آیت الله العظمی سبحانی، مرجع عالیقدر جهان تشیع، در گفت و گوی اختصاصی با ایکننا درباره شخصیت آیت الله معرفت اظهار کرد: خداوند در سوره مبارکه اسراء می فرماید: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ». رسول اکرم (ص) نیز بعد از رحلت شان دو یادگار سنگین و ارزشمند در میان امت نهادند که یکی خداوند و دیگری اهل بیت (ع) و عترت آن حضرت (ص) است. وی افزود: خوشبختانه امیر مؤمنان (ع) نخستین کسی است که به تفسیر قرآن پرداخته و دیگر مفسران تلامیذ ایشان هستند. از



را به علوم قرآنی اختصاص داده و همچنین مرحوم طبرسی این مسائل را در اوایل مجمع البیان آورده است.

التمهید: افتخار شیعه

آیت الله العظمی سبحانی با بیان این که تعداد کسانی که علوم قرآنی را به صورت مستقل تدوین کردند، کم بوده است، تصریح کرد: مرحوم آیت الله معرفت که رضوان خداوند بر او باد، در حقیقت قهرمان علوم قرآن است که توانست در عصر ما مجموع علوم قرآنی را در هفت جلد به نام التمهید منتشر کند. نه تنها ناقل باشد، بلکه محقق هم باشد. علامه مجلسی در هر موضوعی که رسیده، با نقل اخبار و احترام به جایگاه آن، خودش نیز نظر داشت؛ در حقیقت کار بزرگ ایشان همان مسئله علوم قرآنی است که در شیعه در مقدمه تفاسیر بوده و ایشان به عنوان مستقل بحث کرده است. همانند کتاب «الإتقان فی علوم القرآن» سیوطی و یا کتاب «البرهان فی علوم القرآن» زرکشی.

وی بیان کرد: وجه تمایز کتاب های علوم قرآن اهل سنت و کتاب «التمهید» این است که آن تألیفات بیشتر ناقل بیانات گذشته هستند، اما آیت الله معرفت يك محقق هست و انصافا خلای را که در این بخش بود، پر کرد. کتاب «التمهید» امروزه هر کجا که برود، افتخار آیت الله معرفت و افتخار حوزه علمیه و افتخار شیعه است؛ زیرا در عین حال که کتابی سرشار از تحقیق است، خالی از تنش است.

صيانة القرآن الکریم من التحریف / شبهات وردود

وی افزود: کتاب دیگری که از آیت الله معرفت به یادگار مانده، «صيانة القرآن الکریم من التحریف» است که در حقیقت بخشی از همین التمهید است و کتاب مستقلی نیست. از کتاب التمهید مباحثی که مرتبط با تحریف ناپذیری قرآن بوده است را استخراج کرده و به صورت کتاب مستقلی در این زمینه نگاشتند. این مرجع عالیقدر شیعه با بیان این که آیت الله معرفت کوشش فراوانی انجام داد تا لکه تهمتی را از دامن شیعه بزدايد، اظهار کرد: این لکه همان متهم کردن شیعه به تحریف قرآن است. آیت الله معرفت در این کتاب به این مسئله می پردازد که این تهمت از کجا آمده و ریشه اش در کجاست؟ بحمد الله ایشان توانسته اند که به

آیت الله العظمی سبحانی با بیان این که بحمد الله از نظر افتخار، شیعه قدم اول را در مورد تفسیر قرآن برداشته است، تصریح کرد: برخی از این آثار بر اثر جنگ ها و غارت ها و ستم هایی که بر شیعه رفته است، اکنون در دست ما نیست، اما برخی دیگر در اختیار ما هست. علاوه بر این، فهراس کتب حاکی از زحمات بیشماری است که علمای شیعه درباره قرآن کشیده اند. این که می گویند قرآن در میان شیعه مهجور است، سخنی بسیار بی پایه و اساس است. هیچگاه قرآن در میان شیعه مهجور نبوده و نخواهد بود. چگونه می شود که پیامبر اکرم (ص) قرآن را ثقل اکبر نام می دهد و آن در میان ما مهجور باشد. نویسنده تفسیر «منشور جاوید» بیان کرد: تفاسیر شیعه را در طول زمان در آخرین جلد تفسیر «مفاهیم القرآن» نوشته ام. تا آنجا که من تتبع کردم، شیعه در حدود ۱۲۰ مفسر در طول چهارده قرن دارد. یکی دیگر از افتخارات شیعه این است که اولین بار

پایه تفسیر موضوعی را نهاده است. غالبا مفسران تفسیر ترتیبی دارند و از اول قرآن تا حدی که بتوانند تفسیر می کنند، ولی اولین بار تفسیر موضوعی در شیعه به وجود می آید.

آیت الله العظمی سبحانی با

بیان این که آیات الاحکام نوشته شده در شیعه خود نوعی تفسیر موضوعی است، اظهار کرد: فرض کنید در کتاب طهارت، مجموع آیات و روایاتی که درباره طهارت است و در کتاب صلاة مجموع آیاتی که درباره نماز است، در کتاب صوم مجموع آیاتی که درباره جمع شده است.

وی با اشاره به ابواب مختلف بحار الأنوار تصریح کرد: خوشبختانه مرحوم علامه مجلسی، گام بلندی در این زمینه برداشته است و تفسیر موضوعی دارد. اگر از اول بحار الأنوار تا آخر آن را مطالعه کنید، به هر بابی که می رسد، آیات آن باب را می آورد و بعدا وارد احادیث مرتبط با آن باب می شود. ان شاء الله در نظر داریم مجموع تفسیر موضوعی علامه مجلسی را در کتاب بحار الأنوار استخراج کنیم و به صورت کتابی تک جلدی ارائه دهیم.

نویسنده کتاب «مدخلی بر مسائل جدید کلامی» با اشاره به جایگاه علوم قرآن در تفسیر قرآن، بیان کرد: یکی از نقاط مهمی که در تفسیر لازم است، علوم قرآن را شیعیان غالبا در مقدمه تفاسیر می نوشتند. به عنوان نمونه تفسیر «صافی» مقدمه

مرحوم آیت الله معرفت که رضوان خداوند بر او باد، در حقیقت قهرمان علوم قرآن است که توانست در عصر ما مجموع علوم قرآنی را در هفت جلد به نام التمهید منتشر کند

خوبی از این کار برآیند.

آیت‌الله معرفت یک جلد از «التفسیر الأثری الجامع» چاپ شد، وی با اشاره به کتاب «شبهات و ردود» آیت‌الله معرفت بیان کرد: بالأخره مخالفان قرآن در طول این چهارده قرن، کوتاه نشستند، خصوصاً کسانی که به اصطلاح، اهل کتاب هستند و یا آن‌هایی که حتی اهل کتاب نیستند و مادی‌گرایند، توانسته با فشارها و اجتماعات، خرده‌هایی بر قرآن بگیرند. حتی یک کشیش انگلیسی به نام «سال» کتاب مستقلی دارد که در بیروت به زبان انگلیسی چاپ شده و بعداً به زبان عربی ترجمه شده است که مؤلف آن اسم مستعار به نام «هاشم‌العربی» دارد.

نویسنده تفسیر «منشور جاوید» خاطرنشان کرد: آیت‌الله معرفت این کتاب را از من خواستند و من یک نسخه از آن را به ایشان دادم. ایشان شبهات این کتاب و دیگر شبهاتی که از اینجا و آنجا بود را جمع‌آوری کرد و کتاب بسیار مستقلی تحت عنوان «شبهات و ردود» نوشت؛ بنابراین اصل کتاب‌های ایشان را می‌توانیم به این نام ترویج کنیم؛ یکی «التمهید فی علوم القرآن»، دیگری مستخرج از آن که کتاب «صیانة القرآن الکریم من التحریف» است و سومی هم «شبهات و ردود» که در آن به مسائل تاریخی و ادبی پرداخته شده است و از جهات مختلفی در این مورد بحث، و مخالفان را خلع سلاح کرده است.

ایشان در کنار پرداختن به این مسائل، فقیه نیز بود و در خدمت آیت‌الله خوئی و امام خمینی (ره) سالیان دراز درس خوانده بود و آثار فقهی هم داشت

آیت‌الله معرفت: دانشمندی جامع

آیت‌الله العظمی سبحانی

با بیان این‌که طبیعی

است افرادی که

نوآوری‌هایی دارند، این نوآوری‌ها با تمام

سلیقه‌ها تطبیق نکند و انتقاداتی را به همراه

آورد، تصریح کرد: البته اگر این اختلافات

جوهری و اساسی باشد، زمینه انتقاد باز است. در

بزرگداشتی که در قم برای آیت‌الله معرفت گرفته شد، سخنرانی

کردم. آن مرحوم هم حضور داشت و من نیز انتقادات را که

نسبت به مقدمه آن کتاب داشتم بیان کردم و ایشان نیز پذیرفت.

نویسنده کتاب «مدخلی بر مسائل جدید کلامی» با اشاره به

جامعیت علمی آیت‌الله معرفت، بیان کرد: ایشان در کنار

پرداختن به این مسائل، فقیه نیز بود و در خدمت آیت‌الله خوئی

و امام خمینی (ره) سالیان دراز درس خوانده بود و آثار فقهی هم

داشت. علاوه بر این، اهل قلم و نویسنده هم بود، نویسنده‌ای

برای عصر حاضر. فرق است بین کسی که در ایران

باشد و عربی بنویسد، و یک عرب اصیل؛ زیرا یک

ایرانی تحت تأثیر محیط است، اما آیت‌الله

معرفت چون در بلاد عربی متولد

شد و تربیت یافت،

نویسنده‌گی وی صد

درصد نویسنده‌گی عرب

مصری، عراقی و خالص بود.

نظریه آیت‌الله معرفت در نسخ قرآن

آیت‌الله العظمی سبحانی با اشاره به نظریه آیت‌الله

معرفت در نسخ قرآن، بیان کرد: ایشان تقریباً با ما هماهنگ بود.

مرحوم آیت‌الله خوئی مدعی است که اصلاً در قرآن نسخ نیست و

عملاً تمامی آیاتی که محتمل‌النسخ است، را منسوخ نمی‌داند.

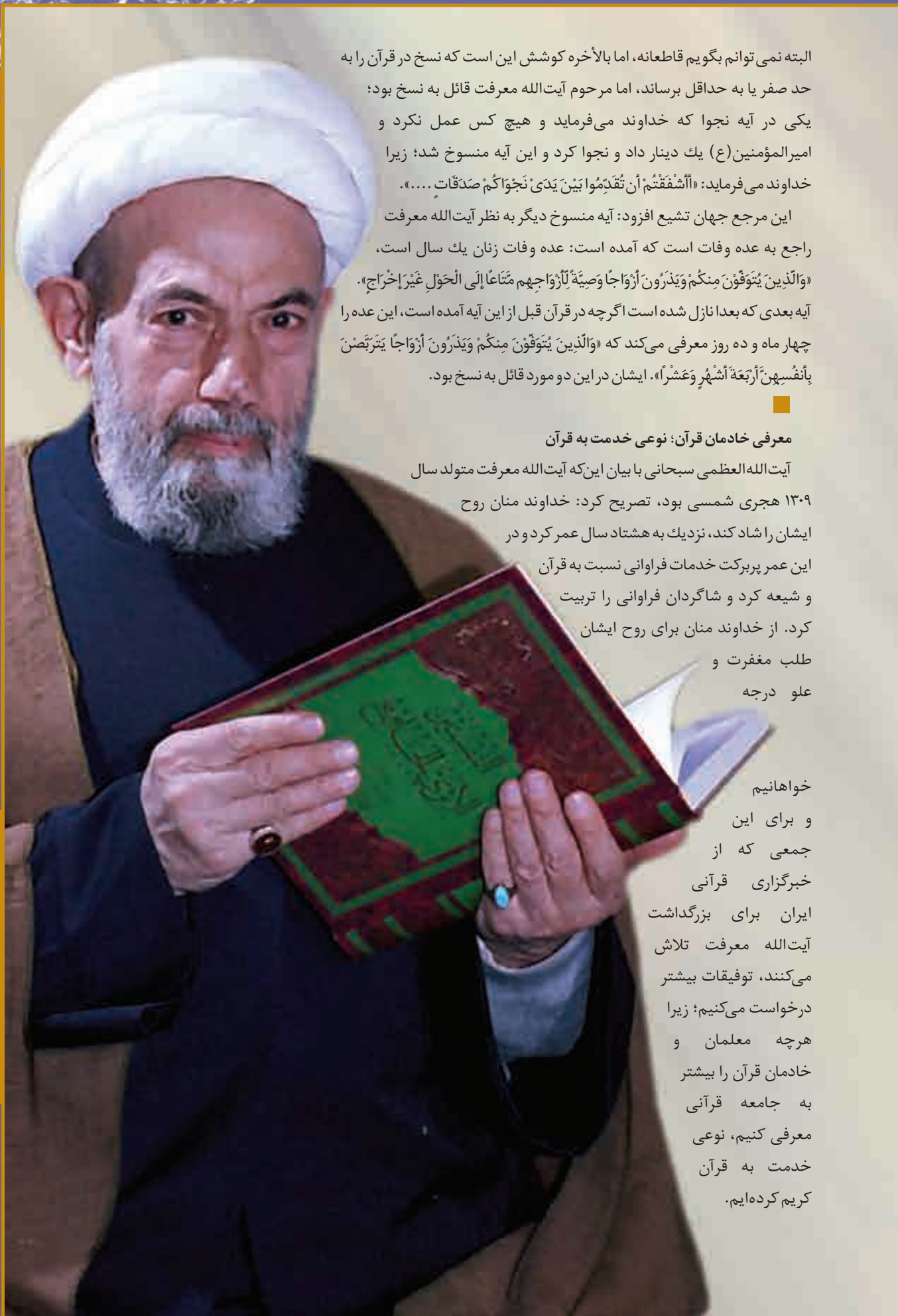
این مرجع جهان‌تشیع با اشاره به وجود ضعف مزاج و عارضه قلبی آیت‌الله معرفت، تصریح کرد: ایشان تصمیم گرفت تمام روایاتی که در تفسیر قرآن وارد شده را در یک جا جمع کند. قبل از آن‌که تفسیر ثعلبی چاپ شود، ایشان مشغول این کار شد، اما بعد از آن‌که تفسیر ثعلبی را در بیروت چاپ کردند و این کتاب اثری از نسخ خطی استنساخ شد، آیت‌الله معرفت مسئله را از نوشتن به نوشتن کرد. هر چند عده‌ای به او کمک کردند.

التفسیر الأثری الجامع

این مرجع جهان‌تشیع با اشاره به وجود ضعف مزاج و عارضه قلبی آیت‌الله معرفت، تصریح کرد: ایشان تصمیم گرفت تمام روایاتی که در تفسیر قرآن وارد شده را در یک جا جمع کند. قبل از آن‌که تفسیر ثعلبی چاپ شود، ایشان مشغول این کار شد، اما بعد از آن‌که تفسیر ثعلبی را در

آیت‌الله خوئی مدعی است که اصلاً در قرآن نسخ نیست. البته نمی‌توانم بگوییم قاطعانه، اما بالأخره کوشش این است که نسخ در قرآن را به حد صفر یا به حداقل برساند، اما مرحوم آیت‌الله معرفت قائل به نسخ بود

نویسنده تفسیر «منشور جاوید» با بیان این‌که در زمان حیات



البته نمی توانم بگویم قاطعانه، اما بالأخره کوشش این است که نسخ در قرآن را به حد صفر یا به حداقل برساند، اما مرحوم آیت الله معرفت قائل به نسخ بود؛ یکی در آیه نجوا که خداوند می فرماید و هیچ کس عمل نکرد و امیرالمؤمنین (ع) یک دینار داد و نجوا کرد و این آیه منسوخ شد؛ زیرا خداوند می فرماید: «أَشْفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَاتٍ...».

این مرجع جهان تشیع افزود: آیه منسوخ دیگر به نظر آیت الله معرفت راجع به عده وفات است که آمده است: عده وفات زنان یک سال است، «وَالَّذِينَ يَتُوفُونَ مِنْكُمْ وَيُذَرُونَ أَزْوَاجًا وَصِيَّةً لَأَزْوَاجِهِمْ مَتَاعًا إِلَى الْحَوْلِ غَيْرِ إِخْرَاجٍ».

آیه بعدی که بعد نازل شده است اگرچه در قرآن قبل از این آیه آمده است، این عده را چهار ماه و ده روز معرفی می کند که «وَالَّذِينَ يَتُوفُونَ مِنْكُمْ وَيُذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا». ایشان در این دو مورد قائل به نسخ بود.

معرفی خادمان قرآن؛ نوعی خدمت به قرآن

آیت الله العظمی سبحانی با بیان این که آیت الله معرفت متولد سال

۱۳۰۹ هجری شمسی بود، تصریح کرد: خداوند منان روح

ایشان را شاد کند، نزدیک به هشتاد سال عمر کرد و در

این عمر پربرکت خدمات فراوانی نسبت به قرآن

و شیعه کرد و شاگردان فراوانی را تربیت

کرد. از خداوند منان برای روح ایشان

طلب مغفرت و

علو درجه

خواهانیم

و برای این

جمعی که از

خبرگزاری قرآنی

ایران برای بزرگداشت

آیت الله معرفت تلاش

می کنند، توفیقات بیشتر

درخواست می کنیم؛ زیرا

هرچه معلمان و

خادمان قرآن را بیشتر

به جامعه قرآنی

معرفی کنیم، نوعی

خدمت به قرآن

کریم کرده ایم.



سخنرانی آیت الله استادی در اربعین ارتحال استاد معرفت (ره)



بزرگداشت بزرگانمان می تواند مفید باشد این است که ببینیم از زندگی شان چه درسی می توانیم بگیریم.
اگر کسانی مثل آیت الله معرفت شخصیت بسیار عظیمی پیدا کرده اند، باید بفهمیم چه عواملی موجب این توفیق شده است. آیت الله معرفت چه کرد که توانست از خادمان قرآن باشد و در فقدان او این همه اظهار تأسف شود؟

بنده تقریباً چهل سال پیش زمانی که در نجف اشرف بودم، با ایشان آشنا شدم. من از آنجا به حج رفته بودم و هنگام برگشت همسفری داشتم که از دوستان صمیمی ایشان بود. او بنده و ایشان را دعوت کرد و من با ایشان آشنا شدم. برخی از ویژگی های ایشان چنین است:

استمرار روحیه خوشه چینی از خرمن دانش بزرگان
یکی از ویژگی هایی که بسیاری از اهل علم از آن غافلند این است که ایشان از جوانی طلبه فاضلی بود. با این حال درس خواندن را رها نکرد و تقریباً سی سال درس خواند؛ برخلاف افرادی که تا فضل و سواد پیدا می کنند و می توانند چیزی بنویسند و بگویند، درس را تعطیل می کنند. ایشان از همان جوانی فاضل بود، ولی درس را رها نکرد حتی آن موقع که من در نجف خدمتشان رسیدم، به گمانم خانواده اش در کربلا بود، ولی خودش در ایام هفته برای تحصیل به نجف می آمد و به کربلا بر می گشت. در کربلا هم استادان خوبی داشت که از آن ها استفاده کرده بود، ولی برای استفاده بیشتر سال ها مشغول تحصیل بود. وقتی به ایران آمد، تقریباً از فضایی بنام بود، ولی باز چند سال درس خواند و این برای طلاب جوان درسی است تا زود از درس خواندن کنار نکشند. بیشتر توفیقات این عزیزان مربوط به ملاً بودنشان است. کسی که ملاً نباشد و بنیه

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله
اجمعين و اللعن على اعدائهم الى قيام يوم الدين

روایتی از امام صادق (ع) از رسول خدا با عباراتی نزدیک به هم نقل شده است که فرمود:

«من اعطاه الله القرآن فرأى أنّ أحدًا أُعطِيَ شيئًا أفضل ممّا أُعطِيَ فقد صغّرَ عظيمًا و عظمَ صغيرًا؛ اگر خدای متعال به کسی نعمت قرآن را داد و او فکر کرد خدا نعمتی بالاتر از آن به کسی داده، چیز بسیار بزرگی را کوچک شمرده و چیز بسیار کوچکی را بزرگ شمرده است.»

از این گونه روایات به خوبی استفاده می شود که اگر کسی با قرآن آشنا و مأنوس باشد، اگر خانواده ای اهل قرآن باشد، اگر مسئولان و نظام جامعه ای قرآنی باشند، باید شاکر خدا باشند و از این نعمت عظیم کمال استفاده را ببرند.

آیت الله معرفت از مصادیق روشن این افراد بود و خدا این نعمت را به وی عطا کرده بود. او عمری با قرآن مأنوس بود و به قرآن خدمت کرد و زندگی اش می تواند برای اهل علم به ویژه طلاب جوان از جهات مختلف آموزنده باشد. یک جهتی که در این محافل



ایشان از دوره نجف اهل قلم بود و کتاب تناسخ او قبل از آمدن به ایران چاپ شده بود. جمع بین این‌ها واقعاً همت بلندی می‌خواهد. دوره ما دوره‌ای است که یک اهل علم اگر بخواهد منشأ خدمات خوبی بشود، باید ملاً، نویسنده و نیز گوینده باشد. وی تا زمانی که در عتبات بود، من یادم نیست سخنران باشد، ولی به محض این‌که به ایران آمد، در محافل علمی که مورد قبول هم بودند سخنرانی می‌کرد. معمولاً در محافل علمی معتبر از ایشان دعوت می‌شد و او هم می‌توانست اداره کند. این‌ها همه فرع تلاش و کوشش است. اگر بناست خدمتی داشته باشیم باید تلاش کنیم. بنده گاهی با ایشان برای مشهد مقدس و دانشگاه امام رضا همسفر بودم و هر دو در آنجا تدریس داشتیم و گاهی با هم برخورد می‌کردیم؛ می‌دیدم ایشان با من فرق دارد. من آن دو سه روز را تقریباً جزء اوقات فراغت خودم حساب می‌کردم که بروم مشهد درسی بگویم و زیارتی کنم و برگردم، ولی ایشان همیشه کیفش همراهش بود و کتاب و نوشته‌هایش در کیف بود. می‌گفت فلانی من اینجا که می‌آیم از این فرصت برای تکمیل کارم استفاده می‌کنم، نه این‌که اینجا بیکار باشم. این نوشته‌ها را در اینجا تنظیم یا تصحیح می‌کنم.

توصیه من به عزیزان این است که زندگی این بزرگان را ببینیم و بخوانیم این عزیز چه کرد که شخصیت علمی پیدا کرد و توانست منشأ خدمات شود. ما هم همان راه‌ها را ادامه بدهیم.

علمی‌اش بالا نباشد، باور نکنید که خیلی بتواند منشأ خدمات شود، آن هم در زمان ما با این همه شبهه‌هایی که هست. این عزیز وقتی پانزده سال درس خواند می‌توانست بگوید، کافی است ولی حتماً در این فکر بود که باید بنیه علمی را بالا ببرد.

مسئولیت‌شناسی در پاسخگویی به شبهات و دفاع از حریم دین
ایشان از جوانی در عین تحصیل، روشنفکر و به فکر دیگران و جوان‌ها بود. آن زمان در کربلا مجموعه‌ای دور هم جمع شده بودند و به سؤالات پاسخ می‌دادند و به صورت جزوه منتشر می‌کردند ما چون در مؤسسه «در راه حق» بیشتر فعال بودیم و به سؤالات پاسخ می‌دادیم، یکی از مصادرم آن همین جزوات بود و این جزوات ده، دوازده سال ادامه یافت. در حوزه کربلا چند نفر با هم همکاری می‌کردند و به سؤالات پاسخ می‌دادند. یکی پدر آقای شهرستانی (آقا سید عبدالرضا شهرستانی)، آیت‌الله آقای سید محمد شیرازی و دیگران بودند، ایشان هم جزو آن‌ها بود و در عین این‌که درس می‌خواند، در این عرصه هم فعال بود. کسی فکر نکند که اگر بناست درس بخواند پس کارهای تبلیغی را باید رها کند. اگر کسی همت داشته باشد، می‌تواند درس بخواند و وظایف جنبی را هم دنبال کند. انصافاً یکی از کارهای ارزنده‌ای که در آن تاریخ می‌شد و از کربلا به بلاد دیگر منتشر می‌شد، همین پاسخ به سؤالاتی بود که ایشان هم در یک برهه‌ای شرکت داشت.

آیت‌الله معرفت عمری با قرآن مأنوس بود و به قرآن خدمت کرد و زندگی‌اش می‌تواند برای اهل علم به ویژه طلاب جوان از جهات مختلف آموزنده باشد

تعلیم و تربیت مستمر شاگردان

ایشان هم درس می‌خواند، هم به کارهای جنبی توجه داشت و هم یک عمر مدرس رسمی بود، این برای خیلی‌ها آموزنده است؛ چون امروزه بسیاری از عزیزان از تدریس غافلند و آن را مشکل یا مانع کارهای دیگری می‌دانند. طلبه فاضل حتماً باید یکی دو دوره شرح لمعه و شرایع را تدریس کند. نمی‌شود به خوانندش اکتفا کند. این‌ها همه در وضع علمی دخالت دارند. این عزیز هم درس می‌خواند، هم تدریس می‌کرد و هم به کارهای جنبی که به درد مردم می‌خورد، می‌رسید و این همت بسیار بلندی لازم دارد. کسانی که دنبال تحصیل یا تدریس جدی‌اند، معمولاً اهل قلم نمی‌شوند، موارد نادری پیدا می‌شود که کسی جدی اهل تحصیل، اهل تدریس و اهل انجام وظایف اجتماعی باشد، در عین حال اهل قلم هم باشد.

حمایت مستمر از نظام اسلامی

برخی که راه ملاً شدن را جدی می‌گیرند نه فقط گاهی از وظایف اجتماعی غافل می‌شوند که گاهی وظایف خود در برابر نظام اسلامی را فراموش می‌کنند. نظام اسلامی که به نام قرآن در رأسش یک مجتهد جامع الشرایط هست، هدفش پیاده کردن اسلام و قرآن است؛ با قبول نقاط ضعفی که هست. بعضی‌ها که در راه ملاًئی می‌افتند از این خدمت غافل می‌شوند و می‌گویند ما درس‌مان را می‌گوییم و کاری به این کارها نداریم. ما به نظام اسلامی چکار داریم! [مخالفت هم نکنند، کمکی نمی‌کنند].

این عزیز این‌گونه نبود. در ایامی که توانست با قوه قضائیه همکاری جدی داشت، و این را خدمت به نظام و انقلاب می‌دانست. در مسئله ولایت فقیه چون دید می‌تواند خدمتی کند



مشکلاتی را حل نماید لاف‌ها به نظر خودش، در آن مسئله وارد شد. ایشان توجه داشت و به قدری که می‌توانست به انقلاب کمک کرد. همین تدریس در دانشگاه و شرکت در بسیاری از محافل و همایش‌ها کمک به انقلاب بود؛ چون معمولاً بحث‌هایی مطرح می‌کرد که می‌توانست کمک باشد. وقتی این خصوصیات در کسی جمع شد، محبوبیت هم پیدا می‌کند و نیز بیشتر می‌تواند خدمت کند.

شفقت و مهرورزی نسبت به فضلان حوزه و شاگردان

از [جمله] خصوصیات ایشان کمک به فضلا بود. این هم کار هر کسی نیست؛ یعنی خوش‌رویی، خوش‌برخوردی، تواضع و دلسوزی به مخاطب لازم دارد و معمولاً این همه در کمتر کسی جمع می‌شود. شاگرد نوشته‌اش را نشان می‌دهد، اگر استاد خوش‌رو و خوش‌برخورد نباشد، دفعه دوم نزد او نمی‌آید و اگر دلسوز نباشد، اصلاً جزوه را درست نمی‌خواند و درست وقت نمی‌گذارد و راهنمایی نمی‌کند، ولی نوع کسانی که با ایشان مواجه بودند و بنا بود به کار علمی آن‌ها کمک کند، تا آنجایی که ما خبر داریم همه راضی‌اند. ایشان اطلاعات وسیع و تسلط بر مباحث داشت و لزومی نداشت برای هر مسئله‌ای خودش مطالعه کند، بلکه با تسلط می‌توانست جوابگو باشد. در طول زمان به خصوص در حوزه قم به بسیاری از فضلا و طلاب کمک علمی کرد که خود قبول دارند مقداری از پیشرفتشان را مرهون کمک ایشان هستند. این یکی از خدمات ایشان به حوزه بود؛ چون پرورش افرادی که بتوانند جایگزین مثل این عزیزان شوند یکی از بزرگترین خدمات‌ها است. ما اگر کسی را نام ببریم که ده مجتهد یا پنجاه محقق تحویل داده باشد، این از بزرگترین خدمات‌ها است که به حوزه علمیه کرده است. این عزیز به گواهی یا نوع کسانی که با ایشان محشور بودند، این خدمت را کرد.

شجاعت در بیان آراء و اندیشه‌ها

دیگر خصوصیت ممتاز ایشان نظریه‌پردازی بود؛ یعنی شجاعتی داشت که وقتی به حرف تازه‌ای می‌رسید، با این که بعضی قبول نداشتند، مطرح می‌کرد؛ یک بار، دو بار، پنج بار، در این محفل و در آن محفل. ممکن بود بعضی‌ها تا آخر هم قبول نکنند، ولی این یک خصوصیت خوبی است. البته هر کسی نباید این کار را بکند. اگر می‌گوییم آیت‌الله معرفت حرف نوزد، با دلیل و برهان زد. گاهی قبول شد و گاهی قبول نشد. آیت‌الله معرفت بعد از سی سال درس خواندن و مطالعه با تسلطی که پیدا کرد، این حق را دارد و همه این

حق را به او می‌دهند که حرف تازه‌ای بزند و در محافل علمی مطرح کند تا قبول شود یا جوابی بدهند؛ نه این که هر کسی که تازه به قم آمد، خیال کند می‌تواند حرف نو بزند. کسی که بخواهد در یک محفل علمی حرف تازه‌ای مطرح کند، باید این مقدمات را طی کرده باشد که این عزیز طی کرده بود.

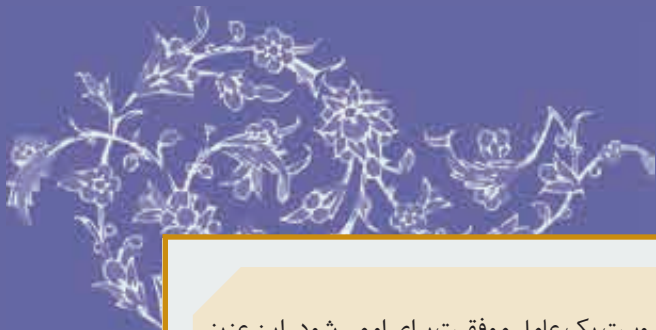
پایبندی به اصل تمرکزگرایی در تحقیق و اجتناب از

پراکنده‌کاری

در دوران جوانی تکلیف خودش را با کاری که باید دنبال کند، روشن کرده بود. انسان با همه کاره بودن به جایی نمی‌رسد و همه کاره‌هایش ناقص می‌ماند. اگر کسی بخواهد به جایی برسد باید ممحض در یک رشته باشد و اگر توان دارد در دو رشته. ما به علامه طباطبایی مثال می‌زنیم که تفسیری چنین بزرگ به جهان اسلام عرضه کرد. وی ممحض شده بود. گفته بود فلسفه یک کار من است و تفسیر کار دیگرم. حتی تدریس فقه و اصول را کنار گذاشتم. آیت‌الله معرفت از اول تکلیف خودش را روشن کرده بود. دنبال فقه و کارهای قرآنی بود؛ یعنی تقریباً کل کارهای ایشان خلاصه می‌شد در فقه و کارهای قرآنی؛ در عین این که مطالعات و اطلاعات متفرقه خوبی هم داشت.

خستگی‌ناپذیری در تحقیق و پژوهش

دیگر خصوصیت مهم این عزیزان که به خاطر آن می‌توانند منشأ خدمات بشوند و من می‌توانم مثال‌های متعددی بزنم حوصله در تألیف است؛ مثلاً تألیف کتاب مستمسک آیت‌الله العظمی حکیم که کتاب مقبولی در حوزه‌های علمیه است، چهل سال طول کشید. مقداری از کتاب التمهید آیت‌الله معرفت که این قدر مورد توجه قرار گرفته، آن‌گونه که من به یاد دارم، از همان سال‌های اول که ایشان به قم مشرف شده است، چاپ شد؛ یعنی همان وقت‌ها ایشان جلد اول التمهید را منتشر کرده بود، ولی انتشار دیگر جلد‌ها تا این اواخر آن هم با تجدید نظر، ادامه داشت. بعد از هفتاد و چند سال عمر با برکت به گونه‌ای جدی اهل مطالعه بود. کسانی که هم سن و سال ایشان باشند یا مثل بنده که قدری از ایشان کوچک‌تریم، چنین توانی ندارند. خیلی‌ها هستند که وقتی به سن بنده می‌رسند کل مطالعه‌شان باید روزی یک تا دو ساعت باشد و اصلاً توانش را ندارند، ولی ایشان معتاد مطالعه شده بود. اصلاً کارش تا آخر عمر مطالعه بود.



اثر نگذارد، محبوبیت یک عامل موفقیت برای او می‌شود. این عزیز محبوبیت خوبی داشت. از وقتی که در این محل ساکن شد و اهل محل با ایشان مأنوس شدند تا زمانی که در مسجد اقامه جماعت می‌کرد، مردم هم از او راضی بودند و هم دوستش می‌داشتند. وی تمام خصلت‌هایی که یک عالم خوب می‌تواند داشته باشد را داشت. هم در بین مردم و هم در دانشگاه‌ها و حوزه، منشأ خدمات بود. امیدوارم ما از این عزیزان درس بگیریم و سیره علمی آنان در زندگی ما تبلور و تجسد یابد.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

منبع: پایگاه اطلاع رسانی

مؤسسه معارف وحی و خرد



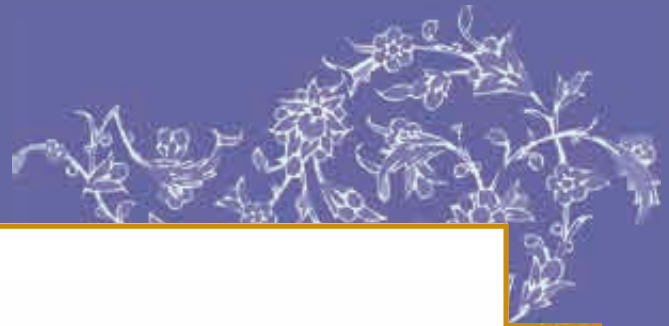
تواضع علمی

یکی از خصوصیات دیگر این عزیز این بود که در نوشته‌های خودش و بحث‌های خودش؛ چون تواضع علمی داشت، تجدید نظر می‌کرد. خوب است اهل علم این روحیه را داشته باشند. تواضع برای اهل علم خیلی لازم است، از جهات مختلف؛ یکی از این جهت که اگر چیزی نوشتیم و چاپ شد اگر اعتراضی شد تکبر نورزیم. تواضع این است که وقتی کسی چیزی گفت بگوییم درست است و آن صفحه یا بحث را عوض کنیم و این عزیز هم کار را با حوصله انجام داد. این کار قرآنی را که این همه مورد توجه قرار گرفت، با حوصله انجام داد و اگر لازم می‌شد تجدید نظر می‌کرد و این‌ها است که باعث شد آیت‌الله معرفت در حوزه‌های علمیه در دانشگاه‌ها، در محافل علمی، مجموعه‌هایی که دائرةالمعارف می‌نویسند و در مجموعه‌هایی که مجلات را اداره می‌کنند نقش پررنگی داشته باشد. نام ایشان خیلی جاها هست و در خیلی از هیئت‌های علمی و مجلات نام وی هست و این‌ها گویای مقبولیتی است که بین همه داشت. همه قبول دارند که ملاست، می‌تواند کمکشان کند و در مباحث اسلامی صاحب نظر باشد.

محبوبیت

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا».

کل کارهای ایشان عمل صالح بود. کل این کمک‌هایی که به حوزه، انقلاب، طلاب، فضلا، اساتید و دانشگاه‌ها کرد، عمل صالح بود. خدای متعال هم می‌گوید هر کسی ایمان و عمل صالح داشته باشد، ما او را محبوب می‌کنیم. محبوبیت هم توفیق می‌آورد. من در تعدادی از منبرها عرض کردم کسی فکر نکند محبوبیت بد است؛ نه خیلی نعمت خوبی است. ما در زیارت امین الله از خدای متعال می‌خواهیم که خدایا ما را محبوب قرار بده «محبوبة فی ارضک و سمائک»، یعنی هم پیش فرشته‌ها محبوب باشیم هم میان مردم؛ چون اگر کسی خداشناس و مؤمن به خدا و خالص باشد و اقبال و ادبار مردم در روحیه‌اش



محبت سرشار به فرزندان؛ روش تربیتی آیت الله معرفت



می‌کرد، آن شخص از ایشان تشکر کند، ایشان سعه صدر بالایی داشت و همیشه لبخندی بر لب داشت، معمولاً نه خودش از دیگران ناراحت می‌شد و نه کسی را از دست خود ناراحت می‌کرد.

رابطه محبت‌آمیز آیت‌الله معرفت با فرزندان فوق‌العاده، و ارتباط ایشان با خانواده بسیار گرم و صمیمی بود و می‌توان گفت که محبت سرشار به فرزندان، مهم‌ترین روش تربیتی ایشان بود.

چگونگی برخورد آیت‌الله معرفت با شاگردان و مخالفان
محمدصادق معرفت درباره رفتار آیت‌الله معرفت با مخالفان خود گفت: گاهی افرادی با آراء و نظرات ایشان مخالفت می‌کردند، یک بار که به منزل بازمی‌گشت، یکی از طلاب، وی را دیده و گفته بود: «من در حال تألیف کتابی در رد نظرات شما هستم.» ایشان به آن فرد لبخند زده و گفته بود: «اگر در این زمینه به کمک مالی احتیاج داری، من به تو کمک خواهم کرد.»

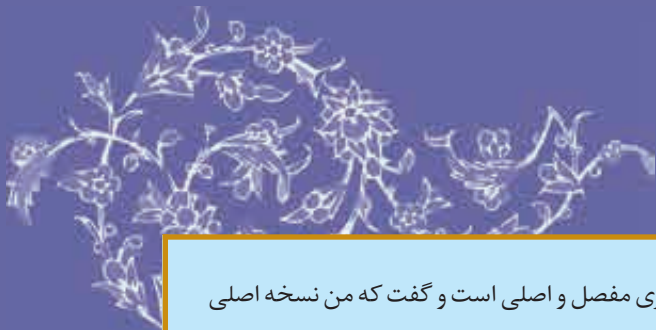
محمدصادق معرفت، فرزند آیت‌الله محمدهادی معرفت، دکترای مهندسی سازه از دانشگاه واترلو کانادا درباره ویژگی‌های اخلاقی پدرش گفت: از ویژگی‌های بارز اخلاقی ایشان، مشارکت در کارهای منزل و کمک به خانواده بود، رابطه محبت‌آمیز ایشان با فرزندان، فوق‌العاده بود و ارتباط ایشان با خانواده بسیار گرم و صمیمی بود و می‌توان گفت که یکی از عوامل موفقیت ایشان، ارتباط بسیار خوب ایشان با همسر و خانواده بود.

این فرزند آیت‌الله معرفت تصریح کرد: ایشان با طلاب به نحوی برخورد می‌کرد که آن‌ها را محقق تربیت کند، به آن‌ها میدان می‌داد تا وارد مباحث علمی شوند، حتی در برخی کتاب‌هایش از شاگردان خود مطالب علمی را نقل می‌کرد که این مطلب، تأثیر مثبتی بر روی شاگردان داشت و در تربیت علمی آن‌ها بسیار مؤثر بود.

وی افزود: از جمله ویژگی‌های دیگر ایشان، محبت یکسان به بچه‌ها بود به طوری که همه بچه‌ها احساس می‌کردند که محبوب‌ترین فرد نزد پدر هستند، ایشان هیچ‌وقت از چیزی ناراحت نمی‌شد و اگر کسی خلاف نظر ایشان کاری را انجام می‌داد، او را تحمل می‌کرد.

وی عنوان کرد: برادر ما، «علی» طلبه بود و شهید شد، پدر از شهادت علی بسیار ناراحت شد، آن زمان، علی تنها فرزند طلبه

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران عنوان کرد: یک بار ایشان به من نصیحت کرد که هیچ وقت از هیچ کس توقع نداشته باش، حتی خود ایشان توقع نداشت در برابر محبت و کمکی که به کسی



مختصر و دیگری مفصل و اصلی است و گفت که من نسخه اصلی آن را می‌خواهم. من آن کتاب اصلی را که بسیار هم قدیمی بود، پیدا کردم و به ایشان دادم، آن کتاب را برای تحقیقی که درباره «کوروش» انجام می‌داد، می‌خواست.

وی افزود: پدر در یکی از کتاب‌هایش با عنوان پاسخ به شبهات درباره قرآن کریم فصلی راجع به کوروش دارد و در آنجا معتقد است که کوروش همان «ذوالقرنین» است و برای این تحقیق می‌خواست یک منبع دست اول داشته باشد و به همین جهت بود که آن کتاب اصلی و قدیمی «تواریخ هردوت» را می‌خواست و می‌گفت: «یکی از اشکالاتی که در تحقیق‌ها و پژوهش‌ها وجود دارد، این است که محققان، به منابع دست اول مراجعه نمی‌کنند.»

استقلال در انجام امور شخصی

وی درباره اخلاق فردی آیت‌الله معرفت عنوان کرد: حدود یک ماه قبل از فوتشان، من از تهران به منزلشان رفتم، وقتی وارد کوچه شدم، دیدم که ایشان مقداری میوه و مواد غذایی خریده و چند پلاستیک را - با این‌که سن ایشان بالا بود - در دست دارد و به منزل می‌برد، فاصله سر کوچه تا منزل هم حدود صد متر بود، در این فاصله کم، چند بار می‌ایستاد و استراحت می‌کرد و سپس به راه ادامه می‌داد، ولی با این حال به خودش اجازه نمی‌داد که کارهایش را به شخص دیگری واگذار کند و خودش انجام می‌داد، حتی گاهی در جوانی، وقتی مادرم به خارج از منزل می‌رفت، غذا می‌پخت و هنگامی که مادرم به منزل برمی‌گشت، می‌دید که غذا آماده است.

روش آیت‌الله معرفت در تربیت فرزندان

محمدصادق معرفت درباره روش تربیتی پدر گفت: ایشان درباره فرزندان، یک روش باز داشت و تلاش می‌کرد به صورت غیر مستقیم، مسائل تربیتی را به فرزندان آموزش دهد، فرزندان هم با این اخلاق خوب، جذب می‌شدند و از ایشان الگو می‌گرفتند. این طور نبود که ایشان مستقیماً به بچه‌ها تذکر بدهد که مثلاً این کار را انجام بدهید یا آن کار را انجام ندهید. محبت سرشار ایشان به فرزندان، مهم‌ترین روش تربیتی ایشان بود.

ایشان بود و در درس بسیار موفق بود و اخلاق خوبی داشت، ایشان درباره برادرم علی می‌گفت: «او همیشه از خدا می‌خواست که شهید شود، ولی اسیر نشود، اما آخرین باری که می‌خواست به جبهه برود، می‌گفت: هر چه خدا بخواهد؛ چه شهید شوم، چه اسیر شوم، فرقی ندارد.» وقتی پدرم این نکته را از برادرم علی شنیده بود، بسیار برایش جالب بود و از او و این حرفش تمجید می‌کرد.

خوش‌بین و مثبت‌نگر نسبت به نسل جوان و دانشجو

استاد دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه تهران با اشاره به این‌که پدر، خصوصاً نسبت به نسل جوان و دانشگاه بسیار خوش‌بین و مثبت‌نگر بود، تصریح کرد: ایشان با نسل جوان برخورد خیلی خوبی داشت و مکرراً در دانشگاه‌ها برای سخنرانی دعوت می‌شد، یک بار من از ایشان شنیدم که می‌گفت: «کسانی که نسبت به دانشگاه بدبین هستند و نسل جوان را متهم می‌کنند، کاملاً در اشتباه هستند، هیچ مشکلی در نسل جوان و در دانشگاه وجود ندارد. اگر کسی حرفی برای گفتن داشته باشد و موضع جذابی داشته باشد، افراد زیادی هستند که به سخن و نظریات او توجه کنند.»

وی اظهار کرد: در مسائل علمی نوآوری‌های بسیاری داشت، یک بار «دکتر کاتوزیان» مرا دید و متوجه شد که من فرزند ایشان هستم، گفت: «خدا ایشان را رحمت کند، ایشان یک مقاله نوشت و در آن نظریه‌ای جدید داد و گفت: در مجازات اسلامی، فقط شلاق، تعزیر نیست، بلکه انواع دیگری از تعزیر هم داریم و این مسئله در قوه قضائیه فتح بابی شد برای این‌که به انواع دیگر تعزیرات هم توجه شود.» این مطلب، یک نظریه‌پردازی قوی بود و برای دانشگاهیان بسیار جالب توجه بود که ایشان چنین نظری داده‌اند که مقبول هم واقع شده بود.

مراجعه به منابع دست اول در تحقیق

استاد دانشکده عمران دانشگاه تهران با بیان یک خاطره از پدر گفت: ایشان یک بار به من گفت که کتاب «تواریخ هردوت» را برایشان تهیه کنم و تأکید کرد که این کتاب، دو نسخه دارد که یکی

از جمله ویژگی‌های دیگر آیت‌الله معرفت، محبت یکسان به بچه‌ها بود به طوری که همه بچه‌ها احساس می‌کردند که محبوب‌ترین فرد نزد پدر هستند



آیت الله معرفت پرتلاش و بانشاط تا آخرین لحظه حیات



از شدیدترین مسائل و سخت ترین روزها خیلی به نرمی می گذشت و همه این مشکلات به راحتی حل می شد.

وی با اشاره به حسن خلق آیت الله معرفت در تعاملات روزانه اظهار کرد: ایشان اخلاق جالبی داشت، لبخند ایشان که برخی از خبرنگاران آن را «لبخند آیت الله معرفت» می نامیدند همیشه بر لبانشان بود. این لبخند هنگام مشکلات همیشه ظاهرتر بود. هر وقت با مشکلی روبرو می شد که همه از این پیشامد ناراحت می شدیم، لبخند ملیحی بر لبان ایشان ظاهر می شد که نشان از تدارک برای کار و حل مشکل بود، در کنار آن نیز جواب مقتضی بروز می کرد.

آیت الله معرفت؛ ساده زیست، زمان شناس

این دانشیار دانشگاه تربیت مدرس با اشاره به ساده زیستی آیت الله معرفت حتی در رفت و آمدهای روزانه اظهار کرد: ایشان برای رفتن به پزشک، کاملاً همانند مریض عادی در مطب پزشک نوبت می گرفت و می نشست تا نوبت ایشان شود و نزد پزشک برود. بعضی وقت ها که مطب شلوغ بود، با وجود کسالت احوال چیزی برای خواندن و نوشتن به همراه خود می برد.

وی خاطرنشان کرد: ما که مقیم تهران بودیم و کاری نداشتیم، خیلی حوصله مطالعه نداشتیم، اما ایشان از همان وقت برای انجام مطالعات استفاده می کرد. با این که شرایط استفاده از امکانات برای ایشان فراهم بود، اما اهل تشریفات نبود و ساده زیستی را

پدر بیش از شش ساعت در کل شبانه روز استراحت نمی کرد، در آخرین روز حیاتش، قرار بود مطالعه خود برای آخرین جلسه درس را در منزل انجام دهد که با وفاتش جلسه درس تعطیل شد.

«مهدی معرفت»، فرزند آیت الله معرفت، دکترای مهندسی مکانیک از دانشگاه کیوتو ژاپن و عضو هیئت علمی دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه تربیت مدرس، در بیان ویژگی های اخلاق عملی آیت الله معرفت اظهار کرد: وی در منزل فردی بانشاط و با جاذبه برای همه بود، چه بزرگان و چه کودکان علاقه خاصی به ایشان داشتند و محبت و التفاتی که به همه اعضای خانواده داشتند، زبانزد بود و هیچ کس از چشم پرمحبت ایشان مغفول نمی ماند.

وی افزود: آیت الله معرفت در انجام کارهای خانه دقیقاً همانند فردی که کار خانه جزو وظایفش است عمل می کرد؛ یعنی رسماً خیلی از امور را انجام می داد، حتی تا روز آخر خرید مایحتاج خانه را شخصاً انجام می داد؛ به عنوان نمونه اگر مشتری دیگری بود، حتماً صبر می کرد که همه بروند و نوبت ایشان شود و بعداً صحبت می کرد و خرید انجام می داد.

رفتار آیت الله معرفت با همسر و فرزندان

این فرزند آیت الله معرفت در بیان رفتار والد خود با همسر و فرزندان تصریح کرد: رفتار ایشان بسیار محبت آمیز بود؛ در این چند دهه سالی که به یاد می آید هیچ سابقه قهر و ناراحتی نداشتند.



آیت الله معرفت به معنای

کلمه نستوه، پرکار و

بانشاط بود، وی تا پاسی از

شب به فعالیت مشغول

بود؛ یعنی تا ساعت

دوازده شب که برای

مطالعه بیدار می ماند

هست می تواند استفاده کند و کار خوبی انجام دهد، از فرصت استفاده می کرد. واقعا روحیه تلاشگری و افتادگی عجیبی داشت و هیچ وقت پی مقام و نام نبود.

وی با اشاره به پیشنهادهای که به آیت الله معرفت برای مرجعیت شده بود، بیان کرد: با وجود اصرار مراجعان، آیت الله معرفت پاسخ می داد: «پژوهش در زمینه قرآن کریم را که افراد دیگری انجام نمی دهند، وظیفه خودم می دانم، در حالی که برای مرجعیت و هدایت مردم علمای بزرگوار فراوانی هستند و وظیفه ای بر روی زمین نمانده است؛ بنابراین ارجح این است که کار خود را در زمینه قرآن انجام دهم.»

آیت الله معرفت؛ نستوه، پرکار و بانشاط

فرزند آیت الله معرفت با اشاره به مطالعه و پژوهش بی وقفه والد خود در منزل تصریح کرد: وی جمعا بیش از شش ساعت در کل شبانه روز استراحت نمی کرد. حتی در اواخر مریضی با وجود قرص های مسکن و خواب آور، بیدار می ماند. آیت الله معرفت به معنای کلمه نستوه، پرکار و بانشاط بود، وی تا پاسی از شب به فعالیت مشغول بود؛ یعنی تا ساعت دوازده شب که برای مطالعه بیدار می ماند، صبح زود برای نماز شب و اقامه نماز بیدار می شد و تنها بعد از ظهر کمی استراحت می کرد و بقیه روز را صد در صد کار می کرد.

مهدی معرفت با بیان این که آیت الله معرفت تا آخرین روز

ترجیح می داد. وی مظهر کار و تلاش بود؛ با وجود چندین سکنه قلبی که ظاهرا به پنج مرتبه می رسید و مصرف در حدود سی قرص با اثرات مختلف، همچنان کار علمی خود را ادامه می داد.

معرفت با اشاره به صلابت روحی والد خود تصریح کرد: با آن وخامت جسمی، کسی حدس نمی زد که حال ایشان بد باشد، هر کس به خدمت ایشان می رسید خوشحال بود که ایشان سالم اند. ایشان هم هیچ نمی گفتند و خدا را شکر می کردند، البته این از خصوصیات او صاف مؤمن و مصداق روایت پیامبر اکرم (ص) است که مؤمن لبخند دارد و همه از سیمای وی خوششان می آید.

وی افزود: علی رغم مشکلات فراوان، این مسائل اصلا بروز نداشت و آیت الله معرفت کار خود را بسیار عادی انجام می داد. ایشان چهار هفته قبل از وفاتش برای درمان و معاینه پزشک به منزل آمد. قفل یکی از درب های منزل خراب شده بود و من هم در منزل نبودم. از اهل منزل پرسیده بود که چرا این قفل خراب شده، آنان نیز گفتند که تازه خراب شده و بعدا درست می کنیم. هرچه تقاضا کردند که ایشان دست نزنند و به آمدن من موکول کند، نپذیرفت و خودش به دنبال ابزار برای تعمیر درب رفت.

آیت الله معرفت؛ متواضع و فروتن

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس با اشاره به روحیه متواضع آیت الله معرفت اظهار کرد: با وجود این که برای معالجه آمده بود، اما هنگامی که می دید که از چند دقیقه ای که در آنجا

حیاتشان این روحیه تلاش و کوشش را در خود حفظ کرد، گفت: ایشان در آن روز به مجلس ختم یکی از همسایه‌ها رفته بود که حس کردند حالشان خوب نیست و نمی‌توانند به نماز جماعت بروند. با این‌که آیت‌الله معرفت در آن روز حالش خوب نبود، به اخوی گفتند که آن دوره کتاب را به اتاق مطالعه ببرند و مطالعه تحقیقاتی خود را انجام دهند. دو ساعت به غروب بیشتر باقی نمانده بود که قرار

خواند که تصویر آن هنوز در خاطره‌ها و عکس‌ها ثبت است. پدرم بسیاری اوقات به فکر فرزندش فرو می‌رفت و تحمل این مسئله برایش از درون سخت بود. خودش به خانواده گفته بود که هر وقت به این شهید «علی» فکر می‌کنم، با نوشتن چند مسئله علمی آرام می‌گیرم، همچنین جلد چهارم التمهید را به آن شهید هدیه کردند.

بود ایشان مطالعه خود انجام دهد و جلسه درس را در منزل خود برگزار نماید و آخرین درس ایشان در همان روز تعطیل شد.

وی با بیان این‌که آیت‌الله معرفت دید چندجانبه در تحقیقات خود داشت، بیان کرد: با این‌که

آیت‌الله معرفت در زمینه‌های مختلف به نقل قول صرف نمی‌پرداخت، بلکه مطالبی را که از مطالعه شخصی خودش به دست آورده بود، بیان می‌کرد

علاقه بسیار آیت‌الله معرفت به فرزند شهیدش

وی در بیان ویژگی‌های اخلاق

عملی آیت‌الله معرفت، با اشاره به فرزند شهید این استاد حوزه علمیه، گفت: برادر شهیدم روحانی با

مربوط به ریاضیات و علوم را با دقت تمام یاد می‌گرفت. شیوه یادگیری ایشان که مکرر در

نجف و قم دیده بودیم این بود که از کتاب‌های دوره دبیرستان شروع می‌کرد و در

موضوعات مختلف دقیق و کامل به شکلی که ماهم از عهده آن بر نمی‌آمدیم مسلط می‌شد و بعد به سراغ

استعدادی بود و پیشرفت‌های خیلی خوبی در زمینه درس خود داشت. آیت‌الله معرفت نیز امید فراوانی داشت که این فرزندش بتواند کار علمی ای را که ایشان شروع کرده بود، ادامه دهد؛ زیرا شباهت‌های زیادی از نظر شخصیتی با خود ایشان داشت.

کتاب‌های دانشگاهی در آن زمینه می‌رفت. همین‌طور با خواندن چند کتاب تخصصی ادامه می‌داد و خودش صاحب‌نظر در آن زمینه می‌شد.

فرزند آیت‌الله معرفت با اشاره به ویژگی‌های منحصر به فرد

علمی پدرش گفت: ایشان در زمینه‌های مختلف به نقل قول صرف نمی‌پرداخت، بلکه مطالبی را که از مطالعه شخصی خودش به

دست آورده بود، بیان می‌کرد. بعد از وفات‌شان در میزی که کار می‌کرد کتاب زیست‌شناسی دبیرستان و مقاطع بالا پیدا کردیم که

ظاهر را برای پیگیری چنین پروسه‌ای تهیه کرده بود.

وی با اشاره به عشق و علاقه وافر آیت‌الله معرفت به فرزند شهیدش تصریح کرد: شهید علی با زحمت فراوان توانست اجازه رفتن به جبهه را از پدرم بگیرد، دفعه سومی هم که می‌خواست به جبهه‌ها برود و در همان سفر نیز شهید شد، آیت‌الله معرفت تأکید می‌کرد که باید بمانی و در حوزه‌ها کار خود را انجام دهی.

برادرمان با وساطت برخی اقوام توانست اجازه بگیرد. آیت‌الله معرفت بسیار امید داشت که این

فرزندش زنده بماند و ادامه کارش را انجام دهد. خبر شهادت این شهید

لحظه‌ای رسید که وی

برای سلامتی این شهید

گوسفندی قربانی کرده بود، در همان روز کسی

در زد و خبر شهادت را داد.

وی با بیان این‌که در روز شهادت برادرمان همه

جز آیت‌الله معرفت از خود بی‌خود شدند، اظهار کرد: ایشان

هر صحبتی که لازم بود برای تسکین دیگران گفت و با صلابت تمام در مراسم تشییع و تدفین فرزندش شرکت کرد و خودش بروی نماز

روش آیت‌الله معرفت در تحقیق

مهدی معرفت با اشاره به روش تحقیق

و مطالعه گسترده آیت‌الله

معرفت، خاطرنشان کرد:

وی برای ورود به پژوهش‌های

میان‌رشته‌ای، ابتدا از پایه‌های ابتدایی آن علم

شروع می‌کرد تا پایه‌های بالایی آن علم سپس آن

مسائل را در حوزه فکری خود که فقه، تفسیر، علوم

قرآن و سایر علوم اسلامی بود پیگیری می‌کرد.

عضو انجمن مهندسان مکانیک ایران با اشاره به اتقان علمی

آیت‌الله معرفت در موضوعات علمی، بیان کرد: ایشان در تحقیقات



استنتاجی داشته باشند، تبعیت و یا تقلید می‌کنند و جای اینان در چنین مجالسی نیست. ناراحتی آیت‌الله معرفت تنها از این مسئله بود و گرنه شخصی که با تمام توان از مکتبی دفاع می‌کند، از اعتراضات و مخالفت‌های هیچ گروهی ابا ندارد.

آیت‌الله معرفت؛ انتقادپذیر
فرزند آیت‌الله معرفت در پایان با اشاره به روحیه انتقادپذیری والد خود

تصریح کرد: ایشان انتقادات را آنقدر روان و ساده قبول می‌کرد که گویی تحت تأثیر نقدکننده قرار گرفته است. آیت‌الله معرفت بر این باور بود که کسی که نقد می‌کند، قطعاً مطالب را خوانده، توجه کرده و سپس برای نقد آن تلاش می‌کند، همین مقدار توجه کافی است؛ زیرا ممکن است که نظر ما غلط یا درست باشد، مهم این است که حقیقت به دست آید، نه این‌که تعبد صرف در پذیرش این مسئله داشته باشیم.



خود چنان نبود که حرفی را از کسی بشنود و آن را منشأ مطالعات خود قرار دهد. بارها شده بود که وی این‌گونه زمینه‌ها را با بحث، پرسش و مطالعه یاد گرفته بود، به عنوان نمونه هندسه را با این رویکرد به شکل تخصصی یاد گرفت. مباحث فیزیولوژی را مطالعه کرده بود و در کتاب‌ها و آثارش نمود پیدا می‌کند که اظهار نظرات، بسیار فنی و دقیق است. عضو هیئت علمی دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه تربیت مدرس در پاسخ به این سؤال که آیا با وجود مجاهدت‌های

فراوان آیت‌الله معرفت در ترویج مکتب تشیع، وی از کج‌فهمی‌ها و تخطئه‌هایی که به آثارشان شد، ناراحت بود و آن را در منزل ابراز می‌کرد؟ اظهار کرد: همیشه آیت‌الله معرفت با مشکلات با لبخند روبرو می‌شد، اگر هم گاهی از مسئله‌ای ناراحت بود، از این بود که در جلسات، افراد به جای آن‌که درست فکر کنند، تعبدی به مسائل علمی می‌پردازند. ناراحتی بیشتر آیت‌الله معرفت از این بود که افرادی که مأمور شدند و وظیفه‌شان این است که فکر کنند و



آیت الله معرفت معتقد بود پاسخ تمام شبهات در روایات آمده است



آیت الله معرفت معتقد بود که اگر در کلمات ائمه (ع) دقت کنیم، در می یابیم که تمام شبهات و مشکلاتی را که بعداً به وجود می آید، پاسخ داده اند، ولی چون در احادیث دقت نداریم گمان می کنیم این شبهات وارد است.



حجت الاسلام و المسلمین «محمدباقر معرفت» از فرزندان آیت الله معرفت، در مورد ویژگی های اخلاقی پدرش گفت: پدرم به امور خانواده و تربیت فرزندان بسیار حساس بود و رفتار بسیار محبت آمیزی داشت و مشکلات مادی و معنوی را در نظر می گرفت. به همین دلیل فرزندان حاج آقا در راه علم و دانش حرکت کرده و لذا دو برادر ارشد بنده مهدی و محمدصادق معرفت، عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس و تهران هستند و همچنین زمینه قرآنی در خانواده وجود دارد.

وی با بیان این که آیت الله معرفت زمینه پیشرفت علمی را برای فرزندان آماده می کرد، افزود: در منزل کتابخانه مفصلی آماده بود و مرحوم پدرم مباحث علمی خود را حتی با مادرم در میان می گذاشت و از زیر و بم تحقیق های خود با خانواده سخن گفته،

گویی در حال مباحثه با افرادی دانشمند هست. این فرزند آیت الله معرفت در ضمن بیان این که پدرم تا آنجا که امکان داشت سعی می کرد که کمبود مالی احساس نکنیم، افزود: مرحوم پدرم از لحاظ تفریح فرزندان به قدری حساس بود که باغی در روستای «فوردو» (از توابع قم)، دو سال قبل از انقلاب خریداری کرد و خود پدرم کارهای باغ داری آن را انجام می داد؛ لذا در این زمینه ها اصلاً کم نگذاشت و همیشه فکر می کرد که چگونه احتیاج به دیگران نداشته و خودمان مستقل باشیم.



توجه ویژه آیت الله معرفت به صلح ارحام

این دانش آموخته حوزه علمیه قم در پاسخ به این سؤال که رابطه آیت الله معرفت با اقوام چگونه بود؟ آیا فرصتی را برای اقوام قرار داده و یا این که در تمام طول سال در کتابخانه یا در نهایت صرفاً ارتباط با خانواده داشتند؟ گفت: پدرم در تمام مهمانی ها و روضه ها شرکت می کرد و در طول سال، چهارشنبه شبها در منزل روضه می خواند و همه اقوام می آمدند و معمولاً همراه شام و پذیرایی بود و اگر قربانی و یا هدایایی بود، تأکید بر حمایت ذوی القربی داشت و



باعث آرامش پدرم می شد و وقتی آرام می شد، این آرامش را به ما انتقال می داد و می گفت الحمدلله این مسئله را حل کردم و مانند خواجه نصیر بعد از حل مسائل «این أبناء الملوك» را سر می داد، وی شادی و آرامش خود را نیز منتقل می کرد و به قدری خوشحالی خود را اظهار می کرد که همه ما خوشحال می شدیم.

مشارکت خانواده با آیت الله معرفت در مسائل علمی

وی در پاسخ به این سؤال که آیا امکان داشت که آیت الله معرفت از حل نشدن مسئله ای دل نگران و مضطرب باشد و این رفتار را خانواده احساس کند؟ گفت: بله، بارها اتفاق می افتاد که شب ها، يك دفعه از خواب بلند می شد و به کتابخانه شخصی می رفت و کارهای خود را انجام می داد، بارها می گفت که در خواب نیز به دنبال پاسخ به سؤال هستم. به سخن دقیق تر بگویم که خانواده آیت الله معرفت در تحقیق ها، شادی ها و غم های وی از حل شدن یا نشدن مسائل، شریک بوده و با هم می خندیدند و با هم گریه می کردند.

این قرآن پژوه در ادامه افزود: وقتی آیت الله معرفت مسئله را به دست می گرفت که حل کند، با تمام توان در جهت حل آن می کوشید؛ مانند مسئله اخیر که خیلی مهم است - که خودشان فرصت مکتوب کردن را نیافت و ان شاء الله از درس ها پیدا می شود - و آن این که آیا پیامبر اکرم (ص) کسی را به بردگی گرفت تا آن را آزاد کند؟ که آیت الله معرفت معتقد بود که اصلاً پیامبر (ص) کسی را به اسیری نگرفت تا بخواهد آن را به بردگی بگیرد و بعد آن را آزاد کند و این مسئله، بسیار مهم است؛ چرا که ۴ یا ۵ روایت داریم که پیامبر (ص) این کار را کردند و پدرم تك تك این روایات را تحلیل می کرد و نشان می داد که این مسئله با روش پیامبر (ص) و آیه قرآن سازگاری ندارد که مثلاً دختری را در جنگی اسیر کند و بعد برده کرده باشد و بعد آزادش کند.

توجه ویژه آیت الله معرفت به مسائل جامعه

وی در مورد شخصیت این عالم شیعی در مباحث سیاسی - اجتماعی گفت: بنده به خاطر دارم زمانی که قصد نوسازی منزل پدر را داشتیم، همراه پدر برای خرید لوازم به مغازه ای رفتیم که صاحبان مغازه افرادی ضد انقلاب بودند؛ لذا تا دیدند که دو

این رفتار از نکات قرآنی برداشت شده بود.

وی با بیان این که به قدری آیت الله معرفت رابطه اش با اقوام زیاد بود که بعد از رحلتش، همه بالاتفاق گفتند که پدر خود را از دست دادند، خاطر نشان کرد: بعد فوت پدر، يك نفر و حتی يك مورد هم پیدا نشد که از وی شکایتی داشته باشد و لذا آیت الله معرفت، يك انسان متعادل بود که دارای هوش و استعداد بالا، و نیز اهل بیته بود. اگر يك نمونه از افرادی که در دانشگاه امام صادق (ع) تربیت یافته اند را بخواهیم نام ببریم، می توان به آیت الله معرفت اشاره کرد، گرچه افراد دیگری همچون علامه طباطبایی و امینی و عسکری نمونه های دیگری از این نوع هستند.

فرزند آیت الله معرفت در پاسخ به این سؤال که دغدغه

آیت الله معرفت در پژوهش های قرآنی به چه نحو بود؟

گفت: این رفتار پدر در منزل کاملاً مشهود بود که از

این که يك مسئله را اهل تسنن خیلی به آن پرداخته اند، ولی تشیع به آن نپرداخته

اند نگران بود؛ لذا به دنبال

حل آن از دیدگاه شیعی

بود و دغدغه این را داشت که

متصدی این امر کیست و آیا نباید از علمای شیعی

کسی به دنبال پاسخ گویی به این مسئله باشد؟! که

این دغدغه های خود را در میان اعضای خانواده هم

می گفتند و اظهار می کردند که روی مسئله ایمان و کفر تحقیق

می کنند و در اواخر حیاتشان از کتابخانه شخصی شان به جمع

خانواده آمدند و به مادر گفتند: «الحمدلله ایمان و کفر را از دیدگاه

تشیع حل کردم».

وی در ادامه سخنش خاطر نشان کرد: مسئله اطمینان قلبی

حضرت ابراهیم (ع) و مسئله چرخ گوشت حیوانات، را امر حوم پدرم

از دیدگاه تشیع حل کرد و با مسئله رؤس الشیاطین که می گویند

در جهنم درختی است که میوه هایش زقوم است که وقتی مسئله از

دیدگاه تشیع حل شد با خوشحالی از کتابخانه شخصی به جمع

خانواده آمد و گفت این مسئله را از دیدگاه تشیع حل کردم و اصلاً

این ها شیطان نیستند و در آنجا درختی نیست، بلکه يك تشبیه

است، که فرد جهنمی مثل آن درخت زقوم است که خشم خود را با

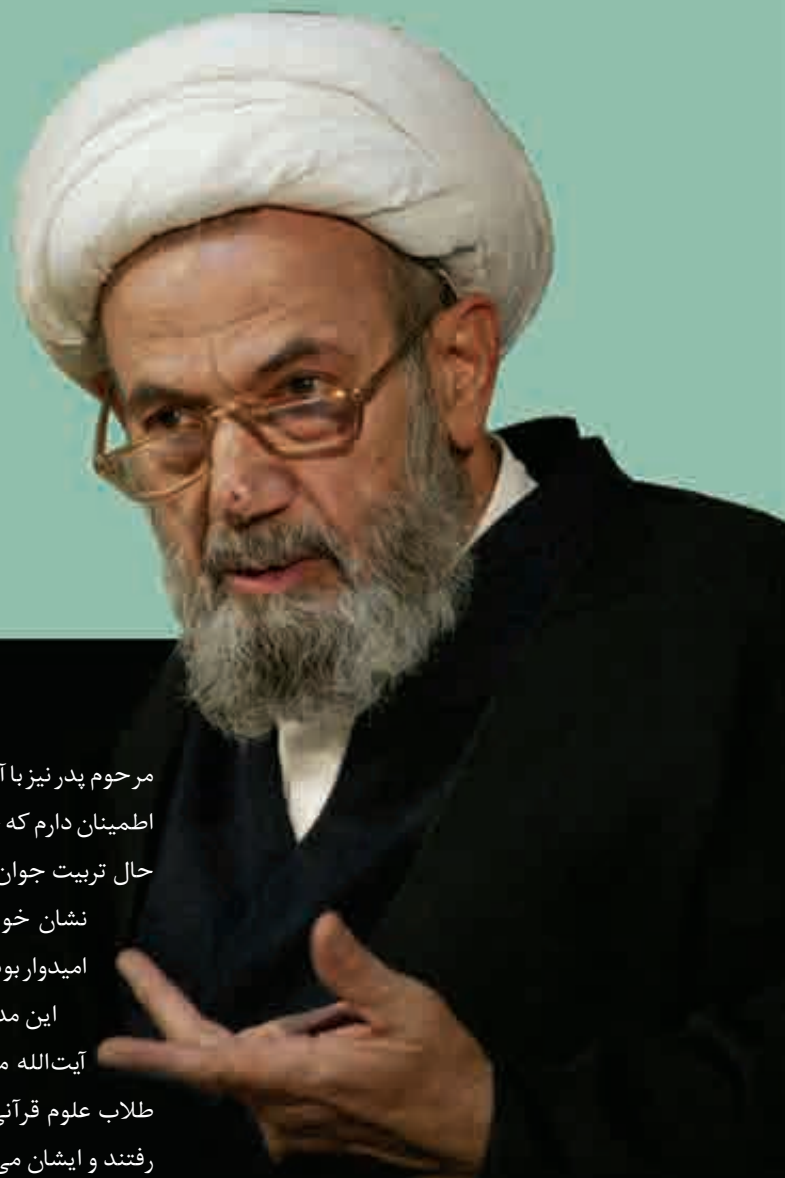
صورتش نشان می دهد.

محمد باقر معرفت با بیان این که این مسئله ها را کسی پاسخ داد

که در دامن مکتب اهل بیت (ع) رشد و نمو پیدا کرده و به این نتایج

قرآنی رسیده بود، تأکید کرد: حل این گونه مسائل از دیدگاه تشیع

حل این گونه مسائل از دیدگاه تشیع باعث آرامش پدرم می شد و وقتی آرام می شد، این آرامش را به ما انتقال می داد و می گفت الحمدلله این مسئله را حل کردم و مانند خواجه نصیر بعد از حل مسائل «این أبناء الملوك» را سر می داد



مرحوم پدر نیز با آرامش و اطمینان خاصی گفتند که «بنده بسیار اطمینان دارم که حوزه به بالاترین مقام‌های علمی می‌رسد و در حال تربیت جوان‌هایی هستیم که حوزه در آینده نتیجه خود را نشان خواهد داد»؛ لذا به دانشجویان و طلاب بسیار امیدوار بود.

این مدرس حوزه علمیه قم اظهار کرد: شاگردپروری آیت‌الله معرفت به نحوی بود که زمانی دانشجویان و طلاب علوم قرآنی به همراه پدرم به دیدار مقام معظم رهبری رفتند و ایشان می‌فرمایند که چند نفر از حاضران شاگردان شما هستند؛ که دیده شد بالاتفاق همه شاگرد پدرم هستند؛ لذا این شاگردپروری پدرم زمینه‌ساز حرکت اجتماعی بوده است.

این محقق خاطر نشان کرد: خاطره دیگری را برایتان بگویم که نشان از حساسیت پدر به جامعه بود؛ زمانی ایشان در ابتدای کوچه متوجه شد که فرد مسنی به جوانی که صدای آهنگ حرامی را از ماشین خود بلند کرده بود، لعن و نفرین می‌کرد که پدرم به او گفت: «نباید بچه شیعه را لعن کرد، بلکه باید برای او دعا کرد تا هدایت شود و همچنین راهنمایی اش کن تا دیگر این آهنگ را نگذارد»، این دید مثبت پدرم به جوانان شیعه بود! و «ما رأیت إلا جمیلاً» دال بر این است که حضرت زینب (س) در اوج بحران، دارای آرامش روحی بالایی بود و پدرم نیز همین گونه بود؛ لذا در اوج بحران‌ها کافی بود که ۵ دقیقه فقط کنار و همراه‌شان باشید، که ثمره آن، انتقال آرامش بود.

روحانی در مغازه آمده‌اند. شروع به تهمت و افترا و نقد کردند به نحوی که اگر بنده تنها در آنجا می‌بودم به احتمال قوی با آن‌ها درگیر می‌شدم، ولی مرحوم پدر با سکوت تمام حرف‌های آن‌ها را گوش کرد و در آخر که صحبت‌هایی ربط آن‌ها تمام شد، با آرامش خاصی گفتند: «ان شاء الله همه چیز درست می‌شود»، تا آن‌ها این جمله را شنیدند گویا آب روی سر آن‌ها ریخته شد و خاموش شدند و در ادامه پدر گفتند: «من اطمینان دارم که همه چیز وفق مراد همه شیعیان و بچه شیعه‌ها خواهد شد».

وی افزود: این خیلی مهم است که در بحران‌ها انسان بتواند خود را کنترل کند و با جملاتی جورا ملتهب نکند و مخاطب را به آرامش بازگرداند. همچنین به خاطر دارم که عده‌ای روحانی به منزل آمدند و از روند حوزه بسیار گله داشتند و معتقد بودند که اگر فضای حوزه تغییر نکند، حوزه از هم پاشیده می‌شود. که



آیت الله معرفت، يك انسان
متعادل بود که دارای هوش
و استعداد بالا، و نیز اهل
بیتی بود. اگر يك نمونه از
افرادی که در دانشگاه امام
صادق(ع) تربیت یافته اند را
بخواهیم نام ببریم، می توان
به آیت الله معرفت اشاره کرد

معتقد بود که اگر درس خارج فقه با حضور شاگردان کثیری اجرا شود، نتیجه مناسبی ندارد و کلاس پرورشی و تحقیقی نیست، بلکه صرف درس دادن است. گرچه از افتخارهاست که در درس آیت الله خوئی، آخوند خراسانی، نائینی شاگردان زیادی وجود داشته است، ولی پدرم معتقد بود که این روش امروزه کارآمد نیست و باید محدودیت هایی را ایجاد کرد و تخصصی تر با فقه برخورد شود و کلاس ها با حضور شاگردان کمتری برگزار شود.

توجه اندک به قرآن در حوزه؛ یکی از دغدغه های مهم پدرم وی در پاسخ به این سؤال که آیا درس خارج فقه و اصول آیت الله معرفت با توجه به این که وی قرآن پژوه بود، تفاوت داشت؟ گفت: پدرم در درس ها محور را قرآن می گذاشت و می خواست بحث را از طریق قرآن پرورش دهد؛ لذا در درس و بحث ابتدا به سراغ قرآن و سپس حدیث و در مرحله بعد به سراغ امور و مسائل دیگر می رفت. یکی از دغدغه های مهم پدرم این بود که چرا در حوزه و فقه به قرآن کمتر اهمیت داده می شود، که آیت الله جوادی نیز اخیراً برای قرآن پژوهان سخن گفت که تا حوزه قرآنی نشود، کشور اصلاً قرآنی نمی شود؛ لذا گاه متأسفانه دیده می شود که افرادی به سخنان برخی از بزرگان اهمیت بالایی می دهند، اما به پژوهش های قرآنی اهمیت نمی دهند. وی در مورد کم توجهی به پژوهش های قرآنی در کشور گفت: گاهی برای يك فوتبالیست ۴۰۰ میلیون هزینه می کنند، ما

اعتقاد آیت الله معرفت به لزوم تحول در سیستم درسی حوزه ها

وی در پاسخ به این سؤال که با توجه به این که آیت الله معرفت، طلایه دار تحول در علوم قرآنی بود، آیا به مباحث تحول در سیستم درسی حوزه نیز قائل بود و کار و فعالیت خاصی انجام می داد؟، عنوان کرد: مرحوم پدرم در جلسه درس خارج فقهی که در منزل داشت، به صورت سامرایی جلسه را اداره می کرد؛ یعنی شما اگر وارد جلسه می شدید اصلاً متوجه نمی شدید که درباره چه موضوعی در حال گفتمان هست؛ چرا که موضوع واحد نبود و هر يك از شاگردان روی موضوعی تحقیق کرده اند، اما در چارچوب خاصی؛ مثلاً کتاب صلاة؛ بدین گونه که هر يك، فرعی را به دست می گرفتند و پدرم مدیریت چالش ها را داشت و میان رشته ای بحث می کرد.

این محقق علوم اسلامی افزود: با شیوه سنتی تدریس حوزوی مخالف نبود و آن ها را نفی نمی کرد، ولی معتقد بود که فردی که در حال تدریس موضوع واحدی است، نباید خود را در آن موضوع جامد کند، بلکه باید از این چارچوب خود را خارج کند و بالاتر برود؛ لذا می گفت که نگذارید فقط يك نفر سخن بگوید و مابقی گوش کنند. پدرم با نگاه و توجه به گذشته، قائل به تغییر و تحول در حوزه علمیه بود، ولی با احترام به سنت و گذشتگان، خود نیز نظر خاصی در تحول در نظام درسی حوزه داشت؛ مثلاً



این مدرس دانشگاه خاطرنشان کرد: پدرم معتقد بود که اگر در کلمات ائمه (ع) دقت کنیم، تمام شبهات و مشکلاتی را که بعداً می‌خواهد به وجود آید، جواب داده‌اند و به خاطر این‌که دقت نداریم فکر می‌کنیم این شبهات وارد است در حالی که اگر به خود حدیث مراجعه کنیم دیده می‌شود که قبلاً پیامبر (ص) کلی مقدمات چیده‌اند و قرینه‌هایی و درونیه و بیرونی گذاشته‌اند تا معنای «من کنت مولاه» مشخص شود. سیستم و علمکرد پدرم تقریبی است؛ یعنی در عین عدم بی‌احترامی، حقیقت را بیان می‌کرد.

رابطه آیت‌الله معرفت با امام خمینی (ره)

وی با بیان این‌که آیت‌الله معرفت اولین مترجم فارسی به عربی کتاب ولایت فقیه اثر امام خمینی (ره) بود و واسطه این عملکرد هم شهید مصطفی خمینی بود، گفت: امام خمینی (ره) به طور کامل مرحوم پدرم را می‌شناخت و زمانی که پدرم برای پست بسیار مهم قضایی پیشنهاد شده بود، امام خمینی (ره) گفته بود که آقای معرفت از ذخیره‌های علمی حوزه است بگذارید ایشان سرگرم کار خودش باشد و عین همین جمله را مقام معظم رهبری در مورد پدرم آن موقع که به وی پیشنهاد ریاست قوه قضاییه شده بود، گفته‌اند.

این قرآن‌پژوه عنوان کرد: پدرم همیشه به امام (ره) احترام کامل می‌گذاشت و تا آخرین لحظه خیلی از آرای مرحوم پدرم با امام (ره) یکی بود و تعجب می‌کنم از این گفته که برخی گفته‌اند: رابطه امام (ره) با آیت‌الله معرفت خوب نبود.

رابطه آیت‌الله معرفت با روشنفکران

وی در مورد رابطه پدرش با عبدالکریم سروش گفت: بنده زمانی با پدرم به زاهدان سفر کردم که سروش هم در آنجا بود، از پدرم پرسیدم که آقای سروش آخرش چه چیزی خواهد گفت؟ پدرم بیش از ۱۵ سال پیش در پاسخ به سؤال من گفت: «سروش بالأخره وحی را زیر سؤال خواهد برد». پدرم در کتاب جامعه مدنی تمام نظریه‌های سروش را رد کرده است.

این قرآن‌پژوه با بیان این‌که کتاب‌های آیت‌الله معرفت در مصر با نام «فضه و ذهب» شناخته می‌شود، گفت: هر وقت کتاب‌های پدرم را به مصر و الجزیره می‌فرستادیم به سرعت به فروش می‌رفت؛ چرا که در آن‌ها از دشنام و بی‌احترامی خبری نبود؛ لذا مرحوم پدرم در جهان عرب و ایران شناخته شد.

نمی‌گوییم برای پژوهش‌های قرآنی ۴۰۰ میلیون هزینه کنند اما حداقل ۴۰ میلیون هزینه کنند، در حالی که افرادی مثل پدرم به این امر واقف بودند، خود مشغول به کار شد و هیچگاه با سفارش تحقیق نمی‌کرد، بلکه خودجوش تحقیق می‌کرد و کاری را به عهده دیگران نمی‌انداخت.

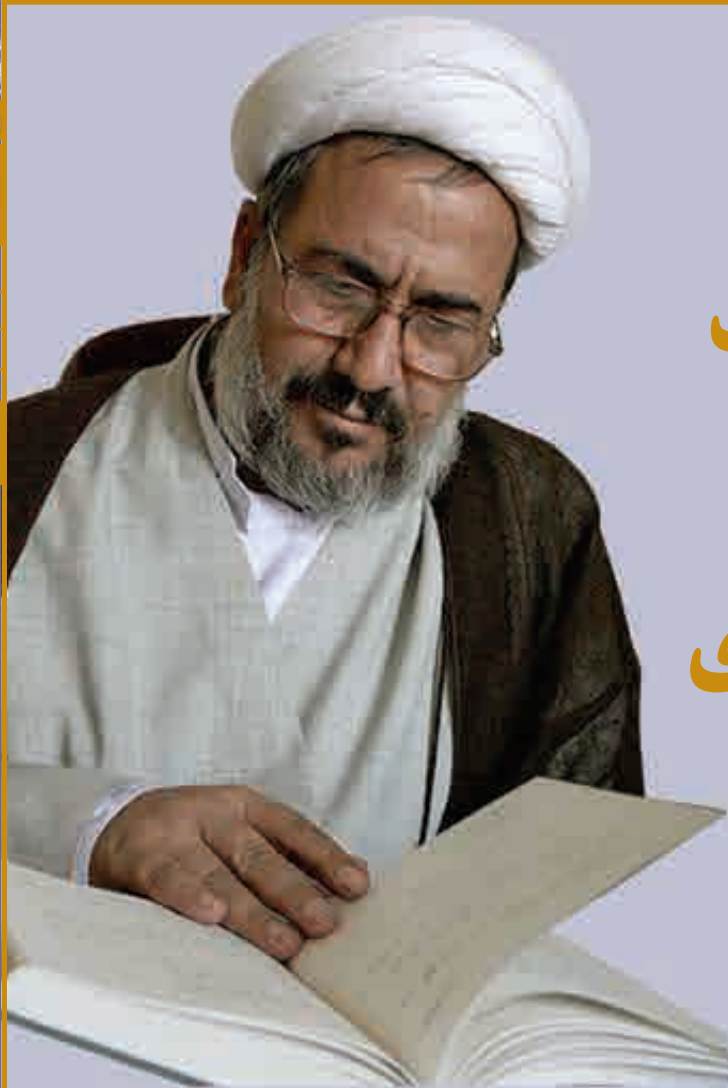
بازخورد آرای آیت‌الله معرفت در جامعه

وی در مورد بازخورد آرای آیت‌الله معرفت در جامعه گفت: آرای مرحوم پدرم بازخورد داشت، ولی ایشان از این بازخوردها نمی‌ترسید و کارش را کاملاً انجام می‌داد؛ یکی از مواردی که باعث شد عده‌ای علیه پدرم موضع بگیرند، حدیث «اصحابی کالنجوم، بائهم اقتدیتم اهتدیتم» است، که پدرم معتقد بود این حدیث صحیح‌السند است و بسیار درست و هیچ شک و شبهه‌ای هم در معنایش نیست که همین نظر پدرم هجمه فراوانی را علیه او برانگیخت. این در حالی است که این نظر پدرم به صورت تحریف شده در اختیار افراد قرار گرفته بود؛ چرا که نظر پدرم این بود که در این حدیث گفته شده است «اصحابی» نه «اصحابی!» که منتقدان دقتی روی الفاظ حدیث نکرده بودند.

فرزند آیت‌الله معرفت عنوان کرد: پدرم معتقد بود أصحاب رسول‌الله (ص)، امیرالمؤمنین (ع)، ابوذر و مقداد و سلمان هستند که بوی رسول‌الله (ص) را می‌دادند و رسول‌الله (ص) را شناخته بودند، در حالی که «صحابه» خاص این افراد نیست، بلکه به هر فردی که فقط يك لحظه، و گاه به فرصت طلبی که به دنبال پیامبر (ص) رفته است، اطلاق می‌شود. وی معتقد بود که مصداق «بائهم اقتدیتم اهتدیتم»، امیرالمؤمنین (ع) است که باید مقتدای تمام مؤمنان قرار گیرد و در مراتب بعدی سلمان فارسی و... که باید مقتدای مردم باشند تا هدایت مردم رخ دهد.

وی افزود: پدرم در بحث‌های علمی روی کلمات ائمه (ع) همانند الفاظ قرآن دقت می‌کرد؛ چرا که آن‌ها را عدل هم می‌دانست و لذا در بحث حدیث «من کنت مولاه فهذا علی مولاه»، پدرم معتقد بود که اگر کسی بگوید، «مولا» در این حدیث به معنای دوست است، بی‌احترامی به مقام پیامبر (ص) است؛ چرا که ایشان را از حکمت انداخته است. پدرم معتقد بود که اگر «مولا» را به معنای «دوست» بگیریم؛ بدین معناست که پیامبر (ص) -نعوذ بالله- نمی‌دانسته که این کلمه مشترک لفظی است و از قرینه استفاده نکرده است، و این اهانت به پیامبر خدا (ص) است.

با شیوه سنتی تدریس
حوزوی مخالف نبود و آن‌ها
را نفی نمی‌کرد، ولی معتقد
بود که فردی که در حال
تدریس موضوع واحدی
است، نباید خود را در آن
موضوع جامد کند، بلکه
باید از این چارچوب خود را
خارج کند و بالاتر برود



آیت الله معرفت خودسازی را تا مرز خودسوزی پیش برد

پاسداشت آیت الله معرفت، پاسداشت حریم قرآن پژوهان است، روزی که آن بزرگوار به سراغ بحث‌های قرآنی رفت، پژوهش در علوم قرآنی، تفسیر و تلاش در آستان قرآن، نه تنها نام نمی‌آورد، که آوازه را می‌زدود.

آیت الله معرفت؛ زمان شناسی سترگ

نویسنده کتاب «آفاق تفسیر» در تحلیل ابعاد شخصیتی آیت الله معرفت به روحیه زمان شناسی وی اشاره و اظهار کرد: زمان شناسی؛ یعنی نیازهای روزگار را دریافتن، چگونگی‌ها و گرایش‌های مخاطب را فهم کردن و آنگاه قلم گرفتن، همت ورزیدن و با بیان و بنان نوشتن است. نویسنده و محقق چون زمان و نیازهای آن را شناخت، کتاب نمی‌نویسد که کتابی نوشته باشد، بلکه می‌نویسد تا آنچه را که می‌گذرد به چالش کشد. آیت الله سبحانی درباره آیت الله معرفت گفته‌اند: «از ممیزات ایشان این است که کتاب را برای کتاب نمی‌نویسد که کتابی نوشته باشد. خیلی‌ها وقت دارند کتابی بنویسند، اثری از خود باقی بگذارند، نمی‌گوئیم بد است، اما خیلی حسن ندارد، اما این شیوه در ایشان هست که خلأها را پر کند، در علوم قرآنی خلأی در کتب شیعه بوده. این خلأ بوده و نبوده؛ یعنی در ضمن تفسیرها بوده و مستقل نبوده است، شیعه علوم قرآنی را

حجت الاسلام «محمدعلی مهدوی‌راد»، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران در پردیس قم، در راستای شخصیت علمی و عملی آیت الله معرفت اظهار کرد: سخن گفتن از آیت الله محمدهادی معرفت، سخن گفتن از متفکری بزرگ، قرآن شناسی سترگ و مردی است که سالیان درازی در «سایه‌سار وحی الهی» روزگار گذراند. در واقع سخن از دانش و بزرگداشت علم و فرهیختگی و فرزاندگی است. پاسداشت آیت الله معرفت، پاسداشت حریم قرآن پژوهان و همه کسانی است که راه آگاهی، بینش و دانش را پیش ساخته‌اند. آیت الله معرفت، دانش‌آموخته حوزه‌های علمیه کربلا و نجف بود و سالیانی در محضر استادان آن دو شهر بزرگ زانوزد و از دانش آنان بهره برد، تا به جایگاه والای اجتهاد دست یافت.



داخل تفسیر نوشته؛ یعنی در ضمن تفسیر و گاه در مقدمات تفسیر آورده‌اند. در شیعه يك کتاب مستقل در علوم قرآنی نبود، این خلأ را الحمد لله آیت‌الله معرفت پر کرد. حقا چنین است، هنگامی که التمهید با نثر استوار، تتبع شایسته، دریافت قوی، نقل و تحلیل اندیشه‌ها و دیدگاه‌ها چهره نمود و میدان‌داری کرد، محور پژوهش‌های بعدی شد و این یکی از آثار و برکات زمان‌شناسی آیت‌الله معرفت بود.

آیت‌الله معرفت: خالص و بی‌پیرایه

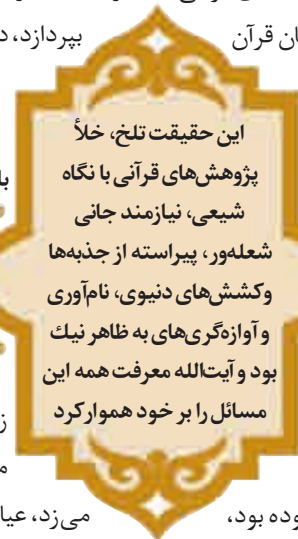
وی با بیان این‌که یکی از ویژگی‌های بارز آیت‌الله معرفت اخلاص وی بود، اظهار کرد: روزی که آن بزرگوار به سراغ بحث‌های قرآنی رفت، پژوهش در علوم قرآنی، تفسیر و تلاش در آستان قرآن نه تنها نام نمی‌آورد و نان به چنگ نمی‌نهاد، که آوازه را می‌زدود. قصه پر غصه تعطیلی درس تفسیر آیت‌الله العظمی سیدابوالقاسم خوئی تحت فشار فقه‌مداران و اصول‌گرایان از نیازهای جامعه بی‌خبر، در خاطره‌ها مانده است. ایشان در واقع خودسازی را تا مرز خودسوزی پیش برد. آنان وی را می‌شناختند، تردیدی نداشتند که او به لحاظ فقهی از اقران خود هیچ کم نداشت و میدان مرجعیت برای او کاملاً گشوده بود، اما او گام ننهاد.

وی تصریح کرد: آیت‌الله معرفت در زندگی نامه خودنوشت خویش، به این حقیقت اشاره کرده است. این حقیقت تلخ، خلأ پژوهش‌های قرآنی با نگاه شیعی، نیازمند جانی شعله‌ور، پیراسته از جذبه‌ها و کشش‌های دنیوی، نام‌آوری و آوازه‌گری‌های به ظاهر نیک بود و آیت‌الله معرفت همه این مسائل را بر خود هموار کرد. در سال‌هایی که بحث مرجعیت داغ شده بود، روزی برخی از همشهری‌های ایشان در کربلا و کشورهای حاشیه خلیج فارس به همراه چند تن از طلاب فاضل به منزل ایشان آمدند و اصرار کردند که رساله عملیه منتشر کنند و گفتند ما هزینه‌ها را می‌پردازیم و شما از شهریه طلاب هم نگران نباشید. از آنجا که انکار و تن زدن ایشان فایده‌ای نکرد، به آن فضلا گفتند که اکنون من در حوزه‌ای وارد بحث شده‌ام و تحقیق می‌کنم که احساس می‌کنم میدان خالی است و باید از ساحت قدس قرآن دفاع کنم. آیت‌الله معرفت به آنان گفتند: احساسم این است که اگر قلم را بر زمین بگذاریم، در این

حد و حدود کسی نیست که قلم را بردارد، اگر هست، بنده حاضرم این کار را بکنم، اما میدان مرجعیت خالی نیست، رساله بسیار است و مؤمنان هم به راحتی مرجع تقلید خود را پیدا می‌کنند و هیچ مشکلی ندارند. آن فضلا نیز تأیید کردند و دیگران حاضر در جلسه هم دیگر چیزی نگفتند.

آیت‌الله معرفت: پدیدآورنده آثاری جاودان

مهدوی‌راد با اشاره به این‌که آیت‌الله معرفت با درک درست از نیاز جامعه شیعی به پژوهش‌های قرآنی روی آورد، تصریح کرد: ایشان با «اخلاص» و «پیراسته جانی» که به او مجال می‌داد تا فارغ از شرایط نامطلوب فضای جامعه، به آنچه روا و شایسته و بایسته بود، بپردازد، در این راه گام برداشت و آثاری جاودان پدید آورد.



این حقیقت تلخ، خلأ پژوهش‌های قرآنی با نگاه شیعی، نیازمند جانی شعله‌ور، پیراسته از جذبه‌ها و کشش‌های دنیوی، نام‌آوری و آوازه‌گری‌های به ظاهر نیک بود و آیت‌الله معرفت همه این مسائل را بر خود هموار کرد

آیت‌الله معرفت: جستجوگر و نستوه / کوشا و بانشاط تا آخرین لحظات حیات

ویژگی دیگر آیت‌الله معرفت جستجوگری و نستوهی بود، آن بزرگوار یکسره تلاش، جوشش و کوشش بود، زندگی او یکسره فراگیری و فرادهی بود. وی همواره می‌اندیشید، در می‌یافت، یافته‌ها را به محکم می‌زد، عیارسنجی می‌کرد و نشر می‌داد و با این همه هرگز بر آنچه که از پس سالیان پژوهش و تأمل و در نگریستن یافته بود تعصب نمی‌ورزید.

با این‌که آیت‌الله معرفت سالیان پایانی عمر که سنین کهولت خود را می‌گذراند، همچنان پرشور در حرکت و پویا بود و حضورش را در مجامع علمی، پژوهشی و آموزشی نکاسته بود. پیوسته به دانشگاه علوم اسلامی رضوی آمد و شد می‌کرد و به تمامی شاگردان خود بهره می‌رساند.

نویسنده کتاب «تدوین الحدیث عند الشیعة الامامیه» خاطرنشان کرد: انبوه نگاشته‌های استوار و تألیفات بلند، مقالات ارجمند و گزیده نگاری شده به همراه تربیت ده‌ها، بلکه صدها شاگرد کوشا و کارآمد، نشان از آن همه سخت‌کوشی و نستوهی است. البته این را باید بیفزاییم که او در جستجو، نمونه عینی فروتنی بود و از این‌که از دانشجو یا طلبه خود سؤال کند، هیچ ابایی نداشت. بارها می‌شد که برای جستجو از منبع و سرچشمه‌های موضوعی با این من تماس می‌گرفت. هنوز طنین



آیت الله معرفت: حماسه صبر

حجت الاسلام مهدوی راد با اشاره به فرزند شهید آیت الله معرفت بیان کرد: فرزندش که طلبه‌ای کوشا و فاضلی ارجمند بود را روانه میدان کرد. وی به این فرزند علاقه‌ای ویژه داشت و به تعبیر خود

زنگ‌دار شیرین «معرفت هستم» استاد در تماس‌ها، پس از سلام در گوشم هست. به هر حال آیت الله معرفت به حق یکسره تلاش بود و جوشش، کشش بود و کوشش، جستجوگری بود نستوه.

پاسداشت حقایق دین: دغدغه آیت الله معرفت

نویسنده کتاب «آفاق تفسیر» در تحلیل ابعاد شخصیتی آیت الله معرفت اظهار کرد: غیرت دینی، استوار گامی معرفتی، حضور فکری در عینیت جامعه، دغدغه حراست از مکتب و سوز و گداز او در پاسداشت حقایق دین و آموزه‌های آیین مبین، مثال زدنی بود. او مردی پویا، متحرک، نواندیش و چنانکه پیش‌تر گفتم زمان‌شناس بود. آیت الله معرفت نمی‌توانست از جاری‌های زمان به دور باشد. چنان که در جوانی و در کربلا همراه جریان نواندیش حوزه در نگارش و عرضه حقایق دینی حاضر بود. در نجف اشرف نیز، آنگاه که حضرت امام (ره) معمار اندیشه حکومت دینی در حوزه نجف حضور یافت، دل در گرو عشق آن بزرگ نهاد، در درسش حاضر شد.

آیت الله معرفت از سرچشمه زلال اندیشه امام

راحل نوشید

این عضو هیئت علمی دانشگاه تهران با بیان این‌که آیت الله معرفت از سرچشمه زلال اندیشه امام راحل نوشید، گفت: وی در بازگردان درس‌های ولایت فقیه امام (ره) و نشر آن از هیچ کوششی دریغ نورزید و چون با ستم «عقلیان» از کنار مضجع مطهر مولی امیر مؤمنان (ع) ناچار به هجرت شد که دل در گرو آن دیار داشت و همواره آرزوی فضای آرامی را در آن وادی مقدس انتظار می‌برد که باز گردد. در قم رحل اقامت افکند همان راه را ادامه داد. آیت الله معرفت پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران به زعامت استاد، مراد و پیشوای آزادگان حضرت امام خمینی (ره) دل و دماغ و فکر و اندیشه خود را در جهت آن نهاد. اولین اثر گویا، ارجمند و دقیق را در تبیین اندیشه «ولایت فقیه» رقم زد. در بخش نظری و فکری دستگاه قضایی حضور یافت و برای گشودن گره‌هایی از مسائل قضایی قلم زد، ره گشود و مقالاتی سامان داد.



«جگر گوشه بل تمام امیدش» بود. با این وجود هنگامی که فرزندش شهید شد، استوار ایستاد و چنانکه از او انتظار می‌رفت؛ حماسه صبر و صلابت سرود. وی نمونه عینی معرفت بود، «الاسماء تنزل من السماء»، اندیشیدن آمیزه وجود او بود. همچنین تلاش کردن، یافتن، گفتن، نوشتن، پالایش کردن و به دیدگاه نودست یافتن، آهنگ کلی علمی و پژوهشی او آرمان والای حیات علمی او بود.

آیت‌الله معرفت: پیشرو، روشن‌اندیش

و خرافه‌ستیز

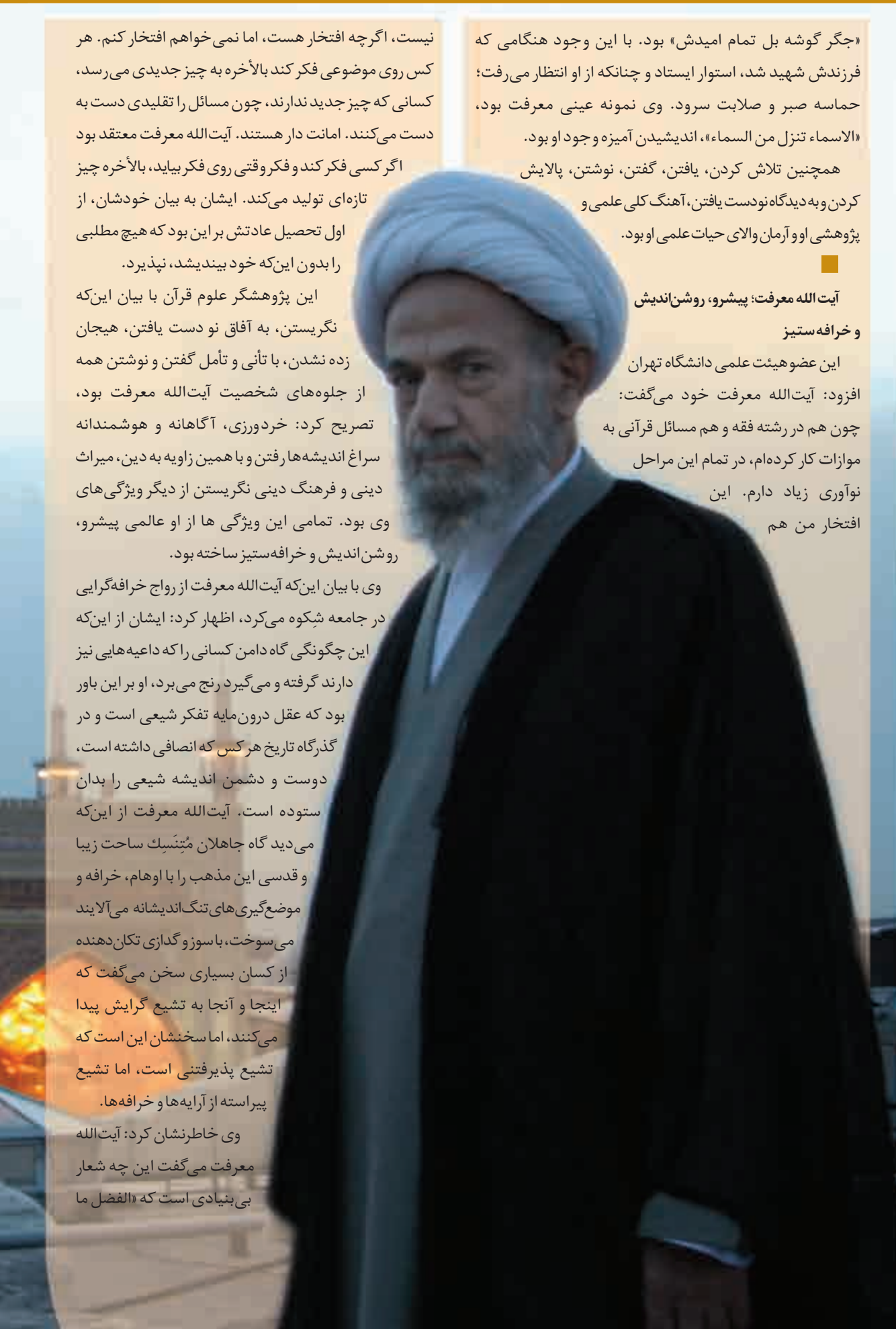
این عضو هیئت علمی دانشگاه تهران افزود: آیت‌الله معرفت خود می‌گفت: چون هم در رشته فقه و هم مسائل قرآنی به موازات کار کرده‌ام، در تمام این مراحل نوآوری زیاد دارم. این افتخار من هم

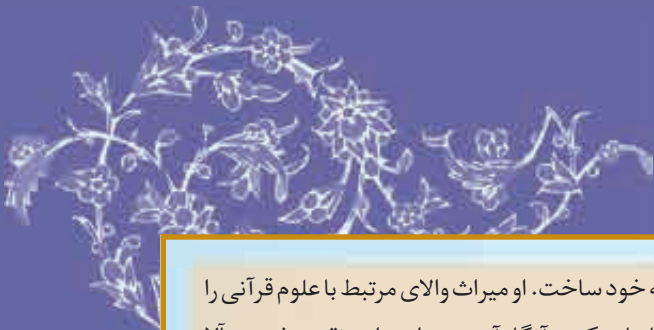
نیست، اگرچه افتخار هست، اما نمی‌خواهم افتخار کنم. هر کس روی موضوعی فکر کند بالأخره به چیز جدیدی می‌رسد، کسانی که چیز جدید ندارند، چون مسائل را تقلیدی دست به دست می‌کنند. امانت دار هستند. آیت‌الله معرفت معتقد بود اگر کسی فکر کند و فکروقتی روی فکر بیاید، بالأخره چیز تازه‌ای تولید می‌کند. ایشان به بیان خودشان، از اول تحصیل عادتش بر این بود که هیچ مطلبی را بدون این‌که خود ببیند، نپذیرد.

این پژوهشگر علوم قرآن با بیان این‌که نگرستن، به آفاق نو دست یافتن، هیجان زده نشدن، با تأنی و تأمل گفتن و نوشتن همه از جلوه‌های شخصیت آیت‌الله معرفت بود، تصریح کرد: خردورزی، آگاهانه و هوشمندانه سراغ اندیشه‌ها رفتن و با همین زاویه به دین، میراث دینی و فرهنگ دینی نگرستن از دیگر ویژگی‌های وی بود. تمامی این ویژگی‌ها از او عالمی پیشرو، روشن‌اندیش و خرافه‌ستیز ساخته بود.

وی با بیان این‌که آیت‌الله معرفت از رواج خرافه‌گرایی در جامعه شکوه می‌کرد، اظهار کرد: ایشان از این‌که این چگونگی گاه دامن کسانی را که داعیه‌هایی نیز دارند گرفته و می‌گیرد رنج می‌برد، او بر این باور بود که عقل درون مایه تفکر شیعی است و در گذرگاه تاریخ هر کس که انصافی داشته است، دوست و دشمن اندیشه شیعی را بدان ستوده است. آیت‌الله معرفت از این‌که می‌دید گاه جاهلان مُتَنسِّک ساحت زیبا و قدسی این مذهب را با اوهام، خرافه و موضع‌گیری‌های تنگ‌اندیشانه می‌آلایند می‌سوخت، با سوز و گدازی تکان‌دهنده از کسان بسیاری سخن می‌گفت که اینجا و آنجا به تشیع گرایش پیدا می‌کنند، اما سخنشان این است که تشیع پذیرفتنی است، اما تشیع پیراسته از آرایه‌ها و خرافه‌ها.

وی خاطر نشان کرد: آیت‌الله معرفت می‌گفت این چه شعار بی‌بنیادی است که «الفضل ما





بزرگان را پیشه خود ساخت. او میراث والای مرتبط با علوم قرآنی را به درستی شناسایی کرد و آنگاه آن همه را به دایره نقد ریخت و مآلا به آرای ابتکاری بکری دست یافت.

نوآوری هایی در مباحث علوم قرآنی و فقه

وی با اشاره به نوآوری های آیت الله معرفت بیان کرد: ایشان در باب نزول، نسخ، تأویل و بطن، قرائت و آرای نو و استواری عرضه کرده است. در مباحث فقهی نیز دیدگاه ها و آرای ارجمندی دارد که این و جه از شخصیت آن بزرگوار کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

آیت الله معرفت؛ شیدای مکتب اهل بیت (ع)

آیت الله معرفت با شناخت و معرفتی ژرف، شیفته اهل بیت (ع) و شیدای مکتب آل الله (ع) بود، بارهای بار با درگذاری عمیقی می گفت که دوری ما از مکتب اهل بیت (ع) ضربه های جبران ناپذیری بر اندیشه و فکر ما وارد ساخته است و جدایی بخش عظیمی از جهان اسلام از این معارف در ابعاد گسترده فرهنگ اسلامی، گرفتاری های شگفتی را دامن زده است.

این استاد حوزه و دانشگاه خاطر نشان کرد: آیت الله معرفت آخرین سال های عمر را یکسر به تدوین تفسیری بزرگ بر پایه آموزه های معصومان (ع) همت گماشته بود و در نقد و تحلیل میراث تفسیری به گونه تطبیقی آنچه را از امامان (ع) آمده بود، با دیگر نحله های تفسیری به عیار سنجی می گذاشت و با شیدایی ویژه ای می گفت که نمی دانید این تطبیق و واری های معارف آل الله (ع) چه جلوه خیره کننده ای دارد. سوره های مبارکه حمد و بقره از این کار بسیار مهم و پژوهش قرآنی ارجمند، سامان یافت و منتشر شد، اما بقیه قرآن با این که روایات و نقل ها گرد آمده است، جامعه قرآنی از تحلیل ها و دقت نظرها و نقدهای آن بزرگوار محروم ماند.

حجت الاسلام مهدوی راد با بیان این که در جریانی که آشکارا بر او ستمی رفته بود و کسی آتش بیار معرکه بود، بسیار دگرگون شدم، گفت: اقداماتی کردم و در اوج آن با استاد تماس گرفتم. آنچنان با آرامش سخن می گفت و از کنار جریان می گذشت که حیرت آور بود. در پایان با لطافتی بیان کرد: «چرا این همه جوش آورده ای من که هدف این همه قرار گرفته ام جوش نیآورده ام، شما چرا؟!» خدایش رحمت کند که پاک زیست، در راه تبیین و ابلاغ دین و تشبیه معارف قرآن و دفاع از ساحت کتاب الهی از هیچ دریغ نورزید و «عاش سعیداً و مات سعیداً».

شهدت به الاعداء»، آنگاه با این شعار در حوزه فضائل معصومان (ع) هر رطب و یابسی را پذیرفتن و ساحت قدسی آن عزیزان را آلودن. چنین بود که او گزارش و بیان فضائل را برای اهل بیت (ع) به هرگونه و با هر محتوی نمی پذیرفت و از آن تن می زد و در این زمینه نقدهای شایان توجهی داشت و می گفت که آستان رفیع معصومان (ع) بی نیازتر از این است که با فضیلت تراشی برای آنان شأن و منزلت بسازیم. آیت الله معرفت از این که حماسه عاشورا و قیام مقدس و نورانی اباعبدالله الحسین (ع) در نقل ها، گزارش ها و بسترها از آن جایگاه والایش فرو می هلد و به خرافه می آمیزد، نالان بود. آیت الله معرفت خود نگاهی عمیق و ژرف به این حادثه داشت و از این که در ایام عزاداری بر منبر نشیند و حقیقت گوئی کند، ایابی نداشت.

وی با اشاره به حدیثی از امام صادق (ع) که «علماء شیعتنا مرابطون فی ثغر الذی یلی ...» خاطر نشان کرد: عالمان آگاه و اندیشمندان بیدار، چشم آگاه زمانه اند، جاری های زمان را می نگرند و با نگاه حقیقت یاب، جریان ها را رصد می کنند تا در مواجهه با آنچه می گذرد به درستی بیندیشند، عمل کنند و موضع بگیرند. جایگاه آیت الله معرفت همچون کسی بود که با چشمانی باز و قلبی بیدار و اندیشه ای پویا جریان روزگار را بیاید، توطئه ها، نقشه ها، هجوم ها، بل شیبخون های دشمن را شناسایی کند و متناسب با آن به حراست و حفاظت از مکتب اقدام کند. وی به حق این چنین بود.

حجت الاسلام مهدوی راد خاطر نشان کرد: از آن روزگاری که با جمعی در کربلای معلای مجموعه ای را پی نهادند تا به پرسش های نوظهور پاسخ دهند و از جمله قلم زنان جدی آن مجموعه خود ایشان بود، تاواپسین روزهای زندگی، کتاب «شبهات و ردود» آن بزرگوار در چنین سمت و سویی رقم خورد، وی برای سامان دادن آن اثر، فراوان مطالعه کرد.

گردآوری بحث های علوم قرآنی از لابه لای متون کهن

وی با بیان این که آیت الله معرفت مبتکر شجاع بود، اظهار کرد: کار بزرگ آیت الله معرفت، شناسایی، گردآوری، تدوین و پرداخت ارجمند و کارآمد پراکنده های گرانقدر میراث بزرگ شیعی در بحث های علوم قرآنی از لابه لای سطور زرین آثار عالمان و عرضه کار افتخار آفرین آن است. آیت الله معرفت از آن روزی که این خلأ را دریافت، با همتی والا و استواری در خود، آهنگ زدودن این خلأ کرد، صرف باز یافت، تنسیق و تدوین و گزارش میراث ارجمند



نقدپذیری و آزاداندیشی؛ ویژگی های بارز تدریس آیت الله معرفت

وی در تبیین جایگاه تألیفات آیت الله معرفت در مکتوبات علوم قرآنی تشیع، تصریح کرد: به اعتقاد من که همیشه آن را در سر کلاس هایم بیان می کنم، اگر علامه طباطبایی در حوزه علمیه تفسیر را احیاء؛ و کرسی تفسیر را برپا کرد، آیت الله معرفت هم اولین کسی هست که به طور رسمی درس علوم قرآن را در حوزه برپا داشت. همچنین آیت الله معرفت اولین کسی است که در شیعه کتاب جامع علوم قرآنی؛ یعنی «التمهید» را نوشت. این دو نکته درباره ایشان هم به لحاظ تدریس در حوزه و هم به لحاظ تألیف کتاب جامع علوم قرآنی التمهید، جایگاه ارزنده و قابل تقدیری را رقم می زند. علاوه بر آن آیت الله معرفت در زمینه های مختلف علمی، پژوهش ها و نوآوری هایی داشت که بحث مفصلی را می طلبد.

وی با بیان این که آیت الله معرفت چند ویژگی داشت که به نظر من این ویژگی ها بر آثار ایشان اثر مستقیم گذاشت، بیان کرد: اولین ویژگی این که وی زمان نگر بود و با زمان حرکت می کرد؛ یعنی نیازها را در محیط علمی کشور می دید، سپس در آن زمینه وارد شده و تحقیق و تألیف می کرد و قلم می زد. به عنوان نمونه کتاب التمهید را زمانی نوشت که احساس می کرد در تشیع نیاز به کتاب علوم قرآنی جامع و کاملی است. آیت الله معرفت در ادامه، کتاب «صیانة القرآن من التحریف» را نوشت؛ زیرا احساس

آیت الله معرفت با داشتن قدرت نقدپذیری به نظرات دانشجویان خود پروبال می داد، وی در تمامی مسائل علمی بنا را بر این گذاشته بود که مقلد نباشد؛ لذا از دیدگاهی که با استنتاج و مذاقه علمی به آن رسیده بود، مردانه و با تمام قدرت دفاع می کرد.



حجت الاسلام فتح الله نجارزادگان، عضو هیئت عملی دانشگاه تهران و از شاگردان آیت الله معرفت، در بیان سابقه آشنایی خود با استادش، اظهار کرد: در سال ۶۴ که در دفتر تبلیغات، واحدی به نام آموزش عالی ایجاد کرده بودند، اولین بار آیت الله معرفت را دیدم و از آن به بعد برای درس علوم قرآن به خدمت ایشان رسیدیم. در آن زمان کسی نبود که بتواند درس علوم قرآن را به صورت تخصصی عرضه کند؛ لذا با آمدن ایشان شور و اشتیاق زیادی در بین طلبه ها ایجاد شد.



منتشر کند، چندین مرتبه برای شاگردان خود بیان می‌کرد و در مراحل مختلف بازخوانی می‌شد تا نهایتاً برای انتشار نهایی به قلم می‌آورد. این مسئله باعث می‌شد که کتاب‌هایشان که پس از چندبار بازخوانی و اصلاح عرضه می‌شد از اتقان و پختگی قابل توجهی برخوردار شود.

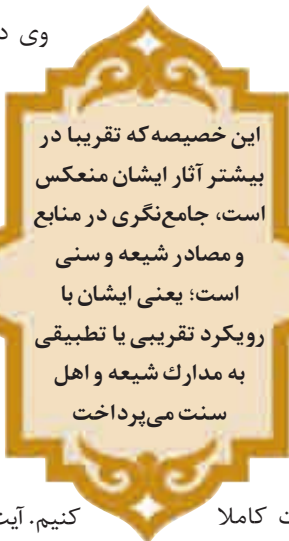
وی در پاسخ به این سؤال که ویژگی‌های تدریس آیت‌الله معرفت چه بود؟ گفت: در چند مقطع در محضر ایشان درس خواندم. در اولین مقطع که در دوره کارشناسی بود، اولین مواجهه من با استاد در سال ۶۴ بود. یادم هست که آن زمان در حوزه علمیه، تا جایی که اطلاع داشتیم کسی نبود که مباحث علوم قرآنی را به شکل تخصصی بگوید و از این نظر مشکلاتی برایمان بود که منجر شد تا چند استاد عوض کنیم. آیت‌الله معرفت در زمانی که حتی کسی نبود که علوم قرآن را به صورت تخصصی عرضه کند، به سر کلاس ما آمدند و التمهید را معرفی کردند. با آمدن ایشان و تدریس بخش‌هایی از التمهید، اشتیاق زیادی در بین طلبه‌ها ایجاد شد و با آمدن ایشان به مباحث قرآنی، تازه فهمیدیم که عرصه علوم قرآن چه عرصه وسیعی است و کاملاً از حوزه تفسیر قرآن کریم مجزا و متمایز است.

حجت‌الاسلام نجارزادگان در بیان ویژگی‌های اخلاقی آیت‌الله معرفت، تصریح کرد: اولین ویژگی که به یاد می‌آورم، نقدپذیری ایشان بود. همیشه به خاطر دارم که هنگامی که اشکالی که به بیانات ایشان به ذهنم می‌رسید و به خودشان عرض می‌کردم، آن‌را پی می‌گرفتند؛ به عبارت دیگر به دانشجو بها می‌داد، با داشتن قدرت نقدپذیری به دانشجوی خود پروبال می‌داد. نکته دیگری که از ایشان سراغ دارم، این‌که آیت‌الله معرفت به ظرفیت دانشجوهایش نیز نگاه می‌کرد که بر این اساس در شیوه‌ای بود که در سیره اهل بیت (ع) هم می‌بینیم؛ یعنی ایشان یک درس عمومی همگانی داشت و یک دوره درس خصوصی؛ در این کلاس‌ها صحبت‌ها و حرف‌های ناگفته‌ای را که نمی‌شد برای عموم بزند، برای افراد خاص بیان می‌کرد.

می‌کرد که با کتابی که محدث نوری در این زمینه نوشت، نیاز به دفاع جدی از کیهان تشیع و حریم قرآن است؛ لذا دست به تألیف آن برد. همچنین کتاب «التفسیر والمفسرون فی ثوبه القشيب» را به این دلیل نوشت که احساس نیاز می‌کرد که کتاب ذهبی کاملاً غیر منصفانه و متعصبانه وارد این عرصه شده است و نیاز است به طور جدی به شبهات آن پاسخ بدهد.

حجت‌الاسلام نجارزادگان با بیان این‌که آیت‌الله معرفت در مسائل فقهی نوآوری‌هایی داشت، تصریح کرد: این ویژگی آیت‌الله معرفت که زمان‌نگری و آشنایی به نیازهای زمانه بود، در تمامی زمینه‌های علمی ایشان نمود داشت؛ به بیانی، حضور در عرصه زمان در جامعه و درک این نیازها از اختصاصات بسیار مهم ایشان بود. یکی دیگر از این ویژگی‌ها که در کتاب‌های آیت‌الله معرفت کاملاً منعکس شده است، حریت و آزادمنشی ایشان است؛ یعنی استاد در مسائل علمی بر این بنا بود که مقلد نباشد و از دیدگاهی که به آن رسیده بود، مردانه و با تمام قدرت دفاع می‌کرد. در برخی موارد ممکن بود که دیدگاه آیت‌الله معرفت با فحول از بزرگان مخالفت داشته باشد که نمونه بارز آن در بحث‌های علوم قرآن بحث تأویل بود. در این مسئله نظر آیت‌الله معرفت با نظر علامه طباطبایی هم خوان نبود، با آن‌که پشت سر نظریه تأویل به معنای حقیقت خارجی، علامه طباطبایی با آن قدرت علمی و عمیق بود، آیت‌الله معرفت در این زمینه هیچ‌باکی نداشت که در برابر چه کسی این نظریه را ابداع می‌کند.

نویسنده کتاب «بررسی تطبیقی مبانی و معارفی از آیات در دیدگاه فریقین» در تبیین یکی دیگر از ویژگی‌های تألیفات آیت‌الله معرفت گفت: این خصیصه که تقریباً در بیشتر آثار ایشان منعکس است، جامع‌نگری در منابع و مصادر شیعه و سنی است؛ یعنی ایشان با رویکرد تقریبی یا تطبیقی به مدارک شیعه و اهل سنت می‌پرداخت؛ بنابراین در بسیاری از تألیفات خود از مدارک اهل سنت بهره می‌برد و بدان اعتنا می‌کرد. از جمله ویژگی‌های دیگر آیت‌الله معرفت این بود که قبل از آن‌که کتاب‌هایشان را



این خصیصه که تقریباً در بیشتر آثار ایشان منعکس است، جامع‌نگری در منابع و مصادر شیعه و سنی است؛ یعنی ایشان با رویکرد تقریبی یا تطبیقی به مدارک شیعه و اهل سنت می‌پرداخت



تعامل با دانشجو در ارائه نظرات؛ شیوه تدریس آیت الله معرفت



نظر کردن را در مقابل استاد می‌داد، همین امر باعث می‌شد که کلاس‌هایشان زنده باشد و همین امر باعث می‌شد که نظرات علمی آیت‌الله معرفت پخته‌تر باشد؛ چرا که در کلاس درس نظرات چکش خورده بود. از ویژگی‌های پژوهشی آیت‌الله معرفت این بود که هر مقاله و کتابی را که قصد نگارش داشت، ابتدا در کلاس درس مطرح می‌کرد و بعد از بحث‌هایی که با طلاب و دانشجویان داشت، نهایتاً نظر خود را مکتوب، و منتشر می‌کرد و همین روحیه باعث ماندگاری نظراتش شده است.

مؤلف «وحی‌شناسی» با بیان این‌که آیت‌الله معرفت پایه‌گذار علوم قرآنی در شیعه بودند، عنوان کرد: گرچه قبل از آیت‌الله معرفت، اهل سنت کتاب‌های جامع علوم قرآنی مانند «برهان زرکشی»، انتقان سیوطی نگاشته بود، منتها در جهان شیعه، کتاب مستقل علوم قرآنی نبود و به طور پراکنده در آثار تفسیری به مباحث علوم قرآنی پرداخته بودند؛ لذا در شیعه اولین شخصی که به طور مستقل اثری در علوم قرآن تألیف کرد، آیت‌الله معرفت بود که در ۷ جلد، «التمهید فی علوم القرآن» را نگاشت.

کریمی با بیان این‌که آیت‌الله معرفت در علوم قرآنی نظرات ابتکاری ارائه کرده است، عنوان کرد: ابتکارات آیت‌الله معرفت باعث شده بود که افرادی با وی مخالفت کنند و لذا گاه خود از فضایی که علیه ایشان بود گله می‌کرد و می‌گفت: «بارها به منتقدان خود گفته‌ام که نقدهای خود را مکتوب ارائه دهند». مطلب بعدی در مورد آیت‌الله معرفت این است که ایشان با این‌که نظرات همراه با نوآوری

شیوه درسی استاد معرفت به گونه‌ای بود که به دانشجویان میدان سخن گفتن و اظهار نظر در مقابل استاد می‌داد، همین امر باعث می‌شد که کلاس‌های ایشان زنده باشد و همین امر باعث می‌شد که نظرات علمی‌اش پخته‌تر باشد؛ چرا که در کلاس درس نظرات چکش خورده بود.



حجت‌الاسلام والمسلمین مصطفی کریمی، عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، در مورد نحوه آشنایی خود با آیت‌الله معرفت گفت: آشنایی بنده با آیت‌الله معرفت به سال‌های شروع به تحصیل در رشته علوم قرآنی بازمی‌گردد و هر ترتم چند درس مختلف با ایشان داشتیم. ایشان در کلاس درس خصوصیت ویژه‌ای داشتند، به نحوی که در کلاس‌ها نظرات خود را به بحث می‌گذاشتند و حتی نظراتی که قرار بود به صورت کتاب منتشر شود، ابتدا در کلاس مطرح و به بحث در میان طلاب و دانشجویان قرار می‌دادند و با سعه صدر به سخنان و اظهار نظرها و همچنین سؤال‌های طلاب و دانشجویان پاسخ می‌دادند. تقریباً اکثر سرفصل‌های علوم قرآنی مانند عدم تحریف قرآن و همچنین تفاسیر روایی را از ایشان استفاده کردیم.

مدرس حوزه علمیه قم خاطرنشان کرد: شیوه درسی استاد معرفت به گونه‌ای بود که به دانشجویان میدان سخن گفتن و اظهار



آیت الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) بود، به نحوی که آیت الله معرفت بارها از دیدارها و بحث‌های علمی که بین خود با مقام معظم رهبری رخ داده بود، یاد می‌کرد.

بود، ولی هیچ‌گاه خالی از دقت و شتابزده نبود، بلکه روی نظرات خویش تأمل‌های بسیاری را انجام می‌داد و با رعایت همه جوانب نظریه را مطرح می‌کرد.

آیت الله معرفت؛ از پیشگامان تقریب مذاهب

عضوهیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، تقریبی بودن آیت الله معرفت را ویژگی دیگر وی دانست و افزود: نکته بعدی در مورد آیت الله معرفت این است که در آثار خود به اتحاد شیعه و سنی نظر داشت؛ لذا می‌توان آیت الله معرفت را از پیشگامان تقریب مذاهب اسلامی در ایران دانست؛ لذا در آثار خود سعی می‌کرد مطلبی بنویسد که باعث تحریک احساسات طرف مقابل نشود. نکته مهم‌تر در مورد آیت الله معرفت این است که طی

آیت الله معرفت؛ متواضع، نقدپذیر، خستگی ناپذیر

این محقق حوزه علمیه قم با اشاره به این‌که خصوصیت دیگر آیت الله معرفت، تواضع و فروتنی بود، اظهار کرد: به خاطر فروتنی و تواضع آیت الله معرفت، دانشجویان و طلاب به راحتی با ایشان رابطه برقرار می‌کردند و سؤال‌ها و شبهات خود را به راحتی بیان می‌کردند و با این‌که دارای مقام بالایی علمی بود با تواضع بسیار بالایی تدریس در سطوح مختلف و حتی در مراکز کوچک علمی را می‌پذیرفت و همچنین پایان‌نامه‌های مختلف دوره‌های کارشناسی ارشد و دکترا

را می‌پذیرفت. نکته حائز اهمیت در مورد آیت الله معرفت این است که معمولاً سعی می‌کرد که نوآوری‌های خود را در کرسی‌های نظریه‌پردازی و یا نشست‌های علمی بیان کند تا به راحتی بتواند آن را در معرض نقد قرار دهد؛ مانند نظریه «تأویل و متن» و یا مسئله «خبر واحد در تفسیر حجت است یا خیر؟» که در نشست‌های علمی مطرح شد و استاد معرفت به نظرات منتقدان توجه می‌کرد و به همین دلیل نظراتش پخته و ماندگار است.

طی طریق کردن در مسیر وحدت شیعه و سنی باعث نشد تا از بیان حقایق که نشان از حقانیت تشیع است دست بکشد، بلکه بر حقایق و مبانی تشیع پافشاری می‌کرد و سعی در پاسخ‌گویی به شبهات آن‌ها داشت

طریق کردن در مسیر وحدت شیعه و سنی باعث نشد تا از بیان حقایق که نشان از حقانیت تشیع است دست بکشد، بلکه بر حقایق و مبانی تشیع پافشاری می‌کرد و سعی در پاسخ‌گویی به شبهات آن‌ها داشت

وی نقدپذیری را از مهم‌ترین خصوصیت‌های اخلاق پژوهشی آیت الله معرفت دانست و اظهار کرد: هم‌اکنون آثاری از استاد معرفت؛ مانند التمهید و تفسیر اثری منتشر شده که سرآمد نگاشته‌هایش است و علت آن هم این‌که در معرض نقد قرار گرفته است، چنانچه جلد اول تفسیر اثری در زمان حیاتش با تیراژ محدود منتشر شد و قصد استاد از انتشار کم این کتاب این بود که کتاب در معرض نقادی متخصصان قرار گیرد.

تقدیم شهید به انقلاب؛ نشانه پابندی آیت الله معرفت به آرمان‌های نظام

کریمی با بیان این‌که نگارش آیت الله معرفت باعث شده بود که اهل سنت با آرای ائمه (ع) و تشیع آشنا شوند، افزود: چون در کتاب‌های آیت الله معرفت توهین و سبی به بزرگان آن‌ها نبود و با احترام نظرات اندیشمندان آن‌ها را پاسخ می‌داد؛ لذا علما و فضایی اهل سنت، آثار آیت الله معرفت را مطالعه می‌کنند و به همین طریق با آرای اهل بیت (ع) آشنا شدند و همین امر سبب حرکت آن‌ها به سوی آشنایی با اهل بیت (ع) شد. ویژگی دیگر آیت الله معرفت، شخصیت انقلابی وی است، در نجف در درس خارج فقه امام (ره) شرکت کرده و ولایت فقیه امام را برای نخستین بار به عربی ترجمه کرد. بعد از انقلاب نیز مدافع نظریه ولایت فقیه بود و کتابی را در این زمینه نگاشت و حتی فرزندش نیز در راه امام و انقلاب به مقام شهادت رسید و بعد از رحلت امام خمینی (ره) نیز همراه رهبر معظم انقلاب،

مؤلف کتاب «وحی‌شناسی» علاقه بسیار به تحقیق و پژوهش را خصوصیت اخلاقی استاد معرفت دانست و خاطر نشان کرد: از سجایای اخلاقی که باید الگوی طلاب و دانشجویان قرار گیرد خستگی ناپذیری استاد معرفت در فعالیت‌های علمی و پژوهشی است، به نحوی که نقل شده است که استاد از جوانی ۱۰ تا ۱۲ ساعت در روز مطالعه علمی داشت و این حالت تا اواخر عمر ادامه داشت و به همین خاطر است که در آثار استاد، عمق و دقت و جامعیت بالایی دیده می‌شود. هیچ کاری به اندازه فعالیت در مسیر پژوهش وی را خرسند نمی‌کرد؛ چرا که به هر حال آیت الله معرفت احیا کننده علوم

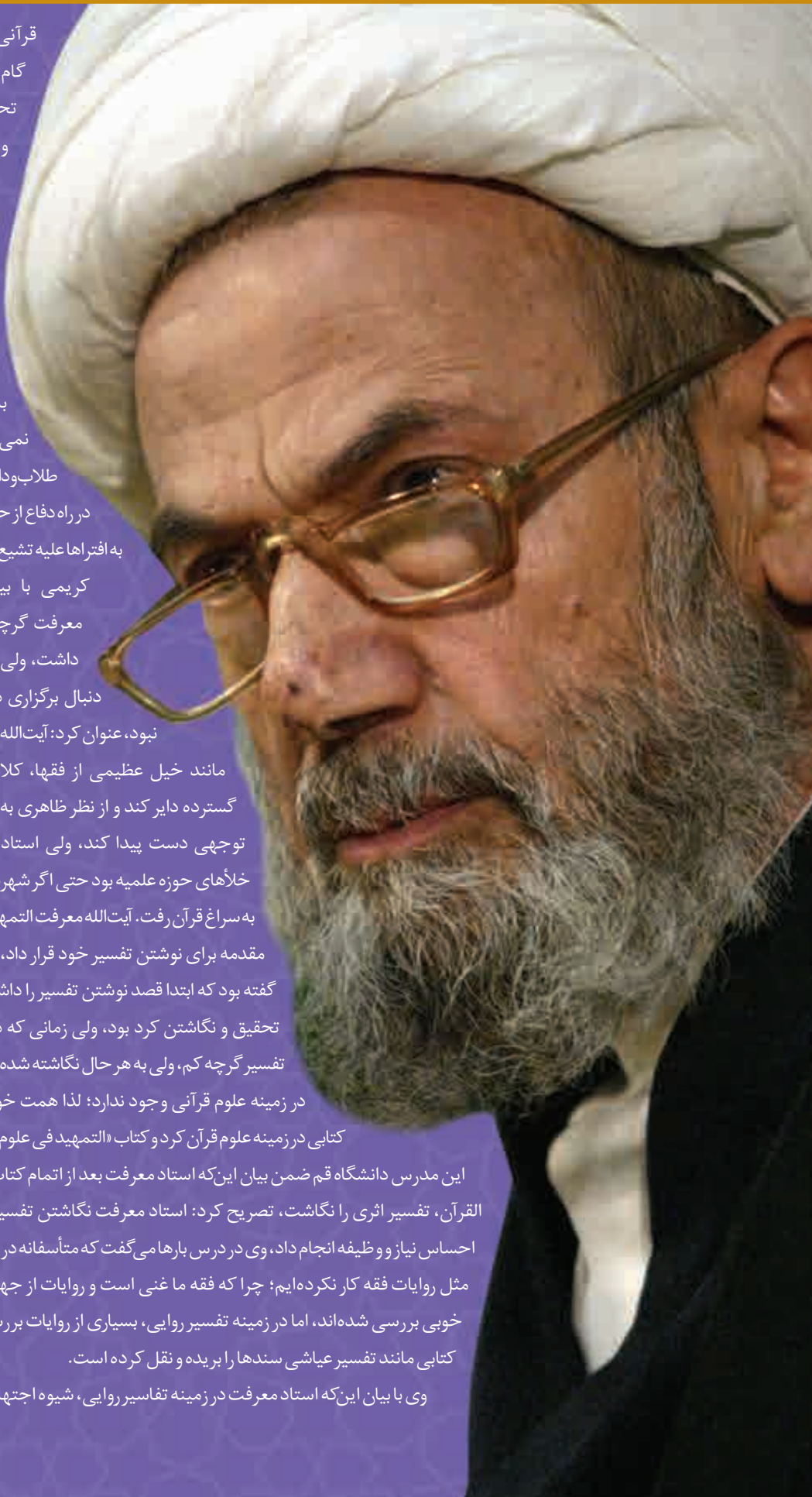


قرآنی در شیعه بود؛ لذا گام برداشتن در مسیر تحقیقات استاد در واقع گام برداشتن در مسیر پویا کردن علوم قرآنی در جهان شیعه است و همان‌گونه که استاد، شیعه را از این افترا که شیعیان به قرآن اهمیت نمی‌دهند، خارج کرد، طلاب و دانش‌پژوهان شیعه نیز در راه دفاع از حقانیت تشیع و پاسخ به افتراها علیه تشیع گام گذاشته‌اند.

کریمی با بیان این‌که آیت‌الله معرفت گرچه درس خارج فقه داشت، ولی مانند دیگر فقها به دنبال برگزاری درس خارج فراگیر نبود، عنوان کرد: آیت‌الله معرفت می‌توانست مانند خیل عظیمی از فقها، کلاس‌های درس فقه گسترده دایر کند و از نظر ظاهری به مقام و جایگاه قابل توجهی دست پیدا کند، ولی استاد به دنبال پر کردن خلأهای حوزه علمیه بود حتی اگر شهرت نداشته باشد؛ لذا به سراغ قرآن رفت. آیت‌الله معرفت التمهیدی علوم القرآن را مقدمه برای نوشتن تفسیر خود قرار داد، خود استاد معرفت گفته بود که ابتدا قصد نوشتن تفسیر را داشته است و شروع به تحقیق و نگاشتن کرد بود، ولی زمانی که دید در جهان شیعه تفسیر گرچه کم، ولی به هر حال نگاشته شده، ولی کتابی مستقل در زمینه علوم قرآنی وجود ندارد؛ لذا همت خود را صرف نگاشتن کتابی در زمینه علوم قرآن کرد و کتاب «التمهید فی علوم القرآن» را نگاشت.

این مدرس دانشگاه قم ضمن بیان این‌که استاد معرفت بعد از اتمام کتاب التمهید فی علوم القرآن، تفسیر اثری را نگاشت، تصریح کرد: استاد معرفت نگاشتن تفسیر اثری را نیز از روی احساس نیاز و وظیفه انجام داد، وی در درس بارها می‌گفت که متأسفانه در زمینه تفسیر روایی؛ مثل روایات فقه کار نکرده‌ایم؛ چرا که فقه ما غنی است و روایات از جهت دلالت و سند به خوبی بررسی شده‌اند، اما در زمینه تفسیر روایی، بسیاری از روایات بررسی نشده است و یا کتابی مانند تفسیر عیاشی سندها را بریده و نقل کرده است.

وی با بیان این‌که استاد معرفت در زمینه تفاسیر روایی، شیوه اجتهادی را انتخاب کرد،





«التمهید فی علوم القرآن» و «تاریخ قرآن» برای دانشجویان و طلاب بازنویسی، و توسط انتشارات سمت منتشر شده است و البته در این کتاب اولویت‌های کتاب درسی بیشتر مورد ملاحظه قرار گرفته است، گاه برخی از آثار استاد معرفت برای فهم بهتر و تعامل با مخاطب، خود تلخیص و بازنویسی کرد و این علم‌کرد، نشان دهنده دغدغه تدوین کتابی در جهت فهم و آموزش بهتر در زمینه علوم قرآنی است. روش استاد معرفت در تفسیر قرآن، روش جامع اجتهادی است، روش جامع اجتهادی؛ یعنی از همه منابع در تفسیر استفاده شود و اهل بیت (ع) نیز از هر منبعی (نه برای فهم خودشان؛ چراکه آن‌ها عدل قرآن هستند) برای تعلیم ما استفاده کرده‌اند؛ مثلاً از تمثیل، قرآن، و ادبیات استفاده کرده‌اند و آنچه ما از استاد معرفت آموختیم همین روش بود؛ یعنی در فهم و تفسیر قرآن خود را منحصر به یک شیوه عقلی و یا حدیثی صرف نکنیم، بلکه متناسب با آیه از عقل، نقل و حتی تمثیل استفاده کنیم.

این قرآن پژوه در مورد انگیزه آیت‌الله معرفت در تألیف تفسیر اثری اظهار کرد: استاد معرفت، متناسب با ضرورتی که دید به سراغ تألیف تفسیر اثری رفت و منظورش از تألیف چنین کتابی این نبوده که روش او در تفسیر قرآن صرفاً حدیثی باشد. باید توجه کرد که ما یک مکتب تفسیری و یک عمل تفسیری داریم. استاد معرفت در عمل و بنا به ضرورت، تفسیر اثری را نگاشت که نشان دهد که شیوه صحیح تفسیر اثری چیست و به یک معنا قصد جمع‌آوری روایات تفسیری را داشت، ولی مکتب تفسیری استاد روش اجتهادی است به این معنا که باید از همه منابع و به شیوه اجتهادی استفاده کرد. وی بارها در کلاس درس می‌گفت که شخص برای مفسر شدن باید مجتهد باشد و مجتهد کسی است که تلاش علمی برای استخراج نظریه می‌کند که اگر نظریه در فقه باشد، نظریه پرداز فقیه نامیده می‌شود و اگر نظریه در قرآن باشد، نظریه پرداز مفسر نامیده می‌شود. وی معتقد بود که برای این‌که بتوان نظر قرآن را یافت باید یک تلاش جامع علمی کرد.

مؤلف کتاب قرآن و قلمروشناسی دین در مورد نظر آیت‌الله معرفت در ترجمه قرآن گفت: استاد معرفت معتقد بود که ترجمه قرآن نباید فردی باشد؛ چراکه برخی از آیات بحث علمی مهمی را بیان می‌کند که باید متخصص در آن رشته آن را ترجمه کند؛ لذا باید متخصصان رشته‌های مختلف دینی جمع شوند تا آیاتی را که در مورد آن رشته‌ها بوده است، تحقیق و تفحص کنند. استاد در تفسیر موضوعی نیز قائل به تفسیر جمعی بود و این نظرش را در کتاب تفسیر و مفسران بیان کرد که بدین‌گونه متخصصان علوم مختلف در موضوع تخصصی خود، قرآن را تفسیر کنند؛ لذا ایشان معتقد بود که تفسیری مطلوب است که از همه منابع عقل، نقل و یافته‌های علمی و قرآن استفاده شود و مجموعه این‌ها تفسیر جامع اجتهادی نامیده می‌شود.

گفت: گرچه تفسیر روایی در شیعه؛ مانند نورالثقلین و... نگاشته شده است، همچنین به این صورت که تفسیر روایی اجتهادی باشد و از روایات اهل بیت (ع) و صحابه استفاده شود، نبوده است و استاد معرفت این نوآوری را انجام داد. استاد معرفت هر جا احساس نیاز می‌کرد به سراغ رفع آن می‌رفت؛ چراکه شیوه صحیح تحقیق این نیست که آنچه که داریم را نشان دهیم و یا منتشر کنیم. شیوه استاد معرفت این بود که در آنچه که جامعه نیاز داشت، دست به تحقیق و پژوهش می‌زد و شهید مطهری هم همین رویه را داشت و متناسب با نیازهای جامعه و زمان دست به تحقیق و پژوهش می‌زد.

این قرآن پژوه با بیان این‌که زمانی که مباحث جامعه مدنی مطرح شده بود، استاد معرفت با توجه به نیازسنجی جامعه ترجیح داد کتابی در این زمینه بنگارد، عنوان کرد: این رویه استاد معرفت به مخاطب و جامعه نشان می‌دهد که ایشان هر جا که احساس می‌کرد صحنه‌ای خالی است، از فعالیت در آن حوزه مضایقه نمی‌کرد و همین امر باعث شد در زمینه مرجعیت و فقهت ظهور زیادی نکند؛ چرا که اشخاص و بزرگوارانی بوده‌اند که در زمینه فقهت فعالیت کرده‌اند و باید پژوهشگران، دانشجویان و طلاب به این شیوه اقتدا کنند؛ یعنی نیاز جامعه را تشخیص داده و متناسب با مخاطب پژوهش‌های خود را ارائه دهیم. کتاب‌های آیت‌الله معرفت به دلیل این‌که حاصل تدریس بود برای اساتید و دانشجویان به عنوان یک متن درسی مفید است. نوشتن کتاب گاه به این صورت است که فرد حاصل تأمل‌های خود را می‌نگارد، بدون این‌که آن نظریه در معرض نقد قرار گیرد، قطعاً چنین کتابی توان ارتباط با مخاطب را ندارد؛ چرا که در صدد تعامل با مخاطب نیست و گاه کتاب حاصل سخنرانی است که در این حالت گرچه تعامل بهتری با مخاطب وجود دارد، ولی به نحو مطلوب نیست؛ چرا که سخنرانی و اظهار نظر کردن در جمع موجودات ذی‌شعور سبب می‌شود که سخنرانان با توجه به سطح معلومات مخاطب نظرات خود را بگویند و احیاناً از میان حاضران سؤال‌هایی در فهم بهتر مطلب مطرح شده است که در نگارش سخنرانی و تعامل متن با مخاطب مؤثر است با این حال کتاب درسی تلقی نمی‌شود. بهترین نحوه نگارش کتاب درسی بدین‌گونه است که نظریه در کلاس درس مطرح شده و پس از تعامل با سطوح مختلف دانشجویان و پژوهشگر که موجب جرح و تعدیل نظریه می‌شود در نهایت آن نظریه مکتوب می‌شود و استاد معرفت در نگارش کتاب‌های خود از این شیوه استفاده می‌کرد؛ یعنی آثار مکتوب استاد، حاصل تدریس در حوزه نجف و قم بود؛ لذا می‌توان ایشان را نقطه تلاقی حوزه نجف و قم در مباحث علوم قرآنی دانست.

مؤلف کتاب «وحی‌شناسی» عنوان کرد: کتاب‌های استاد مانند



شناخت زمانه؛ مهم‌ترین ویژگی آیت‌الله معرفت



شناخت زمانه، درک نیازها و عدم نیازها از مهمترین ویژگی‌های شخصیتی آیت‌الله معرفت بود.



«زهره اخوان مقدم»، عضو هیئت علمی دانشکده علوم قرآنی تهران، در بررسی روش و دیدگاه‌های تفسیری و علوم قرآنی آیت‌الله معرفت گفت: بزرگداشت عالمان و متفکران و مؤلفان در حقیقت بزرگداشت علم، اندیشه، تفکر و قلم است؛ یعنی جدا از شخص مورد نظر، خود این کار اهمیت دارد، اگر این عالمان، اندیشمندان و مؤلفان در حوزه علوم قرآن باشند به قول معروف «نور علی نور» خواهد بود.

وی افزود: تکریم و بزرگداشت این افراد به نوعی تکریم و بزرگداشت قرآن، دین و مکتب تشیع است و پاسداشت این افراد، به پاسداشت حرمت دین منتهی می‌شود. امیدوارم که با شناخت و ارج گذاشتن به این افراد که عمر خود را صرف دین و قرآن و دانش و علم کرده‌اند، از کسانی باشیم که امیرالمؤمنین (ع) در خطبه‌ای در موردشان فرمودند: «مواظب باشید که جامعه شما جامعه

جاهلی نباشد»، و از نشانه‌هایی که در مورد جامعه جاهلی معرفی کردند این بود که فرمودند: «بارض عالمها ملجم و جاهلها مکرم؛ جاهلان قدر می‌بینند و بر صدر می‌نشینند و عالمان لجام به دهن دارند» امیدواریم که با بزرگداشت این‌گونه عالمان جامعه ما به سوی پیشرفت حرکت کند و این‌گونه بزرگداشت‌ها قبل از وفاتشان انجام گیرد.



واقع‌نگری نسبت به حساسیت‌های موجود؛ از صفات مهم آیت‌الله معرفت

این محقق و مدرس در ادامه سخنانش اظهار کرد: ویژگی‌هایی در شخصیت آیت‌الله معرفت می‌بینیم که اکنون مطرح می‌کنم. وی از دانش‌آموختگان کربلا و نجف بود که سالیان زیادی از محضر علمای این دو حوزه مشهور کسب علم کرد، از نظر فقهی مجتهد مسلم بود و به دلایلی که بعداً عرض خواهیم کرد، به نشر رساله عملیه اقدام نکرد و تمام عمر خودش را وقف علوم قرآنی کرد. ویژگی‌های شخصیتی جالب و منحصر به فردی داشت که در بین



است، وقتی بحران به وجود آمد، ضربه خوردیم و زمانی که بیدار شدیم، متوجه شدیم که دشمنان کلی پیشرفت کردند و به هدف خود نزدیک شدند. در این موقع به تلاش پرداختیم و به مقابله برخاستیم و بیشترین نیروی ما صرف جبران خسارت‌ها شده است، به جای این‌که صرف پیشرفت شود.

مدرس دانشگاه امام صادق (ع) گفت: لذا شناخت زمان و دریافتن نیازهای روزگار و فهمیدن نیاز و درد مخاطب و آنگاه نوشتن و تألیف کتب بسیار مهم است و آیت‌الله معرفت این‌گونه بود، به عنوان مثال در همه دوره‌ها شیعه فقه پویایی داشته است و علمای برجسته شیعه در این عرصه قدم‌های زیادی برداشتند، اما متأسفانه از حوزه‌های دیگر غافل شدیم؛ یعنی همه توان صرف فقه شده است. آیت‌الله معرفت

با درک این نیاز و خلأ و با برطرف کردن این مشکل با توجه به این‌که مجتهد مسلم بود، به نگارش رساله عملیه پرداخت و وارد عرصه علوم قرآن و برطرف کردن و حل کردن مشکلات و خلأهای این عرصه شد. مشکلات و شبهه‌های زیاد و خیلی جدی داریم که کیان اسلام را به خطر انداخته است که باید حل شود. مشکلات زیادی در حول قرآن کریم، امامت، زیارت، ادعیه، مسائل اجتماعی، به خصوص مسائل زنان و... داریم که باید حل شود، اکنون نیاز و ضرورت جامعه در حل این مسائل است که آیت‌الله معرفت برای حل این‌گونه معضلات وارد عرصه شد و واقعا در حد توان خود از عهده کار هم برآمد. مطالعات علوم قرآنی در حوزه‌های شیعه در حد مطلوبی قرار نداشت، در این حوزه اهل سنت و حتی مستشرقان کارهای مهمی انجام داده بودند و چندین کتاب علوم دین و قرآنی برای اولین بار توسط مستشرقان منتشر شد که در ادامه بیشتر توضیح می‌دهم. معمولاً قبل از این‌که بیماری و شبهه به حدی برسد و قبل از این‌که عمومی شود و به پیکر اسلام ضربه بزند، باید بیدار بود و به حل و پیشگیری از آن پرداخت؛ مثلاً در حوزه حدیث از اهل سنت بسیار جلو هستیم؛ چون در صد سالی که آن‌ها منع حدیث داشتند، شیعه این وقفه را ندارد و با منابع پیوسته روبروست. به برکت اهل بیت (ع) در نقل

دانشمندان کشور کم است، اولین مورد که از دیگر جنبه‌های شخصیت او بیشتر است، شناخت کامل زمان و زمانه بود.

وی شناخت زمانه را مهم‌ترین ویژگی آیت‌الله معرفت و یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مورد نیاز علما دانست و در این باره تصریح کرد:

واقع‌نگری نسبت به حساسیت‌های موجود از صفات

شخصیتی مهم آیت‌الله معرفت بود، وی

حساسیت‌های زمانه را درک می‌کرد و نگاه صحیحی

به این حساسیت‌ها داشت، احساس به

این نیازها و همچنین عدم

نیازها را درک می‌کرد. این

کار خیلی مهم است، گاهی

وقت‌ها ممکن است کسی نیازها را درک کند، اما

عدم نیازها را درک نکند و به کناری نگذارد و در

نتیجه توان او تحلیل می‌رود. صرف وقت و توان بر

سر نیازها و عدم نیازها باعث تحلیل توان او می‌شود، آیت‌الله

معرفت با درک شناخت زمانه و درک نیازها و عدم نیازها تمام توان

خود را صرف نیازها می‌کرد و نکته جالب این است که وقت خود را

صرف عدم نیازها نمی‌کرد، اما دانشمندان زیادی داریم که اگرچه

ممکن است از مفاخر باشند، به دنبال علایق خود بودند و یا به کار

تکراری و موازی با دیگر دانشمندان می‌پرداختند و به نیازها و

مسائل بکرو دست نخورده نمی‌پرداختند تا خلأها را پر کنند.

اخوان مقدم خاطر نشان کرد: نیازهای درون مذهبی بسیار مهم

است، حتی نیازهای درون دینی هم مغفول مانده، اما کارهای

موازی و غیر ضرور هم زیاد وجود دارد. به قول معروف بعضی

از دانشمندان با نیازهای زمان حرکت نمی‌کردند،

وقایع و جریان‌ها را تحلیل و خاستگاه آن را بررسی

نمی‌کردند؛ لذا می‌بینیم که وقایع و مشکلات

در طول تاریخ برای ما تکرار

شده‌اند؛ چون ریشه‌های

آن بررسی و سنجیده نشده و

در نتیجه در طول زمان، آن‌ها تکرار شده

است. وقتی مقدمات این مسائل فراهم و رشد کرد،

کسی آگاهی نداشت که این مقدمه موجب وقوع

اتفاقات ناگوار می‌شود تا جلوی آن را بگیریم، اگر دقت در

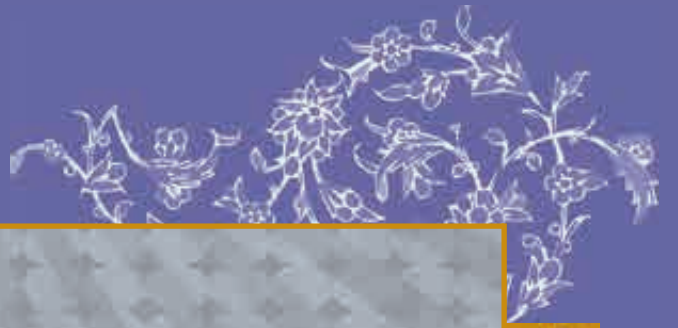
خاستگاه‌ها می‌کردند، این مشکلات مجدداً برای ما تکرار نمی‌شد؛

لذا می‌بینیم که در درون شیعه و یا در درون حوزه اسلام به طور کلی

با مشکلاتی دست به گریبان هستیم که علت آن فقط عدم شناخت

وی حساسیت‌های زمانه را درک می‌کرد و نگاه صحیحی به این حساسیت‌ها داشت، احساس به این نیازها و همچنین عدم نیازها را درک می‌کرد. این کار خیلی مهم است

آیت‌الله معرفت با درک این نیاز و خلأ و با برطرف کردن این مشکل با توجه به این‌که مجتهد مسلم بود، به نگارش رساله عملیه پرداخت و وارد عرصه علوم قرآن و برطرف کردن و حل کردن مشکلات و خلأهای این عرصه شد



حدیث شیعه فاصله‌ای

نیفتاده است، اما اهل سنت

حدود ۹۰ سال در نگارش حدیثشان فاصله

افتاده است. بعد از این فاصله در زمان عمر بن عبدالعزیز

از خلفای بنی امیه دستور نگارش حدیث صادر شد.

عضو هیئت علمی دانشکده علوم قرآنی تهران گفت: اهل

سنت برای برطرف کردن و زدودن از ذهن تاریخ در مورد حدود ۹۰

ساله نگارش نیافتن احادیثشان، کتاب‌های متعددی نوشته‌اند تا

این نقص را از چهره مطالعات حدیثی خود پاک کنند تا ثابت کنند که

این‌گونه نبوده است که صد سال نگارش حدیث نداشته باشیم،

اگرچه این حکم حکومتی بوده، ولی افرادی به نگارش احادیث

دست زدند. از نظر مکتوبات حدیثی، شیعه مشکلی ندارد، ولی از

نظر مشکلات جانبی؛ مانند علم رجال و درایه و به خصوص

فقه الحدیث همیشه ما بعد از اهل سنت بودیم، علمای شیعه

اهتمامی به این امور نداشتند، فکر می‌کردند که این علوم اهمیتی

ندارد و لذا می‌بینیم که همیشه اهل سنت در این امور پیش قدم

بودند. مسائلی که در علوم

قرآن مطرح می‌شود، همیشه

مطرح بوده، ولی به این نام و عنوان تقریباً

حدود یک قرن است که مطرح شده است و دانشکده‌های

علوم قرآن و رشته علوم قرآن به وجود آمده و کتاب‌های زیادی

در این باره به صورت مجزایی نوشته شده است. چنین عنوانی را در

زمان‌های قبل نمی‌بینیم.

مدیر گروه علوم قرآن دانشکده علوم قرآنی تهران در این باره

افزود: البته این مسائل همیشه در مقدمه تفاسیر و در ذیل آیات

مربوط به این مباحث نوشته می‌شد. تألیفات تک‌نگاری هم در این

علوم درباره ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه، قرائات و اعراب قرآن

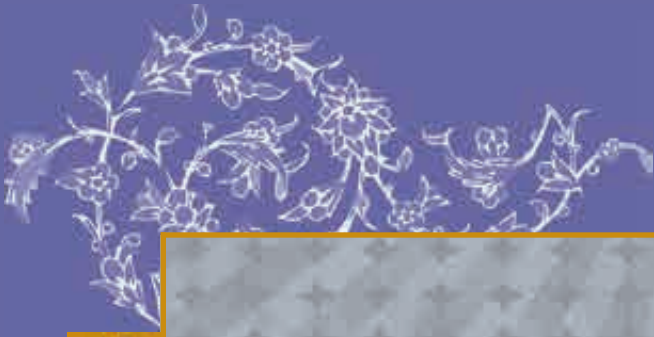
و... نوشته شده است، اما جامع‌نگاری در این باره نداشتیم. در قرن

هشتم، در میان اهل سنت جامع‌ترین کتاب در علوم قرآن توسط

«بدرالدین زرکشی» (متوفی ۷۹۴ ه.ق) نوشته شد. وی کتابی با عنوان

«البرهان فی علوم القرآن» را نوشت که ۴۷ فن علوم قرآنی را در این

کتاب جمع‌آوری کرد. همچنین عالم دیگری از اهل سنت که استاد



سیوطی است، کتابی با نام «مواقع العلوم فی مواقع النجوم» نگاشته که در آن ۵۰ فن علوم قرآنی را جمع آوری کرد.

اخوان مقدم در ادامه بررسی سیر تاریخی نگارش علوم قرآنی خاطر نشان کرد: در قرن نهم، جلال الدین سیوطی کتاب خود با نام الاتقان فی علوم القرآن را نوشت. وی در ابتدا برای نوشتن این کتاب به کتاب مواقع العلوم استنادش مراجعه کرد، اما وقتی برهان زرکشی را پیدا کرد، این کتاب را بهتر دید و کتاب خود را بر روی آن بنا کرد. سیوطی ۸۰ نوع از انواع علوم قرآنی را در کتاب خودش مطرح کرد.

بعد از او زرکانی از علمای اهل سنت مناهل العرفان فی علوم القرآن را نوشت که این کتاب هم بسیار موسع است. تا قرن چهاردهم؛ یعنی از قرن هشتم که زرکشی شروع به نگارش کتاب جامع علوم قرآن کرد تا قرن چهاردهم از شیعه هیچ اثر جامعی در علوم قرآنی نمی بینیم؛ یعنی شش قرن تمام گذشت، ولی علمای شیعه کتابی جامع در مورد علوم قرآنی ننوشتند تا الاتقان سیوطی در حوزه های شیعه اینقدر مطرح نشود.

مدرس دانشگاه امام صادق (ع) گفت: امروزه این کتاب جزو منابع دوره کارشناسی ارشد و دکترای علوم قرآن است؛ چرا باید این گونه باشد. علمای شیعه به فکر نگارش کتاب جامعی در علوم قرآن نبودند؛ مثلاً علامه بلاغی (متوفی ۱۳۵۲) در مقدمه تفسیر آلاء الرحمن بسیار محققانه به مباحث علوم قرآن پرداخت، اما فقط به دفع شبهه همت گمارد، کل قضایا را مطرح نکرد یا آیت الله خوئی در مقدمه تفسیر که به نام البیان فی علوم القرآن مطرح است، بسیاری از مباحث علوم قرآن را محققانه نوشت، اما به صورت کتاب جامعی در علوم قرآن و آن هم جداگانه نیست. آیت الله معرفت تنها عالم شیعی بود که به صورت مستقل به علوم قرآنی در کتابی جداگانه پرداخت. وی در کتاب التمهید فی علوم القرآن این جای خالی و خلأ علمی را با زحماتی که کشید، پر کرد و کتابش به حق کتاب محققانه و جامع است، اگرچه در بعضی جاها به نظر بعضی از بزرگان و بنده قابل نقد است، اما جای عیب و نقصی نیست، مطالب علمی باید نقد شود، در کل کتاب محکم و فحیمی است.

مدرس دانشگاه الزهرا (س) در ادامه سخنانش به بررسی جایگاه علوم قرآنی در میان مستشرقان پرداخت و گفت: درباره لغات قرآن و پیدا کردن آسان آیات، هیچ عالم از اهل سنت و شیعه وارد نشدند، تا این که مستشرق آلمانی به نام «فلوگل» به این کار اهتمام کرد، وی لغات قرآن را دسته بندی کرد و کتاب نجوم الفرقان فی اطراف القرآن که فهرست معجم کلمات وارده قرآن است را تدوین کرد. بعد از نگارش این کتاب «محمد فؤاد

عبدالباقی» کتابش را به زبان عربی ترجمه کرد و اصلاحات و اضافاتی هم در آن انجام داد، همچنین اولین کسی که کتاب تاریخ قرآن را نوشت «نولدکه» آلمانی بود، این کتاب شهرت جهانی پیدا کرد و مطالب غلط و نادرست آن منتشر شد و سپس در مورد اشتباهات آن مطالبی منتشر شد. همچنین کتاب مذاهب التفسیر الاسلامی را نیز «گلدزیهر» نوشت و مفسران و تفسیرها را طبقه بندی کرد.

وی افزود: بعد از او ذهبی از علمای اهل سنت کتاب التفسیر و المفسرون را نوشت که تعصبات دینی و فکری خودش را در جای جای کتابش پیاده کرده است؛ یعنی در بسیاری از مواقع از حوزه انصاف خارج شده است و حرف هایی را در مورد شیعه، معتزله و زیدیه که دلیل علمی ندارد و فقط بر اساس تعصب مذهبی اش بوده است، بیان کرده است. در این حوزه هم این آیت الله معرفت بود که خلأ را احساس کرد و متوجه شد که از حوزه شیعه هم باید کتاب در این مورد نگاشته شود، با توجه به آن نکاتی که مورد توجه شیعه است که کتاب التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب را نوشت، که کتابش بسیار ارزنده ای است، اگرچه نقدهایی را بر این کتاب دارم، اما کتاب بسیار جالبی است و مهم این است که این خلأ را هم آیت الله معرفت پر کرد.

دیدگاه آیت الله معرفت درباره آیه ۷ سوره مبارکه آل عمران
اخوان مقدم درباره معرفی کتاب التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب گفت: آیت الله معرفت در این کتاب به مطالب بسیار مهمی اشاره، و تفسیر و تأویل را کاملاً مطرح کرد، ذیل بررسی تأویل اشاره به آیه ۷ سوره مبارکه آل عمران «وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ

آیت الله معرفت تنها عالم شیعی بود که به صورت مستقل به علوم قرآنی در کتابی جداگانه پرداخت. وی در کتاب التمهید فی علوم القرآن این جای خالی و خلأ علمی را با زحماتی که کشید، پر کرد و کتابش به حق کتاب محققانه و جامع است

وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ» دارد، بر اساس این که واو، واو عطف باشد یا استیناف، باید بپذیریم که تأویل را غیر از خدا کسی نمی‌داند. آیت الله معرفت در این بحث توضیح بسیار جالبی ارائه می‌کند و معتقد است که تأویلی که در این آیه مطرح شده، منظور بخشی از آیاتی است که به صفات خداوند مربوط می‌شود؛ یعنی از بحث کردن در کنه ذات خداوند ممنوع شدیم؛ چون کنه ذات خداوند را کسی غیر از خداوند نمی‌داند. هر چیزی که ما در تعریف خداوند بگوییم زائیده، مخلوق و تصور ذهن ما است و خداوند اجل و اکرم از ساخت ذهن بشری است. در باب صفات خداوند منع تأویل داریم، در بقیه موارد سفارش و دستور به تعقل و تدبر شده است.

این محقق و مدرس در ادامه سخنانش اظهار کرد: با توجه به این که در موارد بسیاری از قرائت صرف نهی شدیم و تأکید بر تدبر همراه تلاوت شده، پس منظور چیست؟ پس حق تلاوت که در سخنان ائمه (ع) آمده برای چیست؟ آیت الله معرفت در این بخش به شرح خطبه ۹۱ نهج البلاغه پرداخته که اصطلاح راسخون در علم در این خطبه آمده است. آیت الله معرفت می‌گوید راسخون در علم در این آیه و کلام حضرت امیر (ع) معنای به خصوصی دارد و باید در هر دو غور و بررسی کنیم، منتهی در این غور و بررسی هم باید از خداوند استمداد بگیریم و هم از اهل بیت (ع)؛ یعنی جدا از این‌ها نباید به قرآن نزدیک شد. کسی که جدا از این‌ها بخواهد قرآن را فهم کند، فهم‌ها و تعبیرهای غلط از آن به دست می‌آید که گاهی مخالف صریح قرآن و روایات است.

وی تصریح کرد: جالب است که راجع به تأویل هم آیت الله معرفت و هم علمای دیگر تصریح کردند که آیات متشابه یک طیف است؛ یعنی این‌گونه نیست که از کل آیات قرآن، بگوییم که این تعداد از آیات متشابه است، اگر این‌گونه بود که تشابه حل می‌شد و مشکل برطرف می‌شد. هر کسی با توجه به علمی که به قرآن دارد، آیات متشابه برای او کمتر می‌شود؛ یعنی ممکن است برای بنده هزار آیه متشابه باشد؛ چون علم کم است؛ یعنی در هزار آیه به شبهه می‌افتم، ولی شاید برای علامه طباطبایی ۵ آیه متشابه در قرآن هم وجود نداشته باشد. تعداد متشابهات بسته به علم هر کسی است که قرآن را مطالعه می‌کند، وگرنه اگر آیات

متشابه مشخص بود، ائمه (ع) تشابه را برطرف می‌کردند و یا علما و مفسران تشابه آن را برطرف می‌کردند؛ لذا آیت الله معرفت به قول ابن ابی الحدید استناد می‌کند که وی می‌گوید اگر قرار بود تأویل متشابهات را غیر از خدا کسی نداند، پس در انزال قرآن و این آیات متشابه و در مخاطب قرار دادن این‌ها چه فایده‌ای وجود دارد. قرآن کریم در آیه شریفه ۷ سوره مبارکه آل عمران می‌فرماید: «مِنَ آيَاتِ مُحْكَمَاتٍ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ» اگر قرار است که تفسیر متشابهات را متوجه نشویم، به این معناست که بخش مهمی از قرآن از حوزه انتفاع ساقط می‌شود که از خدای حکیم چنین کاری بعید است و این بهترین دلیل است.

تفسیر صحابه از منظر آیت الله معرفت

مدرس دانشگاه امام صادق (ع) گفت: همچنین آیت الله معرفت در کتاب التفسیر و المفسرون به موضوع مهم حجیت تفسیر صحابه پرداخته است. وی در این مورد می‌گوید که دو شرط لازم است تا تفسیر صحابه حجیت پیدا کند؛ یکی صحت اسناد است و دیگری این که از صحابه طراز اول باشند؛ یعنی این که آیت الله معرفت معتقد است که همه صحابه از جهت فهم آیات در یک ردیف نبودند. طراز اول بودن صحابه شرط مهم است و این که سندی که معرفی می‌کند، برای این است که بگوید این مطلب را بنده از پیامبر (ص) شنیدم. این هم بحث دیگری است، اگر این دو شرط جمع شد این تفسیر صحابه حجیت دارد؛ یعنی ما می‌توانیم به آن استناد کنیم. همچنین آیت الله معرفت به قول علامه طباطبایی استناد می‌کند، علامه می‌گوید که حجیت قول پیامبر (ص) طبق آیه ۴۴ سوره نحل محرز است، اما تفسیر سایر امت حجیت ندارد، فقط پیامبر (ص) است که شأن تبیین آیات الهی را دارد. علامه طباطبایی معتقد است قول این‌ها وقتی حجت است که دلالت بر قول پیامبر (ص) کند؛ یعنی محرز شود که صحابه، قول پیامبر (ص) را بیان می‌کنند.

مدرس دانشگاه الزهراء (س) در ادامه سخنانش گفت: علامه طباطبایی تصریح می‌کند که هیچ نص قابل اعتمادی مبنی بر این که قول صحابه یا تابعان حجت است، نداریم. آیت الله معرفت هم می‌گوید که تفسیر صحابه به شرط آنکه



راهی که به این صحابی می‌رسد و طریقی که صحابی سخنش را به پیامبر(ص) مستند می‌کند، طریق صحیحی باشد، قابل قبول است زیرا صحابی هم بشری است مثل بقیه مردم، درست است که انتسابی به پیامبر(ص) دارد، ولی معصوم که نیست تا قولش برای ما حجت باشد. آیت‌الله معرفت به قول سید رضی در این باره اشاره می‌کند که وی می‌گوید: «صحابه نزدیک‌ترین کسانی هستند که به زمان نزول قرآن نزدیک بودند، آیت‌الله معرفت می‌گوید که این‌گونه بود، ولی قولشان به شرطی حجیت دارد که حاکی از قول پیامبر(ص) باشد. آیت‌الله معرفت در ادامه این بحث در التفسیر و المفسرون، قول زرکشی و... را هم مطرح می‌کند. زرکشی در این مورد می‌گوید: «تفسیر صحابه ولو این‌که اگر نگوید از قول پیامبر(ص) است، حجیت دارد.» زرکشی در اقامه دلیلش می‌گوید: «همان طور که حاکم نیشابوری گفته است.» هیچ وقت تفسیر صحابی نمی‌تواند همانند تفسیر پیامبر(ص) دارای حجیت باشد، به هر حال تفسیرهای صحابی نباید به پیامبر(ص)

مستند شود، درست است که ممکن است از پیامبر (ص) باشد، اما ممکن است از پیامبر (ص) نباشد و برداشت خودش باشد. به صرف این که صحابی در زمان پیامبر (ص) بود، نمی‌توان گفت که مطلبی را از پیامبر (ص) در این باره شنیده است که این مطلب را بیان کرد. بنابراین با اقوال صحابی باید با دقت بیشتری برخورد کرد.

رد داستان ورقه بن نوفل با دلیل متقن و محکم

تاریخی در التمهید

وی در ادامه سخنانش به اهمیت کتاب التمهید فی علوم القرآن پرداخت و گفت: آیت الله معرفت در این کتاب به مباحث مهم علوم قرآنی پرداخت و در اکثر موارد بحث‌های شافی و کافی ارائه کرد و واقعا در بسیاری از بحث‌ها قول فصل زد؛ مثلا در موضوع وحی، در موضوع بعثت پیامبر (ص) روایتی داریم که متأسفانه در کتاب‌های معروف اهل سنت آمده که در بعضی از منابع شیعی هم هست که همان داستان ورقه بن نوفل است، در حیرتم که چگونه جرأت می‌کنیم که چنین داستان‌هایی را درباره پیامبر (ص) بگوییم و در کتاب‌ها بنویسیم. آیت الله معرفت به زیبایی هرچه تمام‌تر و با دلیل متقن و محکم تاریخی این داستان را رد می‌کند. با این که کتب بخاری و مسلم، و سیره ابن هشام و تاریخ طبری که دو کتاب مهم حدیثی اهل سنت و دو کتاب تاریخی مهم اهل سنت هستند، همه به بی‌سوادی ورقه بن نوفل اشاره دارند، در بعثت پیامبر (ص) ورقه بن نوفل به عنوان مرجع پیامبر (ص) معرفی می‌شود. داستان از این قرار است که وقتی پیامبر (ص)

مبعوث شدند، از شدت ابهت جبرئیل (س) بیهوش شدند به حدی که خدیجه (س) کسی را دنبال پیامبر (ص) فرستاده بود، ایشان را پیدا نکردند. بعد پیامبر (ص) به هوش آمدند و به هراسناک و ترسناک به خانه بازگشتند و به همسرشان خدیجه (س) فرمودند که از همانی که می‌ترسیدم اتفاق افتاد، خدیجه (س) پرسید چه شده، پیامبر (ص) داستان را برایش توضیح داد و خدیجه (س) او را راهنمایی کرد و برای کسب راهنمایی پیش ورقه بن نوفل می‌روند. ورقه بن نوفل به پیامبر (ص) می‌گوید که شما پیامبر (ص) شدید. این داستان را آیت الله معرفت در این کتاب نقل می‌کند و به زیبایی هرچه تمام‌تر و با دلیل متقن و محکم تاریخی این داستان را رد می‌کند.

بررسی و حیانی بودن الفاظ و مفاهیم قرآن در

التمهید

مطلب دیگری که آیت الله معرفت در کتابش به آن می‌پردازد، و حیانی بودن الفاظ قرآن است. از بحث‌هایی که امروزه خیلی معروف شده و نزدیک به نیم قرن است که مطرح شده این است که می‌گویند که معنای قرآن و حیانی است، اما الفاظش و حیانی نیست، جالب اینجاست که به آیه‌های خود قرآن هم استناد می‌کنند که یکی آیه ۹۷ سوره مبارکه بقره «فَأِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَيَّ قَلْبًا» و دیگری آیه ۱۹۳ سوره مبارکه شعرا است که می‌فرماید: «نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ» این گروه معتقدند که معنای قرآن بر قلب پیامبر (ص) نازل شده، بعد پیامبر (ص) این معنای را با انشای خویش در قالب الفاظی از خودشان بیان کردند.



نمی‌توانسته در ماه مبارک رمضان سال اول بعثت نازل شده باشد.

بررسی افسانه غرائق در التمهید

اخوان مقدم در ادامه گفت: یکی از بحث‌های دیگر که آیت‌الله معرفت در کتاب التمهید به آن پرداخته و به زیبایی به آن پاسخ گفته، افسانه غرائق است که کتاب «آیات شیطانی» با توجه به همین افسانه نوشته شده است، آیت‌الله معرفت به زیبایی این افسانه را مطرح و با دلایل عقلی، نقلی و تاریخی آن را رد می‌کند، به گونه‌ای که هیچ شبهه‌ای در این افسانه باقی نمی‌ماند.

بررسی جمع قرآن در التمهید

مسئله دیگری که آیت‌الله معرفت در التمهید به آن می‌پردازد، مسئله جمع قرآن است، سید مرتضی و آیت‌الله خوئی معتقدند که قرآن همان طور که اکنون موجود هست، در زمان پیامبر(ص) همین طور جمع شد. بنده معتقدم اگر زمان جمع‌آوری قرآن را بعد از پیامبر(ص) بدانیم، این‌گونه است که فضا را برای منتقدان و مخالفان پیامبر(ص) باز کردیم. اکنون ریشه‌های بسیاری از شبهه‌های مستشرقان در جمع‌آوری قرآن است. آیت‌الله معرفت نظر زید بن ثابت را در این کتاب آورده، اما انتظار می‌رفت که شخصیت‌شناسی از این شخص داشته باشد و همچنین جریان‌شناسی نسبت به آن زمان داشته باشد که چگونه ممکن است چنین کاری را انجام دهد؟ چگونه ممکن است پیامبر(ص) نسبت به انجام چنین کار مهمی - جمع‌آوری قرآن - بی‌اهمیت باشند و بعد صحابه به این فکر افتادند!

وی افزود: آیت‌الله معرفت در کتاب التمهید به این بحث پرداخته و بسیار زیبا توضیح می‌دهد که در این دو آیه مراد این نیست که معانی بر قلب پیامبر(ص) نازل شده است، این دو آیه نشان می‌دهند که گیرنده‌ای که این وحی را گرفته قلب پیامبر(ص) است و این خیلی واضح است که این کلام وحی، کلامی نیست که با گوش بتوان آن را شنید، چنانچه در خیلی از مواقع صحابه نشسته بودند و وحی نازل می‌شد، اما هیچ کس جز پیامبر(ص) آن را نمی‌شنیدند؛ چون ابزار گرفتن این وحی گوش نبود، قلب پیامبر(ص) بود. مسئله سومی که آیت‌الله معرفت در این کتاب به آن پرداخته است، آغاز نزول قرآن است، آن‌هایی که در این بحث هستند، می‌دانند که در این مورد چقدر مناقشه وجود دارد. طبق آیات شریفه: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ» و «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» معتقدند که قرآن در اولین ماه مبارک رمضان بعثت نازل شده است، اما شیخ مفید و سید مرتضی با این عقیده مخالفت کردند و دلایل متقن در ردش هم اقامه کردند، آیت‌الله معرفت هم به این بحث پرداخته و می‌گوید که هرکسی به این عقیده پایبند باشد به ظواهر قرآن توجه کرده است. آیت‌الله معرفت می‌گوید که ظاهر قرآن نشان می‌دهد که آیات يك دفعه نازل نشده است؛ چون از يك گذشته دوری خبر می‌دهند و یا آیات شأن نزول مخصوص دارند؛ مثلاً به آیه «وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ» توجه کنید، این آیه خبر و صحبت از گذشته می‌کند، چگونه ممکن است این آیه سال‌ها بعد از وقوع جنگ بدر نازل شده باشد، از نظر عقلی امکان‌پذیر نیست و نمونه‌های فراوانی می‌آورد و با خود آیات قرآن ثابت می‌کند که قرآن

خلاصه‌ای از مطالب فصل اول

در هر موضوعی که رسیده، با نقل اخبار و احترام به جایگاه آن، خودش نیز نظر داشت؛ در حقیقت کار بزرگ ایشان همان مسئله علوم قرآنی است که در شیعه در مقدمه تفاسیر بوده و ایشان به عنوان مستقل بحث کرده است. همانند کتاب «الاتقان فی علوم القرآن» سیوطی و یا کتاب «البرهان فی علوم القرآن» زرکشی.

وجه تمایز کتاب‌های علوم قرآن اهل سنت با کتاب «التمهید» مرحوم آیت‌الله معرفت این است که آن تألیفات بیشتر ناقل بیانات گذشته هستند، اما آیت‌الله معرفت یک محقق هست و خلأی را که در این بخش بود، پر کرد. کتاب التمهید هر کجا که برود، افتخار آیت‌الله معرفت و افتخار حوزه علمیه و شیعه است؛ زیرا این کتابی است که تنش ندارد و در عین حالی که تحقیق دارد خالی از تنش است. یکی از ویژگی‌های بارز آیت‌الله معرفت اخلاص وی بود؛ روزی که آن بزرگوار به سراغ بحث‌های قرآنی رفت، پژوهش در علوم قرآنی، تفسیر و تلاش در آستان قرآن نه تنها نام نمی‌آورد و نان به چنگ نمی‌نهد، که آوازه را می‌زدود. قصه پر غصه تعطیلی درس تفسیر آیت‌الله العظمی سیدابوالقاسم خوئی تحت فشار فقه‌مداران و اصول‌گرایان از نیازهای جامعه بی‌خبر در خاطره‌ها مانده است. ایشان در واقع خودسازی را تا مرز

امیر مؤمنان (ع) نخستین کسی است که به تفسیر قرآن پرداخته و دیگر مفسران تلامیذ ایشان هستند. از نظر مسلمانان (عامه) مفسر بزرگ ابن عباس است که در واقع شاگرد امیر مؤمنان (ع) است. بعد از پیامبر اکرم (ص) عترت ایشان پیوسته در شرح و تبیین قرآن کوشش کردند و در حقیقت، معلمان قرآن بودند. پس از اهل بیت (ع)، علمای شیعه به قرآن اهتمام ویژه‌ای داشتند. علمای شیعه که جمعی از آنان اصحاب عترت رسول اکرم (ص) و گروهی هم که از رهروان غیبت آن بزرگواران بودند، تفسیرهای متعددی بر قرآن نوشته‌اند و نویسندگی آنان هم یک نواخت نیست. یکی از نقاط مهمی که در تفسیر لازم است، علوم قرآن است. علوم قرآن را شیعیان غالباً در مقدمه تفاسیر می‌نوشتند. به عنوان نمونه تفسیر «صافی» مقدمه را اختصاص داده به علوم قرآنی و همچنین مرحوم طبرسی این مسائل را در اوایل مجمع‌البیان آورده است.



به باور آیت‌الله العظمی سبحانی، مرحوم آیت‌الله معرفت، در حقیقت قهرمان علوم قرآن است که توانست در عصر ما مجموع علوم قرآنی را در هفت جلد به نام التمهید منتشر کند. نه تنها ناقل باشد، بلکه محقق هم باشد. علامه مجلسی



خودسوزی پیش برد. آنان وی را می‌شناختند، تردیدی نداشتند که او به لحاظ فقهی از اقران خود هیچ کم نداشت و میدان مرجعیت برای او کاملا گشوده بود، اما او گام نهاد. آیت‌الله معرفت با درک درست از نیاز جامعه شیعی به پژوهش‌های قرآنی روی آورد، وی با «اخلاص» و «پیراسته جانی» که به او مجال می‌داد تا فارغ از شرایط نامطلوب فضای جامعه، به آنچه روا و شایسته و بایسته بود، بپردازد. آیت‌الله معرفت در این راه گام برداشت و آثاری جاودان پدید آورد.

ویژگی دیگر آیت‌الله معرفت جستجوگری و نستوهی بود؛ آن بزرگوار یکسره تلاش، جوشش و کوشش بود، زندگی او یکسره فراگیری و فرادهی بود. همواره می‌اندیشید، در می‌یافت، یافته‌ها را به محکم می‌زد، عبارسنجی می‌کرد و نشر می‌داد و با این همه هرگز بر آنچه که از پس سالیان پژوهش و تأمل و درنگ‌ریستن یافته بود تعصب نمی‌ورزید. با این‌که آیت‌الله معرفت سالیان پایانی عمر که سنین کهولت خود را می‌گذراند، همچنان پرشور در حرکت و پویایی بود و حضورش را در مجامع علمی، پژوهشی و آموزشی نکاسته بود.

غیرت دینی، استوار گامی معرفتی، حضور فکری در عینیت جامعه، دغدغه حراست از مکتب و سوز و گداز او در پاسداشت حقایق دین و آموزه‌های آیین مبین، مثال زدنی بود. او مردی پویا، متحرک، نواندیش و چنانکه پیش‌تر گفتم زمان‌شناس بود.

آیت‌الله معرفت نمی‌توانست از جاری‌های زمان به دور باشد. چنان که در جوانی و در کربلا همراه جریان نواندیش حوزه در نگارش و عرضه حقایق دینی حاضر بود. برای اثبات عشق و علاقه او به انقلاب تنها اشاره به فرزند شهیدش کافی است. آیت‌الله معرفت فرزندش را که طلبه‌ای کوشا و فاضلی ارجمند بود را روانه میدان کرد. وی به این فرزند علاقه‌ای ویژه داشت و به تعبیر خود «جگر گوشه بل تمام امیدش» بود. با این وجود هنگامی که فرزندش شهید شد، استوار ایستاد، چنانکه از او انتظار می‌رفت.

آیت‌الله معرفت معتقد بود اگر کسی فکر کند و فکر وقتی روی فکر بیاید، بالاخره چیز تازه‌ای تولید می‌کند. ایشان به بیان خودشان، از اول تحصیل عادتش بر این بود که هیچ مطلبی را بدون این‌که خود بیندیشد، نپذیرید. اگر علامه طباطبایی در حوزه علمیه تفسیر را احیاء؛ و کرسی تفسیر را برپا کرد، آیت‌الله معرفت هم اولین کسی هست که به طور رسمی درس علوم قرآن را در حوزه برپا داشت و همچنین اولین کسی است که در شیعه کتاب جامع علوم قرآنی؛ یعنی التمهید را نوشت.

از مهم‌ترین ویژگی‌های آیت‌الله معرفت زمان‌نگری وی بود. حرکت با زمان یعنی این‌که نیازها را در محیط علمی کشور می‌دید، سپس در آن زمینه وارد شده و تحقیق و تألیف می‌کرد و قلم می‌زد. به عنوان نمونه کتاب التمهید را زمانی



دو هفته نامه

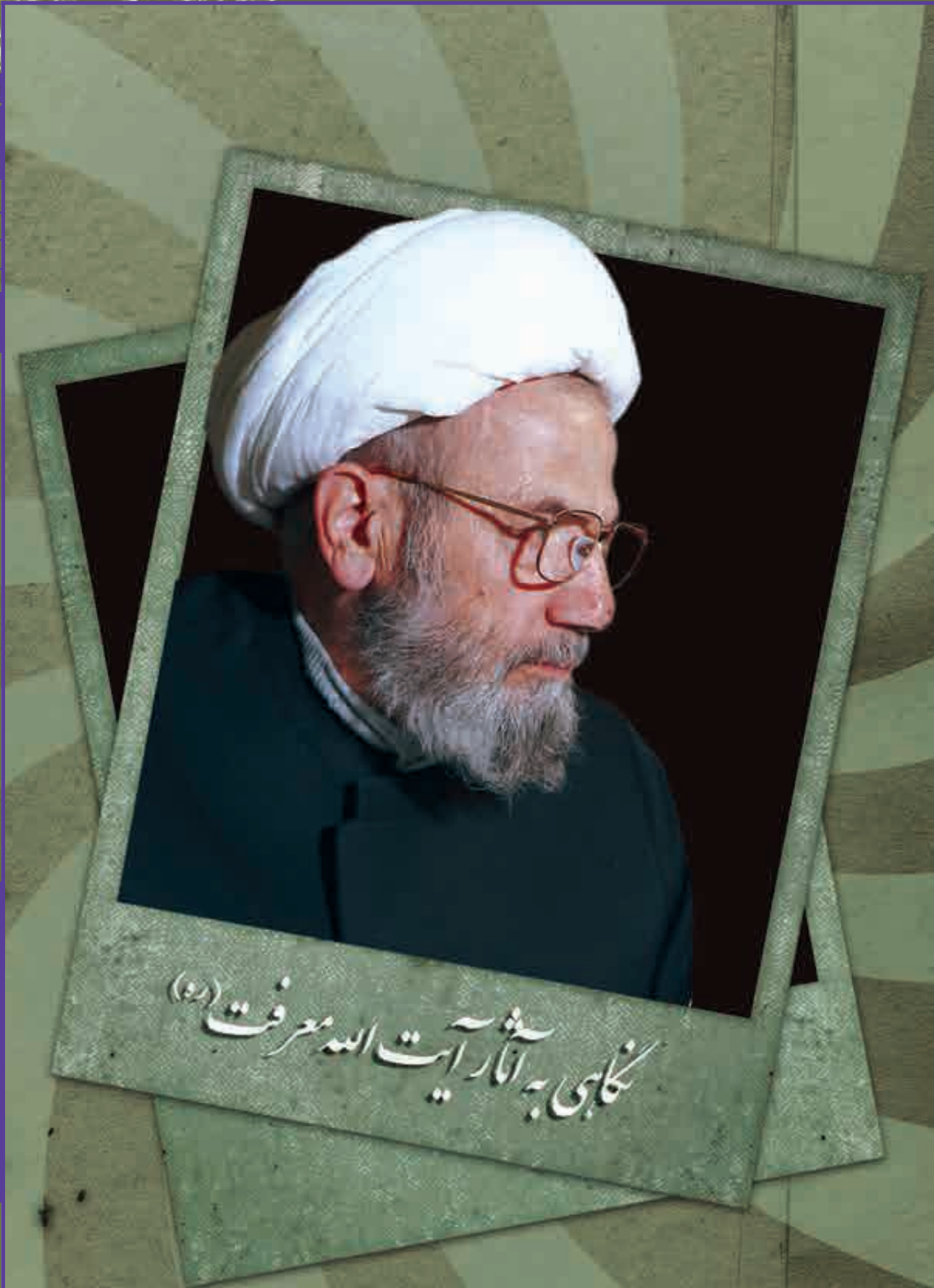
راهی

سال ششم

شماره ۷۹

۱۵ اردیبهشت ۱۳۸۹

۵۱



کتابی به آثار آیت الله معرفت (ره)

آیت الله معرفت (ره)؛ احیای علوم قرآنی در دوران معاصر

معرفی آثار آیت الله معرفت (ره)

دومین شماره

راهی

سال ششم

شماره ۷۹

۱۵ اردیبهشت ۱۳۸۹

۵۲



التمهید فی علوم القرآن

را همراه شاهد قرآنی و توضیح تفصیلی عناصر مؤثر در اعجاز بیانی ذکر کرده و مهمترین نظریات دانشمندان و مؤلفان جهان اسلام را در این زمینه به بحث گرفته است. در بخش پایانی این جلد فصاحت قرآن بررسی شده و توضیحات ارزشمندی ارائه شده است.

جلد ششم تا دهم به ترتیب شبهات و ردود حول القرآن الکریم، و صیانة القرآن من التحریف و جلد اول و دوم التفسیر و المفسرون است که به دلیل اهمیت موضوع این چهار کتاب به صورت جداگانه چاپ شده است. مجموعه التمهید چنان که خود استاد آورده اند به منظور دفاع از حریم تشیع و اثبات نقش آفرینی بزرگان این مذهب در نشر علوم و معارف قرآنی حاصل بیش از سی سال تحقیق و تتبع همه جانبه است.

این کتاب در موضوع علوم قرآن نگارش یافته و ده جلد است:

جلد اول شامل مقدمه و دو بخش است که به بررسی دو پدیده وحی و نزول قرآن، و جمع آوری قرآن و یکسان سازی مصاحف پرداخته است.

جلد دوم نیز در دو بخش به بررسی قرائات و نسخ اختصاص یافته است.

جلد سوم به موضوع محکم و متشابه اختصاص یافته و تأویل آیات متشابه از نظر استاد بیان شده است

جلد چهارم به موضوع اعجاز قرآن پرداخته و ضمن واژه شناسی اعجاز، ابعاد اعجاز قرآنی، نظریات و آرای دانشمندان مسلمان را در مورد اعجاز قرآن نقد و بررسی کرده است.

جلد پنجم درباره اعجاز بیان قرآنی است که این موضوع



التفسير و المفسرون

فی ثوبه القشيب

ویژگی مهم این کتاب آن است که استاد بارها آن را قبل از انتشار در حوزه قم و مشهد - دانشگاه علوم اسلامی رضوی تدریس کرده و در طی تدریس با یادکرد فصلهای تازه درکمال آن کوشیده است. ویژگی دیگر این کتاب منابع گسترده آن است؛ هر منبعی که می توانسته بر غنای مبحث بیفزاید مورد توجه قرار گرفته است. از دیگر ویژگیهای این کتاب نوآوری و ابتکار است. از ویژگیهای دیگر این کتاب دفاعنامه از حریم مذهب شیعه و اهل سنت است. همچنین با امعان نظربه دامنه اباحت تاریخ تفسیر یک دوره کامل این دانش از بررسی اصطلاحات گرفته تا ادوار شکل گیری تفسیر و مکاتبات تفسیری با یاد کرد یک یک کتب تفسیری فریقین در این کتاب مطرح شده است و بالاخره یکی دیگر از ویژگی های این کتاب، قوت قلم نویسنده است، چنان که روح عربیت و احاطه به زوایای بیانی این زبان برای تبیین مقاصد نویسنده در سراسر آن می جوشد. این کتاب از روز انتشار مورد استقبال و توجه محافل علمی و دانشگاهی قرار گرفته و تنها کتابی است که مباحثی مبسوط درباره تفسیر و مفسران دارد.

این کتاب در دو جلد، از یک مقدمه کوتاه و سه بخش تشکیل شده است. بخش اول شامل مباحثی مفهوم شناسانه در مورد واژگان تفسیر و مباحث مرتبط با آن و بخش دوم شامل مراحل پنج گانه تفسیر و بخش سوم به بیان روشهای تفسیری اختصاص دارد. مباحث مهم بخش اول عبارت است از علوم مورد نیاز مفسر، بطلان توهم انحصار تأویل قرآن به خدا و توفیقی بودن تفسیر قرآن، بیان مراد از تفسیر به رأی، توضیح حجت ظواهر قرآن با بیان روش قرآن در انتقال و بیان مطالب، بررسی مشروعیت، امکان و روشهای ترجمه و ارزیابی دیدگاههای فقهای شیعه و سنی در این خصوص و مهمترین عناوین بخش دوم اشاره به پنج مرحله تفسیر از عهد رسالت و دوران صحابه و تابعان و تفسیر در دوران اهل بیت (علیهم السلام) است.

در بخش سوم که در واقع زیر مجموعه مرحله پنجم تفسیر است، دو روش تفسیر متأثر و تفسیر اجتهادی مورد بحث قرار گرفته است. ایشان تفسیر متأثر را به چهارگونه تفسیر قرآن به قرآن، قرآن به سنت، به قول صحابی و قول تابعی تقسیم کرده و سپس به آفات و آسیبهای تفسیر متأثر اشاره می کند. ضعف اسناد، وضع و دستبرد در روایات و اسرائیلیات را سه آفت بزرگ این روش تفسیری برمی شمردند و در روش تفسیر اجتهادی ضمن بیان تعریفی از این روش به انواع تفاسیر اجتهادی اعم از فقهی و جامع می پردازند و سپس به تفاسیر جامع معاصر و نوع گرایش علمی و اجتماعی که دارند پرداخته اند. ایشان در ذیل هر عنوان به معرفی مهمترین تفاسیر معاصر اهتمام ورزیده اند.

استاد در تعقیب مباحث این بخش از تفاسیر ادبی، لغوی، متشابهات، تفاسیر مختصر، تفاسیر عرفانی (رمزی و اشاری) نام برده و مهمترین تفاسیر هرگرایش را معرفی کرده اند.

تذکرمی شود این کتاب با افزایش هایی، به فارسی تحت عنوان تفسیر و مفسران برگردانده و چاپ شده است.

تفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب

التفسير الأثرى الجامع

این کتاب که در واقع آخرین اثر ماندگار استاد به شمار می رود، شیوه ای نوین در تفسیرنگاری قرآن است و در نوع خود یک تفسیر روایی و نقلی است که جامع تمام روایات تفسیری شیعه و اهل سنت است. آن چه این کتاب را از دیگر کتابها ممتاز ساخته ویژگیهای ذیل است:

اولاً، جمع و تنسيق روایات فریقین در کنار یکدیگر که در راستای تقارن بین مذاهب و تقریب آن ها گام بلندی است؛ ثانیاً، بررسی صحت و سقم روایات و نقد عالمانه آن هاست، چنان که خود استاد می گویند: «روایات تفسیری جملگی به صورت خام در کتابها عرضه شده و کاری که فقها بر روی روایات فقهی انجام داده اند بر روی روایات تفسیری انجام نگرفته است ولذا سلیم و سقیم آن به هم در آمیخته است، برای جداسازی و تعیین سرنوشت نخبه تفاسیر روایی با همت دوستان فاضل خویش به این امر خطیر اقدام نمودم (گلستان قرآن، شماره ۱۹۹، ص ۹)»



ثالثاً، عرضه

روایات تفسیری اهل بیت (علیهم السلام) به

جهان اسلام و نشان دادن برتری

آن بر منقولات دیگران، ایشان در این راستا می فرمودند: «هدف ما صرفاً جمع آوری نیست، بلکه هدف اصلی و اساسی ما اثبات این مدعاست که فهم عمیق قرآن بدون اهل بیت (علیهم السلام) خوشه چینی کرده اند.» بدیهی است خلق چنین اثری تفسیری با این رویکردهای فراگیر و گسترده و اهدافی بلند، نیازمند همکاری جمعی از اندیشمندان و متخصصان و استفاده از همه امکانات روز و آخرین دستاوردهای نرم افزاری علمی و کتابخانه ای است. بر این

اساس استاد فرزانه تعدادی از فضایی قرآن پژوه را برای فیش برداری از تمام روایات و احادیث فریقین از کتابهای مختلف انتخاب کرد و کارش را از اوائل سال ۱۳۷۹ شمسی آغاز نمود و تا آخرین روز عمر با برکتش (آخردی ماه ۱۳۸۵) لحظه ای از تحقیق و تتبع و تدوین این اثر قیم و گرانسنگ باز نایستاد.

در تدوین این کتاب نخست تمام روایات تفسیر نورالثقلین از منابع شیعی و تفسیر الدرالمثور از منابع اهل سنت مبنای اصلی کار قرار گرفت. در کنار این دو کتاب از ده منبع تفسیری شیعه مثل تفسیر قمی، عیاشی، طبرسی، طوسی، بحرانی، رازی، امام حسن عسگری (علیه السلام) و... و همچنین ده منبع تفسیر اهل سنت مثل طبری، ابن کثیر، قرطبی استفاده شد. در کنار این منابع از تفسیر المیزان، تفسیر آیت الله جوادی آملی و... و همچنین بیش از ۲۵ کتاب حدیثی شیعه مثل ارشاد شیخ مفید و سایر کتابهای ایشان، آثار شیخ صدوق و... و دهها منبع از منابع حدیث اهل سنت و نیز منابع تاریخ و رجالی فریقین بهره برداری گردید.

مبنای کار گروه در تدوین تفسیر اثری بر این قرار گرفته که تمامی این میراث عظیم در ذیل هر آیه از منابع یاد شده جمع آوری گردیده و هر کلام و مطلبی در فیش جداگانه ای ثبت و ضبط شده است و نیز از کلمات صحابه پیامبر (صلی الله علیه و آله)، تابعین و تابعین تابعین به عنوان توضیح آیات بهره برداری شده است و پس از پایان این مرحله فیش برداری، مجموعه فیشها در اختیار استاد قرار می گرفت و کار اصلی و محتوای تفسیر با قلم رسا و استوارشان ادامه می یافت.

ایشان در طی این شش سال آخر عمر، از ابتدای قرآن تا انتهای سوره بقره را که حدس زده می شود تا شش مجلد برسد با قلم خویش تفسیر می نماید که امید است به زودی پس از تهیه مقدمات چاپ و نشر یابد. این مقدار از تفسیر اثری که با قلم استاد نگارش یافته علاوه بر آن که راه روشن و شفاف را فراروی آیندگان گشود و روش جدیدی را در مسیر زدایش روایات مجعول از ساحت روایات تفسیری ابداع کرده است که ایشان گزیده ترین برداشتهای ژرف و نوین خودش را در این قسمت عرضه کرده است و خود در این باره می



یک جلد این اثر فعلا به زیور طبع آراسته شده که شامل مقدمه و تفسیر سوره حمد است. در مقدمه، مباحثی چون فضائل قرآن، تفسیر و تأویل (ظهر و بطن)، سلامت قرآن از تحریف، تفسیر اثر در مراحل اولیه، آفات تفسیر، حروف مقطعه، نقد آثار و روایات تفسیری برکسی امتحان مطرح شده است. بخش دوم کتاب شامل فضیلت سوره حمد، روایات رسیده در مورد قرائت سوره حمد، نظم بدیع سوره، استعاذه، بسمله، تفسیر سوره حمد و ذکر آمین است.

فرماید: «من همه حرفهای اصلی ام را در تفسیر سوره بقره آورده ام» با این همه، ایشان با آینده نگری خاص خویش مسیر نهایی این طرح نوپا را با هوشمندی و ظرافت تمهید نمود و بارها خطاب به برخی از اعضای تحقیق اظهار فرمود: «عمرم برای اتمام این طرح کفاف نمی دهد و این شماست که باید آن را به سامان برسانید» و اگر ما آن روایات جمع آوری شده را به همان صورت خام بدون تحقیق و بررسی هم چاپ کنیم باز هم خدمت بزرگی به نشر معارف اهل بیت (علیهم السلام) کرده ایم.

ناپذیری قرآن مطرح شده است.



أهل البيت (عليهم السلام) و القرآن الکریم

این کتاب شامل سلسله بحثها و مقالاتی از استاد است که در مجله «رسالة الثقلین» آمده است. بارزترین آن ها «اهل بیت (علیهم السلام) وارثان قرآن و حاملان علم پیامبر (صلی الله علیه و آله) است، همچنین در این کتاب به نقش پیامبر (صلی الله علیه و آله) در تفسیر اشاره شده است. در پایان کتاب بحث «بداء» از نظر مذاهب قرآن و روایات و همچنین تحریف

است.

استاد این رساله عملیه را به درخواست برخی از علاقمندان نظریات فقهی معظم له تألیف کرده اند. ایشان بر این باور بودند که وظیفه فقها پاسخ به سؤالات و نیازهای اساسی مردم است به همین جهت این کتاب که تمامی ابواب فقهی را دربردارد، از ۱۶۰ صفحه تجاوز نکرده است. استاد آخرین نظریات فقهی خود را با توجه به نیاز روز با سادگی و روانی در این کتاب منعکس کرده اند و در پاره ای موارد جهت ازدیاد بصیرت و اطلاع خوانندگان، مستندات حکم خود را در ضمن مسئله و یا در پاورقی یادآور شده اند. لازم به ذکر است که ایشان در این کتاب بر آن است که فتوایی خلاف مشهور یا اجماع فقها نگوید.

احکام شرعی

این کتاب که در واقع رساله عملیه ایشان محسوب می شود، در چهار بخش طهارات، عبادات، معاملات و مسائل جدید و نوظهور تنظیم یافته



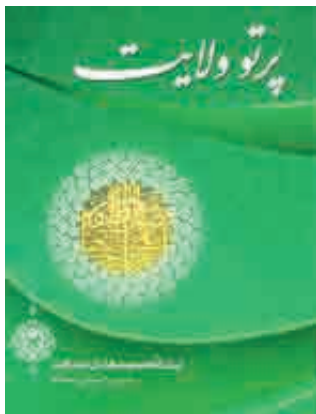


پژوهان بتوانند با پاسخگویی به آن‌ها مطالب عمده و اصل درسها را به ذهن بسپارند.

سرفصلهای مهم این کتاب، شامل آشنایی با علوم قرآنی، پدیده وحی، نزول قرآن، اسامی و اوصاف آن، جمع و تألیف، قرائت و قاریان، نسخ، محکم و متشابه، حروف مقطعه سوگندها، قصص، امثال، اعجاز قرآن و... می باشد.

آموزش علوم قرآنی

با توجه به رشته‌های برخی دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها و نیاز حوزه‌ها و کانونهای قرآنی به مباحث علوم قرآنی، این کتاب نگارش یافت. این کتاب در ۲۲ درس تنظیم یافته است و با توجه به این که یک کتاب آموزشی است در پایان هر درس پرسشهایی نیز آمده تا دانش



نقش و جایگاه امام در جهان هستی و مسائل مرتبط با آن مانند علم امام، عصمت امام، توسل به امامان معصوم (علیهم السلام) و مهدویت مطرح شده است و در بخش دوم مهمترین و مشهورترین آیه‌های ولایت امیر مؤمنان (علیه السلام) به شکل مبسوط و مستدل مطرح شده است.

پرتو ولایت

این کتاب شامل مجموعه سخنرانی‌های استاد در ماه رمضان ۱۴۲۵- ۱۴۲۶ قمری است. که در دو بخش «اسلام شناسی در مکتب تشیع» و «آیه‌های ولایت» تدوین شده است. در بخش اول دیدگاه شیعه نسبت به

تمهید القواعد

نیاز عبادات فوت شده به قضا و نیازمندی قضا به امر جدید شارع و تقسیم ارتداد به دو قسم ارتداد از کل اسلام و انکار دین و ارتدادی که لازمه داشتن یک عقیده فاسد است و این که احکام وارده در مورد و جوب قتل، جدایی از همسر، تقسیم اموال و... فقط مخصوص به نوع اول است و... مطرح شده است.

ایشان در همه این مباحث با ذکر مستندات به بیان دیدگاه فقهی خود بر اساس روش استدلالی و اجتهادی پرداخته است.

این کتاب عهده دار بحث فقهی عمیق و استدلال از مسئله قضای عبادات فوت شده از دو جنبه اصولی و فقهی است که مؤلف در آن میان تعابیر آسان و روان و قوت استدلال جمع و مطالب را همراه با اختصار و ایجاز بیان داشته اند.

این کتاب در یک مقدمه عمومی و بیست مقدمه اصولی و چهل و سه مسئله فقهی و هفده فرع از فروع قضای عبادات فوت شده از طرف میت تنظیم شده است. در این کتاب مباحثی چون اصل اولیه عدم



تناسخ الأرواح

انعکاس یافته است.

بخش دوم به بررسی پیرامنه ای از سؤالهای مدعیان نظریه «تناسخ ارواح» پرداخته و ادله آن ها را از جنبه فلسفی و علمی مورد مناقشه قرار داده است و زمینه های روان کوانه و روان شناسانه این نظریه را بررسی می کنند. مهمترین بخش کتاب مربوط به بطلان نظریه تناسخ ارواح از دیدگاه اسلام است. متذکر می شود که این کتاب تحت عنوان «بازگشت روح» به فارسی برگردانده و چاپ شده است.

این کتاب شامل یک مقدمه و سه بخش است: در مقدمه به سابقه طولانی و تاریخی مسئله بازگشت روح اشاره شده، با تأکید بر این که این نظریه در مراکز اسلامی جایگاهی نداشته است و خلاف ضرورت اسلامی است. در بخش اول کتاب، نظریه تناسخ از دو جهت تشریح نظریه در دو مکتب قدیم و جدید بررسی شده و سپس دلیل هایی را به عنوان پشتوانه مکتب آورده شده



تاریخ قرآن

است، به عنوان متن درسی



دانشجویان رشته الهیات شاخه قرآن و حدیث در مقطع کارشناسی به ارزش ۴ واحد درسی است که به تقاضای سازمان سمت صورت گرفته است.

این کتاب که دارای یک مقدمه و شش فصل و شامل مباحث پدیده وحی، نزول قرآن، جمع و تألیف قرآن، قاریان و قرائت هفت گانه، رفع شبهه تحریف و ترجمه قرآن

تفسیر سوره حجرات

اعتقادی و شأن نزول در آن بیان شده و در پایان به تفسیر تفصیلی سوره پرداخته شده است.

این کتاب در ابتدا به عنوان متن درسی و سپس در قالب دو مقاله، در مجله اندیشه حوزه به چاپ رسیده است.

این کتاب تفسیر اجمالی سوره حجرات است و مباحثی چون ادب و رفتار اسلامی، اجتماعی، سیاسی، اخلاقی و



تناسب آیات

«التمهید»



استاد است که مترجم در پیش گفتار به معرفی کتاب و بیان تناسب از دیدگاه دانشمندان اسلامی و نقش و فایده آن پرداخته است.

این کتاب در نه فصل تنظیم شده است. تناسب و تناسق معنوی در قرآن، اقسام فواصل قرآن کریم، قانون و ضابطه معرفت، شناخت فواصل در آیات، وجود سجع در قرآن، فواتح و خواتیم سوره های قرآن، مبادی مقدمات و افتتاحات در کلام خدا، خطابات خدا در قرآن، حروف مقطعه در اوائل سوره ها و تناسب و نظر دیگران. کتاب یاد شده اقتباس و ترجمه ای از جلد پنجم

تفسیر سوره اسراء

این کتاب دربردارنده تفسیر اجمالی و تفصیلی سوره اسراء است که ابتدا در قالب متن درسی و سپس در نشریه داخلی علوم و معارف قرآنی دانشگاه علوم اسلامی رضوی چاپ شده و سپس در قالب کتاب نشر یافته است.

تنزیه انبیاء

عصمت پیامبران، عصمت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) قبل از بعثت، بحث سهو نبی (اشتباه پیامبر (صلی الله علیه و آله)) و دیگر آیات متشابه درباره پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و سایر پیامبران از آدم تا حضرت عیسی در آن مطرح شده است.



این کتاب سلسله درسهای آیت الله معرفت است که در آن تمام آیات مربوط به حضرت آدم (علیه السلام) تا خاتم (صلی الله علیه و آله) را که از آن بوی عدم عصمت می آید، بررسی کرده است. یعنی بررسی آیاتی که ظاهری متشابه دارند و با نگاه سطحی و ظاهری به آن ها عصمت انبیاء زیر سؤال می رود. در این رابطه استاد سلسله درسهای مختلفی ارائه کرده اند که این مجموعه در ماه مبارک رمضان ۱۳۷۳ شمسی در دفتر تبلیغات اسلامی قم مطرح شده و به همت یکی از شاگردان ایشان پیاده و چاپ شده است. مباحث این کتاب شامل پنج بخش و ۲۶ جلسه است و موضوعاتی چون

حدیث لاتعداد

اقتباسی از کتاب حدیث لاتعداد علامه فشارکی.

کتاب فوق شامل سه رساله از استاد است، حدیث لاتعداد، حدیث من زاد فی صلاته و رساله حدیث من زاد فی صلاته و رساله بررسی و حکم شرعی آن ها پرداخته است.



جامعه مدنی

این کتاب شامل مقدمه و هفت مقاله تحت عنوانین: جامعه مدنی یا جامعه دینی، دموکراسی در نظام ولایت فقیه، آزادی و تحقق آن در نظام حکومت اسلامی، پلورالیسم دینی در بوبته نقد، حدود و ضوابط شرعی ولایت فقیه، ولایت فقیه از دیدگاه شیخ انصاری و آیت الله خوبی و نگاهی به حقوق بشر



است. نام کتاب برگرفته از اولین و بلندترین مقاله کتاب (جامعه مدنی) است که قبلا در شماره ۱۴ مجله اندیشه حوزه چاپ شده بود.



شبهات وردود حول القرآن الکریم

این کتاب پاسخگوی معروفترین شبهات در مورد قرآن است که از یک مقدمه و پنج بخش تشکیل شده است.

بخش اول به پاسخ شبهه مشهور شرق شناسان مبنی بر وجود مصادری برای قرآن پرداخته است.

بخش دوم پاسخ به شرق شناسان و روشنفکران مسلمان داخلی متأثر از آن‌ها درباره ورود عناصری از فرهنگ باطل عرب جاهلی به قرآن است.

بخش سوم ضمن تأکید بر عدم وجود اختلاف و تناقض در آیات قرآن یکی از ابعاد اعجاز قرآن را مورد بحث قرار داده است.

بخش چهارم، موارد ادعا شده در قرآن که مخالف با

مستندات

علمی، تاریخی

و یا ادبیات است به

بحث گرفته شده است.

و بخش پنجم بر واقعی بودن

قصص قرآن تأکید دارد.

ضمناً این کتاب توسط چند تن از شاگردان ایشان

در دانشگاه علوم اسلامی رضوی تحت عنوان «نقد

شبهات پیرامون قرآن» به فارسی برگردانده و چاپ شده

است.

صیانة القرآن من التحریف

این کتاب شامل یک مقدمه و دوازده فصل با عناوین تحریف در لغت و اصطلاح، خلاصه دلایل باطل بودن شبهه

تحریف قرآن، تصریحات بزرگان شیعه بر تحریف ناپذیری قرآن، شهادتهای گسترده بر دور بودن علمای بزرگ شیعه از

قول به تحریف، موضع شیعه در برابر

گروه منقرض شده اخباری،

تحریف در کتاب های

عهدیـــــــن،

نگاهی

گذرا و

سریع بر تاریخ

عهدین، مسأله شباهت

گذشته و حاضر، تحریف قرآن نزد حشویه عامه، تحریف

در دیدگاه گروه منقرض شده اخباری، گمانه های مؤلف در

کتاب «فصل الخطاب» هزار حدیث و حدیث است. بیشترین

بخش کتاب مربوط به باور شیعه مبنی بر عدم تحریف قرآن

است و از امتیازات این کتاب نقد برخی کتب روایی و تفسیری

توسط مؤلف است.

از این کتاب دو ترجمه فارسی مجمل و مفصل صورت

گرفته که ترجمه مجمل برگرفته از کتاب و مجموعه سخنرانی

های استاد در این موضوع است، اما این کتاب به سفارش

سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها

(سمت) توسط دکتر نصیری دانش آموخته دانشگاه علوم

اسلامی رضوی در سال ۱۳۷۹ تحت عنوان «تحریف ناپذیری

قرآن» ترجمه و چاپ شده است.



معارفی از قرآن

این کتاب سلسله مباحثی است که

استاد در ماه مبارک رمضان ۱۳۷۴ با عنوان

تفسیرموضوعی در جمع عده ای از طلاب

مطرح کرده است که در ۲۱ جلسه سامان

یافته است. عمده

مباحث کتاب مربوط به

اعتقادات و شامل مباحثی

چون توحید، قضا و قدر،

شفاعت، توسل، تبرک، عالم ذر و

تجسم اعمال است.



مالکية الأرض

این کتاب با هدف پاسخ به این سؤال که آیا حکم هر یک پرداخته و با تذکر به قدمت موضوع احیاگر زمین مالک آن می شود یا خیر به رشته تحریر درآمده است. ایشان در این رساله ضمن تقسیم زمین ها به چهار قسم انفال، آباد شده بالعرض، موات بالاصاله و موات بالعرض به بیان امر مسلمین با وجود مصالح مجاز شمرده اند. در تألیف فقهای شیعه، ضمن ده بند مطالب رساله را خلاصه می کنند. ایشان در این کتاب خلع ید از تصرف کنندگان زمین را توسط ولی امر مسلمین با وجود مصالح مجاز شمرده اند.

علوم قرآنی



متشابه، وجوه و نظائر در قرآن، اعجاز قرآن و دفع شبهه تحریف است.

این کتاب در واقع باز نویسی فشرده از مجموعه «التمهید» و «صیانة القرآن من التحریف» است که متناسب با سطح عمومی حوزه و مقطع کارشناسی دانشگاه نوشته شده است.

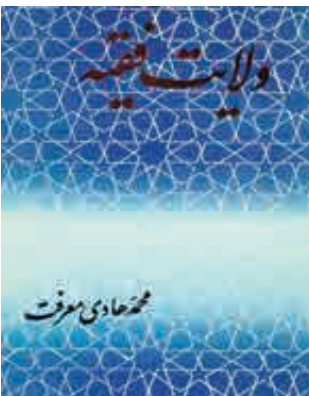
این کتاب شامل یک مقدمه مفصل و نه فصل تحت عناوین: پدیده وحی، نزول قرآن، جمع و تألیف قرآن، قراء و قرائات سبع، نسخ در قرآن، محکم و

ولاية الفقيه أبعادها و حدودها



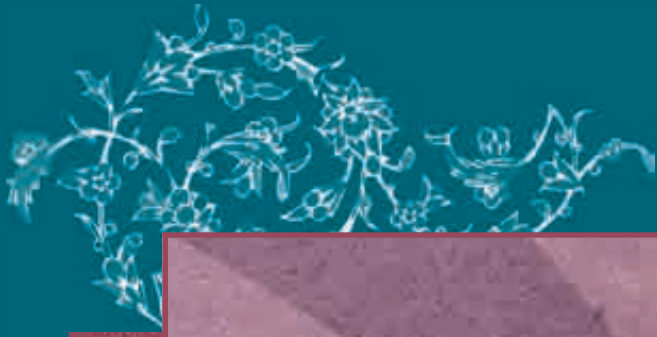
کتاب در دو مقصد اثبات ولایت مطلقه فقیه و نظام حکومت اسلامی با هدف تبیین نظریه ولایت فقیه و برتری حکومت اسلامی بر دیگر نظامها تحریر یافته است.

ولاية فقيه



فقیه، ولایت تشریحی (حق قانونگذاری) و ولایت تکوینی تنظیم یافته است. فلسفه نگارش این کتاب پس از رحلت امام خمینی (رحمة الله علیه) پاسخگویی به شبهاتی بود که پیرامون ولایت مطلقه فقیه مطرح شده و در واقع آخرین دیدگاههای استاد در مسئله مذکور است.

این کتاب در نه فصل شامل حکومت دینی، امامت در مکتب تشیع، تبیین مفهومی ولایت مطلقه فقیه، نقش بیعت در عصر حضور و غیبت، پشتوانه نظام در حکومت اسلامی، مبانی مشروعیت ولایت فقیه، مناصب ولی



دوره نهم

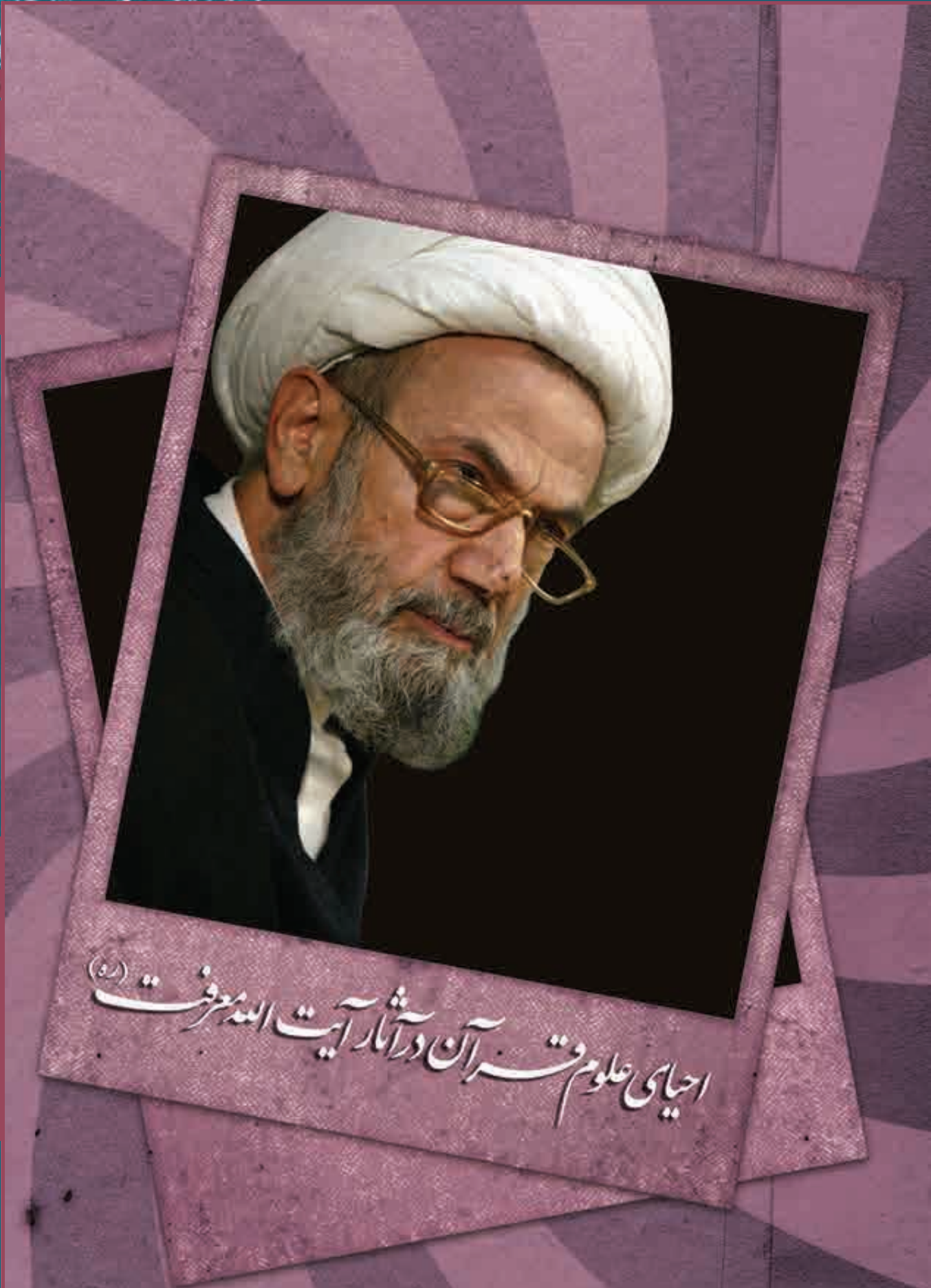
راهی

سال ششم

شماره ۷۹

۱۵ اردیبهشت ۱۳۸۹

۶۱



احیای علوم قرآن در آثار آیت الله معرفت (ع)

آیت الله معرفت (ع)؛ احیای علوم قرآنی در دوران معاصر

آیت الله معرفت؛ قرآن پژوه قرن آینده



بیشتری بر افکار و آثارش پیدا شد، در مورد آیت الله معرفت نیز همین طور خواهد شد.

وی با بیان این که آیت الله معرفت در منش اخلاقی بسیار متواضع بود، گفت: انسان بسیار متواضعی بود. یادم نمی رود که اولین باری که به منزل ایشان رفته بودم و می خواستم در مورد

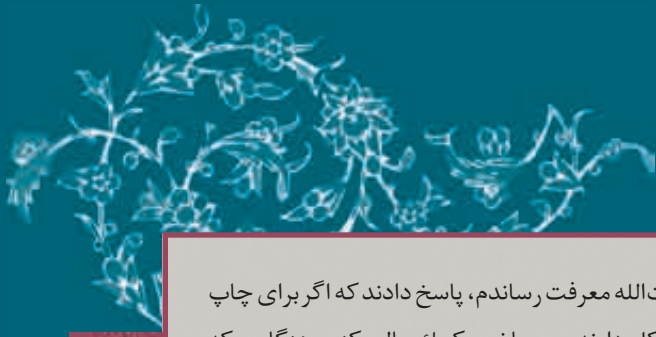
پایان نامه ارشد صحبت کنم، دیدم آیت الله معرفت همانند یک انسان عادی در کار خانه کمک می کرد و در همان حال با ایشان در مورد پایان نامه مشورت کردم. آیت الله معرفت هنگامی که به بیرون از منزل می آمد، خریدهای خانه را خودش انجام می داد. ایشان با این که چند فرزند داشت و مریدان فراوانی در کنارشان بودند، همیشه مقید بود کارهای منزل را خودش انجام دهد. اگر از هر جایی دعوت می شد که در جلسه ای شرکت کند، حتما شرکت می کرد و کاری نداشت که دعوت کننده و شأن جلسه چه بود.

رضائی اصفهانی در تبیین بیشتر اخلاق اجتماعی آیت الله معرفت تصریح کرد: آیت الله معرفت با افراد و شاگردان گرم می گرفت و رفیق می شد. اگر تلفن علمی به ایشان می شد. حتی ساعت یک بعد از نیمه شب - با روی باز جواب می داد و اصلا ترش رویی نمی کرد. یادم هست که به ایشان گفتم سر شما شلوغ شده، تلفن می شود خودتان جواب ندهید؛ زیرا مزاحم تحقیق شما می شوند. با این که به ایشان پیشنهاد دادم تا دفتری بگیرد و کسی را موظف به پاسخ گویی کند تا ملاقات ها را تنظیم کند تا مردم مرتباً شما را از تحقیق نیندازند، اما هیچ وقت این پیشنهاد را نپذیرفت. آیت الله معرفت همواره خودش جواب مراجعات تلفنی و حضوری مردم را می داد. با این که امکانات هم فراهم بود، اما ایشان از این جهت مردمی و عادی زندگی می کرد و خود را در آداب

آیت الله معرفت مرد قرآن پژوهی قرن آینده است، همانطور که هر چه از وفات مرحوم علامه طباطبایی گذشت، رشد بیشتری بر افکار و آثارش پیدا شد، تبیین جایگاه اندیشه های آیت الله معرفت نیز نیازمند گذشت زمان خواهد بود.



حجت الاسلام و المسلمین «محمد علی رضائی اصفهانی»، از شاگردان آیت الله معرفت و عضو هیئت علمی جامعه المصطفی (ص) العالمية، در تبیین سابقه آشنایی خود با آیت الله معرفت اظهار کرد: از اوایل دهه هفتاد بود که برای اولین بار در تربیت مدرس دانشگاه قم خدمتشان رسیدم و در جلسه درس ایشان حاضر شدم. از آنجا بود که کم کم با شخصیت بزرگ ایشان آشنا شدم و پیوسته در کلاس های ایشان شرکت کردم. چند سالی که خدمت آیت الله معرفت بودم، چند بعد شخصیتی ایشان برایم بسیار برجسته و ارزشمند بود؛ اولین بعد: اخلاق اجتماعی و فردی آیت الله معرفت بود و بعد دیگر اخلاق علمی و سومین بعد، نظریات نو و نوآوری های ایشان در حوزه علوم قرآن و فقه بود. اگر بخواهم آیت الله معرفت را در یک جمله خلاصه معرفی کنم، ایشان مرد قرآن پژوهی قرن آینده است. نظرات آیت الله معرفت در دهه های آینده، انقلابی در مباحث قرآنی ایجاد خواهد کرد، همانطور که هر چه از وفات مرحوم علامه طباطبایی گذشت، رشد



خاصی مقید نکرده بود.

این قرآن پژوه در تبیین اعتقادات سیاسی آیت الله معرفت بیان کرد: ایشان تلاش می کرد تا در مباحث سیاسی معتدل حرکت کند و وارد جناح بندی ها نشود. تنها مباحث اصلی نظام که بسیار برای ایشان اهمیت داشت و فرزند خود را نیز در این راه داده بود. آیت الله معرفت علاقه شدیدی به امام خمینی (ره)، انقلاب و رهبری داشت. حتی کتابی در باب ولایت فقیه نوشته بود که مباحث سیاسی و اجتماعی را در آنجا مطرح کرده بود. نکته ای که برایم بسیار اهمیت داشت، اخلاق علمی آیت الله معرفت بود. ایشان در منزلشان درس هفتگی خارج فقه و همچنین درس تفسیری داشتند که در واقع خارج تفسیر قرآن بود. ایشان هم در جامعه المصطفی (ص) درس می داد و هم در رشته تخصصی تفسیر در برخی مراکز علمی. آیت الله معرفت طوری با شاگردان خود رفیق می شد و علاقه نشان می داد که اگر برخی از افراد یک یا دو هفته به سر کلاس های ایشان نمی رفتند، سراغ می گرفت و پیغام می داد که آن شاگرد کجاست و مشکلی برایش پیش نیامده؟

مطلب را به آیت الله معرفت رساندم، پاسخ دادند که اگر برای چاپ این کتاب مشکل دارند من حاضرم کمک مالی کنم. هنگامی که این پاسخ را به فرد منتقد گفتم، آنقدر از برخورد آیت الله معرفت خجل شد که دیگر آن را چاپ نکرد. در کنگره بزرگداشت آیت الله معرفت که در زمان حیاتش برگزار شد، مجله «بینات» ویژه نامه به نام ایشان منتشر کرد که من در آن ویژه نامه نقدی بر کتاب ایشان زدم. در آن ویژه نامه کتاب التفسیر الاثری الجامع را معرفی کردم و چند نقد در قالب ملاحظات نوشتم. در این ملاحظات گفتم که اگر چنین کارهایی انجام می شد بهتر بود، اما هنگامی که قبل از چاپ پیش ایشان بردم، ایشان بدون نگاه کردن، گفتند خوب است و آن را برای چاپ دادند.

وی با بیان این که آیت الله معرفت به سخنان مخالفان خود اهمیت زیادی می داد، اظهار کرد: معمولاً اگر کسی به ما انتقادی داشته باشد، نگران می شویم که به اعتبارمان لطمه ای وارد شود. آیت الله معرفت با صراحت پذیری نقد بود. وجود این روحیه در ایشان به این خاطر بود که می دانست نقد موجب حیات و رشد و تکامل علم است؛ لذا به این مسائل اهمیت می داد.

مدیر گروه مطالعات قرآنی دانشگاه مجازی المصطفی (ص) با بیان این که آیت الله معرفت برای رشد شاگردانش، حاضر بود از آبروی خود مایه بگذارد، تصریح کرد: تلاش می کرد تا شاگردان بر وی نقدی بنویسند و دیگری جواب دهد و در نتیجه زمینه رشد علمی وی فراهم آید. معلوم می شود افرادی که برخی از سخنان آیت الله معرفت را نفهمیدند و گاهی به ایشان جسارت کردند، چه جفایی در حق این عالم بزرگوار کردند.

وی با اشاره به تواضع شخصیتی آیت الله معرفت افزود: کسی که حاضر بود که پول دهد تا نقد را علیه او چاپ کنند، حال کسی به این شخصیت، کلامی بگوید که از ساحت علم و عالم به دور باشد! به هر حال روحیه ایشان مثال زدنی بود. ایشان با این که در مباحث قرآن پژوهی معاصر بعد از علامه طباطبایی حرف اول را می زد، بسیار متواضع و پذیرای نقد بود.

حجت الاسلام رضائی اصفهانی با بیان این که شخصیت آیت الله معرفت جهان نگر و آینده نگر بود، تصریح کرد: وی اساساً محدود و بسته فکر نمی کرد؛ زیرا افراد بسیاری هستند که مشغول کارهای

آیت الله معرفت با صراحت پذیرای نقد بود. وجود این روحیه در ایشان به این خاطر بود که می دانست نقد موجب حیات و رشد و تکامل علم است؛ لذا به این مسائل اهمیت می داد

نسل جدید قرآن پژوهی حوزه علمیه قم؛ مدیون زحمات آیت الله معرفت

وی در تبیین روش تدریس آیت الله معرفت بیان کرد: ایشان همواره شاگردان خود را به کار نگارش تشویق می کرد. در عین حالی که اشکالات را هم گوشزد می کرد، شیوه تشویقی را نیز رعایت می کرد. برای همین مسئله بود که توانست شاگردان موفق تربیت کند که هم دارای مدارج و هم مسئولیت های قرآنی در سطح کشور باشند. نسل جدید قرآن پژوهی حوزه علمیه قم، مستقیم یا غیر مستقیم مدیون زحمات آیت الله معرفت هستند؛ برخی محققان قرآن پژوه مستقیماً از خود ایشان بهره می بردند و برخی نیز به طور غیر مستقیم از تألیفات و کتب ایشان استفاده می کردند.

عضوهیئت علمی جامعه المصطفی (ص) در ادامه با بیان این که آیت الله معرفت به سخنان مخالفان خود اهمیت زیادی می داد، اظهار کرد: اگر کسی نقد جدی به آیت الله معرفت می کرد، با استقبال ایشان مواجه می شد. یادم هست کسی که حرف های ایشان را متوجه نشده بود، کتابی در نقد ایشان نوشت و بعد به من گفت که این مطلب را به ایشان انتقال دهم. هنگامی که من این

قرآنی اند، اما بسته فکر می‌کنند. آنان در محدوده قم یا ایران فکر می‌کنند و نهایتاً مرزهای تشیع را نیز در دامنه تفکرات خود وارد می‌کنند، اما آیت‌الله معرفت فرامذهبی و فراملیتی فکر می‌کرد.

وی با بیان این‌که آیت‌الله معرفت التفسیر الأثری الجامع را برای انتشار در مصر نوشت، اظهار کرد: از آنجا که آیت‌الله معرفت اصالتاً برخاسته از کربلا بود، قلم بسیار فخیم و به روزی داشت و می‌توانست آثار خود را در خارج از کشور چاپ کند؛ لذا از همان ابتدا به همین نیت می‌نوشت. هرچند آرزوی وی در مورد التفسیر الأثری در زمان حیات‌شان برآورده نشد و چند جلدی که چاپ کرد، همه در داخل کشور بود.

این شاگرد آیت‌الله معرفت افزود: آیت‌الله معرفت به خاطر همین رویکرد، یک سری مسائل را نیز رعایت کرد که متناسب با فضای علمی خارج از کشور بود. شاید همین مراعات‌ها برخی را به توهم انداخت که نکند که آیت‌الله معرفت نسبت به برخی مسائل نظر مساعد داشته است، اما همه این‌ها به این خاطر بود که وی محیط فرهنگی خارج از کشور را در نظر می‌گرفت و به گونه‌ای تعبیر می‌کرد که حساسیت‌زا نباشد.

تفکر تقریبی آیت‌الله معرفت

وی با بیان این‌که آیت‌الله معرفت تفکری تقریبی داشت، تصریح کرد: وی سعی می‌کرد که مذاهب اسلامی را نسبت به هم حساس نکند؛ به این معنی که توهین به مذاهب دیگر نمی‌کرد. آیت‌الله معرفت به ما می‌گفت که هنگامی که چیزی می‌نویسید با عنوان «بر مذهب اهل بیت (ع)» بنویسید و کلمه شیعه را ننویسید؛ زیرا بر آن حساس می‌شوند.

نویسنده کتاب «پژوهشی در اعجاز علمی قرآن» خاطر نشان کرد: منظور آیت‌الله معرفت این بود که اگر کتاب و مقاله‌ای که می‌نویسید عنوانش شیعه باشد، آن‌ها ممکن است که حساسیت نشان دهند و کتاب شما را نخوانند، اما هنگامی که بر مذهب اهل

بیت (ع) می‌نویسید حساسیت کمتر می‌شود. نمی‌خواهم بگویم که هیچ‌جا کلمه شیعه را به کار نبریم، به هر حال مذهب ما شیعه اثنی عشری جعفری است و بدان افتخار می‌کنیم.

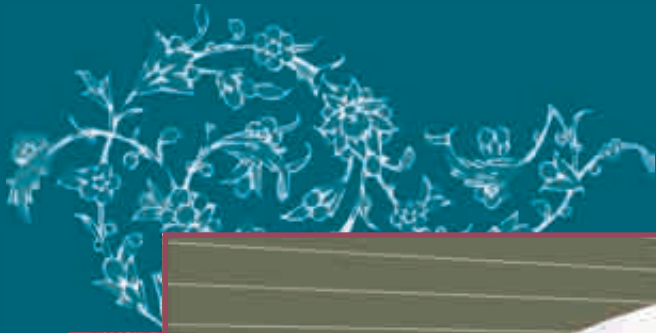
وی با بیان این‌که هدف آیت‌الله معرفت از این مراعات‌ها انتقال بیشتر محتوای فرهنگ تشیع بود، تصریح کرد: به نظر وی از چیزهایی که ممکن است دیگران بر روی آن حساس شوند و کتاب‌های شیعه در مجامع علمی راه پیدا نکند و مذهب اهل بیت (ع) رشد نیابد، باید پرهیز کرد. آیت‌الله معرفت به حدیث «لو علموا محاسن کلامنا لاتبعونا» استناد می‌کرد که اگر دشمنان محاسن کلام اهل بیت (ع) را بدانند، تبعیت می‌کنند؛ لذا نیازی به توهین و لعن و سب دیگران نیست.

عضو هیئت مدیره انجمن قرآن پژوهان حوزه علمیه قم با بیان این‌که آیت‌الله معرفت این رویکرد تقریبی را در همه جای تفسیر اثری رعایت کرد، افزود: وی از یک طرف روایات شیعه و از طرف دیگر روایات اهل سنت را آورده است و از لحاظ تاریخی طوری در کنار هم چینش کرده است که هر منصفی آن را بخواند، به نتیجه صحیح و درست می‌رسد. به عنوان نمونه ایشان در مورد کلمه «آمین» در آخر سوره حمد، روایات آمین را در جلد اول تفسیر اثری جمع‌آوری کرد.

این مدرس حوزه و دانشگاه با اشاره به مسائل فقهی اختلافی درباره ذکر این واژه، گفت: همانطور که می‌دانید، اهل سنت این واژه را در انتهای حمد می‌گویند و علمای شیعه بیان این کلمه را در نماز اجازة نمی‌دهند. آیت‌الله معرفت ابتدا روایات اهل سنت را آورده بود که آمین را اولین بار در مسیحیت می‌گفتند و بعداً بوبهریره از مسیحیان یاد گرفت و در زمان خلافت عمر وارد جهان اسلام کرد.

حجت‌الاسلام رضائی اصفهانی تصریح کرد: آیت‌الله معرفت پس از نقل روایات اهل سنت، می‌گوید که این مسئله از زمان خلیفه دوم وارد نماز مسلمانان شد و از آن زمان این کلمه مورد استفاده قرار گرفت. به این ترتیب وی ثابت کرد که این واژه چیزی

افراد بسیاری هستند که مشغول کارهای قرآنی اند، اما بسته فکر می‌کنند. آنان در محدوده قم یا ایران فکر می‌کنند و نهایتاً مرزهای تشیع را نیز در دامنه تفکرات خود وارد می‌کنند، اما آیت‌الله معرفت فرامذهبی و فراملیتی فکر می‌کرد



است که در عصر رسول اکرم(ص) نبوده است و در حقیقت یک بدعت است.

رضائی اصفهانی با اشاره به مسائل فقهی اختلافی درباره ذکر «آمین» بعد قرائت فاتحه در نماز، بیان کرد: آیت الله معرفت در التفسیر الأثری الجامع پس از نقل روایات اهل سنت و اثبات ورود این کلمه (آمین) از مسیحیت به اسلام، روایات شیعه را نیز می آورد که نشان می دهد اهل بیت(ع) با این مسئله به شدت برخورد کرده اند.

وی افزود: اهل بیت(ع) در تبیین بیشتر این مسئله فرموده اند که این عبارت داخل اسلام نبوده و به چیزی که داخل اسلام نبوده، تشریح نشده و پیامبر(ص) نیز بدان عمل نکرده، نباید عمل کرد؛ لذا برخی از فقهای ما گفتند که این عمل موجب ابطال نماز می شود. آیت الله معرفت این روایات را در کنار هم می گذارد و هر

کس که از روی عناد نخواند، به نتیجه حق می رسد.

غیرت دینی آیت الله معرفت

مدیر گروه مطالعات قرآنی دانشگاه مجازی المصطفی(ص) با بیان این که در مباحث تقریبی لازم نیست به کسی توهین شود، اظهار کرد: تنها باید مطالب حق را در کنار مطالب گروه باطل بگذاریم تا خود به خود مسئله روشن شود و حق خود را نشان دهد. آیت الله معرفت با رعایت این مسائل و حفظ رویکرد تقریبی، به حفظ وحدت و نزدیکی مسلمانان کمک قابل توجهی کرد.

وی با بیان این که آیت الله معرفت غیرت دینی زیادی داشت، تصریح کرد: ایشان غیرت مذهبی زیادی نسبت به شخص رسول اکرم(ص) داشت و برخلاف زعم واهی عده ای، در مقابل مخالفان بیشترین خدمت را به شیعه کرد. کتاب التفسیر و المفسرون فی

ثوبه القشيب وی دقیقاً در مقابل التفسیر و المفسرون است که ذهبی نوشته است.

حجت الاسلام رضائی اصفهانی خاطرنشان کرد: هنگامی که کتاب ذهبی به بیرون آمد و در حوزه‌های علمی اهل سنت رواج یافت، خیلی‌ها واکنش نشان ندادند. خیلی‌ها که بعداً آیت‌الله معرفت را مورد انتقاد قرار دادند، یک جزوه ده صفحه‌ای در رد این مسئله نوشتند. با این وجود آیت‌الله معرفت عمر خود را گذاشت و مواضع شیعه را روشن کرد و نقدی بر کتاب التفسیر و المفسرون ذهبی نگاشت.

وی با بیان این‌که آیت‌الله معرفت در مسائل داخلی هم غیرت دینی خود را حفظ می‌کرد،

گفت: اگر مطالب انحرافی

در داخل کشور توسط

افرادی که نمی‌دانستند

و یا منحرف بودند

گفته می‌شد، ایشان

حتماً متذکر می‌شد و

گاهی خصوصی و گاهی نیز

عمومی جواب می‌داد.

جالب این است که کتاب شبهات و ردود که کتاب سال هم شد، راهنگامی شروع کرد که دید یکی از دوستان قم مقاله‌ای نوشت که بسیاری از مطالب شبهه‌ناک را بدون پاسخ دادن مطرح کرده است.

این شاگرد آیت‌الله معرفت تصریح کرد: آیت‌الله معرفت ابتدا به طور خصوصی به وی تذکر داد که چرا این مسائل را بدون جواب دادن نوشته‌ای و سپس در طول مدت دو سال کتاب شبهات و ردود را تدوین کرد؛ یعنی غیرت دینی ایشان راجع به قرآن و اهل بیت (ع) زیاد بود و در دفاع می‌نوشت. آیت‌الله معرفت هرگاه در حل مباحث علمی به مشکل برمی‌خورد به حضرت امیرالمؤمنین (ع) متوسل می‌شد.

وی با اشاره به کنگره بزرگداشت آیت‌الله معرفت گفت: خود ایشان در آن کنگره بیان کرد: «من هنگامی که خواستم کتاب التمهید را در علوم قرآن بنویسم، در حرم شریف امیرالمؤمنین (ع) در نجف اشرف رفتم و عرض کردم: می‌خواهم خدمتی به شیعه کنم؛ زیرا در شیعه کتاب جدی در زمینه علوم قرآنی وجود ندارد و نظرات شیعه در این زمینه منعکس نشده است». این مسائل همه نشان دهنده علاقه و آفری است که آیت‌الله معرفت به مکتب اهل بیت (ع) داشت و غیرت دینی بود که وی را واداشت تا عموم کتاب‌های خود را در دفاع از مکتب تشیع و اهل بیت (ع) بنویسد.

نویسنده کتاب «پژوهشی در اعجاز علمی قرآن» با بیان این‌که آیت‌الله معرفت به شدت محب اهل بیت (ع) بود، اظهار کرد: به عنوان نمونه هنگامی که فرزند شهیدشان را آورده بودند، گریه نکرد،





تألیفات آیت الله معرفت، معلوم می شود که وی عمر پربرکتی داشته است، گفت: آیت الله معرفت با آن سختی هایی که در زندگی عراق و سپس مهاجرت اجباری به ایران داشتند و مشکلاتی مثل جنگ که چند سال بر ایران تحمیل شد، علاوه بر آن مسائلی همانند شهادت فرزندشان و بیماری قلبی و مشکلات و مصائب دیگر که باز هم آثار علمی فراوانی از خود به جای می گذارد.

وی افزود: هر وقت ما برای درس به منزل ایشان می رفتیم، معمولاً از پشت میز بلند می شد و می آمد و بعد از آن دوباره به پشت میز بازمی گشت. بحث ایشان طول می کشید و گاهی بعد از نماز مغرب دو تا سه ساعت بحث ایشان طول می کشید. ایشان بعد از نماز بلند می شد و به پشت میز باز می گشت تا این فرصتی که شاگردان از اطراف قم جمع شوند، مشغول نوشتن می شد.

این شاگرد آیت الله معرفت با اشاره به سن بالای آیت الله معرفت، اظهار کرد: انتظار زیادی از ایشان نبود که کار جدی بالایی انجام دهد، با این حال تدریس را تا روزهای آخر در جامعه المصطفی (ص) و مرکز تخصصی تفسیر و حوزه های علمی ادامه داد؛ یعنی هم در دانشگاه و هم در حوزه ایرانی و هم در حوزه های خارجی تدریس می کرد. با این که سن ایشان حدود ۸۰ سال بود و معمولاً در مراکز علمی بازنشسته می شوند، اما ایشان در حدود ۱۲ ساعت در روز کار علمی انجام می داد و دقیق به آن می پرداخت.

مدیر گروه مطالعات قرآنی دانشگاه مجازی المصطفی (ص) خاطر نشان کرد: هنگامی که تفسیر بیست و دو جلدی مهر را به آیت الله معرفت دادم، صفحه به صفحه آن را خواند و حاشیه زد و برخی جاها یک جمله اضافه کرد و من آن ها را در پرانتز گذاشتم. در ترجمه نیز همین طور بود و در برخی جلسات ترجمه شرکت می کرد و نظرات تخصصی خوبی بیان می کرد.

حجت الاسلام رضائی اصفهانی اظهار کرد: گروه ترجمه ما

اما هنگامی که روضه امام حسین (ع) را خواندند گریه کرد. هر سال در شهادت حضرت امام جعفر صادق (ع) یکی از مجالس سنگین و علمی که روضه خوانی در قم می شد، منزل ایشان بود که سخنرانانی همچون آیت الله استادی را دعوت می کردند.

وی با اشاره به جو علمی مجالس روضه مرحوم آیت الله معرفت تصریح کرد: ایشان مجلس روضه ای اما با رویکرد علمی و عالمانه را هر ساله در منزل خود برگزار می کرد. همچنین کتاب های ایشان در پیمانی که با امیرالمؤمنین (ع) بسته بود و در خدمت اهل بیت (ع) نوشته شده بود. یادم نمی رود که آیت الله معرفت یک دور کامل تفسیر قرآن مهر را با حوصله فراوان خواند و بر بسیاری از بخش های این کتاب

حاشیه زد و نقد کرد و ما نیز مقید بودیم که نظرات ایشان را وارد کنیم.

عضوهیئت مدیره انجمن قرآن پژوهان حوزه علمیه قم خاطر نشان کرد:

آیت الله معرفت هنگامی که به جایی می رسید که می نوشتیم «امام علی (ع)»

خط می زد و می نوشت «امیرالمؤمنین (ع)»؛ یعنی مقید بود القاب ائمه (ع) به صورت کامل گفته

شود و در این مسائل دقت فراوانی می کرد. به هر حال فرمایشات اهل بیت (ع) و توسل و ارتباط با ایشان یک محور مهم در زندگی آیت الله معرفت بود.

تلاشگری؛ صفتی ثابت در آیت الله معرفت

وی با اشاره به تلاش علمی آیت الله معرفت، اظهار کرد: آیت الله معرفت بسیار تلاشگر بود، اگر کتاب ها و مقالات ایشان را ارزیابی کنیم به این مسئله می رسیم. بیش از صد پایان نامه علمی ارشد با وجود آیت الله معرفت تمام شد. کتاب های زیادی همانند التمهید، صیانة القرآن من التحریف، التفسیر و المفسرون فی ثوبة القشيب، شبهات و ردود، التفسیر الأثری الجامع و کتاب های دیگری که نوشت و علاوه بر آن مقالات و مصاحبه های علمی که داشت. این مدرس حوزه و دانشگاه با بیان این که با نگاهی به

هنگامی که تفسیر بیست و دو جلدی مهر را به آیت الله معرفت دادم، صفحه به صفحه آن را خواند و حاشیه زد و برخی جاها یک جمله اضافه کرد و من آن ها را در پرانتز گذاشتم

برای ترجمه «بسم الله الرحمن الرحيم» در حالی که در حدود چهار، پنج سوره بزرگ از قرآن کریم را پشت سر گذاشته بود، هنوز به نتیجه نرسیده بود تا این که ایشان را دعوت کردیم و در حضور ایشان بحث شد تا به این نتیجه رسیدیم که این آیه را به «به نام خداوند گسترده مهر مهرورز» ترجمه کنیم، هر چند پیشنهاد ایشان «مهرگستر مهرورز» بود.

این شاگرد آیت‌الله معرفت با بیان این که مقصود این که ایشان در این جلسات شرکت می‌کرد و بحث می‌کرد تا به ترجمه مناسب می‌رسیدیم، افزود: وی معتقد بود که هر کسی برای قرآن کاری انجام دهد و در نشر معارف آن کاری کند، قرآن دست او را خواهد گرفت.

روش تدریس و تحقیق آیت‌الله معرفت

وی در تبیین روش درسی آیت‌الله معرفت بیان کرد: وی در تحقیق و تدریس دو روش را بنیان گذاشت؛ در روش تدریس، احیاء کرد و در روش تحقیق، نوآوری داشت. روش تدریس وی روش سامرایی بود؛ روشی که میرزای شیرازی در سامرا به وجود آورده بود. روش میرزای شیرازی با روش استاد محور که نقش کلی با استاد است و شاگردان تنها سؤالاتی مطرح می‌کنند، متفاوت بود.

نویسنده کتاب پژوهشی در اعجاز علمی قرآن در تبیین بیشتر روش سامرایی گفت: در این روش از پیش، موضوع توسط استاد گفته می‌شد و طلاب با مطالعه قبلی به کلاس می‌آمدند و موضوع را مطرح می‌کردند. استاد نقش اول را نداشت. ایشان دقیقاً همین روش را پیگیری می‌کرد؛ یعنی موضوع را هفته قبل بیان می‌کرد و جلسه بعد می‌آمد و همان موضوع را پی می‌گرفت و می‌دید که شاگردان چه نظرات جدیدی دارند.

وی تصریح کرد: در این کلاس‌ها ممکن بود کسی سیر تاریخی را بیان می‌کرد، گاهی کتاب مورد نظر صفحه به صفحه تقسیم می‌شد و ایشان چند کتاب را بیان می‌کرد تا دیگران بر روی آنان کار کنند. آخر بار آیت‌الله معرفت نظر خود را می‌گفت و جمع‌بندی می‌کرد. این شیوه خیلی در رشد افراد مؤثر است. این شیوه را در کتابی با عنوان شیوه‌های تدریس و تحقیق نوشته‌ام که دفتر تبلیغات

اسلامی چاپ کرده است. به هر روی شیوه سامرایی بهترین شیوه است.

وی در تبیین شیوه تحقیق آیت‌الله معرفت تصریح کرد: وی موضوع تحقیق را کاملاً عالمانه، مؤدبانه و نقادانه بررسی می‌کرد و این سه خصوصیت در تمامی کتاب‌های وی هست، عالمانه بود؛ زیرا مطلب را تا در منبع اصلی نمی‌دید، نقل نمی‌کرد، خودش می‌گفت که گاهی اوقات برای نوشتن يك صفحه، يك هفته روی آن فکر می‌کنم.

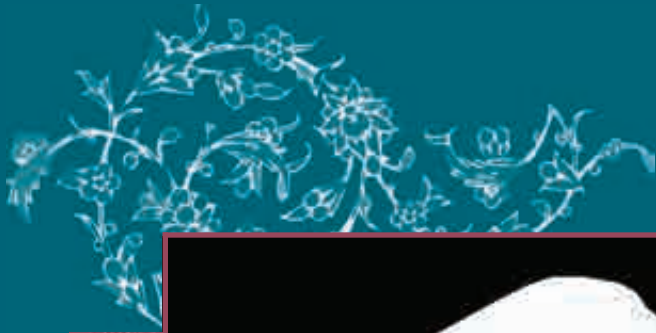
وی افزود: ثانیاً ایشان مؤدبانه می‌نوشت و به کسی توهین نمی‌کرد. اگر «ذهبی» را نقد کرده بود، در هیچ جا به وی توهین نمی‌کرد. ثالثاً کارش نقادانه بود و نظرات دیگران را به دیده نقد نگاه می‌کرد. نسبت به مشهورات آنان خیلی اعتماد نداشت و می‌گفت باید از استدلال و دلایل آنان پرسید. اگر دلیل داشت و دلیلش قابل نقد بود، آن را نقد می‌کرد. آیت‌الله معرفت این شیوه را به دیگران هم می‌آموخت.

این شاگرد آیت‌الله معرفت با بیان این که رویکرد آیت‌الله معرفت در بسیاری از تألیفاتش تطبیقی و بین مذاهبی بود، تصریح کرد: وی حتی مطالبی را از تورات و انجیل نقل می‌کرد و مقایسه می‌کرد و توضیح می‌داد. تاریخ را خوب بررسی می‌کرد. وی با مراجعه به کتاب‌های شیعی و سنی، بحث را به صورت تطبیقی بررسی می‌کرد. معمولاً در کتاب‌های ایشان يك آدرس به شیعه و يك آدرس به اهل تسنن داده شده است، این طور نبود که يك طرفه وارد شود و بحث کند.

نوآوری‌های علمی آیت‌الله معرفت

وی با اشاره به نوآوری‌های آیت‌الله معرفت در زمینه‌های فقهی، تفسیری و علوم قرآنی، بیان کرد: آیت‌الله معرفت در مباحث علوم قرآنی چند نظریه مهم داشت؛ یکی نظریه نسخ مشروط یا تمهیدی بود که من در مقاله مجموعه کنگره ایشان چاپ کردم و دومین نظریه ایشان بطن قرآن بود.

مدیر گروه مطالعات قرآنی دانشگاه مجازی المصطفی (ص) با بیان این که آیت‌الله معرفت به نسخ تمهیدی معتقد بود، اظهار کرد: علمای پیشین سه قسم نسخ داشتند؛ نسخ تلاوت و حکم، نسخ حکم بدون تلاوت و



نسخ تلاوت بدون حکم. آیت الله معرفت نسخ حکم بدون تلاوت را می پذیرفتند؛ به عنوان نمونه بحث قبله، هرچند در خود این مباحث جای بحث بود. لیکن ایشان اصطلاح جدیدی را در بحث نسخ پایه گذاری کرد.

وی خاطر نشان کرد: آیت الله معرفت در دو جای کتاب شبهات و ردود بحث زنان و برده داری را مطرح کرد که از آن گاهی به نسخ مشروط، گاهی به نسخ تمهیدی و گاهی به نسخ تدریجی نام برد. مقصود وی از نسخ تمهیدی همان اصطلاح قدما نبود؛ وی می گفت ما گاهی اوقات در جامعه سنت های غلطی داریم، قرآن آمده است که این سنت های غلط را ازاله و نسخ کند، اما این کار را به صورت تدریجی و مرحله به مرحله انجام داده است.

حجت الاسلام رضائی اصفهانی با اشاره به پدیده برده داری در زمان رسول اکرم (ص)، تصریح کرد: آیت الله معرفت می گوید اکنون در جامعه اسلامی برده داری وجود ندارد، در حالی که ما قانون منع برده داری هم نداریم. برده داری در ایران نیست. برده داری در اسلام بدون جنگ از بین رفت، و آیت الله معرفت معتقد بود که در قرآن آیات برده داری هست؛ زیرا در آن زمان اسیران را نمی شد نگهداشت؛ یا باید کشته می شدند و یا به خانواده های مختلف تحت عنوان برده می دادند که هم غذایشان را تأمین کنند و هم کار کنند تا آزاد شوند؛ لذا برده داری جزو لاینفک جامعه آن روز بود و قرآن نیز به آن اشاره می کند.

نویسنده کتاب پژوهشی در اعجاز علمی قرآن افزود: در قرآن آیات برده داری آمده است، اما سیستم و نظامی در درون آیات و روایات طراحی کرده است که کم کم برده داری برداشته شده است. اسلام مطرح کرد که با برده ها مهربان باشید و حقوق برده ها را بدهید، برده ها را آزاد کنید. از سوی دیگر کفاره روزه خواری و بسیاری از مسائل دیگر را برده داری قرار داد. به عنوان مثال امام صادق (ع) برده می خرید، تعلیم می داد و در شب عرفه آنان را آزاد می کرد.

وی با بیان این که نظام طراحی شده در اسلام در طول زمان منجر به ریشه کنی برده داری بدون خون ریزی شد، تصریح کرد: این مسئله همان نسخ تدریجی است؛ با این که به ظاهر اسلام برده داری را پذیرفت، ولی جهت گیری کلی در راستای نسخ یک سنت غلط در جامعه پی ریزی شد. در مبحث شبهات زنان در قرآن و روایات نیز به همین شکل مطرح می شود.

این شاگرد آیت الله معرفت با اشاره به شرایط حاکم بر زنان در عصر پیامبر (ص)، خاطر نشان کرد: در آن جامعه

دخترداری ننگ بود، نه تنها زنان ارث نمی‌بردند، بلکه مردان زنان را نیز به ارث می‌بردند. آنان را می‌زدند و حقوقشان را تضعیف می‌کردند. قرآن و روایات به گونه‌ای برنامه‌ریزی کردند تا زنان جایگاه حقیقی خود را به دست آورند، تا جایی که امیرالمؤمنین (ع) فرمودند: «إِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ».

وی با بیان این‌که دستیابی به جایگاه زنان به صورت دفعی و یکباره نبود، گفت: ابتدا مطرح شد که زنان ارث می‌برند، بعد گفتند مهریه زنان باید کامل داده شود، بعد گفتند که طلاقشان باید قانونی باشد و سپس سایر حقوق زنان مطرح شد تا جایی که اگر زن برای شیردادن به کودک خود حقوق درخواست کرد باید به وی داده شود.

حجت‌الاسلام رضائی اصفهانی با بیان این‌که اسلام حقوق زنان را در جامعه احیاء کرد، تصریح کرد: اسلام گفت اگر کسی می‌خواهد زن خود را به خاطر نشوز، بزند، ابتدا باید وی را موعظه کند، بعد شب‌ها بستر خود را از وی جدا کند، بعد به تعبیر روایات با چوب مسواک بزند، آن هم به طریزی که نه قرمز و نه سیاه شود که این؛ یعنی زن را نوازش کند.

وی افزود: آیت‌الله معرفت باز هم معتقد بود که اگر کسی می‌خواهد زن خود را بزند باید به دادگاه برود، شکایت کند و اگر قاضی حکم دهد، حق تنبیه وی را با این شرایط دارد؛ یعنی همانند تعبیر «السارق و السارقة فاقطعوا ايديهما» که در قرآن آمده است، نیاز به حکم قاضی دارد و به ندرت اتفاق می‌افتد، این مسئله هم از همین نوع است و باید منتظر حکم دادگاه ماند.

وی اظهار کرد: آیت‌الله معرفت در توضیح نسخ مشروط و تمهیدی به تحریم تدریجی و مرحله‌ای حکم شراب اشاره می‌کند؛ یعنی اسلام ابتدا گفت که با حالت مستی نماز نخوانید، سپس در آیه‌ای دیگر بیان کرد که ضرر شراب از نفعش بیشتر است و در انتها نیز شراب را نجس و از عمل شیطان خواند. در سنت نیز برای کسی که شرب خمر کند، حد تعیین کرد.

نظریه «بطن قرآن»؛ از بهترین و بدیع‌ترین نظریات آیت‌الله معرفت
این شاگرد آیت‌الله معرفت با بیان این‌که نسخ تمهیدی برای پاسخ‌گویی به بسیاری از شبهات کارایی دارد، گفت: نوآوری دیگر، نظریه جدید آیت‌الله معرفت درباره بطن بود که اولین کرسی نظریه پردازی که در قم برگزار شد، راجع به همین بحث بود. مجله کتاب نقد نیز در پائیز ۷۸ این نظریه را چاپ کرد. نظریه بطن قرآن

یکی از بهترین و بدیع‌ترین نظریات مطرح شده در زمینه قرآن است و معتقد در دهه‌های آینده، این نظریه انقلابی در تفسیر ایجاد می‌کند، البته اگر خوب فهم و عمل شود.

وی با بیان این‌که در نظریه بطن قرآن دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد، تصریح کرد: امام خمینی (ره) بطن را حقیقت عندالله در لوح محفوظ می‌دانست، علامه طباطبائی نیز، معانی متبادر در طول و ژرفای آیه می‌دانست. آیت‌الله معرفت بر این باور بود که بطن معنای کلی آیه است که به صورت يك قاعده در طی چهار مرحله از آیه استفاده می‌شود.

حجت‌الاسلام رضائی اصفهانی در تبیین چهار مرحله استخراج بطن از آیه قرآن اظهار کرد: مرحله ابتدایی، به دست آوردن هدف آیه و مرحله بعدی، الغای خصوصیات از زمان و مکان و افراد آیه است.

سومین مرحله، استخراج قاعده کلی و سپس تطبیق بر مصداق زمان است. در مرحله آخر، آزمایش کنیم که بطن استخراج شده مصداق خود آیه را شامل می‌شود یا نه؟ به این ترتیب مطمئن می‌شویم که از مصداق آیه خارج نشده و در دام تفسیر به رأی نیفتاده‌ایم.

وی در تبیین بیشتر این مسئله خاطر نشان کرد: به عنوان نمونه اگر قرآن در آیه شریفه دوازده از سوره مبارکه یوسف می‌فرماید: «أَرْسَلُهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعُ وَيَلْعَبُ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ؛ فردا او را با ما بفرست تا در چمن بگردد و بازی کند و ما به خوبی نگهبان او خواهیم بود». ابتدا باید هدف کلی آیه را استخراج کنیم، به عنوان نمونه هدف از آن، هشدار به پدر و مادرهاست در مورد فرزندهایشان.

این شاگرد آیت‌الله معرفت افزود: در مرحله اول الغای خصوصیت می‌کنیم از مکان آیه «کنعان»، زمان آن که دوران زندگی حضرت یعقوب (ع) بوده و افرادی که حضرات یعقوب و یوسف (ع) بوده‌اند. قاعده کلی این است که پدر و مادرها مواظب باشند که فرزندانشان را به بهانه غذا و بازی از دستشان نریزند. این قاعده کلی را بر موارد خاص تطبیق می‌دهیم؛ یعنی من درباره فرزند خودم، تو درباره فرزند خودت و دیگران نیز همین طور. این آیه که بخشی از داستان یوسف بود، تبدیل به حرف روز شد.

وی با اشاره به روایتی در مقدمه تفسیر «عیاشی» اظهار کرد: امام باقر (ع) فرمودند: «ظهره تنزیله و بطنه تأویله، منه ما قد مضی و منه ما لم یکن، یجری کما یجری الشمس...»؛ یعنی قرآن مانند خورشید می‌ماند که هر روز طلوع جدیدی دارد. در روایات دیگر

نوآوری دیگر، نظریه جدید آیت‌الله معرفت درباره بطن بود که اولین کرسی نظریه پردازی که در قم برگزار شد، راجع به همین بحث بود



به کار بندیم. ما حتی می‌توانیم از پدر و فرزند بودن یعقوب و یوسف الغای خصوصیت کنیم و قاعده استخراج شده این می‌شود که هشدار به ملت‌ها درباره استعدادها در خشانشان دهیم تا آن‌ها را به بهانه‌های مختلف از دستشان جدا نکنند.

این شاگرد آیت‌الله معرفت افزود: کشور ژاپن المپیادهای خود را تنها در داخل کشور خود برگزار می‌کند و نخبگان خود را به کشورهای دیگر نمی‌فرستد. اگر ما پیام این آیه را گرفته بودیم دیگر نخبگان خود را به خارج کشور نمی‌فرستادیم. این پیام روز است، اگرچه آیه را نگاه کنیم تنها می‌گوید که یوسف را به همراه ما برای بازی و تفریح بفرست که در زمان یوسف است.

وی خاطر نشان کرد: در همان کرسی نظریه‌پردازی بطن قرآن که در قم برگزار شد، مطرح شد که این نظریه به این معنا نیست که بطن تنها یک معنا دارد، بلکه برعکس معانی مختلفی دارد و تفسیرهای مختلفی از آن شده است. امام خمینی (ره) یک معنی بیان کرده‌اند، علامه طباطبایی تفسیر دیگری ارائه داده‌اند و دیگران نیز همین‌طور است.

مدیر گروه مطالعات قرآنی دانشگاه مجازی المصطفی (ص) بیان کرد: آیت‌الله معرفت همچنین در آن جلسه مطرح کرد که این روش را با تمام روایات بطنی تطبیق کرده‌ام و درست در آمد. از جمله طبق روایات امام باقر (ع) که فرمودند: «ظهره تنزیله و بطنه تأویله» نیز هست. منافاتی هم ندارد که برخی از مراحل بطن که تا هفت بطن بیان کرده‌اند در دسترس ما نبوده و مخصوص اهل بیت (ع) باشد.

وی با بیان این‌که اختصاص مراحل بطن به اهل بیت (ع) به این معنا نیست که ما هیچ چیزی از قرآن و بطن آن نفهمیم، تصریح کرد: بسیاری از مراحل ابتدایی بطن را می‌توان درک کرد. این خلاف حکمت خداست که آیه‌ای را نازل کند و به ما بگوید که شما این مسئله را نمی‌فهمید و بعد در روز قیامت برای عمل نکردن به آن به جهنم ببرد.

حجت‌الاسلام رضائی اصفهانی اظهار کرد: آیت‌الله معرفت معتقد بود که بعضی از مراتب بطون مخصوص اهل بیت (ع) است، اما برخی از مراحل بطون برای ما قابل فهم است. متأسفانه برخی این مطلب ایشان را متوجه نشده بودند. نقطه نظر آیت‌الله معرفت را در شماره ۵۲ مجله قیاسات، مقاله «چیستی بطن قرآن و راهکارهای فهم آن» مفصل توضیح داده‌ام.

است که «و ان الآیة إذا نزلت فی قوم، ثم مات هؤلاء القوم، ماتت الآیة، لما بقی من القرآن شیء، و لکن القرآن یجری أوله علی آخره مادامت السماوات و الأرض و لكل قوم آیة یتلونها...».

نویسنده کتاب پژوهشی در اعجاز علمی قرآن افزود: اگر آیه درباره اقوام گذشته نازل شده بود، هنگامی که اقوام قبلی از بین رفتند آیه نیز باید نابود شود؛ زیرا داستان تاریخی آنان گذشته است. حال راهش چیست؟ آیت‌الله معرفت بر این باور است که با این چهار مرحله می‌توانیم به قاعده کلی دست یابیم که در همه زمان‌ها جواب دهد.

مدیر گروه مطالعات قرآنی دانشگاه مجازی المصطفی (ص) با بیان این‌که با این عمل تمام داستان‌های انبیاء (ع) گذشته به داستان‌های زندگی ما تبدیل می‌شود، اظهار کرد: بنده این قاعده را در تفسیر قرآن مهر از ابتدا تا انتها پیاده، و آموزه‌ها و پیام‌های آیات را استخراج کردم. آیت‌الله معرفت نیز یک دور کامل این تفسیر را مطالعه و نظرات خود را بیان کرد.

وی با بیان این‌که مفسران دیگری نیز در تفاسیر خود به شکل عملی از این قاعده بهره برده‌اند، گفت: روزی در مسجد الحرام این مسئله را برای حجت‌الاسلام قرائتی مطرح کردم و گفتم آیت‌الله معرفت چنین نظری دارد و شما در تفسیر نورگاهی این کار را انجام داده‌ای. در حقیقت شما از این قاعده استفاده کرده‌ای، اما آیت‌الله معرفت آن را تئوریزه کرده است. حجت‌الاسلام قرائتی این مسئله را تأیید کرد و گفت: «در قم به خدمت آیت‌الله معرفت می‌رسم. این نظریه می‌تواند تفاسیر قرآن را متحول کند».

حجت‌الاسلام رضائی اصفهانی با بیان این‌که به نظر آیت‌الله معرفت هدف اصلی تفسیر قرآن، به دست آوردن پیام‌های کلی از آیات و تطبیق آن بر زمان جدید است، گفت: به نظر ایشان وظیفه مفسر نیز استخراج این قواعد کلی است، نه این‌که تنها بنشینیم و بگوییم که قوم ثمود چه کردند و چه شدند؟ با این مسئله مشکلی حل نمی‌شود. بلکه باید به این مسائل پرداخت تا مقدمات بهره‌برداری از قرآن در تمامی شئون زندگی مهیا شود، نه این‌که صرف خاطره‌های گذشته تکرار شود.

وی در ادامه اظهار کرد: این‌که تنها فیلم و داستان حضرت یوسف (ع) ساخته شود و شب‌ها بنشینیم و ببینیم و بعد بخواهیم کافی نیست. هدف قرآن این است که به عنوان نمونه از آیه شریفه: «أَرْسَلْنَا مَعْنَا غَدًا يَرْتَعُ وَيَلْعَبُ» برداشت زنده کنیم و در زندگی خود

به نظر آیت‌الله معرفت وظیفه مفسر نیز استخراج این قواعد کلی است، نه این‌که تنها بنشینیم و بگوییم که قوم ثمود چه کردند و چه شدند

کتب آیت‌الله معرفت؛ دوره معارف و علوم قرآن، نه نقل فهرست‌وار مطالب

حجت‌الاسلام و المسلمین حسن خرقانی، مدرس علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی، در بیان سابقه آشنایی خود با آیت‌الله معرفت تصریح کرد: از سال ۱۳۷۱ که رشته علوم قرآن و حدیث در دانشگاه علوم اسلامی رضوی تأسیس شده بوده، آیت‌الله معرفت جزو نخستین اساتیدی بود که برای تدریس به این دانشگاه می‌آمد و من از آن زمان افتخار هم‌صحبتی با ایشان را داشتم. آیت‌الله معرفت در آن دوران با فاصله زمانی خیلی نزدیکی به این دانشگاه می‌آمد و محبت‌های فراوانی کشید تا این رشته در دانشگاه رضوی دوام یافت و بالنده شد، البته اساتید بزرگ دیگری هم بودند، اما از بین آنان فردی که بیشتر از همه وقت و سرمایه علمی خود را در این راه گذاشت، مرحوم آیت‌الله معرفت بود. آیت‌الله معرفت سال‌ها تا اواخر عمر پربهرکتشان به این دانشگاه می‌آمد و من به اعتبار سمت اجرایی که داشتم با وی بیشتر مأنوس شدم و پیوسته به خدمتش می‌رسیدم، البته آیت‌الله معرفت خیلی علاقه داشتند که شاگردانشان به ایشان مراجعه کنند و از فرصت‌هایی که در محضرشان بودند استفاده می‌کردند و نکات ارزشمندی را مطرح می‌کردند.

نویسنده کتاب هماهنگی و تناسب در ساختار قرآن کریم خاطر نشان کرد: آیت‌الله معرفت در واقع حلقه ارتباط و اتصال علوم اسلامی بین نسل گذشته در حوزه‌ها و نسل آینده محققان بود و در این جایگاه وظیفه خود را به نحو

ویژگی مهم تألیفات آیت‌الله معرفت این بود که علوم قرآن را با معارف آن توأم می‌کرد، کتاب‌های ایشان صرف نقل علوم قرآنی با همان چارچوب‌های خشک نیست، بلکه در کتاب‌های خود به مباحث تفسیری و معارف قرآن اهتمام ویژه‌ای داشت.





شایسته به انجام رساند. آیت‌الله معرفت از محضر اساتید بزرگوارى استفاده کرده بود و چکیده اندیشه‌هایی را که پسندیده بود و با اسلام ناب سازگار تر و هماهنگ‌تر می‌دید، فراگرفت و آن را با آمیزه‌ای از اندیشه‌ها و نوآوری‌های خودش به شاگردانش منتقل می‌کرد.

وی با بیان این‌که آیت‌الله معرفت توانایی بالایی در شاگردپروری داشت، بیان کرد: کسانی که با وی ارتباط داشتند، متوجه بودند که این روشی که در پرورش شاگردان انجام می‌دهد را نمی‌توان در کس دیگری سراغ گرفت. در واقع بهادادن به شاگردان و هم‌نشینی با آنان، تشویق و ترغیب آنان به انجام پژوهش‌های علمی و القاء روح نقادی و تعمق از ویژگی‌های بارز روش ایشان بود.

تدریس آیت‌الله معرفت تنها صرف بیان مطلب نبود، بلکه ایشان همواره شاگردان را هم به اظهار نظر و می‌داشت و مجال ورود به میدان بحث را برای آنان فراهم می‌کرد. اگر شاگردانش نظری مطرح می‌کردند و وارد بحث می‌شدند، آیت‌الله معرفت به آن نظرات بهای داد و به بحث و نقد می‌کشید و گاه هم اتفاق می‌افتاد که از این نظرات بهره می‌برد. بارها اتفاق می‌افتاد که متذکر می‌شد که من این روشی را که استفاده کردم، از آن شاگرد استفاده کرده‌ام. این مسئله باعث بها دادن به آن نظریه پرداز و پرورش روحیه تفکر و طرح مسئله در شاگردان می‌شد.

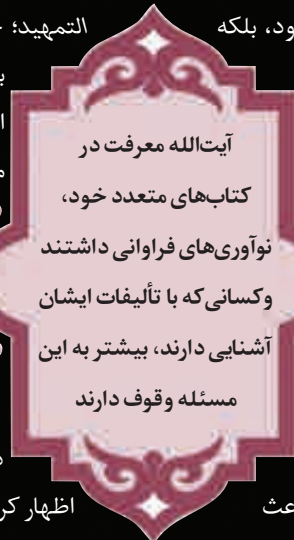
این مدرس دانشگاه علوم اسلامی رضوی با بیان این‌که آیت‌الله معرفت در بسط و گسترش علوم قرآنی در حوزه و دانشگاه و مهجوریت زدایی از علوم و معارف قرآنی نقش بسزایی داشت، خاطر نشان کرد: می‌توان گفت که اگر علوم قرآنی در کشورمان رواج پیدا کرده، بخش عمده‌ای مرهون تلاش ایشان است. تحقیقات و کتب آیت‌الله معرفت در کشور ما، به شکل خاص و در جهان تشیع و در قرن اخیر به شکل عام تأثیرگذار بود. اگر ما علامه طباطبایی را به عنوان پیشوای علم تفسیر در کشورمان قلمداد می‌کنیم که در تفاسیر بعد از خودشان تأثیر گسترده‌ای به جا گذاشت، آیت‌الله معرفت نیز به اعتبار گستردگی تأثیر و برکاتی که در آثار علوم قرآنی داشت، پیشگام این رشته هست. کسانی که بعد از آیت‌الله معرفت آمده‌اند، از آثار ایشان بسیار استفاده کرده‌اند که برخی از اینان جزو شاگردان بودند و برخی نیز مراجعاتی به کتبش داشته و دارند. البته برای مشخص شدن جایگاه آیت‌الله معرفت در

علوم قرآنی، هنوز نیازمند گذشت زمان هستیم.

مدرس جامعه المصطفی (ص) العالمیه، در بیان ویژگی‌های کتاب التمهید تصریح کرد: یکی از ویژگی‌های کتاب التمهید، جامعیت و گستردگی است. در علوم قرآن، کتابی به این گستردگی نداشتیم و اگر اخیراً کتاب‌هایی آمده، به این حجم گسترده به موضوعات پرداخته‌اند. اساساً ما کتابی که در مسائل علوم قرآنی چنین تعمیق و ژرف‌اندیشی کرده باشد را نداریم. اکثر کتاب‌های موجود یا بخشی از آثار گذشتگان را بیان کرده و یا به صورت فهرست وار، مباحث را مطرح کرده است. کتب علوم قرآنی دیگر، جامعیت، گستردگی و ژرف‌اندیشی تألیفات ایشان را ندارد، کتاب التمهید؛ چون در طول یک دوره زمانی و در چندین دهه، بازنگری و پخته شده، نظرات علمی ایشان را از استواری خاصی برخوردار کرده است. آیت‌الله معرفت در سال‌های اخیر نیز التمهید را بازنگری کرد و نظراتی که ایشان بعد از بیش از ۵ دهه غور در مباحث علوم اسلامی به دست آورده بودند را در آن داخل کردند.

حجت‌الاسلام خرقانی با بیان این‌که ویژگی دیگر کتاب‌های آیت‌الله معرفت، نوآوری است، اظهار کرد: ایشان در کتاب‌های متعدد خود، نوآوری‌های فراوانی داشتند و کسانی که با تألیفات ایشان آشنایی دارند، بیشتر به این مسئله وقوف دارند. آیت‌الله معرفت تنها آثار گذشتگان را منتقل نمی‌کرد، بلکه در بسیاری از مباحث نقد جدی وارد می‌کرد و در کنار بیان مطالب، نظرات و نوآوری‌های خود را نیز مطرح می‌کرد، چنانچه در برخی زمینه‌ها، عرصه‌های جدیدی را فراسوی محققان گشود. التمهید تنها در یک مرحله چاپ نشد، بلکه مرتب در طول سال‌ها رشد کرد و به کمال خود رسید. ویژگی دیگر این کتاب گستردگی کاربرد منابع است. آیت‌الله معرفت از منابع بسیار گسترده‌ای در التمهید استفاده کرد و مرتب در حال رجوع به منابع جدید در بازنگری این کتاب بود. ایشان همیشه از اوضاع و احوال پژوهش در زمینه علوم قرآن مطلع بود و از محتوای این پژوهش‌ها بهره‌مند می‌شد و کارهای خود را به کمال بیشتری می‌رساند.

نوآوری و پویایی؛ مهم‌ترین ویژگی کتب آیت‌الله معرفت این شاگرد آیت‌الله محمدهادی معرفت تصریح کرد: ویژگی مهم تألیفات آیت‌الله معرفت این بود که علوم قرآن را با معارف آن



آیت‌الله معرفت در کتاب‌های متعدد خود، نوآوری‌های فراوانی داشتند و کسانی که با تألیفات ایشان آشنایی دارند، بیشتر به این مسئله وقوف دارند

توأم می‌کردند؛ یعنی کتاب‌های ایشان صرف نقل و انتقال علوم قرآنی با همان چارچوب‌های خشک نبود، بلکه ایشان در کتاب‌های خود به مباحث تفسیری و معارف قرآن اهتمام ویژه‌ای داشت و نمونه‌های مختلفی را در مباحث علوم قرآنی مطرح می‌کرد. در واقع آثار ایشان در بیشتر کتاب‌هایشان آمیزه‌ای از علوم و معارف قرآن است. این همراهی علوم و معارف قرآن در تألیفات آیت‌الله معرفت، در جلد سوم التمهید در بحث نقد شبهات و در جلد ششم آن بروز بیشتری دارد. نکته دیگر این‌که از نظر سبک نگارش، ایشان قلم بسیار روان و قشنگی داشتند. این قلم پخته باعث شده بود تا ایشان در عبارت‌پردازی بسیار دقت کند و به همین خاطر آیت‌الله معرفت با قلم خودش می‌نوشت و تلاش داشت تا بیاناتش دقیق و فشرده باشد.

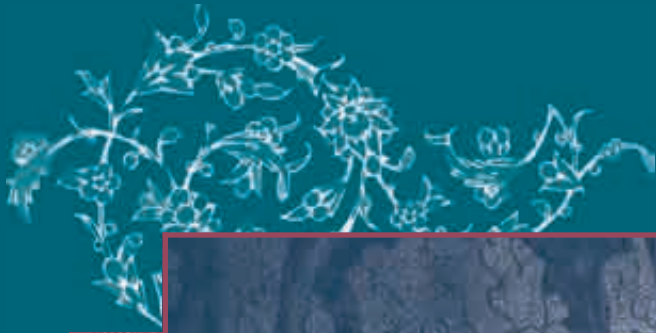
وی با بیان این‌که از مهم‌ترین ویژگی‌های کتب آیت‌الله معرفت، نوآوری و پویایی بود، اظهار کرد: ایشان در کتاب‌های متعدد خود، نوآوری‌های فراوانی داشت و تنها آثار گذشتگان را منتقل نمی‌کرد، بلکه در بسیاری از مباحث نقد جدی وارد می‌کرد و در کنار بیان مطالب، نظرات و نوآوری‌های خود را نیز مطرح می‌کرد، چنانچه در برخی زمینه‌ها، عرصه‌های جدیدی را فراسوی محققان گشود.

وی در ادامه گفت: آیت‌الله معرفت عالمی بود که در عین پابندی به نصوص دینی، نواندیش و عقل‌گرا بود. وی توجه ویژه‌ای به عالمانی داشت که در تشیع همچون شیخ مفید بودند و این خصوصیت نواندیشی و عقل‌گرایی را داشتند. آیت‌الله معرفت واقعیت‌های عصر حاضر و این‌که باید جایگاه تشیع را در کشورهای دیگر گسترش داد را مورد توجه قرار می‌داد.

به ایشان نقد شده که به اهل تسنن گرایش دارند، اگر کسی واقعا در آثار ایشان تأمل کند، گویاست که ایشان همواره در آثارشان به روشنی از مکتب اهل بیت (ع) دفاع کردند. به یاد دارم که آیت‌الله معرفت نقل می‌کرد که یک شب از حرم برمی‌گشتم و یکی از دوستان خودم را دیدم. وی جوپای احوال من شد و من گفتم که

کلاس درسی دارم و التمهید را تدریس می‌کنم. دوستش گفت: همان کتابی که می‌گویند در آن سنی شدی. آن شب بسیار ناراحت و دل شکسته شدم و گفتم: ایشان در آن شب گفت: «خداوند تو شاهد باش که هنگامی که شروع به نوشتن التمهید کردم، قصد و غرضم دفاع از اهل بیت (ع) بود. من تلاش کردم تا نظرات اهل بیت (ع) را در آن مطرح کنم، اما دیگران نسبت به من چه تصویری دارند.» آیت‌الله معرفت قبل از آن‌که التمهید را بنویسد، در نجف خدمت حضرت علی (ع) رسید و از ایشان خواست تا بتواند از حریم تشیع دفاع کند. با توجه به این‌که تشیع در علوم قرآنی کتاب‌های بسیار کمی دارد و نظرات تشیع نیز کمتر مطرح شده و بسیار محدود بود، این اقدام آیت‌الله معرفت بسیار ارزشمند و پرتیر بود. البته آیت‌الله خوئی «البیان» را نوشت و در گذشتگان هم هست، اما گستردگی و عمق التمهید را ندارد. آیت‌الله معرفت می‌خواست در این کتاب از مکتب تشیع دفاع، و نظرات اهل بیت (ع) و علمای تشیع را منعکس کند.

وی با اشاره به تمایز بسیار عمیق و غیر قابل قیاس جایگاه اهل بیت (ع) با صحابه و تابعین در دیدگاه آیت‌الله معرفت گفت: جایگاه اهل بیت (ع) جایگاه ویژه‌ای هست که همان طور که خودشان فرمودند: «لا یقاس بنا احد»؛ زیرا جایگاه اهل بیت (ع) همان جایگاه رسول اکرم (ص) است. دید استاد معرفت نسبت به اهل بیت (ع) را نباید با نگاهش نسبت به تابعین قیاس کرد. تنها تفاوت دیدگاه وی با دیگران این بود که دید به نسبت بازتری نسبت به دیدگاه برخی راجع به صحابه بزرگوار پیامبر (ص) داشت. به نظر وی برخی از صحابه نظیر ابن عباس و ابن مسعود جزو کسانی هستند که در ردیف شیعیان به شمار می‌آیند. کسانی که احادیث پیامبر (ص) را منتقل می‌کردند، به این دید نگاه می‌کردند و صحابه، اهل علم و دانش را با کسانی که این‌گونه نبودند، متمایز می‌دانست. آیت‌الله معرفت در کتاب‌های خود صحابه‌ای را که انحرافات داشتند، نقد می‌کرد.



باشد و حجت ندانیم، اما ممکن است بخش‌های دیگری باشد که ارزشمند و درست باشد. ایشان میان فقه، اصول، کلام و معارف و علوم قرآنی پیوند ایجاد کرده بود. ما که شاگرد ایشان بودیم، گاهی از این جامعیت متعجب می‌شدیم. وی در علوم قرآن و تفسیر به عنوان متخصص جامعی که در تمامی ابعاد می‌اندیشد، وارد می‌شد. اگر آیت‌الله معرفت در علم اصول نیز فرصتی می‌یافت که نگارشی داشته باشد، نظرات برجسته‌اش نمود پیدا می‌کرد. در واقع ایشان آمیزه‌ای از مفسر و قرآن‌پژوه، فقیه، متکلم و صاحب نظر در مباحث اعتقادی بود. در بحث فقهی نظرات بسیار دقیق و نوینی داشت.

نویسنده مقاله التمهید و جایگاه آن در میان قرآن‌پژوهان در تبیین دیدگاه آیت‌الله معرفت درباره ارزش تفسیری صحابه که بستر رویش برخی انتقادات به وی شده است، اظهار کرد: آیت‌الله معرفت به شکل گویا و رسا دیدگاه خود را در رابطه با صحابه و تابعین بیان کرده بود. اگر بخواهیم پیشینه تفسیر را تا روزگار پیامبر اکرم (ص) بررسی کنیم، در این زنجیره بخشی از مفسران صحابه و تابعین بودند. نظرات آنان به عنوان مفسر ارزشمند است؛ زیرا به زمان نزول نزدیک بودند و یا معاصر زمان پیامبر (ص) بودند؛ بنا بر این برداشت، آن‌ها به عنوان نزدیکی و معاصرت برای ما از یک اعتبار و ارزش خاصی برخوردار بوده، و این ارزش خاص نیازمند دقت و تأمل بیشتری بود.

عضو گروه ترجمه کتاب نقد شبهات پیرامون قرآن کریم تصریح کرد: شاید همین دفاع آیت‌الله معرفت از برخی صحابه راستین پیامبر (ص) زمینه برخی انتقادات را فراهم کرد. اما این نکته را باید مد نظر داشت که شاید این عده از صحابه به خاطر محبت و ارادتی که به اهل بیت (ع) داشتند، در طول تاریخ مورد تهمت‌هایی واقع شدند و حاکمان برای این‌که وجاهت اینان را از بین مردم دور کنند، انگ‌هایی به آنان زده باشند.

وی با بیان این‌که آیت‌الله معرفت از این مقام علمی اصحاب

وی با اشاره به این‌که گاهی آیت‌الله معرفت نظرات صحابه را می‌پذیرفت، تشریح کرد: آیت‌الله معرفت می‌خواست به این واقعیت توجه کند که صحابه و تابعین در اسلام جایگاهی داشتند و بخشی از چیزهایی که امروز میراث قرآن و علوم قرآن است، از زبان آنان نقل شده است؛ بنابراین ما نیازمندیم که به آنان رجوع کنیم، همچنان که در مجمع البیان و دیگر آثار علمای شیعه منعکس شده است. آیت‌الله معرفت به صحابه به عنوان کسانی که نظرشان قابل نقل و نقد است، توجه می‌کرد؛ زیرا به نظر وی نظری که به معصوم (ع) نرسد از دیدگاه ما دارای حجت نیست؛ لذا وی نظرات صحابه و تابعین را همانند نظرات مفسران نقل می‌کرد. آیت‌الله معرفت می‌خواست به میراث منقولی که از اهل بیت (ع) در زمینه تفسیر مانده است به طور جامع نگاه شود و از آن‌ها دیدگاه‌های جامع و مناسبی برگرفته شود.

این شاگرد آیت‌الله محمدهادی معرفت افزود: تفاسیر روایی که وجود دارد، تنها بخشی از این دیدگاه را مطرح کرده و گاه صرفاً نقل بوده و تحلیلی به همراه نداشته است. قصد آیت‌الله معرفت این بوده تارویات را تحلیل و فهم کند و در کنار یکدیگر قرار دهد. به نظر ایشان هنگامی که روایات در کنار هم قرار می‌گیرد، مضمون را هم آشکار می‌کند و اگر نقصی در آنان است، روشن تر و مشخص تر می‌شود. دیدگاه وی این بود که اگرچه ما روایاتی را ضعیف بدانیم، لیکن ممکن است در همین روایات نکات بسیار ارزشمند و برجسته‌ای پیدا شود که ما با آن‌ها برخورد نکنیم.

آیت‌الله معرفت: پیوند دهنده فقه، اصول، کلام و علوم قرآنی

این مدرس حوزه و دانشگاه با بیان این‌که آیت‌الله معرفت حتی روایاتی که مطرود بود و دیگران ضعیف می‌دانستند را مطرح می‌کرد، گفت: گاه می‌شد که آیت‌الله معرفت در آن روایات معارف مناسب و خوبی را استنباط می‌کرد. اساساً نظر ایشان این بود که اگرچه ممکن است بخش‌هایی از روایتی برای ما مبهم و قابل نقد



منسوخ، نزول قرآن و بسیاری از مباحث قرآنی ایشان پیگیری کرد. التفسیر الأثری که وی شروع کرد، خود می‌تواند نشان دهنده ارادت وی به اهل بیت (ع) و جایگاه بی‌بدیلی باشد که وی برای فرمایشات ایشان قائل بود. غرض آیت‌الله معرفت این بود که روایات ائمه معصومین (ع) را در کنار روایات اهل سنت قرار دهد تا آن درخشش و برجستگی نظرات اهل بیت (ع) نمود خود را پیدا کند. وی با اشاره به رویکرد تقریبی و تطبیقی آیت‌الله معرفت افزود: آیت‌الله معرفت می‌خواست کاری عرضه کند که اهل سنت هم ببینند و از آن بهره‌مند شوند. به خاطر همین مسئله روایات اهل سنت را آورد و در آثار خود، مخصوصاً تفسیر، مشخص کرد و در کنار آن، روایات اهل بیت (ع) را قرار داد تا برجستگی و جایگاه ممتاز روایات اهل بیت (ع) روشن شود که چگونه به آسانی مشکلات علمی را حل می‌کنند. آیت‌الله معرفت تنها نزول تدریجی قرآن را باور می‌کند و آنچه برخی به عنوان نزول دفعی مطرح می‌کنند را نمی‌پذیرد. او با توجه به واقعیات موجود در خود قرآن و بررسی روایاتی که در این زمینه وارد شده بود، این نظر را پذیرفته بود و از آن دفاع می‌کرد، اگر چه این نظر مورد پذیرش دیگران نبود. وی در پاسخ به این سؤال که نوآوری آیت‌الله معرفت درباره نسخ چه بود؟ تصریح کرد: وی آیات فراوانی که در رابطه با نسخ مطرح

راستین رسول اکرم (ص) دفاع می‌کند، افزود: ایشان می‌خواهد ثابت کند که این عده ارادتمند اهل بیت (ع) بودند و از علوم ایشان بهره‌مند شدند. البته وی از سوی دیگر افرادی مثل ابوموسی اشعری که مشکل داشت را نیز متذکر می‌شد و انحرافات که آنان در حوزه تفسیر داشتند را بیان می‌کرد. کسی اگر آثار ایشان را بخواند متوجه می‌شود که در روایات اهل بیت (ع) دقت نظر خاصی داشت. تکیه عمده آیت‌الله معرفت در حل مباحث مختلف علمی روایات اهل بیت (ع) است. اگر در جلد سوم التمهید نگاهی بیندازید، وی در بررسی متشابهات از روایات استفاده زیادی می‌برد و سعی دارد تا روایات را تا آنجا که قابل فهم و توجیه باشد، بر معنای درستی حمل کند. مدرس جامعه المصطفی (ص) العالمية در تبیین عنایت ویژه آیت‌الله معرفت به جایگاه روایات اهل بیت (ع) بیان کرد: وی حتی تلاش می‌کرد تا از برخی از روایاتی که به ظاهر ممکن بود درست به نظر نرسد تفسیر درست ارائه کند تا با محکمت قرآن و سنت مطابق افتد و تعارضات ظاهری حل شود. آیت‌الله معرفت در مواجهه با شبهات روز، سرنخ‌های خود را از روایات اهل بیت (ع) می‌گیرد. در مباحث متعددی این مسئله نمود دارد و نمونه‌های آن را می‌توان در موضوعات محکم و متشابه، بحث شبهات، قرانات، ناسخ و



است. اما این نوع تنقیح مناط را از خود لفظ و آیه به دست می آوریم و باز هنگامی که بیان کردیم، مفهوم باطنی آیه به معنای ظاهری تبدیل می شود.

این شاگرد آیت الله معرفت در پاسخ به این سؤال که از آنجا که آیت الله معرفت در سه جلد پایانی التمهید مباحث اعجاز قرآن را بیان کردند، دیدگاه ایشان نسبت به اعجاز قرآن چه بود و بر روی چه جنبه ای تأکید می کردند؟ خاطر نشان کرد: در مقابل دو دیدگاهی که یا اعجاز قرآن را به معنا و یا به لفظ باز می گرداند، ایشان اعجاز قرآن را تلفیق و ترکیب از این دو می دانست. آیت الله معرفت اعجاز قرآن را عام می دانستند، که قرآن کریم در ابعاد خودش اعجاز است.

وی با بیان این که مرحوم معرفت اعجاز قرآن را هم در بعد معنایی، معارفی و هم در بعد لفظی می دانست، تصریح کرد: برخی از بحث های ایشان که مباحث جلد پنجم را شامل می شود در بعد لفظی است و این جنبه را تبیین می کند و جلد ششم التمهید جنبه معارفی را که در حوزه اعجاز علمی و تشریحی باشد توضیح می دهد. مرحوم معرفت قرآن را در تمامی ابعاد خودش معجزه می دانست. با توجه به ابعاد و زمان های مختلف برخی از این ابعاد می تواند کم رنگ تر و برجسته تر شود. قرآن کریم نسبت به مخاطبان مختلف یک بعد از اعجاز خود را نشان می دهد.

یکی از نکات برجسته آیت الله معرفت جامعیت وی بود. ایشان در علوم قرآن و تفسیر به عنوان متخصصی جامع که در تمامی ابعاد اندیشیده، وارد می شد

جامعیت: از ویژگی های برجسته آیت الله معرفت

حجت الاسلام خرقانی با بیان این که یکی از ویژگی های آیت الله معرفت، پیوند میان فقه، اصول، کلام و معارف و علوم قرآنی بود، اظهار کرد: یکی از نکات برجسته آیت الله معرفت جامعیت وی بود. ما که شاگرد ایشان بودیم، گاهی از این جامعیت متعجب می شدیم. ایشان در علوم قرآن و تفسیر به عنوان متخصصی جامع که در تمامی ابعاد اندیشیده، وارد می شد. انسان حتی با نگاهی به تألیفات ایشان در همین حوزه علوم قرآنی به راحتی احساس می کند که آیت الله معرفت در مباحث کلامی یک فرد دقیق و صاحب نظر است و در حوزه کلام نظرات خاصی دارد، بدان سان که در جلد سوم التمهید، این نظرات بعد خاصی گرفته است. در بعد فقه هم ایشان فقیه بسیار برجسته ای بود و کسی که دقت نظر ایشان را در مباحث فقهی می دید، متوجه جایگاه بلند فقهی وی می شد.

بود را قبول نمی کرد و نسخ را تنها منحصر در هشت آیه می دانست. در ادامه وی از این نظر خود نیز بازگشت و در نهایت آیت الله معرفت معتقد شد که در قرآن نسخی وجود ندارد و ما آیه ای که منسوخ باشد، نداریم. البته نسخ در شریعت وجود داشته و خود قرآن حتی ناسخ سنت بوده و در خود قرآن کریم، آیات ناسخ وجود داشته، اما آیه ای که منسوخ باشد و حکمش را نتوانیم استفاده کنیم، نداریم. وی با بیان این که مبانی آیت الله معرفت در خود حکمت متشابهات قرآن به علامه طباطبایی نزدیک بود، اظهار کرد: البته ایشان در بحث تأویل دیدگاه متفاوتی با علامه داشت. علامه تأویل قرآن را حقایق خارجی و بیرونی که در قرآن کریم هست می دانست، اما آیت الله معرفت به این مسئله که بخواهیم تأویل قرآن را حقایقی دور از دسترس فهم بشر بدانیم، معتقد نبود. ایشان در واقع تأویل را گونه ای از تفسیر معرفی می کرد، اما علامه تأویل آن را از سنخ تفسیر نمی دانست و به حقایقی در عالم ملکوت، ارجاع می داد؛ یعنی اختلاف در خود بحث تأویل قرآن بود که ایشان آن را از نوع تفسیر می دانست.

وی در بیان تمایز بطن از تأویل قرآن گفت: ایشان بطن را مفاهیم کلی که از آیات قرآن کریم به دست می آید می دانست. بطن را بخشی از مفهوم و معنای ظاهر قرآن می دانست که هنگامی که آن بطن بیان شود، به ظاهر قرآن تبدیل می شود و دیگران تصدیق می شود. آیات قرآن همراه با

برخی خصوصیات و ناظر به بعد خاصی بود. بیشتر آیات قرآن همراه با برخی شرایط و اسباب نزول بود، گاه ممکن است تصور شود که آیه خاص است و مطلب خاصی را می گوید. آیت الله معرفت معتقد بود که اگر این خصوصیات را کنار بگذاریم و از آن مفهوم آیات معنای کلی را برداشت کنیم، آن معنای کلی بر مصادیقی سرایت دارد. ما از معنای کلی مفاهیمی را برداشت می کنیم و آن قاعده کلی بطن آیات می شود. این قاعده کلی را بر دیگر مصادیق تطبیق می کنیم. با این کار قرآن کریم کتابی پویا می شود، کتابی که در دسترس زندگی بشر است و در زندگی قابل پیاده شدن و قابل تطبیق است. قرآن با مردم روزگار خود و بشر سخن می گفته، مثالی می زند، اما در ضمن آن یک قاعده کلی را بیان می کند. آن قواعد کلی را از ضمن این تعبیرات قرآن به دست بیاوریم و بر دیگر مصادیق تطبیق کنیم.

وی در پاسخ به این سؤال که آیا نظریه تأویل شباهتی با مسئله تنقیح مناط دارد؟ بیان کرد: این نظریه تقریباً شبیه تنقیح مناط



آیت الله معرفت تفسیر به رأی را از اجتهاد صحیح در فهم قرآن متمایز کرد

مسائل مختلفی از این علوم قرآنی، تفسیر و مباحث فقهی از محضر ایشان در مشهد مقدس استفاده کنم. وی با بیان این که با آیت الله معرفت مصاحبه‌های متعددی انجام دادم و سؤالات مختلفی پرسیدم، افزود: در یکی از این مصاحبه‌ها از ایشان پرسیدم که چه شد شما به مسائل علوم قرآنی روی آوردید؟ ایشان گفت: «در زمانی که در حوزه نجف اشرف بودم، مجله‌ای در بغداد منتشر می‌شد و مردم فهیم و نکته‌سنج سؤالات خود را مطرح می‌کردند.» آیت الله معرفت در صدد برآمد که به این سؤالات پاسخ دهد. همین سؤالات فتح بابی برای ورود ایشان به حیطه مسائل قرآنی شد. آن طور که از بیانات ایشان فهمیدم، بیشتر تألیفات ایشان که در مسائل قرآن و علوم قرآنی و یا پاسخ به شبهات قرآنی در التمهید بوده، در واقع مقدمه‌ای برای تفسیری است که می‌خواست بنویسد. اگرچه وی موفق به تألیف کامل این تفسیر نشد، اما شش جلد از این تفسیر که در دوران حیات خویش

آیت الله معرفت تفسیر به رأی را غیر از اجتهاد و اعمال نظر صحیح برای فهم قرآن می‌دانست، به نظر وی، روایاتی که از تفسیر به رأی نهی کرده: به معنای تحمیل کردن رأی و عقیده بر قرآن بدون ارائه قرائن عقلی و نقلی است و نه کوشش برای فهم مراد و مقصود آیات الهی.



حجت الاسلام «رضا حق پناه»، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ضمن ارزشمند خواندن اقدام این خبرگزاری قرآنی در تقدیر و بزرگداشت چهره‌های فرهیخته‌ای که در ساحت قدس قرآن تلاش کردند، در بیان سابقه آشنایی خود با آیت الله معرفت اظهار کرد: در طول دورانی که در دانشگاه علوم اسلامی رضوی در مشهد تحصیل می‌کردم، در رشته علوم قرآنی از محضر اساتید مختلف بهره بردم. آیت الله معرفت از ابتدای دهه هفتاد تدریس خود را در دانشگاه شروع کرد و این توفیق را داشتم که در



و آن‌ها هم پذیرفتند. آنقدر استاد برای این تألیفات و پاسخ‌گویی به این نیاز شیعه احساس نیاز کرد که حتی از مرجعیت هم گذشت. اگرچه ایشان در اواخر عمر کتابی تحت عنوان احکام شرعی نوشتند و مقدمه‌ای برای آغاز مرجعیت ایشان بود، اما این تیزبینی و نیازسنجی ایشان در زمینه تألیف مورد نیاز در این زمینه و پاسخ دادن به نیازهای روز، یکی از ویژگی‌های بارز ایشان بود. آیت‌الله معرفت علاوه بر این‌که علوم قرآنی را تألیف کرده بودند، از پاسخ‌گویی به شبهات عصر حاضر نیز غفلت نمی‌ورزید و در این زمینه نیز کاری کرد.

وی با اشاره به کتاب شبهات و ردود اظهار کرد: از جمله درباره تفسیر به رأی در چند مصاحبه به خدمت ایشان رسیدم. ایشان راجع به تفسیر به رأی و برداشت برخی روشنفکران که از قرآن و روایات برداشت‌های ناروایی کرده بودند نمی‌پذیرفتند و می‌گفتند که ایشان بدون ضابطه و معیار وارد میدان شدند. آیت‌الله معرفت تفسیر به رأی را همان‌گونه که علامه طباطبایی در المیزان مطرح کرده بود، به دقت در کلاس‌ها و نوشته‌هایشان مطرح کرد. وی بین تفسیر به رأی مذموم، اجتهاد و اعمال نظر در فهم قرآن بر اساس معیارهای صحیح، فرق می‌گذاشت. به نظر آیت‌الله معرفت تفسیر اجتهادی بیش از آن‌که بر آثار دیگری تکیه کند، بر عقل و نظر تکیه می‌کند. به بیان ایشان معیار نقد و پالایش، دلالت عقل رشید و رأی درست است.

حجت‌الاسلام رضا حق پناه با بیان این‌که به نظر آیت‌الله معرفت از جمله ویژگی‌های تفسیر تابعان، اجتهاد در تفسیر با تکیه بر فهم و عقل بوده است، تصریح کرد: وی می‌گفت که تابعان در مسائل قرآنی با عنوان معنای صفات، اسرار خلقت و احوال پیامبران (ع) و غیر آن، اعمال نظر می‌کردند و آن‌ها را بر روش عقل ارائه می‌کردند. آیت‌الله معرفت می‌گفت که عده‌ای از ظاهرگرایان گمان می‌کردند که روایاتی که مردم را از تفسیر به رأی بر حذر داشته، سخن گفتن از مفاهیم قرآن را حتی اگر به نحو درست هم باشد، تفسیر به رأی می‌داند و لذا باید از آن اجتناب کرد. آیت‌الله معرفت این پندار را صحیح نمی‌دانست و تفسیر به رأی را غیر از اجتهاد و اعمال نظر صحیح برای فهم قرآن معرفی می‌کرد. به نظر ایشان روایاتی که از

نوشته بود، منتشر شده است. وی هنگامی که اولین جلد چاپ شد، به عنوان هدیه به من داد.

این شاگرد آیت‌الله معرفت با اشاره به حجم گسترده تألیفات استاد خود در تفسیر و علوم قرآنی، بیان کرد: آیت‌الله معرفت در زمینه‌های مختلفی تخصص داشت؛ یعنی قبل از این‌که در علوم قرآن و تفسیر وارد شود، یک فقیه و اصولی متبحر بود. آیت‌الله معرفت با آن‌که درس‌های مختلف فقه و اصول را در حوزه نجف، قم و در دانشگاه مشهد تدریس می‌کرد، با این وجود بیشتر آثارش در حوزه علوم قرآنی بود. نکته‌ای که خود آیت‌الله معرفت در مصاحبات خود متذکر شد، این بود که هرچرا ایشان دست به قلم بردند، مقاله‌ای نوشتند و یا سخنرانی کردند، احساس نیاز کرده بود و می‌دید که در این زمینه خلأی هست؛ لذا احساس وظیفه می‌کرد که این خلأ را با نوشتن مقاله یا سخنرانی پاسخ

دهد. از جمله ضرورت نوشتن کتاب التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب بود که در دو جلد تألیف و منتشر شده است. نویسنده مقاله تفسیر به رأی از دیدگاه آیت‌الله معرفت در تبیین علت تألیف کتاب التفسیر و المفسرون گفت: آیت‌الله معرفت در مصاحبه خود چنین بیان کرد که چون دیدم دست شیعه در این زمینه خالی است و تنها کتابی که موجود است، تألیف محمدحسین ذهبی است که داوری‌های خوبی نسبت به تألیفات تفسیری شیعه انجام نداده است، شروع به تألیف این کتاب کردم. هنگامی که ایشان دست به تألیف این کتاب زدند، مسئله مرجعیت ایشان نیز در قم مطرح شده بود و عده‌ای از فضایی قم به خدمت ایشان رسیدند و گفتند که شما هم بیایید و مرجعیت را قبول کنید.

استاد معرفت از پاسخ‌گویی به شبهات عصر حاضر غفلت نمی‌ورزید

وی با اشاره به درخواست برخی از فضایی حوزه از آیت‌الله معرفت برای تدوین رساله‌ای که در دسترس مردم قرار گیرد، بیان کرد: ایشان در پاسخ گفتند که اکنون مشغول نوشتن التفسیر و المفسرون هستیم که جای آن در این زمینه خالی است، اگر هم دست به این کار نزنم کسی نیست که به این کار پاسخ مناسب دهد

چون دیدم دست شیعه در این زمینه خالی است و تنها کتابی که موجود است، تألیف محمدحسین ذهبی است که داوری‌های خوبی نسبت به تألیفات تفسیری شیعه انجام نداده است، شروع به تألیف این کتاب کردم

تفسیر به رأی نهی کرده، به معنای تحمیل کردن رأی و عقیده بر قرآن بدون ارائه قرائن عقلی و نقلی است و نه کوشش برای فهم مراد و مقصود آیات الهی.

این شاگرد آیت الله معرفت در تبیین چگونگی برخورد استاد خود با روایات تفسیر به رأی گفت: وی ابتدا روایات ناهی از تفسیر به رأی را در جلد دوم التفسیر و المفسرون نقد کرده و سپس بیانی از مفسران معروف اهل سنت؛ طبری و ابن انباری و توجیهی از قرطبی ارائه می‌کنند و نظرات مختلفی مطرح می‌سازند. آیت الله معرفت پس از بیان دیدگاه اساتید خودشان نتیجه می‌گیرند که

معیارهای برای شناسایی تفسیر به رأی وجود دارد و ما باید قبل از ورود به تفسیر این معیارها را شناسایی کنیم.

روایات در این زمینه فراوان است؛ از جمله رسول اکرم (ص) که «من فسر القرآن برأیه فلیتبعوا مقعده من النار» و یا امیرالمؤمنین (ع) فرمودند: «... یعطفوا الرأی علی القرآن اذا عطفوا القرآن علی الرأی»؛

عده‌ای معارف روشن‌گر را مطابق با هوا و آرای خود قرار دادند در حالی که مفسر باید مقصود خداوند را بفهمد و سپس آرای خودش محک بزند.

نویسنده مقاله «گذری بر برخی از آرای فقهی آیت الله معرفت» افزود: امیرالمؤمنین (ع) در جای دیگری فرمودند: «واتهموا علیه آرائکم؛ بر اساس بینش قرآن دیدگاه‌های خود را متهم بدانید». بنابراین با توجه به این روایات، آیت الله معرفت بین تفسیر درست تفسیر اجتهادی، عقلی و تفسیر به رأی مذموم، تفاوت قائل بود و در کتاب خود دیدگاه مرحوم علامه مجلسی، طبرسی، علامه طباطبایی و آیت الله خوئی را بیان کرده و نتیجه می‌گیرد که معیارهایی برای شناسایی تفسیر به رأی وجود دارد و ما باید قبل از ورود به تفسیر این معیارها را شناسایی کنیم.

به نظر آیت الله معرفت تفسیر قرآن با تکیه بر معانی ظاهری تفسیر به رأی است

وی در ادامه با بیان این‌که به نظر آیت الله معرفت تحمیل مرام و مسلک ویژه و انحرافی بر قرآن کریم، به قصد توجیه آن عقیده، یکی

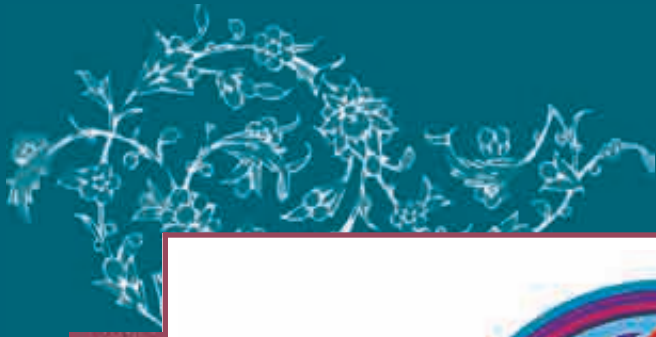
از مصادیق تفسیر به رأی است، اظهار کرد: دومین شیوه تفسیر به رأی، تک‌روی و استبداد به رأی در مقام تفسیر قرآن بدون توجه به شیوه اهل فن در معانی کلام الهی است. همچنین تفسیر قرآن با هدف خودنمایی و جدل و غلبه بر خصم با استناد به آیات متشابه، از دیگر نمونه‌های تفسیر به رأی است. به نظر آیت الله معرفت تفسیر قرآن با تکیه بر معانی ظاهری آیات قرآن، نیز تفسیر به رأی است؛ به عنوان نمونه اگر آیه «إلی ربها ناظره» را بدون تأویل صحیح بر ظاهرش حمل کنیم، تفسیر به رأی است؛ زیرا ناظره بودن به سمت خداوند به معنای نظر داشتن و چشم داشتن است و نه نگاه

کردن بیرونی است. انتخاب یک رأی و نظر و سپس یافتن دستاویزی برای آن، تفسیر قرآن توسط فردی که فاقد تخصص و صلاحیت‌های لازم برای تفسیر قرآن است نیز مصداق تفسیر به رأی است. آیت الله معرفت مجموع صلاحیت‌های عملی را در مجموع ۹ چیز می‌داند که در کتاب التفسیر الأثری الجامع و نیز در علوم قرآنی این ۹ مورد را برشمرده است.

نویسنده مقاله تفسیر به رأی از دیدگاه آیت الله معرفت در بیان نمونه‌ای از تفسیر به رأی که آیت الله معرفت به آن اشاره کرده است، گفت: در آیه ۳۵ سوره بقره «وَلَا تُقْرَبُوا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونُوا مِنَ الظَّالِمِينَ» از جمله تفسیرهای به رأی که ظاهر آیه آن را بر نمی‌تابد و تنها ذوق صوفیانه برخی را به تأویلات خلاف ظاهر کشانده است، این است که می‌گویند مقصود خوردن نیست، بلکه همت گماشتن صرف چیزی جز من نکن. آیت الله معرفت معتقد بود که این گونه تفاسیر چیزی جز تفسیر به رأی قرآن نیست و خلاف ظاهر آیه است. همچنین در آیه «إِن أَوْلَیٰ بُیُوتٍ لِّلنَّاسِ» ظاهر آیه این است که مراد مکه مکرمه است.

این مدرس حوزه و دانشگاه با بیان این‌که آیت الله معرفت معیارهای تفسیر به رأی را از تفسیر صحیح بازشناسی کرد، گفت: به نظر وی تأویل باطنی آیه نباید مخالف با آن آیه باشد. به عنوان نمونه در تفسیر سلمی در ذیل تفسیر «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» آمده است که فرشتگان دعاوی خویش را به وسیله‌ای در پیشگاه پروردگار قرار دادند ولی خداوند به آتش دستور داد تا آنان را بسوزاند، آتش در یک لحظه هزاران نفر را سوزاند. این مسئله از

آیت الله معرفت به ما این چنین می‌آموخت که راجع به تأویل و بطن باید راه دیگری را پیش گرفت. به این معنا که خصوصیتی که درباره کلام است، کنار بگذاریم و معنای عامی را از آیه استخراج کنیم



روایات تاریخی و همچنین

خود آیه شریفه بر نمی آید. از جمله

تفسیرهای به رأیی که آیت الله معرفت اشاره کرده است، تلاش‌های سست بنیادی است که در کتاب نقد شبهات پیرامون قرآن کریم آورده که برخی از نظراتی بود که در عصر حاضر ارائه شده است. از جمله نظراتی که در شبهات و ردود مطرح شده است درباره موضوعاتی همچون تساوی دیه زن و مرد، معنای حورالعین و سحر را بیان ورد می‌کرد و معتقد بود که این مسائل تفسیر به رأی است.

حجت الاسلام حق پناه بیان کرد: آیت الله معرفت به برداشت‌های غلطی که در راستای تبیین تساوی دیه زن و مرد، جواز قضاوت زن و تنبیه بدنی او بود اشاره می‌کرد و ضمن تبیین

روش صحیح در برخورد و بیان این

مسائل، برخی تلاش‌ها را در این زمینه سست

می‌انگاشت و معتقد بود که این مسائل جزو تفسیر به رأی قرآن است؛ یعنی تفسیری که معیارها را نداشته باشد و شخص فاقد صلاحیت‌های لازم نیز بخواهد به وسیله آن نظر خود را بر قرآن تحمیل کند، به نظر ایشان به رأی خواهد بود. آیت الله معرفت به ما این چنین می‌آموخت که راجع به تأویل و بطن باید راه دیگری را پیش گرفت. به این معنا که خصوصیتی که درباره کلام است، کنار بگذاریم و معنای عامی را از آیه استخراج کنیم و آنگاه مورد آیه اگر از مصادیق معنا بدست آمده بود، مشخص می‌کند که آن معنا صحیح است.



ردّ نظریه عصر نزولی بودن قرآن در شبهات وردود



پنج محور کلی شبهات روز دسته‌بندی کرده است. تشکیک در حیانی بودن قرآن موضوع اولین محور پرداخته شده است. این مسئله به نوبه خود به دو موضوع ریزتر تقسیم می‌شود که اولی اسطوره خواندن قرآن و محال خواندن امکان ارتباط انسان با خداوند و دیگری اشمال صرف قرآن بر آموزه‌های کتب و حیانی پیشین از جمله تورات و انجیل است. شبهات فراوانی پیرامون قرآن مطرح شده است که آخرین آن تئوری بسط تجربه نبوی است. با فرض پذیرش این‌که قرآن و یا لاقل الفاظ آن از خداوند نباشد، شأنت آن در حد کتب برتر بشری همچون شاهنامه و دیوان حافظ که دربرگیرنده معارف بالایی هستند، نزول می‌کند. به بیان دیگر تشکیک در الهی بودن تمام قرآن محذوراتی را به وجود می‌آورد که آیت‌الله معرفت به استدلال قرآنی و یا عقلانی به این شبهات پاسخ می‌دهد.

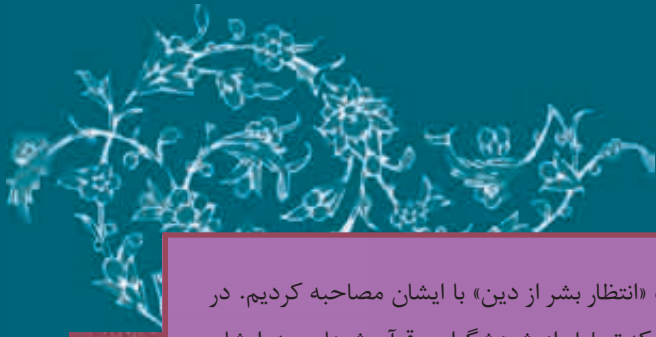
حجت‌الاسلام مصطفی‌پور خاطر نشان کرد: آیت‌الله معرفت در موضوع رابطه قرآن با آموزه‌های تورات و انجیل به آیات الهی استناد می‌کند و معتقد است بر اساس آیات الهی، قرآن با کتب قبلی دور رابطه دارد؛ رابطه تصدیقی که معارف و مطالب تحریف نشده و الهی این کتب را تأیید و تصدیق می‌کند و رابطه مکملی که قرآن را مهیمن و تکمیل کننده این کتب معرفی می‌کند.

آیت‌الله معرفت با طرح مسائلی همانند این‌که قرآن ناچار بود تا به زبان عربی و قواعد مرتبط با آن نازل شود و کاربرد مجاز نیز در ادبیات عرب رایج بوده است، به طرد نظریه عصر نزولی بودن قرآن؛ این‌که محتویات قرآن متناسب با فرهنگ زمانه است، پرداخت.



حجت‌الاسلام محمدرضا مصطفی‌پور، عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم، در بررسی عملکرد آیت‌الله معرفت در پاسخ‌گویی به شبهات روز با بیان خاطرات ملاقات خود با آیت‌الله محمدهادی معرفت و برخی مطالب نغزی که در بیانات ایشان درک کرده بود، به معرفی کتاب شبهات وردود پرداخت و گفت: اساساً علوم قرآنی معارفی است که پیرامون قرآن بحث و گفت‌وگو می‌کند و تفسیر عهده‌دار پرداختن به معارف درون قرآن است؛ لذا آیت‌الله معرفت در این کتاب به بررسی شبهات روز در زمینه‌های علوم قرآنی پرداخته است که البته برخی از آن‌ها ریشه در اعتقادات گذشتگان دارد.

این مدرس حوزه علمیه قم افزود: آیت‌الله معرفت در ابتدای این کتاب به بیان ویژگی‌های آیات الهی پرداخته است و قرآن را به عنوان کتابی معصوم و عاری از هرگونه خطا و معجزه خارق‌العاده و جاویدان رسول اکرم (ص) معرفی کرده است. آیت‌الله معرفت این کتاب را در



ارتباط با بحث «انتظار بشر از دین» با ایشان مصاحبه کردیم. در جلسه‌ای دیگر که تجلیل از پژوهشگران و قرآن‌پژوهان بود، ایشان در جلسه سخنرانی کردند و باید بگوییم در هر دو دیدار نکات کلیدی و جالبی برای من روشن شد و شخصیت عالم و محقق ایشان بیش از پیش برایم روشن شد.

وی افزود: در آن جلسه دو نکته بود که برای من بسیار جالب بود؛ نکته اول این‌که ایشان اشاره کرد، معمولاً هنگامی که ما «الحمد لله رب العالمین» را معنا می‌کنیم، می‌گوییم حمد خدای را که پروردگار جهانیان است. در حالی که عالمین جمع عالم است و جهانیان کسانی هستند که در عالم ماده و ملک، یا در عالم ملکوت و یا در عالم عقول، و مثل آن وجود دارند. به موجوداتی که در این عوالم هستند، جهانی می‌گویند. به باور آیت‌الله معرفت، عالمین جمع عالم است به معنای جهان؛ پس عالمین نیز جهان‌ها می‌شود؛ لذا اینجا هم بحثی مطرح می‌شود که هنگامی که می‌گوییم، حمد خدای را که پروردگار جهان‌ها است، مقصود از این جهان‌ها چیست؟ یعنی جهان موجوداتی که در این عالم هستند. به این اعتبار قابل توجه است که بگوییم عالم انسان، عالم حیوان، عالم گیاه، عالم حیوانات و دیگر موجودات و بعد بگوییم که خدا هر یک از این عالم‌ها را تربیت می‌کند و زمینه رشد آنان را فراهم می‌کند. همانطوری که در آیه «رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» می‌فرماید: رب ما آن موجودی است که چیزی را می‌آفریند و سپس آن را هدایت می‌کند. طبیعتاً در اینجا همه موجودات مخلوق خدا هستند و خداوند نیز لوازمی را که آنان در مسیر تکامل نیاز دارند، در اختیارشان قرار می‌دهد و به این مسیر هدایت می‌کند. طبیعتاً انسان و موجودات دیگر تحت هدایت و ربوبیت خداوند هستند، یا باید بگوییم که مقصود از جهان‌ها این نیست که خدا عالم ماده و طبیعت را هدایت و تربیت می‌کند و ربوبیت دارد، بلکه عالم فرشتگان را که عالم مجردات و غیر ماده هستند ربوبیت می‌کند؛ چون از زبان فیلسوفان از آنان به عالم عقول تعبیر می‌شود.

وی با اشاره به این‌که از دیدگاه فلاسفه سه عالم وجود دارد، در بیان این عوالم گفت: به اعتقاد فلاسفه، عالم عقول و مجردات، عالم مثال و برزخ و عالم طبیعت و ماده، سه عالم هستی هستند، البته حداقل سه عالم وجود دارد؛ زیرا عرفاً عوالم بیشتری را مطرح کرده‌اند. در این صورت خداوند رب همه این‌هاست؛ یعنی با این بیان، خداوند

وی با بیان این‌که به عقیده آیت‌الله معرفت عقاید قرآن عقلایی، احکام آن حکیمانه و اخلاق آن اسلامی است، اظهار کرد: برخی از مخالفان آیات الهی را مستمسک قرار می‌دهند و سعی می‌کنند که بگویند قرآن از کتب الهی پیشین نشأت گرفته است، اما آیت‌الله معرفت با تبیین مراد و مقصود آیات قرآن این شبهات را دفع می‌کند و در نهایت نتیجه می‌گیرد که یگانه منبع قرآن و وحی الهی است.

این شاگرد آیت‌الله حسن زاده آملی در ادامه به محور دوم کتاب با عنوان قرآن و فرهنگ زمانه پرداخت و عنوان کرد: مخالفان با استناد به آیه «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا يَلْسَانُ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ؛ ما هیچ پیامبری را جز به زبان قومش نفرستادیم تا [حقیق را] برای آنان بیان کند» و همچنین برخی از کلمات و مطالب قرآن نتیجه می‌گیرند که محتویات قرآن متناسب با فرهنگ زمانه است. آیت‌الله معرفت با طرح بسیاری از مسائل همانند این‌که قرآن ناچار بوده است تا به زبان عربی و قواعد مرتبط با آن نازل شود و کاربرد مجاز نیز در ادبیات عرب و همچنین سایر ادبیات‌های جهان رایج بوده است، به طرد نظریه این گروه روی می‌آورد. ایشان معتقد بود که با توجه به آیه شریفه ۴۲ سوره مبارکه فصلت: «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلُ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ» قرآن خود را حق معرفی کرده که بر مبنای آن نمی‌توان گفت که مطالب قرآن غیر واقع و مطابق با فرهنگ زمانه است. در کنار این مسئله بسیاری از مسائل مطرح در قرآن همچون جایگاه زن، علم و اخلاقیات، در نقطه مقابل نظام فکری جاهلی است.

آیت‌الله معرفت در موضوع رابطه قرآن با آموزه‌های تورات و انجیل به آیات الهی استناد می‌کند و معتقد است بر اساس آیات الهی، قرآن با کتب قبلی دورابطه دارد

آیت‌الله معرفت به ایضاح مراد الهی در بسیاری از آیات متشابه پرداخت

حجت‌الاسلام مصطفی‌پور در ادامه به بررسی دیگر محورهای این کتاب پرداخت و گفت: شبهات مطرح در موضوعات راهیابی تناقض در قرآن، قرآن و واقعیت‌های تاریخی، علمی و ادبی، قصه‌های موجود در قرآن از مسائل مهمی است که در قرآن وجود داشته و آیت‌الله معرفت به حق با بیانی علمی و جامع به رد این شبهات و ایضاح مراد الهی در بسیاری از آیات متشابه پرداخته است که مستمسک اهل باطل در شبهاتشان بوده است. من شخصا دو مورد برخورد نزدیک با ایشان داشتم؛ اولین برخورد در جلسه‌ای بود که با حضور تعدادی از علمای حوزه به خدمت ایشان رسیدیم و در

موجودات برزخی را پرورش می‌دهد و هدایت می‌کند و همچنین موجودات ملکوتی را هدایت و ربوبیت می‌کند و موجودات عالم ماده و طبیعت را نیز همین‌طور ربوبیت و هدایت می‌کند. آیت‌الله معرفت در آن جلسه بیان کرد که برخی از مفسران بزرگ این مسئله را آورده‌اند و این چنین تفسیر کرده‌اند. البته بعداً مفسری که منظور آیت‌الله معرفت بود و به نام او تصریح نکرد را یافتیم.

این شاگرد آیت‌الله حسن‌زاده آملی افزود: نکته دیگری که آیت‌الله معرفت مطرح کرده بود، راجع به آیه‌های ۵ تا ۷ از سوره مبارکه الطارق بود که خداوند می‌فرماید: «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ - خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ - يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ؛ پس انسان باید بنگرد که از چه آفریده شده است، از آب جهنده‌ای خلق شده [که] از صلب و میان استخوان‌های سینه بیرون می‌آید». آنچه مورد مشکل است، قسمت پایانی آیه است که در اکثر ترجمه‌ها می‌گویند که از میان صلب پدر و سینه مادر بیرون می‌آید. آیت‌الله معرفت خاطره‌ای را بیان کرد و گفت که یکی از اساتید زیست‌شناسی در دانشگاه تهران در کلاس زیست‌شناسی این مسئله را به عنوان اعجاز قرآن مطرح کرده بود و هر چقدر می‌خواست که این مسئله را تبیین کند، دانشجویان اشکال می‌کردند و می‌گفتند که با پیشرفت‌های علمی در طب جور در نمی‌آید. این استاد دانشگاه نیمه شب با آیت‌الله معرفت تماس گرفت و این مشکل را مطرح کرد.

وی افزود: آیت‌الله معرفت در آن جلسه گفت که هر چقدر من در بین کتب تفسیر و ترجمه نگاه کردم، دیدم که تمامی مفسران در همین قالب گفته‌اند، بدون این‌که بیان کنند مقصود این آیه چیست. از نظر علمی هم واقعاً جور در نمی‌آمد. آیت‌الله معرفت به سراغ تفاسیر و لغات رفت و دید که هیچ‌کدام از این‌ها مشکل را حل نمی‌کند تا این‌که به تفسیر ابن‌کثیر برخورد کرد. وی گفت: «تنها جایی که دیدم این کلمه را درست معنا کرده

تفسیر ابن‌کثیر بود. در آنجا مطرح شده بود که «ترائب» از «تریبه» است که اصلاً به معنای سینه نیست، بلکه دو استخوان منحنی مانند است که کنار هم قرار می‌گیرد و از بین آن چیزی عبور می‌کند. به این استخوان تریبه می‌گویند و جمع آن ترائب است».

آیت‌الله معرفت می‌گوید: «هنگامی که این مسئله را دیدم، متوجه شدم که ترائب به معنای سینه و صدور نیست و با این بیان شبهه‌ای که در ذهن برخی ایجاد شده بود برطرف شد». با این تحقیق آیت‌الله معرفت، از جهتی شبهه مخالف علم بودن این آیه حل شد و پرده از ابهام آیه برداشته شد و از طرف دیگر چون ابن‌کثیر در قرن پنجم می‌زیسته و این مطلب را در شرایطی بیان کرده که هنوز علم امروزی به وی نرسیده بود، اعجاز علمی قرآن را اثبات می‌کرد. این دو نکته از مسائلی بود که از ایشان به یادگار دارم که نشان از شخصیت پژوهشگر، بی‌تعصب و طالب علم ایشان است.

آیت‌الله معرفت تلقی مخاصمه جویانه از شبهه را تصویری نادرست می‌دانست

وی با اشاره به کتاب شبهات و ردود آیت‌الله معرفت خاطر نشان کرد: شبهات مختلفی حول قرآن مطرح شده است که یکی از آن‌ها که اخیراً شیوع پیدا کرده، بحث نزول قرآن است. این موضوع میدان گسترده‌ای را باز کرده و بسیاری افراد بدان جواب داده‌اند. بسیاری از پاسخ‌هایی که داده شد جدلی است و آن‌ها گفتند که خود قرآن این مسئله را نپسندیده است. آیت‌الله معرفت در طرح برخی از مسائل بدون اشاره به این شبهه، به نوعی به آن پاسخ داده است. ایشان شبهه را امری پسندیده می‌دانست که ضامن پیشرفت کاروان علم و تحقیق و پژوهش است. به نظر ایشان شبهه اساساً یکی از نعمت‌های الهی است و اگر شبهه در کار نبود، دانشی به وجود نمی‌آمد؛ زیرا دانشمند پس از شك به دنبال



ارتباط برقرار کند و وحی ماورائی را دریافت کند. به اصطلاح «این التراب ورب الارباب».

این عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم با بیان این‌که آیت‌الله معرفت در پاسخ به شبهه به خود آیات قرآن اشاره می‌کند و از مستفاد آیات بهره می‌برد، تصریح کرد: ایشان در پاسخ به این شبهه به قرآن استناد می‌کند که خداوند اگر می‌خواست که فرشتگان را به عنوان رسول نازل کند، باید در قالب بشر برای شما می‌فرستاد تا شما رفتار او را ببینید، گفتار او را بشنوید و از او پیروی کنید. این شبهاتی بوده که بیشتر در زمان پیامبر(ص) مطرح بوده است. شبهه دیگر که در زمان پیامبر(ص) بوده و اکنون نیز مطرح است، این‌که قرآن چیزی جز مطالب و محتویات تورات و انجیل نیست. آیت‌الله معرفت در تبیین این شبهه بیان می‌دارد که در زمان پیامبر(ص) نیز می‌گفتند که رسول اکرم(ص) با افراد گوناگون رفت و آمد و ارتباط برقرار کرده و مطالب را از آنان دریافت می‌کند. گاهی مطرح می‌کردند که با آن راهب و یا کشیش ارتباط برقرار کرده است و گاهی دیگر می‌گفتند که قرآن داستان‌ها و قصه‌هایی است که از دیگر ملل شنیده و آن‌ها صبح و شام برایشان عرضه می‌شود.

این پژوهشگر حوزه دین و عرفان با بیان این‌که هم‌اکنون نیز این شبهات زنده و به روز هستند، گفت: به یاد دارم یک بار یکی از دانشجویان به پیشم آمد و پرسید که مطالب قرآن در تورات و انجیل هم وجود دارد. من به وی پاسخ دادم که اگر این مطالب وجود نداشته باشد، جای حرف است. به دلیل این‌که ما می‌گوییم دین یکی بیش نیست و اسلام است؛ لذا تمامی دین‌ها از دینی که بر حضرت آدم(ع) نازل شده، تادین یهودیت و مسیحیت، همه اسلام است، منتها با این تفاوت که حرف‌های نامربوط در این دین‌ها راه پیدا کرده است. آیت‌الله معرفت معتقد بود که این کتاب از دو جهت تفاوت دارد، یکی اصلاح تغییرات و تحریقاتی که در کتب پیشینیان راه پیدا کرده و دیگری تکمیل مطالبی است که در کتب

تحقیق می‌رود و فقیه نیز فقط پس از شک در آرای فقهای پیشین به سراغ تحقیق می‌رود و گرنه مانند بسیاری از فقها تقلیدگونه عمل می‌کند. آیت‌الله معرفت در این راه به بیانی از امام صادق(ع) اشاره می‌کند که حضرت(ع) در پاسخ به این سؤال که اگر در برخی مسائل شبهاتی برای ما ایجاد شود، چه باید کرد؟ فرمودند: «شبهه اگر در حد شبهه باشد جایز است، اما اگر این شبهه‌ها ما را به جهل رهنمون کنند، اشکال دارد.» آیت‌الله معرفت فرهنگ موجود در جامعه مبنی بر تلقی مخاصمه جویانه از شبهه را تصوری نادرست و برخوردار از ناشایسته می‌داند. آیت‌الله معرفت شبهات را به طور کلی در پنج دسته و یا موضوع جمع‌بندی کرده است؛ دسته اول شبهه الهام‌گیری قرآن از منابع زمینی و تعلیمات محیط پیرامون پیامبر(ص) و ندهای درونی وی است؛ یعنی آیا قرآن وحی مستقیم خداوند به بشر مادی است؟ اصحاب این شبهه با تلقی ممکن نبودن فراگیری وحی مستقیم آسمانی توسط بشر زمینی، اساساً نزول قرآن را از ملکوت‌العلی بر قلب مطهر پیامبر(ص) منکر شده‌اند.

وی با اشاره به مدعای خود قرآن در سوره مبارکه نجم که «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ، إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» تصریح کرد: آیت‌الله معرفت با استناد به این آیه بیان می‌دارد، ماهیتا خود قرآن جزو وحی و کلام الهی است و چیز دیگری نیست. رسول اکرم(ص) اساساً سخنی جز وحی نمی‌گویند و بر اساس علایق و ویژگی‌های شخصی خود حرف نمی‌زنند. این آیه می‌فرماید که نه تنها پیامبر(ص) بر اساس میل درونی خود نطق نمی‌کند، بلکه تمام سخنانش وحی الهی است. همچنین ارسال حضرت جبرائیل(س) را به عنوان واسطه و بیک الهی در نزول حقایق و حیاتی منکر شدند؛ زیرا آنان بر این باور بودند که اساساً امکان ندارد که انسان زمینی با خداوند ارتباط برقرار کند و وحی الهی را دریافت کند. مگر می‌شود که یک آدم معمولی مادی با عالم دیگری

پیشینیان نبوده و نیست؛ یعنی پیامبر (ص) دو نقش مسلم بودن و مکمل بودن نسبت به کتب پیشین دارد؛ لذا قرآن می‌فرماید: ما قرآن را هم مصدق کتاب‌های پیشین قرار دادیم و هم مهیمن بر آن‌ها.

این مدرس علوم اسلامی افزود: به نظر آیت‌الله معرفت این آیه از قرآن که می‌فرماید: «وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ» می‌خواهد اصل دین را تسلیم بودن در برابر خداوند مطرح کند؛ لذا اصل دین

همان پذیرش قوانین الهی و تسلیم خداوند بودن است. به همین دلیل، همواره عده‌ای ادعا کرده‌اند که مطالب قرآن مستقل نیست و برگرفته از کتب پیشین است. اولین شبهه‌ای که ایشان پاسخ می‌دهد، امکان وحی است و شبهه دوم ارتباط محتویات قرآن با کتب

پیشین. مضمون آیه شریفه ۵ از سوره مبارکه فرقان: «وَقَالُوا اساطير الاولین» این است که عده‌ای در قرآن از راه دیگری تشکیک کردند و گفتند که قرآن از محیط جاهلیت عرب متأثر است؛ یعنی قرآن از کلمات و واژه‌هایی استفاده کرده که برای نظام چوپانی و سلطانی است. برخی با مطرح کردن بحث سلطه و قدرت، مدعی هستند که در آن زمان نظام رعیت و اربابی حاکم بود و اکنون خدا این کار را انجام می‌دهد. یا این‌که نوع تعبیر «اولئك كالانعام بل هم اضل» و «افلا ينظرون الی الابل کیف خلقت» و این‌گونه مسائل مربوط به نگرش آن دوره است و چون در آن دوره این مسائل مطرح بوده؛ لذا در قرآن آمده است و اگر در شرایط دیگری قرآن نازل می‌شد، مباحث دیگری مطرح می‌شد.

وی اظهار کرد: برخی به آخرین آیه سوره مبارکه «الاعلی» اشاره کرده‌اند که می‌فرماید: «ان هذا الفی الصحف الاولی، صحف ابراهیم و موسی» آنچه در قرآن آمده در کتب پیشینیان از جمله کتب ابراهیم و موسی است. آیت‌الله معرفت در تبیین این شبهه به تفسیر صحیح آن می‌پردازد و می‌گوید که پیش از این آیه قرآن می‌فرماید: «قد افلح من تزکی» چه کسانی ابا دارند تا زکات فطره دهند و نماز بخوانند، در حالی که آن چیزی که ترجیح دارد، آخرت است که خیر پایدار است. ممکن است که مال دنیا در این سرا مفید باشد، اما پایداری ندارد و باید دنبال چیزی بود که هر دو وصف خیر بودن و پایدار بودن را داشته باشد. در ادامه خداوند متعال می‌فرماید که این بحث، بحثی نیست که فقط مخصوص ما باشد، بلکه در انبیای پیشین هم آمده است؛ یعنی بحث زکات، نماز و یاد خداوند تنها در اسلام نیست و در کتب پیشین نیز آمده است. آیت‌الله معرفت با بیان این مطالب نقطه انحراف شبهه را مشخص می‌کند. کسی که توجه ندارد و آیات را بریده بریده مطرح می‌کند، نمی‌بیند که مفهوم و جایگاه مشخص آیه

کجاست.

اثبات و حیانی بودن قرآن در شبهات و

ردود

وی با بیان این‌که آیت‌الله معرفت

در کتاب شبهات و ردود بر حقانیت

پیامبر (ص) و وحیانی بودن قرآن،

دلایل بسیاری اقامه می‌کند، اظهار کرد:

ایشان با این شیوه در واقع اکثر مستندات

معارضان را پاسخ می‌گوید. ایشان همچنین در ادامه با

مقایسه تطبیقی معارف قرآن در عرصه‌های توحید، صفات خدا،

انسان‌شناسی، مقام پیامبران و سیره و تاریخ ایشان، با آنچه در کتب

پیشین آمده، به این نتیجه می‌رسد که منبع قرآن، تورات و انجیل

تحریف شده نیست و یگانه مبدأ آن وحی مستقیم خداوند است.

آیت‌الله معرفت برای این‌که مشخص کند که قرآن چه تفاوتی با کتب

پیشین دارد، مسائل مختلفی همچون داستان خلقت انسان،

چگونگی راه یافتن او به بهشت و ارتکاب گناه و مسائل بعدی را مطرح

کرده و آنان را مورد بررسی قرار داده است. تحلیل‌هایی که در قرآن و

تورات وجود دارد، به لحاظ‌های مختلف با هم متفاوت است. مطالب

مختلفی در این‌جا مطرح است، که از جمله مهم‌ترین آن‌ها در صفات

خداوند مطرح است. آیت‌الله معرفت در این کتاب بیان می‌کند،

نگاهی که قرآن به خداوند دارد و او را کمال مطلق، قادر مطلق و علیم

مطلق معرفی می‌کند، بسیار متفاوت از نگاه کتب عهدین است. زیرا

هنگامی که به عنوان نمونه به داستان آدم در تورات مراجعه می‌کنیم،

می‌بینیم که آدم هنگامی که به شجره ممنوعه مراجعه می‌کند،

خداوند نمی‌تواند آدم و حواریا ببیند، لذا آن‌ها را صدامی‌زند و آن وقت

می‌فهمد که آنان از آن میوه خورده‌اند.

وی با اشاره به رقابتی که در تورات بین آدم و خداوند ایجاد

می‌شود، تصریح کرد: با توجه به محتویات تورات، خدا برای این‌که

انسان جاودانه نشود و معرفت پیدا نکند، می‌گوید از این درخت

نخور! این در حالی است که نگاه قرآن به خداوند و رابطه او با بشر



را بدان‌ها توصیف می‌کند، خاطر نشان کرد: آیت‌الله معرفت راجع به هر کدام از این موارد مطالب مختلفی را بیان می‌کند که بسیار گسترده است. مسئله دیگری که ایشان به آن می‌پردازد، بحث قرآن و زمانه است. سؤال اساسی این است که آیا قرآن از فرهنگ زمانه تأثیر پذیرفته است یا نه؟ آیت‌الله معرفت در بخش قرآن و فرهنگ زمانه، از اتهام دیگری که بر قرآن وارد شده، مبنی بر این‌که قرآن بازتاب فرهنگ زمانه بوده به تفصیل پاسخ داده است.

مسئله مبارزه زمان‌بندی شده اسلام علیه مسائلی چون تبعیض علیه زنان و برده‌داری به عنوان شاهد نادرستی این مدعا مطرح شده است. حرف آنان نیز مستند به قرآن است که می‌فرماید «وَمَا

أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ...». اگر به سراغ قرآن برویم، از واژه‌ها و کلماتی استفاده کرده که متناسب با فرهنگ زمانه است. آیت‌الله معرفت در اینجا سه معیار معرفی می‌کند؛ معیار اول این است که اگر ما لفظی را در ارتباط با موضوعی به کار می‌بریم با توجه به معنای حقیقی آن به کار می‌بریم. آیت‌الله معرفت مثال می‌زند که اگر پدر و مادری اسم فرزند خود را جمیل می‌گذارند، آیا آن پدر و مادر در حین نام‌گذاری چون فرزندشان زیبا است اسمش را جمیل می‌گذارند؟ یا کسی که اسم فرزندش را محمد می‌گذارد، آیا واقعا به اعتبار ستوده بودنش است؟

وی با بیان این‌که این نام‌گذاری‌ها از باب استعمال مجاز است و به نوع کاربردها بر می‌گردد، تصریح کرد: اگر این کاربردها حقیقی بود این مدعا درست می‌بود اما همگان این را کاربرد حقیقی نمی‌دانند؛ یعنی هنگامی که با عرف رایج سخن می‌گوییم، می‌خواهیم از فهم مشترک همگانی در به کارگیری کلمات بهره ببریم لذا بسیاری از کلمات قرآن این چنین است.

حجت‌الاسلام مصطفی‌پور با اشاره به این‌که برخی بحث حورالعین را در ارتباط با تأثیر قرآن از فرهنگ زمانه مطرح می‌کنند، اظهار کرد: این کلمات در واقع آن بار معنایی صرف را ندارد و می‌خواهد بگوید چون به عنوان مثال عرب‌ها زن‌های سیاه چشم را می‌پسندند، قرآن آنان را به حورالعین وعده داده است. جالب است که اشاره کنم به کتاب عذر تقصیر به پیش‌گاه محمد و قرآن نوشته «جان دیون پورت» که بسیار زیباست و نویسنده در آن منصف بوده است و اسم کتاب خود را هم این گذاشته که ما مسیحی‌ها چقدر به قرآن و مسلمانان ظلم کردیم و اکنون عذرخواهی می‌کنیم. آیت‌الله معرفت به همین شکل شبهات متعددی را نقل و پاسخ گفت.

بسیار متفاوت و متعالی تر است. این مسئله درباره راز آفرینش انسان و ویژگی‌های او مطرح است و نوع نگاه قرآن با انجیل نیز متفاوت است. آیت‌الله معرفت در ادامه به مقایسه انسان‌شناسی، پیامبرشناسی، معادشناسی در قرآن و تورات

می‌پردازد، آنچه در این بررسی به طور برجسته خود را نشان می‌دهد، این است که مطالبی که در تورات و انجیل آمده با مبانی عقلانی سازگار نیست. اما معارف و علوم قرآن با مبانی منطقی و عقلی کاملا سازگار است و این ویژگی در قرآن به خصوص در مسائل اعتقادی واضح‌تر است. به اعتقاد ما مجموعه مباحث قرآن به سه دسته اعتقادات، اخلاق و احکام تقسیم می‌شود. در این بین حوزه عقاید قرآن کاملا عقلانی است و احکام آن کاملا حکیمانه است و آموزه‌های اخلاقی قرآن نیز انسانی است؛ یعنی حیثیت، شرافت، کرامت و عزت انسانی را لحاظ کرده است. ما در قرآن مطلبی سراغ نداریم که به نوعی جایگاه انسان را تضعیف کرده باشد.

این عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم با اشاره به روش و مرام قرآن در تبیین جایگاه والای کرامت و عزت انسانی، تصریح کرد: در انجیل مطرح است که اگر کسی به صورت شما در سمت راستان زد، صورتتان را برگردانید تا در سمت چپ شما نیز بزند. این مسئله یعنی ظلم‌پذیری و ذلت و معلوم است که در این آموزه اخلاقی انجیل جنبه عزت انسانی بشر لحاظ نشده است و با آموزه‌های و مکارم اخلاقی قرآن ماهیتاً متفاوت است. آیت‌الله معرفت با طرح و مقایسه بسیاری از قضایای تاریخی در قرآن و عهدین نشان می‌دهد که اجمالا قرآن متأثر از آنان نیست. لذا ما یک کتاب معیار داریم که می‌توانیم تورات و انجیل را ارزیابی کنیم آن کتاب معیار قرآن است. معیار بودنش نیز به دلیل سه ویژگی قرآن است.

این پژوهشگر حوزه دین و عرفان با بیان این‌که عقلانی بودن، انسانی بودن و حکیمانه بودن سه ویژگی مهمی است که قرآن خود



نوآوری آیت الله معرفت ایجاد نهضت علوم قرآنی در تشیع است

دارالحدیث، در بیان زمینه آشنایی خود با آیت الله معرفت، اظهار کرد: آشنایی من با آیت الله محمدهادی معرفت به اوایل دهه ۱۳۶۰ باز می‌گردد که با کتاب التمهید ایشان آشنا شدم. وی افزود: هنگامی که این کتاب را برای مطالعه به دست گرفتم، قوت کار علمی، تتبع و ارزش تحقیق ایشان، مقتضی این بود که در ایام محدودی که این کتاب را به دست گرفته بودم، مطالعه کنم.

شاگرد آیت الله معرفت با بیان این که هنگامی که آن را مطالعه کردم، مطالب ارزشمند

آن را به شکل و جیزه‌ای تلخیص کردم که تاکنون نزد هست، اظهار کرد: البته این آغاز آشنایی من با شخصیت علمی ایشان بود و هنگامی که رشته تخصصی تفسیر و رشته تخصصی کلام اسلامی به طور همزمان در حوزه تشکیل شد بنده جزو اولین گروهی بودم که وارد رشته تخصصی تفسیر شدم.

وی در تبیین جایگاه تألیفات آیت الله معرفت در زمینه تفسیر و علوم قرآنی بیان کرد: آیت الله معرفت در آن دوران که کسی به طور تخصصی در این زمینه کار نکرده بود، به این زمینه توجه



همان‌گونه که علامه طباطبایی

در تفسیر قرآن کار ارزشمندی را انجام داد، آیت الله معرفت نیز در علوم قرآن این کار را پی‌ریزی کرد و نوآوری وی ایجاد نهضت علوم قرآنی در تشیع است.



حجت الاسلام و المسلمین «محمد مهدی احسانی فر» از شاگردان آیت الله معرفت و مدیر گروه علمی - پژوهشی تفسیر



علوم قرآن تا آن جا که امکان داشت تلاش می‌کردند که به اصیل‌ترین و غنی‌ترین منابعی که در مباحث علوم قرآنی در دسترس بود، مراجعه کند. یکی دیگر از ویژگی‌های کتاب التمهید، مرهون قوت تتبع آیت‌الله معرفت بود؛ یعنی ایشان با جمع آرا، اقوال و تقریرهای مختلفی که دانشوران علوم قرآن و یا مفسران قرآن در زمینه‌های مورد بحث خود داشتند، تلاش می‌کرد تا آن جا که لازم بود تتبع کامل را انجام دهد و در کنار نقل، نظرات آنان را مورد ارزیابی و نقد قرار دهد.

کرد. من از همان سال اول که به او خرده‌شصت باز می‌گردد و آیت‌الله معرفت مباحث علوم قرآنی را بر عهده گرفت، از محضر ایشان کسب فیض کردم.

وی در توضیح نوآوری آیت‌الله معرفت در زمینه تفسیر و علوم قرآنی خاطر نشان کرد: اصل کار پرداختن ایشان به رشته علوم قرآنی فی نفسه یک نوآوری محسوب می‌شود. در واقع اگر در دوره معاصر علامه طباطبایی با راه‌انداختن درس تفسیر قرآن و نگارش تفسیر شریف المیزان یک نهضت تفسیر راه انداخت، و کار آیت‌الله مکارم که قرآن را برای توده اهل فرهنگ، فارسی عمومی کرد و این دو نهضت در طول همدیگر در عرصه تفسیر انجام گرفته بود. در عرصه علوم قرآنی کار ارزشمندی در این اندازه انجام نگرفته بود. در واقع نهضت عظیم علوم قرآنی که امروزه در حوزه‌های علمیه پا گرفت و با قوت در حال طی مراحل تکاملی خودش است و دانشگاه هم در این نهضت و

آیت‌الله معرفت واقعاً تشنه علم بود و همیشه علم خود را

در معرض نقد قرار می‌داد

وی در پاسخ به این سؤال که آیت‌الله معرفت منتقدان زیادی در حوزه دارند، علت این انتقادها چیست؟ بیان کرد: این‌که یک عالمی با این حجم نوآوری، منتقدان زیادی داشته باشند، طبیعی است. اساساً یک انسان محقق و عالم که کار تحقیقی حجیم و گسترده‌ای انجام می‌دهد و آن را در معرض نقد قرار می‌دهد، منتقدان زیادی پیدا خواهد کرد. ماهیت علم و تحقیق چنین اقتضایی را دارد، در واقع تا کسی املا ننوشته باشد، غلطی هم نخواهد داشت. طبیعی است که برخی مباحث چالشی که مورد انتقاد است و ممکن است که برخی از این نقدها صحیح و در موارد

مرهون کاری حرکت‌ها، گام‌های موفق‌تری را برداشت، مرهون کاری است که آیت‌الله معرفت در دوره معاصر با نگارش کتاب التمهید آغاز کرد و در کنار تألیف خودشان مباحث تدوین کرده را تدریس می‌کرد تا در معرض نقد دیگران قرار گیرد، سپس اصلاحات این کار توسط خود ایشان انجام پذیرد. این کار خودش نوآوری بوده است. مهم‌ترین نوآوری که داشتند نهضتی بود که راه انداختند.

اساساً یک انسان محقق و عالم که کار تحقیقی حجیم و گسترده‌ای انجام می‌دهد و آن را در معرض نقد قرار می‌دهد، منتقدان زیادی پیدا خواهد کرد. ماهیت علم و تحقیق چنین اقتضایی را دارد

وی در تبیین دیدگاه تفسیری آیت‌الله معرفت تصریح کرد:

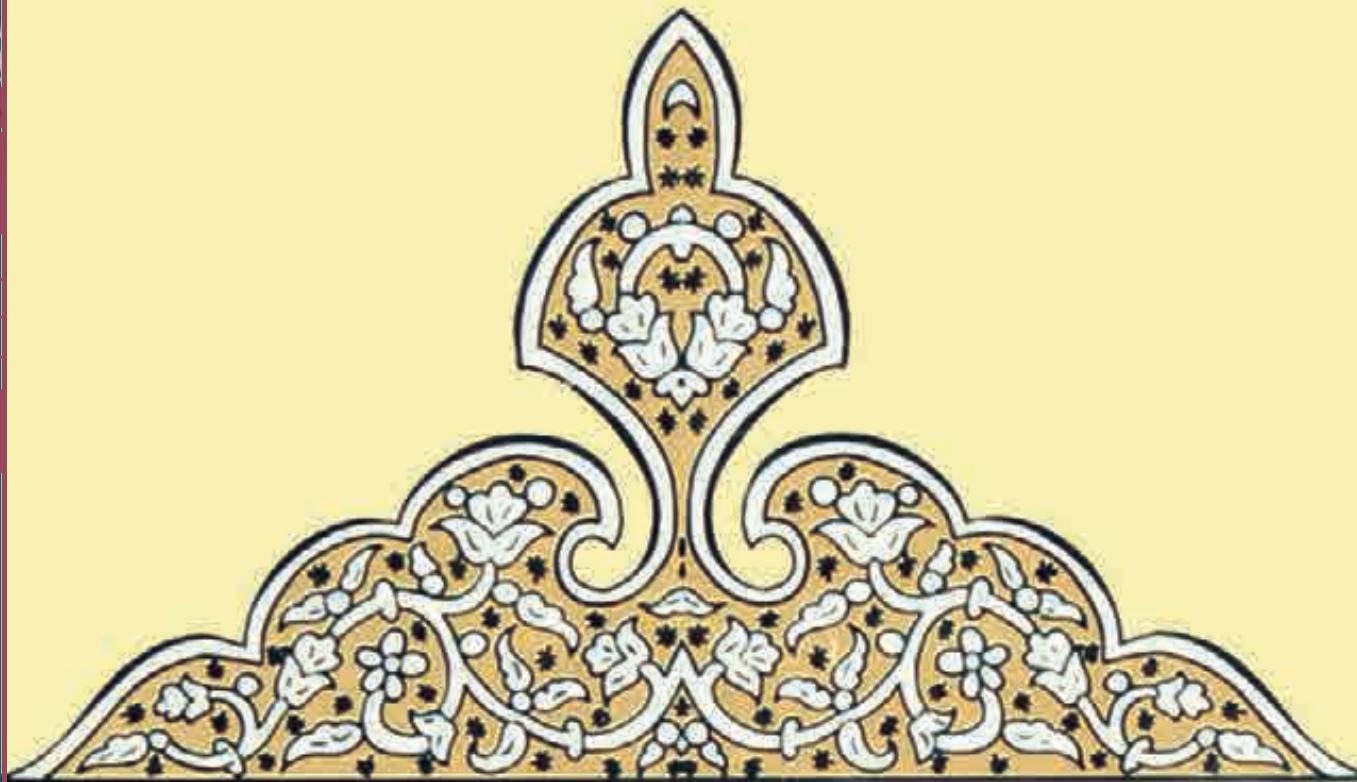
در محضر ایشان برخی از مباحث تفسیری را هم خواندم و درس می‌گرفتم، اما مهارت ایشان بیش از آن‌که در تفسیر باشد در علوم قرآنی بوده است، ایشان در علوم قرآنی نهضتی ایجاد کرد. همان‌گونه که علامه طباطبایی تحولی در زمینه تفسیر قرآن ایجاد کرد، آیت‌الله معرفت نیز در زمینه علوم قرآن این کار را پی‌ریزی کرد و نوآوری بزرگ وی ایجاد نهضت علوم قرآنی در بین شیعیان بود.

اندکی درباره لغزش‌گاه‌های علمی ایشان باشد. یکی از ویژگی‌های برجسته‌ای که آیت‌الله معرفت داشتند، حریت و آزادی علمی ایشان بود. مکرر به خاطر دارم که در جلسات درس دیدگاه‌های علمی خودشان را مطرح می‌کردند، آن‌گاه دیگران این دیدگاه ایشان را نقد می‌کردند و ایشان نیز با یک سعه صدر شناخته شده و عجیبی و با حالت خنده و شوخی بسیار متین و موقر، شبهات و اشکالات دوستان را پاسخ می‌داد. مدیر گروه علمی - پژوهشی تفسیر دارالحدیث، تصریح کرد: مکرر می‌شد که انتقاداتی توسط شاگردان و برخی دوستان مطرح می‌شد و من حتی اکنون حتی موضوعاتی را که ایشان مطرح می‌کردند و در معرض نقد شاگردانشان قرار گرفته بود، به یاد دارم. هنگامی که این انتقادات مطرح می‌شد در

همان جلسه درس، آیت‌الله معرفت با صراحت لهجه تمام، می‌گفت که نظریه خودم را پس گرفتیم و حق با شما است. حجت‌الاسلام احسانی‌فر با بیان این‌که سعه صدر و تواضع علمی آیت‌الله معرفت مثال‌زدنی بود، گفت: ایشان واقعاً تشنه علم بود و همیشه علم خود را در معرض نقد قرار می‌داد. وی در پاسخ به این سؤال که آیت‌الله معرفت چه دیدگاهی نسبت به صحابه و تابعان داشتند؟ تصریح کرد: این پرسش یکی از نقاط با اهمیت کار علمی آیت‌الله معرفت و از نقاط حساسیت منتقدان ایشان محسوب می‌شود. من به خاطر سالیانی که با آیت‌الله معرفت محشور بودم و در جلسات درس ایشان حضور پیدا می‌کردم و حتی گاهی در تعقیب برخی اشکالات و شبهات به توصیه ایشان به منزلشان می‌رفتم و با دیدگاه ایشان در این زمینه آشنایی پیدا کردم. بارها می‌شد که در محضر ایشان این مباحث تعقیب می‌شد؛ لذا آنچه که برداشت خودم از بیانات مکتوب و شفاهی ایشان است را عرض می‌کنم. ابتدا باید متذکر شوم که آیت‌الله معرفت تنها نبی مکرم اسلام (ص) و اهل بیت (ع) را در میان شخصیت‌هایی که در اسلام مبدأ و مرجع هستند، معصوم می‌دانست و جایگاه ایشان را غیر قابل قیاس با دیگران می‌دانست. حجت‌الاسلام احسانی‌فر با بیان این‌که آیت‌الله معرفت جایگاه معصومین (ع) را از دیگران متمایز می‌کرد، خاطر نشان کرد: وی برای هیچ یک از صحابه، جایگاهی حتی در نزدیکی منزلت

امیرالمؤمنین (ع) و فاطمه زهرا (س) و حسنین (ع) قائل نبودند. لکن صحابه را از مراتب فضیلت تقسیم‌بندی می‌کرد. آیت‌الله معرفت هرکدام از صحابه را از جهت علمی و شخصیت معنوی و تقوایی تقسیم‌بندی می‌کرد، وی با این رویکرد سعی می‌کرد تا واقع‌بینانه با مسئله صحابه برخورد کند. واقعیت این است که اگر صحابه رسول اکرم (ص) نبودند، بسیاری از میراث‌های علمی نبی اکرم (ص) که از جمله احادیث فضل ائمه (ع) به مردم نمی‌رسید. اگر نبودند صحابه پیامبر اکرم (ص) ما به واسطه کدام یک از احادیث می‌توانستیم باب مدینه علم و مرجعیت و عصمت و مناقب و فضائل را به معرفت پیدا کنیم. طبیعتاً صحابه بودند که واسطه رسیدن این فیض از نبی اکرم (ص) به تابعین و تابعین بودند. این جایگاه را برای صحابه قائل بود، اما به هیچ عنوان آنان را به مرز جایگاهی که برای معصومین (ع) متصور است، نزدیک نمی‌کردند.

حجت‌الاسلام احسانی‌فر با بیان این‌که در تألیفات آیت‌الله معرفت دو واقعیت را باید در نظر گرفت، اظهار کرد: اول مسئله این‌که آیت‌الله معرفت در آثار قلمی خودشان مخاطب‌های خود را تنها حوزه درونی شیعه قرار نمی‌داد و کتابی را که تألیف می‌کرد، با این رویکرد می‌نگاشت که این کتاب باید در عرصه‌های علمی جهان اسلام جا باز کند و مخاطب‌های غیر شیعی داشته باشد. طبیعی است که تألیف کتابی با این هدف مستلزم این است که



ایشان در تعبیرات خود از صحابه و تابعین به گونه‌ای تعبیر کند که بتواند مخاطبان غیر شیعه را نیز در ارتباط فکری و احساسی در برابر کتاب قرار دهد. از این جهت ایشان تعابیری را به کار می‌برد که انتقاد برخی را به همراه داشته است.

مدیر گروه علمی - پژوهشی تفسیر دارالحدیث، تصریح کرد: تعابیری که ایشان برای صحابه به کار می‌برد، قطع علم و یقین بیانگر جایگاه بالا و ویژه‌ای حتی برای درجه بالای صحابه و تابعین نبوده است، اما برخی مقداری بزرگنمایی احساس می‌کردند. اگر این تعابیر حذف می‌شد، شاید زمینه این پندارها فراهم نمی‌شد.

وی در بیان خاطره‌ای از مرحوم آیت‌الله معرفت اظهار کرد: زمانی در منزل سابق ایشان در محله «پنج‌علی» در محضرشان بودیم و آیت‌الله معرفت درباره کتاب صیانة القرآن من التحریف خود سخن می‌گفت، در آن جلسه خاطره‌ای ذکر کرد و گفت: «من در این کتاب یکی از عالمان اخباری که تألیفاتی داشته رانقد کردم، به واسطه اعوجاج فکری که آن عالم داشت، آن تألیف خسارت‌هایی برای شیعه به همراه داشت.» آیت‌الله معرفت در کتاب صیانة القرآن شخصیت آن عالم را مورد نقد جدی قرار داده بود و این نقد جدی از يك سو، با اقبال برخی از بزرگواران و علمای فرهیخته همچون آیت‌الله سبحانی مواجه شده بود و از جهت دیگر مورد گلایه نوادگان آن عالم در یکی از شهرهای ایران شده بود. نوادگان آن عالم اخباری بزرگوار بنا را بر این گذاشته بودند که

راهپیمایی اعتراض آمیزی را بر ضد آیت‌الله معرفت برگزار کنند. آیت‌الله معرفت گفت: «هنگامی که من از این راهپیمایی که قرار بود به عنوان اعتراض بر کتاب من برپا شود مطلع شدم، خودم به آن شهر رفتم و در آن راهپیمایی شرکت کردم؛ یعنی خودم در آن راهپیمایی اعتراض آمیز بر ضد خودم شرکت کردم و با نوادگان آن عالم اخباری سلام و احوال‌پرسی کردم. نوادگان گفتند که شما چرا آمدید؟ این راهپیمایی به عنوان اعتراض بر کار شما انجام گرفته است، گفتم بعد می‌نشینیم و با هم صحبت می‌کنیم.»

این شاگرد آیت‌الله معرفت افزود: هنگامی که آیت‌الله معرفت با آنان نشست و صحبت کرد، وی گفت: «آنان پرسیدند که شما به چه انگیزه‌ای در این راهپیمایی شرکت کردید و من در پاسخ گفتم به عنوان همدردی با شما. آن‌ها گفتند: پس چرا این کار را با ما کردید؟ و من پاسخ دادم: از جد خودتان بپرسید که چرا این کار را در حق قرآن انجام دادند؟ من وظیفه خودم دانستم که به عنوان دفاع از قرآن و حوزه قرآن، شخصیت علمی ایشان را مورد نقد جدی قرار دهم.» آیت‌الله معرفت در آنجا گفت که احساس می‌کنم که اگر از خود این عالم بزرگوار سؤال کنید که اگر امر دائر بر این باشد که از شما دفاع کنیم یا قرآن، باید از کدام دفاع کنیم؟ او خود خواهد گفت که دفاع از قرآن مهم‌تر است. در آن کتاب من به وظیفه خودم عمل کردم و اینجا هم به وظیفه اخلاقی خودم عمل کردم. این نشانگر اوج تواضع روحی و شخصیت بزرگوار آیت‌الله معرفت بود.



آیت الله معرفت؛ پیشگام پاسداری از حریم قرآن در عصر هجوم شبهات



ننگریستند، بلکه عموماً از سر دین باوری و به عنوان تکلیف دینی و الهی در این وادی گام نهاده و گنجینه‌ای ارزشمند از آرا و اندیشه‌های کلامی به یادگار گذاشته‌اند؛ لذا اغلب شخصیت‌های بزرگ دینی در عین این‌که فقیهان بلندآوازه‌ای بوده‌اند، آثار کلامی برجسته‌ای تقدیم تشنگان معرفت دینی کرده‌اند.

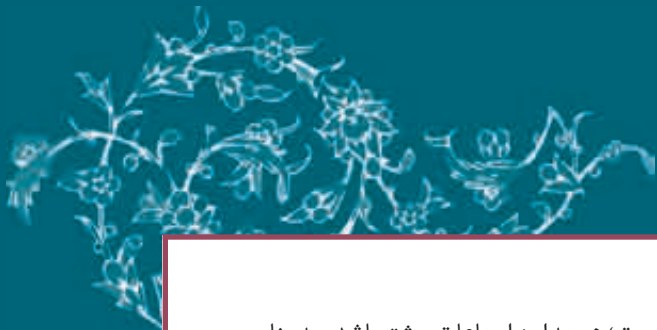
این مدرس دانشگاه فردوسی مشهد با بیان این‌که آیت الله معرفت با درک درست از این رسالت خطیر و با هدف پاسداری از حریم قرآن کریم و توجیه صحیح آیات متشابه گام به وادی مباحث کلامی نهاد، تصریح کرد: موسوعه التمهید به ویژه جلد سوم آن حجم وسیعی از مباحث کلامی را در خود جای داده است. رویکرد اصلی این موسوعه بیشتر مباحث کلامی است. قرآن کریم، ملجأ و مرجع تمام متکلمان مسلمان در اثبات عقاید کلامی بوده و هست و تنها منبع قابل قبول برای همه مسلمانان است. بنابراین به جرأت می‌توان ادعا کرد، در اسلام اولین کتاب و نخستین منبعی که مباحث کلامی را در سطح گسترده مطرح کرده، قرآن مجید است پس مهم‌ترین رابطه، مطرح شدن مباحث کلامی در قرآن کریم است.

این مدرس حوزه علمیه قم و مشهد با اشاره به اهداف علم کلام، اظهار کرد: در اهداف علم کلام، مباحثی از قبیل دین‌شناسی اجتهادی، ارشاد و هدایت دیگران، پاسداری از عقاید دینی و

آیت الله معرفت با هدف پاسداری از حریم قرآن کریم و توجیه صحیح آیات متشابه، گام به وادی مباحث کلامی نهاد، وی به حق دریافته بود که پاسداری از مرزهای اندیشه دینی و دفاع از حریم کتاب الهی در عصر هجوم سهمگین دشمنان و تبیین معارف آن به زبان روز از تکالیف قطعی اوست.



حجت الاسلام والمسلمین «علی خیاط»، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، در تبیین روش کلامی آیت الله معرفت، بیان کرد: دانش کلام، از شاخه‌های مهم علوم اسلامی است که در اولین سده ظهور اسلام پدید آمد. این علم، شریف‌ترین، مهم‌ترین و حساس‌ترین دانشی است که تا به حال فرهنگ اسلامی، بلکه فرهنگ جوامع بشری به خود دیده است؛ چرا که سعادت و رستگاری انسان با موضوعات، مبادی، مسائل، غایات و فواید آن گره خورده است. از این‌رو اندیشمندان و عالمان مسلمان هیچ‌گاه به کلام به مثابه یک رشته محض علمی



از سوی مؤلف است؛ هرچه این ارجاعات بیشتر باشد و به منابع سره و به اصطلاح دست اول ارجاع شده باشد ارزش علمی کتاب نزد ارباب تحقیق افزون خواهد شد. کتاب التمهید به روشنی از این دو مزیت بهره‌مند است.

گزارش اقوال و دیدگاه‌های سران مذاهب کلامی؛ شاخص کلامی

التمهید

این عضو هیئت علمی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، خاطر نشان کرد: در خصوص رویکرد کلامی آیت‌الله معرفت اگر به عنوان شاخص، جلد سوم التمهید را بررسی کنیم، استاد فقط در همین جلد حداقل از ۲۵ منبع دست اول که مستقیماً در زمینه کلام نگاشته شده بهره‌جسته و آرا و دیدگاه‌های مذاهب مختلف را از معتبرترین کتاب‌ها نقل کرده و ۷۰ منبع غیر مستقیم را مورد استناد قرار داده است. الابانه عن اصول الدین؛ مقالات الاسلامیین، اللمع (نوشته رئیس مکتب اشاعره ابوالحسن علی بن اسماعیل اشعری)، کتاب التوحید و الصفات، شرح الاصول الخمسه، شرح العقائد النسفیة، البیواقیت و الجواهر فی بیان عقائد الاکابر، اربح البضاعة فی معتقد اهل السنه و الجماعة، تنزیه الانبیاء و بسیاری منابع دست اول دیگر مورد استناد ایشان بوده است.

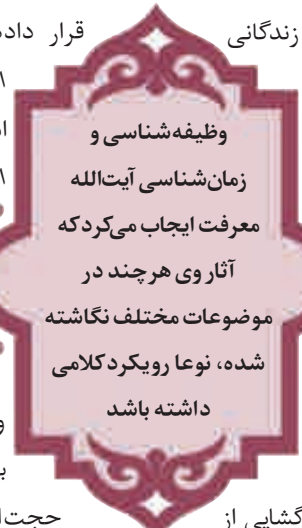
حجت‌الاسلام خیاط در ادامه با بیان این‌که شاخص کلامی دیگر التمهید این اثر ارزشمند، گزارش اقوال و دیدگاه‌های سران مذاهب کلامی مختلف است، تصریح کرد: نقل دیدگاه‌ها نوعاً از کتاب‌هایی صورت گرفته که توسط خود رؤسای مذاهب نگاشته شده یا توسط شاگردان و عالمان برجسته آن گرایش در منابع معتبر نقل شده است. این شاخص آنقدر در کتاب روشن و فراوان است که شمردن تعداد موارد نقل دشوار است. آیت‌الله معرفت از شیوه تقریباً واحدی در طرح همه بحث‌های کلامی پیروی کرده است بدین صورت که در هر بحث ابتدا اصل مسئله و به اصطلاح محل نزاع را مشخص می‌کند و نخست موضوع را از نگاه مخالفان طرح کرده، و دلایل آنان را نیز مطرح می‌کند، ولی قبل از پاسخ به دلایل آن‌ها، مسئله را آن‌طور که قبول دارد و به نظرش صحیح می‌رسد، تبیین می‌کند.

توضیح و تبیین گزاره‌های دینی و عقاید اسلامی را بیان کرده‌اند که منبع اصلی همه آن‌ها قرآن کریم است؛ زیرا دین‌شناسی اجتهادی یا غیر آن، جز با دقت در آیات قرآن و فهم آن میسر نخواهد شد. از این دو جهت علم کلام نیازمند قرآن و دانش‌های پیرامونی آن از قبیل علوم قرآنی است؛ زیرا این دانش‌ها در فهم قرآن مؤثرند. اندیشمندان و عالمان مسلمان غالباً از سر دین‌باوری و تکلیف دینی در وادی کلام گام نهاده و به تحقیق پرداخته‌اند؛ چه این‌که تلاش برای رستگاری و سعادت انسان، ارشاد و هدایت آنان، پاسداری از حریم کتاب الهی و دفاع از اندیشه‌ها و عقاید اسلامی و توضیح و تبیین صحیح گزاره‌های دینی، جزو رسالت خطیر عالمان دینی و جملگی از اهداف دانش کلام‌اند.

وی با بیان این‌که اندیشمندان مسلمانی همچون آیت‌الله معرفت که خود را نگاهیان ایمان و معنویت می‌دانند، نمی‌توانند پای در وادی دانش کلام نگذارند، گفت: امروز تاریخ زندگانی

بزرگان دین و استوانه‌های مذهب تشیع؛ چون شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی و علامه حلی از گذشته تاکنون گواه این مدعاست. آیت‌الله محمد هادی معرفت از جمله این عالمان بزرگ است که از سر وظیفه‌شناسی و درک درست از زمان با این رسالت خطیر خود، به خوبی آشنا بود. وی به حق دریافته بود که پاسداری از مرزهای اندیشه دینی و دفاع از حریم کتاب الهی در عصر هجوم سهمگین دشمنان و معاندان و رازگشایی از اسرار نهفته قرآن و تبیین معارف آفتابگون آن به زبان روز و پاسخ به شبهات مطرح شده درباره قرآن و عقاید دینی از تکالیف قطعی اوست.

وی با بیان این‌که آیت‌الله معرفت با کنار نهادن عافیت طلبی و چشم پوشیدن از مقامات ظاهری، تحقق این رسالت را وجه همت خود قرار داد، بیان کرد: وی با تلاش فراوان برای دفاع از حریم قرآن که از وظایف شاخص علم کلام است، به مثابه یک متکلم تمام‌عیار پای در این وادی نهاد و به شایستگی از عهده این رسالت خطیر برآمد. وظیفه‌شناسی و زمان‌شناسی آیت‌الله معرفت ایجاب می‌کرد که آثار وی هر چند در موضوعات مختلف نگاشته شده، نوعاً رویکرد کلامی داشته باشد. از جمله شاخصه‌هایی که اعتبار علمی هر کتاب را مشخص می‌کند، ارجاعات و منابع مورد استفاده در آن



وظیفه‌شناسی و زمان‌شناسی آیت‌الله معرفت ایجاب می‌کرد که آثار وی هر چند در موضوعات مختلف نگاشته شده، نوعاً رویکرد کلامی داشته باشد

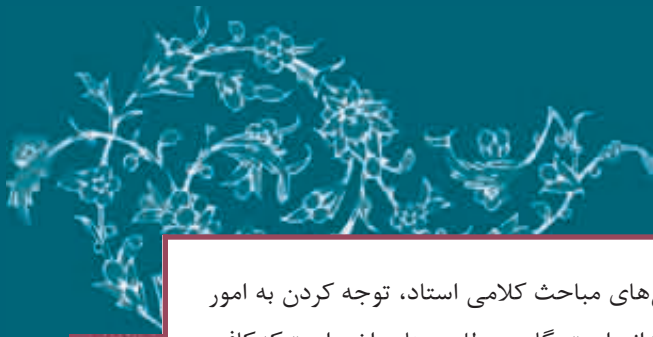


این شاگرد آیت‌الله معرفت در ادامه مصاحبه با بیان این‌که

وی در ادامه با اشاره به آیه ۹۳ سوره مبارکه مریم تصریح کرد: اشعریان با تمسک به این آیه که «الْمُ تَرَانَا أَرْسَلْنَا الشَّيَاطِينَ عَلَى الْكَافِرِينَ تَوَّضَعُوا لَهَا آيَةً أَنْ يَرَوْا كِسْفًا مِنَ السَّمَاءِ جُحُودًا لِيَعْلَمُوا أَنَّهَا سَحَابٌ مِدْبَرٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هَدَاهُمْ لَسَاءَ مَا يَحْكُمُونَ» فرستادیم تا سخت آنان را آزار دهند» می‌گویند که شیاطین با خیالات باطل دنیوی کافران را از سعادت اخروی محروم می‌سازند. آنان می‌گویند که هدایت و ضلالت به دست خداست؛ برای گروهی پیامبران را فرستاده تا آن‌ها را هدایت کند و به سعادت برساند و برای کافران هم شیاطین را فرستاده است.

این عضو هیئت علمی دانشگاه علوم اسلامی رضوی در تبیین پاسخ آیت‌الله معرفت به این برداشت ناروا گفت: وی در کتاب التمهید می‌نویسد: «بی‌گمان مقصود آیه این نیست که فرستادن شیاطین برای گمراهی، همانند فرستادن پیامبران برای هدایت و راهنمایی است». وی آنگاه برای تثبیت مدعای خود که پیامبران و شیاطین هم‌شأن نیستند، به بحث‌های لغوی می‌پردازد. استاد می‌گوید که ماده «إرسال» هرگاه در معنای معهود خود؛ یعنی

توجه آیت‌الله معرفت به مبادی لغوی و عرفی بسیار ارزنده و ویژه بود، گفت: بسیاری از آیات قرآن در ذات خود ابهامی نداشتند و بعد از پدید آمدن مباحث جدلی و مسائل کلامی و رواج دیدگاه‌های ناپخته و غیرمعقول، هاله‌ای از غبار ابهام بر چهره آن‌ها نمودار شد و این آیات قبل از آن‌که توسط متکلمان دستاویز توجیه آرایش قرار گیرد، جزو محکومات بود. آیت‌الله معرفت در مقام بحث و رد تأویلات باطل متکلمان اشعری که با تأویلات ناروای خود محکومات را به وادی تشابه کشانده‌اند، در پاره‌ای از موارد به مبادی لغوی و عرفی تمسک جسته است، به عنوان نمونه وی در ذیل آیه ۲۳-۲۲ سوره مبارکه قیامت «وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاصِرَةٌ، إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ» نقل می‌کند که ابوالحسن اشعری با تفسیر «نظر» به رؤیت بصری و دیدن با چشم، آن را مستمسک خویش برای جواز رؤیت پروردگار قرار داده است. وی در رد او می‌آورد که این آیه بر حسب استعمالات متعارف عرب چشم داشتن به مقام بلند پروردگار را می‌رساند، و عرب به طبع سلیم خود می‌داند که این‌گونه تعبیر، معنای یادشده



پیامبری (فرستادن برای بشارت و بیم دادن) به کار می‌رود یا به وسیله «الی» متعددی می‌شود؛ مانند آیه مبارکه «لقد أرسلنا نوحا إلی قومه» (هود/ ۲۵) یا به وسیله «فی» مانند آیه «کما أرسلنا فیکم رسولا» (بقره/ ۱۵۱) و یا به واسطه «لام» همانند آیه «و أرسلناک للناس رسولا» (نساء/ ۷۹). آیت‌الله معرفت معتقد بود که اگر ماده ارسال با «علی» متعددی شود معنای حقیقی خود؛ یعنی فرستادن را از دست می‌دهد و به معنای مطلق حرکت دادن و به تحریک واداشتن ابزارهای ایجاد اشیا اعم از طبیعی و غیر طبیعی به کار می‌رود. از جمله ویژگی‌های مباحث کلامی استاد، استناد به آیات مشابه برای روشن کردن مفهوم آیه مورد بحث و زدودن تشابه و ابهام از آن است. به عبارت دیگر بهره بردن از شیوه تفسیر قرآن به قرآن از نکات بارز مباحث استاد است، حتی در مواردی ممکن است آیه‌ای مورد تنظیم قرار گرفته باشد که ظهور در مباحث کلامی هم ندارد، ولی برای روشن کردن معنای آیه متشابه و تأویل صحیح آن قابل استناد است.

آیت‌الله معرفت در مقام بحث ورد تأویلات باطل متکلمان اشعری که با تأویلات ناروای خود محکمت را به وادی تشابه کشانده‌اند، در پاره‌ای از موارد به مبادی لغوی و عرفی تمسک جسته است

این شیوه بهره برده است. وی در بیان نمونه‌ای از استدلال‌های وجدانی آیت‌الله معرفت به بحث استطاعت اشاره، و تصریح کرد: همانطور که می‌دانید، اشاعره بر این باورند که بندگان در انتخاب آنچه انجام می‌دهند و ترک آنچه رها می‌کنند اختیاری ندارند، بلکه مقهور اراده پروردگارد. استاد ابتدا در پاسخ به این نکته سخنان اهل عدل و تنزیه را که در پرتو آیات محکم قرآن و بدهات عقل بیان شده مطرح می‌کند و از استدلال‌های وجدانی و امور ضروری بهره می‌برد. این ویژگی همچون سایر ویژگی‌ها به نحو بارزی در مباحث کلامی التمهید مشهود است. همانطور که عرض کردم، آیت‌الله معرفت به فراوانی، آرای بزرگان اهل کلام را نقل می‌کند، خود در مقام رد برمی‌آید و به آنان پاسخ می‌دهد. از آنجا که آیت‌الله معرفت خود متکلمی تواناست و از حریت رأی مثال زدنی بهره‌مند است، تنها به نقل بسنده نمی‌کند، وی پس از نقل تأویل ناصحیحی از آیات متشابه یا دیدگاه کلامی که آن را نمی‌پسندد، شخصا در مقام رد برمی‌آید و پاسخ می‌دهد و گاه ردیه پسندیده دیگری را نقل می‌کند و سپس بر آن صحه می‌گذارد.

خویشتن، عروج دادن و رفعت معنوی و رهایی بخشیدن از این زندگی پست و پرکشیدن به سوی زندگی عالی، والا و کریمانه است. آیت‌الله معرفت برای تثبیت تأویل خود، به آیات دیگری تنظیم می‌کند و می‌آورد: «همان‌گونه که این مطلب در آیات «وَرَأْفِعُكَ إلیَّ وَ مَطَّيِّرُكَ مِنَ الذِّینَ کَفَرُوا» (آل عمران/ ۵۵)، «ثمَّ إلیَّ مرجعکم» (آل عمران/ ۵۵)، و «رفعناه مکانا علیا» (مریم/ ۵۷)، «أحیاء عند ربهم» (غافر/ ۳۷) آمده است که مقصود از تعبیرات «عندالله» یا «الرفع إلیه» بالایی، والایی، عروج و قرب معنوی است نه قرب مکانی و بالا رفتن حسی». یکی

آیت‌الله معرفت به فراوانی، آرای بزرگان اهل کلام را نقل می‌کند، خود در مقام رد برمی‌آید و به آنان پاسخ می‌دهد

این مدرس دانشگاه فردوسی مشهد با بیان این‌که محور اساسی در این پاسخ‌ها نوعا نقل و ابطال آرای غیر معقول اشاعره است، تصریح کرد: آیت‌الله معرفت در کنار نقد نظرات خلاف عقل و فطرت اشاعره و فرقه‌های تابعه آنان؛ از جمله مجسمه، مشبهه و حشویه، آرای معتزله را نیز در مواردی که با مبانی کلامی مکتب اهل بیت (ع) و عقل و ظاهر قرآن در تعارض باشد، به بوته نقد می‌گذارد و این نظرات از رصد دقیق وی نمی‌گذرند. مباحث کلامی در التمهید و به ویژه جلد سوم به شکل گسترده‌ای مطرح شده است. این

گسترده‌گی به گونه‌ای است که در نگاه اول به نظر نمی‌رسد این مباحث در ذیل عنوان «محکم و متشابه» از عناوین مورد بحث در علوم قرآنی مطرح شده باشد.

حجت‌الاسلام خیاط با اشاره به این مطلب که آیت‌الله معرفت در ذیل عنوان «محکم و متشابه» تقریباً همه آیات متشابه قرآن را (قریب به هزار مورد) به تفصیل بررسی کرده است، افزود: وی در این بررسی برای همه این آیات در پرتو کلمات اهل بیت (ع) و برهان‌های روشن عقلی، مبادی لغوی و عرفی و نهایتاً آیات محکم با توجه به لوازم عقلی مترتب بر ظواهر آیات، تأویلات معقول و متناسبی را عرضه کرده و آیات متشابه را بر محکمت آن استوار ساخته است. از آنجا که آیات متشابه، نوعاً در بحث‌های مختلف کلامی مستمسک کلامیان برای استوارسازی مبانی فکری آنان قرار گرفته و از طرف دیگر تعداد این آیات، زیاد و تقریباً در همه بحث‌های کلامی سنتی بین اشاعره و معتزله و امامیه وجود دارد، آیت‌الله معرفت اصرار داشت که از توضیح و تفسیر صحیح آیات متشابه نگذرد، این همه باعث شده حجم وسیعی از مباحث کلامی در درون التمهید و به طور خاص در جلد سوم جای گیرد.

وضوح رویکرد قرآنی در بحث‌های کلامی استاد

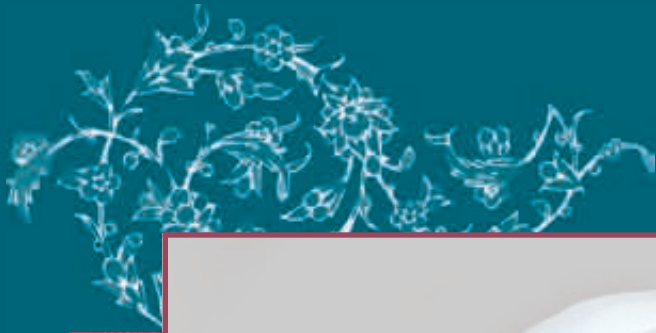
معرفت

این شاگرد آیت‌الله معرفت با اشاره به دسته‌بندی مباحث کلامی در التمهید، بیان کرد: آیت‌الله معرفت با توجه به مباحث کلامی و انتخاب عناوین کلامی مورد اختلاف، آیات متشابه مربوط به هر بحث را دسته‌بندی کرده و به شکل متناسبی در ذیل هر عنوان، ضمن طرح دیدگاه‌های مختلف کلامیان، مستندات قرآنی آنان را نقد و بررسی کرده و تأویلات معقولی را ارائه می‌کند. پس از تعریف

محکم و متشابه و بحث‌هایی درباره آن و معنای تأویل و بررسی دیدگاه‌های مختلف در این زمینه و بیان این‌که راسخان در علم چه کسانی هستند، قبل از ورود به بررسی آیات متشابه، ابتدا به معرفی اجمالی فرقه‌های کلامی می‌پردازد و اجمالاً عقیده آنان را گزارش می‌کند. به نظریه آیات متشابه در پی به وجود آمدن مذاهب کلامی و تلاعب آنان با آیات به غرض ترویج افکارشان به وجود آمده است، وگرنه آن آیات در ذات خود هیچ ابهامی نداشته و اذهان پاک و فطرت‌های سلیم در مواجهه با آن ابهامی مشاهده نمی‌کنند، بلکه معنای صحیح آیه را با توجه به مبادی عرفی و لغوی و در پرتو ژرف‌اندیشی می‌توانند به دست آورند.

این عضو هیئت علمی دانشگاه علوم اسلامی رضوی در تبیین روش‌شناسی مباحث کلامی التمهید تشریح کرد: آیت‌الله معرفت از آنجا که قرآن پژوهی بزرگ و مفسری توانا بود، مباحث کلامی را در این کتاب به شیوه‌ای خاص مطرح کرده است. بحث‌های کلامی استاد به طور آشکار رویکرد قرآنی دارد، از این رو شاید بتوان ادعا کرد وی پس از سال‌ها که بحث‌های کلامی از رنگ و بوی قرآنی کم‌بهره شده و بیشتر بر مبانی و استدلال‌های عقلی استوار شده بود، مجدداً این بحث‌ها را با رویکردی قرآنی و در پرتو انوار درخشان آیات الهی طرح کرده و جواب‌های روشنی داده است. کسی که مباحث کلامی التمهید یا سایر بحث‌های کلامی آیت‌الله معرفت را در دیگر آثارش مشاهده کند، این ویژگی را به روشنی ملاحظه خواهد کرد. استاد هرچند از مبادی عقلی، لغوی و ادبی در مباحث خود بهره می‌گیرد، ولی از آنجا که توجیه آیات متشابه مد نظر وی بوده است، بیشترین تکیه را بر قرآن داشته، خود آیات قرآنی را وسیله ابطال آرای کلامی ناصواب مذاهب مختلف اعم از اشعری و معتزلی و فرق وابسته به آن‌ها قرار داده و در پرتو آیات محکم قرآن، توجیهات قابل قبول و دلنشین را مطرح ساخته است.





شبهات و ردود؛ پاسخنامه هزار شبهه قرآنی مستشرقان

هفتم کتاب التمهید اوست.

مدرس حوزه علمیه مشهد در ادامه سخنانش درباره کتاب شبهات و ردود اظهار کرد: محققان معتقدند که حدود ۱۰۰۰ شبهه در این کتاب پاسخ داده شده و بنده این تعداد را نشمردم، ولی علی القاعده قریب به هزار شبهه در این کتاب مطرح و به آن پاسخ داده شد. بعضی از این شبهات مربوط به مصادر قرآن کریم است که مستحضرید که گروهی از مستشرقان بر این عقیده هستند که قرآن کریم مصدر و منبعی دارد و منبع آن را تورات و انجیل و کتب انبیای سلف برشمردند، البته در رأس این منابع کتاب تورات و انجیل قرار دارد. مستشرقان به این دلایل مطرح شده قائل به مصادر شدند و دلیلشان هم این است که بعضی از قصص قرآن و اخبار انبیای سلف (ع) و حکایت‌های قرآن برگرفته از همان چیزهایی است که در کتب انبیای پیشین و در تورات و انجیل بوده است و در قرآن کریم تغییراتی یافته و وارد آن شده است. آیت‌الله معرفت در بخش اول این کتاب به این شبهه به صورت مبسوط پاسخ گفته است و مدعی شد که چنین شبهه‌ای پذیرفته نیست. قرآن کریم از تورات و انجیل گرفته نشده است، اگر قصص

آیت‌الله معرفت آثار متعددی دارد؛ یکی از معروف‌ترین آثارش التمهید است که در تکمله این کتاب به شبهاتی که در حوزه قرآن کریم مطرح بوده پاسخ می‌دهد که آن بخش، شبهات و ردود است که حدود ۱۰۰۰ شبهه قرآنی در آنجا مطرح و پاسخ داده می‌شود.



حجت‌الاسلام و المسلمین «ابراهیم یعقوبیان» در مورد کتاب شبهات و ردود، آیت‌الله معرفت، ضمن بیان این مطلب، گفت: آیت‌الله معرفت از فقهایی است که در عرصه قرآن پژوهی بیشتر مورد شناخت است و در این عرصه بیشتر جلوه‌گر شده است. وی متولد سال ۱۳۰۹ در کربلای معلی و متوفای ۹ دی ماه ۱۳۸۵ است که متأسفانه این وجود ذی‌قیمت را از دست دادیم و باعث شد که از اندوخته‌های علمی و معارف وی به طور مستقیم و مباشر محروم شویم. آیت‌الله معرفت آثار متعددی دارد که یکی از آثارش که معروف‌ترین اثرش هم هست، کتاب التمهید است، این کتاب در مجلداتی منتشر شده است. آیت‌الله معرفت در تکمله این کتاب به شبهاتی که در حوزه قرآن کریم مطرح بوده پاسخ می‌دهد. کتابی را با عنوان شبهات و ردود نوشته که این کتاب در واقع تکمله و جلد



مشابه‌ای دارد به خاطر و حیانی بودن همه این کتاب‌هاست.

مدرس مکتب جامعه الرضویة در بررسی بیشتر کتاب شبهات و ردود افزود: بخش دیگری از این کتاب مربوط به شبهاتی است که درباره اثرگذاری فرهنگ زمانه در قرآن کریم است، بعضی معتقدند که قرآن کریم از فرهنگ زمانه‌اش تأثیر پذیرفته است و در مرحله‌ای بالاتر عده‌ای معتقدند اساساً این قرآن و حیانی نیست، قرآن کریم را پیغمبر اکرم (ص) بر اساس توانایی‌ها و استعداد‌های خودشان مطرح فرمودند و لذا از فرهنگ زمانه تأثیر پذیرفته است؛ مثلاً مستشکلان معتقدند یکی از اعتقادات رایج در شبه جزیره عربستان مسئله آسمان‌های هفت‌گانه برگرفته از هیئت بطلمیوسی بوده است؛

بنابراین این اعتقاد در قرآن کریم منعکس بوده است و امروزه ثابت شده که آسمان هفت‌گانه‌ای نداریم. اکنون گفته‌اند قریب به ۲۰۰ میلیارد کهکشان رصد شده است که هر کدامشان نزدیک به ۲۰۰ میلیارد ستاره دارد. کهکشان راه شیری یکی از ۲۰۰ میلیارد کهکشان عالم و نظام هستی است.

حجت‌الاسلام یعقوبیان تأکید کرد: ستاره‌شناسان معتقدند که رصد این کهکشان‌ها محصول رصد ۴ درصد از کل عالم است. به هر حال مستشکلان معتقدند که پیغمبر اسلام (ص) تحت تأثیر زمانه خودش این مطالب را در مورد آسمان‌های هفت‌گانه در قرآن کریم گنجانده است. پس قرآن متأثر از فرهنگ جاهلیت عربستان است. آیت‌الله معرفت به تفصیل این شبهه را در بخش دوم کتاب

شبهات و ردود مطرح کرد و به تفصیل وارد بحث شد و به آن پاسخ داد. بخشی از مباحث این کتاب

مربوط به قصص قرآن کریم است و در

حوزه قصص قرآن مستحضرید که به

بعضی از قصص قرآن از نظر

جغرافیایی و تاریخی اعتراض شده

است؛ مثلاً در قرآن کریم در

داستان مربوط به مادر حضرت

مریم (س) آمده که «يَا أُخْتِ

هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ امْرَأَ سَوْءٍ وَمَا

كَانَتْ أُمَّكَ بَغِيًّا؛ ای خواهر هارون

پدرت مرد بدی نبود و مادرت [نیز]

بدکاره نبود.» (آیه شریفه ۲۸ / سوره مبارکه

مریم) گویا حضرت مریم (س) به شکلی با

حضرت موسی بن عمران (ع) مربوط و منتسب

است، اما از نظر زمانی و تاریخی خیلی تفاوت

زمانی بین حضرت مریم (س) و موسی بن

عمران (ع) وجود دارد که آیت‌الله معرفت این

شبهه را مطرح و پاسخ دادند.

نویسنده کتاب مدرسه نامرئی به شبهه

دیگری اشاره کرد و گفت: در داستان حضرت

یوسف (ع) و سایر انبیاء (ع) که در قرآن آمده

شبهاتی مطرح شده است که آیت‌الله

معرفت این شبهات را مطرح و

پاسخ داد، اما نکته‌ای که

باید بیشتر بر روی





می‌شود که يك بخش آن تقابل سلب و ایجاب یا تقابل متناقضین است؛ یعنی مثلاً گاهی کلامی را به کار می‌برید و نقیضش را نیز به کار می‌برید؛ مثلاً انسان و لا انسان که يك امر وجودی است و دیگری امری عدمی. این بخشی از اقسام تقابل است که به آن تقابل سلب و ایجاب یا تقابل متناقضین می‌گویند که همیشه یکی امر عدمی و دیگری امر وجودی است. لا یجتمعان و لا یرتفعان؛ با هم جمع و با هم رفع نمی‌شوند؛ یعنی مثلاً نمی‌شود که چیزی نه انسان باشد نه لا انسان، بالاخره یا انسان است یا لا انسان.

وی در بررسی دیگر ابعاد تقابل متناقضین اظهار کرد: نکته دیگر در باب تقابل تضاد این است که دو امر زمانی متضاد تعبیر می‌کنیم که هر دو امر وجودی باشند، اما در آن واحد در يك جا صدق نکنند؛ مثلاً سیاهی و سفیدی، يك چیز نمی‌تواند در آن واحد هم سیاه باشد و هم سفید؛ لذا به این‌ها متضاد می‌گویند. اقسام دیگری از تقابل هم هست که وارد این بحث نمی‌شوم. در مبحث قضایا و گزاره‌ها هم شبیه این بحث هست، یکی از مباحث در بخش قضایا و گزاره‌های منطقی، مبحث تناقض است. تناقض در علم حصولی را مطرح کردیم که به چه معناست. تناقض در مبحث قضایا زمانی وجود دارد که دو قضیه به گونه‌ای باشد که از صدق یکی کذب دیگر لازم بیاید، اگر یکی صادق است، دیگری کاذب خواهد بود. وی در ارائه مثالی در این باره تصریح کرد: مثلاً وقتی که می‌گوییم هر انسانی حیوان است، قطعاً دیگر نمی‌توانیم بگوییم که بعضی از انسان‌ها حیوان نیستند، اگر کسی بگوید همه انسان‌ها حیوان هستند و بعد بگوید که بعضی از انسان‌ها حیوان نیستند، قطعاً در اینجا یکی از این دو گزاره غلط خواهد بود. پس اگر در گزاره‌ها و جملات و کلماتی که در آن نسبت هست و بحث تناقض را مطرح می‌کنیم، تناقض در قضایا و گزاره‌ها به این معناست؛ یعنی دو قضیه باید به گونه‌ای باشد که از صدق یکی، کذب دیگری لازم بیاید. این مطلبی است که در حوزه تناقض مطرح است. دو امر در هشت جهت باید با هم وحدت داشته باشند. یکی از این اقسام در وحدت، وحدت در مکان است؛ مثلاً اگر کسی بگوید که خرید و فروش اعضای بدن انسان حرام است، اما اگر شخص دیگری بگوید خرید و فروش اعضای بدن انسان حرام نیست، آن کسی که گفته حرام هست و آن کسی که معتقد

آن تأکید کنم مسئله آیات موهم تناقض است. بعضی‌ها ادعا کردند که در قرآن کریم آیات متناقض نما یافت می‌شود. آیت‌الله معرفت سعی بلیغی کرد که این آیات موهم تناقض را پاسخ دهد. برای این‌که در بحث آیات موهم تناقض پاسخ آیت‌الله معرفت روشن باشد باید دید که وی از چه نگاه‌هایی به آیات پاسخ می‌دهد، باید نکات ابتدایی را بیان کنم. در ابتدا باید معلوم شود که اصولاً تناقض یعنی چه و آیا در قرآن کریم می‌توان تناقض را مشاهده کرد که بتوان برای آن‌ها پاسخی ارائه داد.

این محقق و مدرس حوزه و دانشگاه اظهار کرد: تناقض و نسبت دادن وجود آیات تناقض در قرآن کریم به همان زمان نزول قرآن بر می‌گردد، مرحوم صدوق در کتابش نقل کرده که در زمان امیرالمؤمنین (ع) مردی خدمت ایشان رسید و عرض کرد: «بنده در اعتقاد به قرآن متزلزل شده‌ام، امام (ع) پرسیدند: چرا؟ مرد عرض کرد: چون در قرآن کریم آیات متناقض است. حضرت (ع) فرمودند: این به خاطر جهالت شما است، موارد را عرضه کن من پاسخ می‌دهم.» منظور این است که تاریخچه بحث تناقض تقریباً به زمان امیرالمؤمنین (ع) بر می‌گردد. علم را به دو بخش تقسیم می‌کنند؛ یا حضوری و یا حصولی است. علم حصولی را به دو دسته تقسیم می‌کنند؛ علوم حصولی که در

بعضی‌ها ادعا کردند که در قرآن کریم آیات متناقض نما یافت می‌شود. آیت‌الله معرفت سعی بلیغی کرد که این آیات موهم تناقض را پاسخ دهد

واقع اطلاعات با واسطه ما از عالم است، این علوم حصولی یا مجرد و عاری از نسبت هست و یا در آن نسبت وجود دارد، اگر نسبت در آن نباشد یا امور جزئی است و یا امور کلی؛ مثلاً فرض کنید که می‌گوییم این باغ، علی و این آسمان؛ در این اصطلاحات هیچ نسبتی وجود ندارد، این‌ها از قسم علوم حصولی عاری از نسبت هستند که به آن تصور می‌گویند. ممکن است متصور امر کلی باشد و یا امر جزئی. تصورات کلی؛ مانند انسان و کوه که افراد و مصادیقی دارد یا جزئی‌اند که عرض کردم. از تصورات کلی به مفاهیم کلی ذهن تعبیر می‌شود. اکنون اگر این مفاهیم کلی را در کنار همدیگر قرار دهیم، گاهی اوقات به صورت کلی بر همدیگر صدق می‌کنند. به نسبتشان در اینجا تصاویر می‌گویند. گاهی اوقات به صورت کلی صدق نمی‌کند؛ مثل سنگ و درخت که نسبتشان تباین است؛ یعنی هیچ نسبتی با هم ندارند.

مدرس حوزه علمیه مشهد، در تبیین تناقض گفت: مبحثی در منطق به نام «تقابل» مطرح است، تقابل به اقسامی تقسیم

است حرام نیست، آیا این کلام‌ها با هم متناقض است؛ چون از صدق یکی کذب دیگر لازم می‌آید؟ مسلماً این‌گونه نیست.

این محقق و مدرس علوم اسلامی اظهار کرد: این دو گزاره وحدت مکانی ندارند. آن کسی که گفته ثمن اعضای بدن انسان حرام است، مربوط به جایی است که از اعضای بدن انسان استفاده مطلوب نشود، آن کسی که گفته حرام نیست، جایی است که استفاده مطلوب شود؛ یعنی فایده عقلایی داشته باشد. مثلاً اگر کسی بگوید فلان شخص مجتهد است و یا شخص دیگری بگوید که فلانی مجتهد نیست. آیا این دو با هم تناقض دارند؟، مسلماً نه. چرا؟ چون یکی اشاره به قوه و دیگری اشاره به فعلیت دارد. آن کسی که می‌گوید مجتهد است، منظورش این است که او مجتهد بالقوه است و آن کسی که می‌گوید او مجتهد نیست، مجتهد بالفعل نیست؛ لذا می‌گویند در تناقض هشت وحدت شرط دان/ وحدت موضوع و محمول و مکان، وحدت شرط و اضافه و جزء و کل/ قوه و فعل است و در آخر زمان. پس اگر کلامی با هم متناقض است باید این شروط در آن وجود داشته باشد. ممکن است به نبود یکی از این موارد تناقض هم از بین برود. حال اکنون که اطلاعاتی مقدماتی از بحث تناقض پیدا کردیم، به آیات موهم تناقض قرآن کریم نگاه می‌کنیم تا معلوم شود که آیا در این آیات تناقض هست یا نیست.

پاسخ گویی به تک تک تناقضات در شبهات و

ردود

مدرس مکتب جامعه الرضویة در ادامه سخنانش به کار آیت‌الله معرفت در شبهات و ردود پرداخت و اظهار کرد: آیت‌الله معرفت مورد به مورد تناقضات را در کتاب شبهات و ردود مطرح و پاسخ داد که در این آیات تناقض نیست؛ چون اگر ریشه‌یابی کنیم این هشت شرط مطرح شده در آن‌ها برقرار نیست؛ یعنی

یا به خاطر این‌که وحدت زمانی، وحدت مکانی و یا... در این گزاره‌ها برقرار نیست.

وی به آیات ۵ سوره سجده و ۱۴ سوره معارج اشاره کرد و گفت: در آیه ۵ سوره سجده آمده است که «يُدَبِّرُ الْأُمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يُعْرِجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ؛ کار [جهان] را از آسمان [گرفته] تا زمین اداره می‌کند آنگاه [نتیجه و گزارش آن] در روزی که مقدارش آن چنان که شما [آدمیان] برمی‌شمایید هزار سال است به سوی او بالا می‌رود.» در آیه ۱۴ سوره معارج آمده است: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ؛ و به راستی نوح را به سوی قومش فرستادیم پس در میان آنان نهصد و پنجاه سال درنگ کرد تا طوفان آن‌ها را در حالی که ستمکار بودند فرا گرفت.»

یعقوبیان به نکات تناقض‌ناهی این دو آیه اشاره و خاطر نشان کرد: بعضی‌ها وقتی که این دو آیه را با هم مقایسه کردند، گفتند بین این دو آیه تناقض وجود دارد، در یک آیه آمده ۱۰۰۰ سال و در آیه دیگر آمده ۵۰۰۰۰ سال. بالاخره روز قیامت یا ۱۰۰۰ سال هست یا ۵۰۰۰۰ سال. اینجا پاسخ‌های متعددی مطرح شده است، یکی از این پاسخ‌ها این است که در اینجا وحدت زمانی و مکانی صدق نمی‌کند. در بیان این مطلب اختلافاتی هم هست، بعضی‌ها گفتند که در سوره معارج که فرمود هر روز معادل پنجاه هزار سال است، به اعتبار مواقف و مکان‌های متعدد حسابرسی انسان است، چون هر انسانی در روز قیامت باید در پنجاه موضع و موقف پاسخگو باشد.

وی به دلایل و پاسخ‌های این انتقادات اشاره و تصریح کرد: اگر اینجا مطرح شده که پنجاه سال است، چون در پنجاه موقف باید به حساب‌ها رسیدگی کنند و هر موقفی هم هزار سال طول می‌کشد که جمعاً پنجاه هزار سال می‌شود. در سوره مبارکه سجده که آمده هزار سال طول می‌کشد،



سوره حج که هزار سال فرموده به سنت‌های تاریخی خداوند در زمین اشاره دارد، که اگر خداوند به قومی حتی اگر وعده عذاب بدهد شاید هزار سال طول بکشد، حتی اگر خداوند بخواهد دعای حضرت ابراهیم(ع) را مستجاب کند دو هزار سال شاید طول بکشد. پس به صورت طبیعی اگر خداوند متعال بخواهد هر روز قیامت را با توجه به سنت تاریخی محاسبه کند، هزار سال می‌شود، ولی سوره معارج به سنت‌های تاریخی اشاره ندارد، بلکه به روز قیامت اشاره دارد. هزار سال متوجه عالم دنیای ماست و به سنت‌های تاریخی الهی اشاره دارد، اما پنجاه هزار سال به روز قیامت اشاره دارد.

این محقق و نویسنده به دیدگاه خود در این باره پرداخت و گفت: بنده معتقدم این وجه جمع مشکل میان سوره معارج و سوره سجده را حل نمی‌کند؛ چون آنجا هم راجع به روز قیامت است. این وجه جمع شهید صدر با توجه به سوره سجده قابل حل نیست؛ یعنی در سوره سجده به صراحت به روز قیامت اشاره می‌کند. در حالی که شهید صدر در سوره حج می‌فرماید که هزار سال مربوط به سنت‌های تاریخی در این دنیا است. اگر کسی خواست در مورد آیات موهم تناقض به مطالعه بپردازد بهتر است به کتاب شبهات و ردود آیت‌الله معرفت توجه داشته باشد، البته باید تلاش فراوان، ژرف‌تر و گسترده‌تری را دیگران انجام دهند تا مباحث مربوط به شبهات از بیخ و بن برکنده شود. موارد دیگری هم هست که آیت‌الله معرفت مطرح کرد که جای آن در این بحث نیست.

مبحث شبهات و ردود؛ دارای پیشینه تاریخی

وی به موردی دیگر از آیات موهم تناقض اشاره کرد و افزود: مبحث شبهات و ردود دارای پیشینه تاریخی است، در این حوزه آیات مبسوطی نوشته شده و علما آیاتی را مطرح و به شبهات به صورت عمومی پاسخ دادند و یا در همین موضوع آیات موهم تناقض و

منظور در هر موقف است؛ بنابراین چون مجموع مواضع پنجاه تا است در مجموع پنجاه هزار سال می‌شود و ثابت می‌شود تناقضی نیست؛ بنابراین با توجه به اختلاف مکان و زمان این تناقض حل می‌شود.

وی به نکته ابتکاری آیت‌الله معرفت در پاسخ به این شبهه پرداخت و گفت: آیت‌الله معرفت هم به این نکته اشاره کرد و نکته دیگری را هم مطرح کرد که ابتکاری خودش است و آن این است که زندگی به بندگان خدا در موقف اول ظهور می‌کند و هزار سال طول می‌کشد، اما پنجاه هزار سال مربوط به تمام موجودات و هستی است. رسیدگی به همه ما سوی الله پنجاه هزار سال طول می‌کشد. وی با توجه به اختلاف در موضوع مسئله را حل کرد و بنابراین تناقضی نخواهد بود. آیت‌الله معرفت تلاشش این بوده که به نوع شبهاتی که مطرح شده پاسخ دهد، شبهات از يك سو و تناقضات به طور اخص از سوی دیگر. وی تلاشش این بوده که تمام این شبهات در حد توان خودش پاسخ دهد؛ لذا گاهی اوقات ممکن است کسی اشکال وارد کند که پاسخ‌ها، پاسخ‌های کامل و شاملی نیست.

وی افزود: ممکن است کسانی ایراد بگیرند که پاسخ لحاظ نشده است، در مورد همین آیاتی که ذکر شده در آیه ۴۷ سوره حج نیز آمده است: «وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَإِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ»؛ و از تو با شتاب تقاضای عذاب می‌کنند با آن‌که هرگز خدا وعده‌اش را خلاف نمی‌کند و در حقیقت يك روز [از قیامت] نزد پروردگارت مانند هزار سال است از آنچه می‌شمردید.» آیت‌الله معرفت این آیه را در بحث وارد نکرد.

حجت‌الاسلام یعقوبیان به دیدگاه آیت‌الله صدر درباره این شبهه اشاره و اظهار کرد: آیت‌الله شهید صدر در کتاب سنت‌های تاریخی در قرآن بیانی دارد. وی میان آیه ۴۷ سوره حج و ۱۴ سوره معارج می‌نویسد که

اختلاف، منابع مختلفی مانند التبدیل ابوالقاسم کوفی نوشته شده که در حوزه آیات موهوم تناقض است. مرحوم سید رضی کتاب حقایق التأویل فی متشابه التنزیل را در راستای پاسخ به آیات موهوم تناقض و مشکلات و شبهات قرآن مطرح کرده است. ابن قتیبه دینوری هم تأویل و مشکل القرآن را نوشته که در مورد آیات موهوم تناقض و شبهات قرآنی است. قطب‌الدین راوندی کتاب الخرائج و الجرائح را نیز در این باره نوشته و دیگر علما هم به مناسبت‌های مختلف در حوزه متشابهات و آیاتی که مربوط به شبهه و موهوم تناقض است، کار کرده‌اند.

وی اختصار و جامعیت را از ویژگی‌های کتاب شبهات وردود دانست و اظهار کرد: یکی از توجهات آیت‌الله معرفت این بود که سعی کند که با اختصار، جامعیتی را نسبت به کتاب‌های دیگر ایجاد کند و مطالبی را که شاید گاهی اوقات در کتاب‌های دیگر مطرح نشده، یا چندان به آن پرداخته نشده را در این کتاب آورده است. فراگیری بحث‌ها و شبهات و جامعیت مباحث مطرح شده و نگاه تازه‌ای که به این مباحث شده از ویژگی‌های این اثر است. در حوزه شبهات بعضی از شبهات مانند شبهات مربوط به قصص قرآن و مواردی که مربوط به وحیانی بودن قرآن و وجود دارد که آیا اساساً قرآن وحیانی هست یا نه؟، این مباحث امروزه گسترده‌تر شده و استاد معرفت با تفصیل بیشتری به پاسخ این مسائل پرداخته است.

وی پرداختن به شبهات را بخشی از کتاب شبهات وردود دانست و تصریح کرد: در نقد و بررسی کلی کتاب شبهات و ردود موارد مختلف دیگری هم باید مطرح شود، اما این مقداری که عرض کردم مربوط به بخش آیات موهوم تناقض این کتاب بود، که موارد و نکاتی درباره آن مطرح شد. سعی کردم نگاه آیت‌الله معرفت به شبهات را با توجه به شبهات متوجه شوید که گاهی با اختلاف از حیث زمانی، مکانی، تعدد موضوعات و... خواسته که به شبهات پاسخ دهد. تأکید می‌کنم که آیت‌الله معرفت اگر چه زحمت زیادی کشید، ولی تفصیل و پژوهش ژرف‌تر را به عهده آیندگان گذاشت که بیابند به صورت جزئی‌تر و مبسوط‌تر به هر یک از شبهات پردازند و اقوال را مطرح کنند تا فراگیری بیشتری داشته باشد.

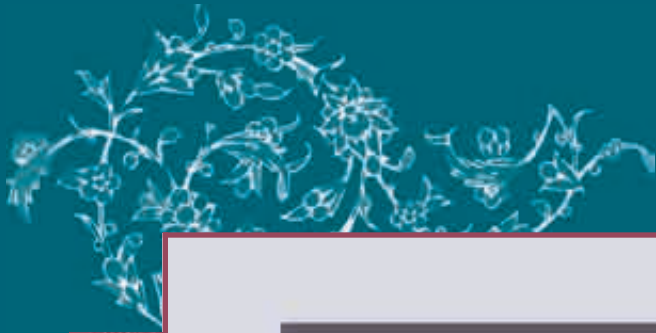
نویسنده کتاب مدرسه نامرئی در ادامه سخنانش پاسخ به بعضی از شبهات ادبی قرآن را از روش‌های کاری استاد معرفت برشمرد و تصریح کرد: مورد دیگری که در این کتاب قابل توجه

است، پاسخ‌وی به شبهات ادبی است. بحثی را آیت‌الله معرفت بیان کرد که بحث ادبی است. ظاهراً آیه شریفه «لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ» با آیه شریفه سوره مبارکه تین که خداوند قسم خورده است و می‌فرماید: «وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ» با هم متناقض‌اند. آیت‌الله معرفت با ورود به مباحث ادبی خواسته این تناقض را حل کند. علاوه بر نکاتی که عرض کردم، گاهی اوقات آیت‌الله معرفت با ورود به مباحث ادبی خواسته که این شبهه را حل کند که با این کار جایگاه ادبیات در رویکرد آیت‌الله معرفت تا حدی معلوم می‌شود. در مورد این موضوع بحث‌هایی مطرح است که اساساً سوگند به چه معناست؟، آیا سوگند منفی داریم، یا نداریم؟ بحث‌های گسترده‌ای در مورد «لا» در این آیه شریفه هست که لا به چه معناست.

یعقوبیان به اقوال متعدد موجود در این باره پرداخت و گفت: آیت‌الله معرفت اقوال متعددی نقل کرد که در سایه مباحث ادبی بتواند این مشکل و شبهه را حل کند، اکنون هشت قول را من از منابع مختلف جمع‌آوری کردم، عده‌ای گفته‌اند که این «لا» اساساً «لا»ی زائده و مفید به تأکید است؛ یعنی «لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ» به این معناست که نه این که قسم نمی‌خورم، بلکه به معنای تأکید است؛ یعنی سوگند به این شهر. آیت‌الله معرفت مواردی را با توجه به ادبیات و سخنان عرب استناد کرد، همچنین بعضی قائل به زائده شدن این «لا» شدند تا مشکل را حل کنند؛ یعنی وقتی بیان شد «لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ» یعنی «اقسم بهذا البلد» که بنابراین با «وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ» تناقضی نیست، این «لا»ی زائده است، «لا»ی نافیه نیست که به این معنا باشد که من قسم نمی‌خورم، بلکه به این معناست که من قسم می‌خورم. پس آیت‌الله معرفت با بحث ادبی خواستند که به این شبهه پاسخ دهند.

مدرس مکتب جامعه الرضویة در ادامه سخنانش به اقوال دیگر علما اشاره کرد و گفت: عده‌ای دیگر معتقدند اساساً قرآن کریم معنا ندارد که حروف زائده وجود داشته باشد، قرآن کریم فصاحت و بلاغت در اوج است و زائده بودن حرف و کلمه‌ای در آن معنا ندارد. این گروه که معتقدند زائده نیست، اقوالی را مطرح کردند.

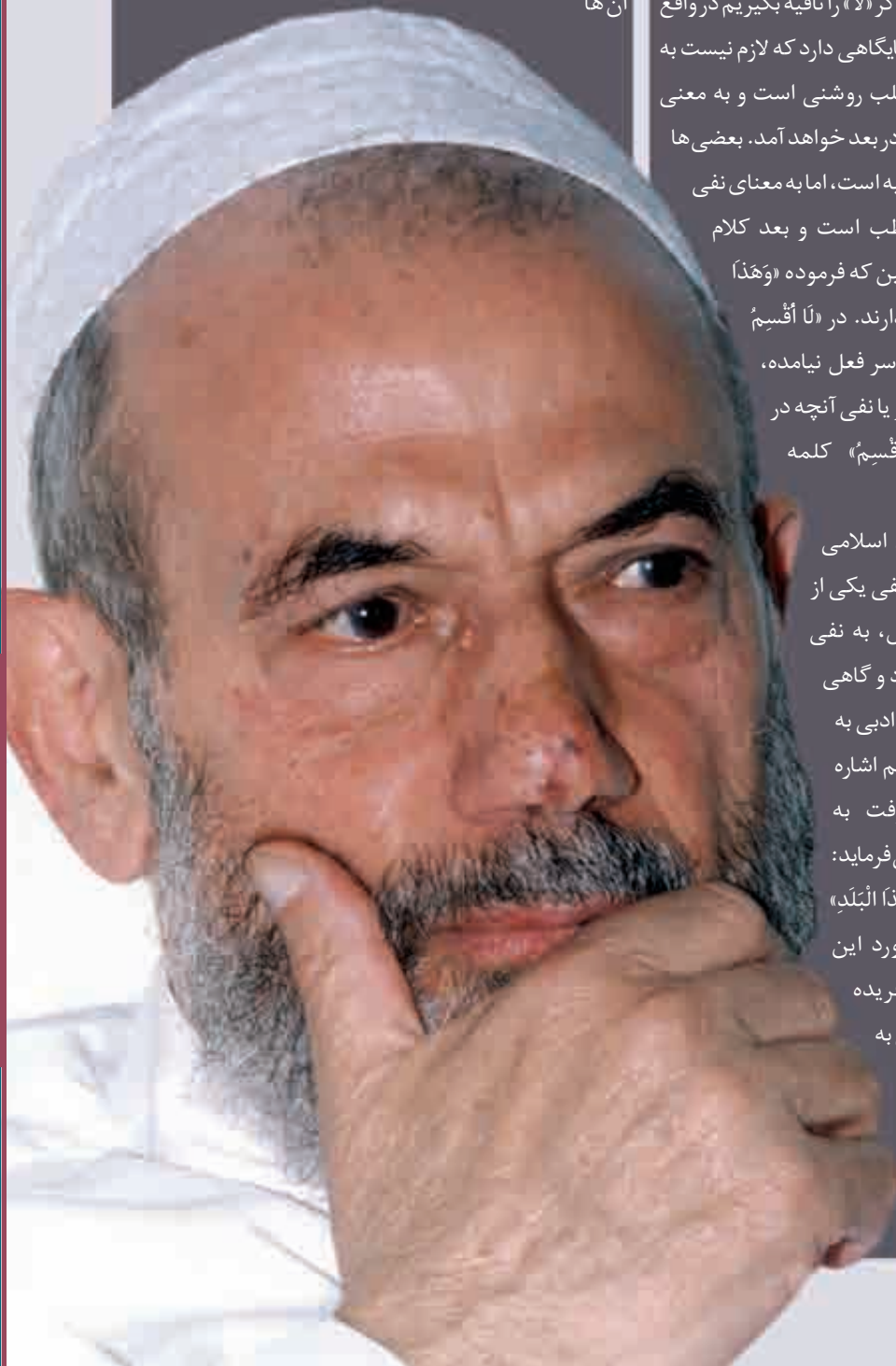
وی به دیدگاه علامه بلاغی در مورد «لا»ی زائده اشاره، و اظهار کرد: علامه بلاغی معتقد است که اگر قائل باشیم که «لا» زائده است، این اساساً طعن به قرآن کریم است و معنا ندارد که



را هم مطرح می‌کند، باز هم به نکته اساسی مبحث تناقض اشاره می‌کند و می‌گوید: «لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ» با توجه به اختلاف موضوع است، این نفی مطلق قسم خوردن نیست. آیت‌الله معرفت سعی کرد تقریباً اکثر شبهات و آیاتی که محل بحث موهم تناقض باشد را مطرح و بیان کند و به این‌ها از نظرگاه‌های مختلف پاسخ دهد. احصای اقوال و گستردگی مباحث چیزی است که علی‌القاعده این شمول و فراگیری را تحمل نمی‌کند و نمی‌توانید در کتابی همه موارد را احصا و به آن‌ها

حرفی برای نفی يك فعل وضع شود، تا از آن معنای اثباتی بگیریم و بگوییم که این معنای نفی ندارد و دارای معنای اثباتی است، در حالی که این خلاف مقتضای کلام است، البته نظر آیت‌الله معرفت را در انتها عرض خواهیم کرد. بعضی از علما گفتند این «لا» نافیه است و نفی قسم تأکیدش از خود قسم بیشتر است؛ یعنی وقتی خداوند می‌فرماید من به این شهر قسم نمی‌خورم به این معناست که این شهر آنقدر حرمت دارد، یا این مسئله آنقدر روشن است که اصلاً نیازی به قسم خوردن نیست. اساساً اگر «لا» را نافیه بگیریم در واقع به این معناست که این شهر جایگاهی دارد که لازم نیست به آن قسم بخوریم، مطلب، مطلب روشنی است و به معنی روشن بودن حقیقتی است که در بعد خواهد آمد. بعضی‌ها معتقدند که این «لا»، «لا»ی نافیه است، اما به معنای نفی آن چیزی که در ذهن مخاطب است و بعد کلام مستأنف است. پس در سوره تین که فرموده «وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ» با هم تناقضی ندارند. در «لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ» این «لا» اساساً بر سر فعل نیامده، بلکه «لا»ی نفی ماسبق است و یا نفی آنچه در ذهن مخاطب است و «أُقْسِمُ» کلمه جداگانه‌ای است.

این محقق و مدرس علوم اسلامی اظهار کرد: آیت‌الله معرفت با نفی یکی از وحدت‌های هشت‌گانه تناقض، به نفی تناقض در آیات کریم می‌پردازد و گاهی اوقات حتی با تمسک به قواعد ادبی به نفی آیات متناقض در آیات کریم اشاره می‌کند، البته آیت‌الله معرفت به نکته‌ای هم اشاره می‌کند و می‌فرماید: اگر خداوند فرمود «لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ» در مورد خاصی است، در مورد این موضوع که انسان در رنج آفریده شده است، نیازی نیست که من به این شهر قسم بخورم، اما در موارد دیگر به این شهر قسم می‌خورم. آیت‌الله معرفت در ضمن این‌که مباحث ادبی



پاسخ دهید.

مدرس حوزه علمیه مشهد، گفت: کتاب شبهات وردود تقریباً از آخرین آثار آیت‌الله معرفت است، وی مباحث علوم قرآنی را به تفصیل در مجلدات دیگر التمهید مطرح کرد، لکن آن چیزی که ذهن استاد معرفت را فرا گرفته بود، این است که التمهید مقدمه کارهای تفسیری او بود. در واقع نظر آیت‌الله معرفت این بود که تفسیر بنویسد، اما وقتی که می‌خواست وارد مباحث تفسیری شود، متوجه شد که مقدماتی برای این کار لازم است. همچنین لازم بود که بحث شود که جایگاه علوم قرآنی کجاست؟ معمولاً بعضی از مفسران مباحث علوم قرآنی را در مقدمه تفسیرشان می‌آورند، آیت‌الله معرفت وقتی دید که شیعیان در حوزه علوم قرآنی خیلی توجه شایسته و لازم را شاید نداشته و آثار در خوری را به رشته تحریر در نیاوردند، به تفصیل وارد مباحث علوم قرآنی شد.

این محقق و مدرس حوزه و دانشگاه در ادامه سخنانش اظهار کرد: آیت‌الله معرفت به جای این‌که تفسیر بنویسد، بیشتر علوم قرآنی نوشت و این مباحث را مطرح کرد، حقیقتاً در اواخر عمر خود فرصت پیدا کرد که به حوزه تفسیر برگردد، لکن مباحث مربوط به علوم قرآن را که در حقیقت مقدمه تفسیرش بود و به صورت گسترده و فراگیر مطرح کرد، مناسب دید که به صورت تکمله التمهید، شبهات را مطرح کند تا اگر فرصتی بود به تفسیر بپردازد. این عوامل باعث شد که آیت‌الله معرفت در این کتاب فقط به سؤالات و شبهات پرداخت و به اشکالاتی که در حوزه قرآن کریم مطرح بود، که اگر به تفسیر کلیه سوره‌ها پرداخت تا هر یک از این‌ها را در جای خودش مطرح کند، لاف‌ل به این شبهات بپردازد؛ لذا شبهات وردود به عنوان جلد ۷ یا تکمله و متمم کتاب التمهید نگاشته شد.

یعقوبیان پرداختن آیت‌الله معرفت به این مباحث را مخالف کارهای رایج در میان علما دانست و گفت: پرداختن به قضیه و مسئله شبهات وردود، در واقع شاید به نوعی به عنوان تکمله و متمم کتاب التمهید بوده که معمولاً وقتی کتاب‌های علوم قرآن را نگاه می‌کنید، می‌بینید که مباحث مربوط به شبهات مطرح است؛ مثلاً الانتقال سیوطی را ببینید، بانی درباره مبحث تناقض دارد، کتاب البرهان زرکشی را ببینید، به همین شکل است. چون در کتاب‌های علوم قرآن مبحث شبهات قرآنی هم مطرح است، آیت‌الله معرفت هم به این موضوع پرداخته است، البته خودش می‌گوید که می‌خواستم این را به عنوان جلد

هفتم التمهید

بیاورم، که در واقع با این کار ادامه علوم قرآنی مطرح می‌شد، لکن صلاح دید که بعداً این را تحت عنوان شبهات ورود به صورت مجزا منتشر کند؛ بنابراین ورود به متشابهات و مناقضات و شبهات عامه قرآن کریم در واقع به نوعی تکمله مباحث علوم قرآنی است، لکن برای این‌که این کتاب به صورت جداگانه در دسترس همه باشد و به شبهات روز هم پاسخ بدهد و مردم بتوانند سریع‌تر به مباحث این چنین دست پیدا کنند، این کتاب را تحت عنوان شبهات ورود جداگانه مطرح کرد، اما این کتاب به صورت تکمله التمهید و تتمه مباحث علوم قرآنی است. وی در ادامه سخنانش در پاسخ به این سؤال که آیت‌الله معرفت در کربلا هم با جوانان جلساتی داشت و در همان جا به انتشار ماهنامه‌های دینی می‌پرداخت، هدف و دغدغه وی از این کار چه بود؟ تشریح کرد: طبیعتاً دغدغه دین و جوان داشتن، مختص به آیت‌الله معرفت نیست، علمای ما به طور عموم این‌گونه بودند. علامه بلاغی از همین گونه رفتارها داشته است. بسیاری از علما تلاششان این بود که به شبهات پاسخ دهند، استاد معرفت هم از این قاعده مستثنی نبود، لکن نکته‌ای در این باره مطرح کردم و آن این بود که آیت‌الله معرفت از همان ابتدا با حوزه علوم قرآنی آشنا شد و ملاحظه کرد که در این حوزه کاستی‌هایی هست، فقط وارد این مباحث شد. آیت‌الله معرفت خواست که تفسیر قرآن بنویسد و کار قرآنی انجام دهد، لکن در مقدمه مباحث علوم قرآنی تلاش کرد که جای خالی در حوزه‌های شیعه را پر کند؛ یعنی مباحث علوم قرآنی را گسترده‌تر و به صورت جداگانه مطرح کند. ضمن این‌که با نوشتن علوم قرآن و حدیث (التمهید) کسی معتقد نیست که آیت‌الله معرفت دغدغه پاسخگویی به شبهات جوانان را داشته است، علوم قرآن مقدمه و وسیله‌ای است در دست مفسر برای ورود به حوزه تفسیر قرآن کریم. مستحضر هستی که یک مفسر در درجه اول باید موضع خود را در حوزه مباحث گسترده علوم قرآنی روشن کند و بعد وارد تفسیر شود. نوشتن کتاب‌های علوم قرآنی آیت‌الله معرفت با این رویکرد بوده، اگر به شبهات قرآنی پرداخت، شبهات قرآنی زیرمجموعه مباحث علوم قرآن کریم است، همچنان که تفسیر هم از مباحث علوم قرآن کریم است، اگر آیت‌الله معرفت به بحث شبهات و ردود پرداخت، این مطلب را تأیید می‌کنم که این کتاب را جداگانه تحت عنوان شبهات ورود مطرح کرد برای این‌که با این گستردگی در هیچ کتاب علوم قرآنی شبهات ورود جداگانه بحث نشده است.

تصمیم به گردآوری همه مباحث مستشرقان

وی پرداختن به شبهات را از دغدغه‌های آیت‌الله معرفت دانست و گفت: این‌که آیت‌الله معرفت به صورت کامل و فراگیر مباحث را مطرح کرده به خاطر دغدغه‌اش بود، به خاطر این‌که در این سال‌ها در حوزه علوم قرآن مباحث مختلف رونق پیدا کرده بود، البته بخشی از این کتاب مربوط به مستشرقان و شبهات گذشته است. آیت‌الله معرفت می‌خواست همه مباحث مستشرقان را از یک سو و شبهات امروزی را هم از سوی دیگر جمع کند و پاسخ دهد، لکن این مطلب را مستحضر هستید که این فراتر از مباحث علوم قرآنی شد؛ یعنی در این حوزه هیچ کس به این اندازه به شبهات نمی‌پردازد و این موارد را به مباحث تفسیری ارجاع می‌دهند. آیت‌الله معرفت به خاطر شبهاتی که در این سال‌ها مطرح شده بود، تلاش کرد تا این کتاب را مبسوط‌تر بنویسد تا پاسخگوی نیازهای امروزی باشد؛

لذا اگر بگوییم که آیت‌الله معرفت در همان ابتدا از دوران اقامت

در کربلا با رویکرد پاسخگویی به شبهات و برطرف کردن نیاز مسلمانان خواست شبهات و ردود را بنویسد، این خیلی سخن کامل، تام و تمام نیست.

وی افزود: معمولاً مفسران در

بخش تفسیر به این موضوعات می‌پردازند،

آیت‌الله معرفت هم خواست به

شکلی کتاب قرآنی تکمله التمهید داشته باشد و هم به یک شکلی دغدغه امروزی‌ها را برطرف کند.

آیت‌الله معرفت در حوزه علوم قرآن بسیار زحمت کشید و

تلاش بسیار مهم، پیگیر، گسترده و ژرفی در این موضوع داشت و در حوزه علوم قرآن حدیث داشت و التمهید را در هفت جلد نوشت که در سابق چنین چیزی نبوده است. آیت‌الله معرفت کتاب صیانة القرآن من التحریف را به صورت جداگانه در پاسخ به شبهات تحریف قرآن نوشت و کتاب علوم قرآنی‌اش که در واقع تلخیص‌گونه‌ای است از کتاب التمهید به زبان فارسی که برای فارسی‌زبان‌ها نوشت. مباحث دیگری را هم در علوم قرآن زحمت کشید و نوشت، عنایت کنید که آیت‌الله معرفت پایه‌گذار مباحث علوم قرآن در حوزه شیعه نیست، علمای ما در طول تاریخ و مفسران در مقدمه کتاب‌های تفسیری بحث‌های علوم قرآنی داشتند.

وی خاطرنشان کرد: تقریباً در ۲۰۰ سال اخیر علامه بلاغی در آلاء الرحمن مباحث علوم قرآنی را مطرح کرده، همچنین در طول تاریخ مفسران بحث‌های قرآنی داشتند، حتی در مباحث فقهی هم اشاره‌ای به علوم قرآنی داشتند. آن چیزی که مهم است این‌که در

زمان و روزگار ما، گسترده و ژرف به حوزه علوم قرآنی پرداخت و عمرش را صرف مباحث علوم قرآن کرد؛ لذا تلاشش مشکور و قدردان زحماتش هستیم، نوآوری‌ها هم در بعضی از مباحث علوم قرآن داشت؛ مثل حوزه بطن و تأویل قرآن، اما بحث این است که اگر بگوییم فقط آیت‌الله معرفت در حوزه شیعه به این کار پرداخت، این‌گونه نیست، علمای مختلف در طول تاریخ به این مباحث توجه داشتند، چه بسا بسیاری از کتاب‌ها به دست ما نرسیده باشد.

مدرس حوزه علمیه مشهد، درباره روحیه تحقیقی آیت‌الله معرفت گفت: معروف است که آیت‌الله معرفت خودش گفته که برای حل کردن مبحث بطن قرآن، ۱۵ سال فکر کرد. کارهای علمی ماندگار نمی‌تواند سطحی باشد، نمی‌شود کاری از پژوهش عمیق و تتبع گسترده برخوردار نباشد و ماندگار شود.

وی به سخنی از امام علی (ع) در این باره اشاره کرد و افزود:

امیرالمؤمنین (ع) فرمودند: «آرای خود را با آرای دیگران تلفیق، بررسی،

کسر و جمع کنید تا بتوانید به آرای جدید برسید.» یکی از

ویژگی‌های علمی و شخصیتی آیت‌الله معرفت تتبع و وی

در کتاب‌های مختلف است. بعضی از علمای ما اهل

تتبع نبودند، بیشتر خود به فکر و استدلال می‌پرداختند

تا به نتیجه‌ای می‌رسیدند. در شرح

حال بعضی از علما است که

کسی می‌گفته که کتاب‌های

زیادی را خدمتش بردم، این عالم فقط

چند کتاب را برداشت و گفت: «این‌ها را بردارید

می‌خواهم خودم بیشتر کار کنم». اختلاف رویه و سلیقه

در میان علما وجود دارد، بعضی از علما به تتبع گسترده

توجه دارند، اما بعضی‌ها بیشتر سعی می‌کنند که خودشان مسائل را

بررسی کنند. آیت‌الله معرفت در واقع هم ویژگی‌اش این است که اهل

تتبع هست و آرا و اقوال را می‌بیند، هم خودش با دیدن این آرا و اقوال

تعمق جدی دارد و به راحتی تحت تأثیر اقوال قرار نمی‌گیرد. برای

موضوع بطن قرآن ۱۵ سال فکر کرد تا به رأی در باره این موضوع برسد؛ لذا

باید در حوزه تتبع و پژوهش، آیت‌الله معرفت را یک شخصیت برجسته،

متتبع و متفکر دانست که تتبع و تفکر را با هم جمع می‌کند.

یعقوبیان در ادامه سخنانش به بررسی اجمالی آثار استاد معرفت

پرداخت و گفت: کتاب التمهید در ۶ جلد نوشته شده و به مباحث

علوم قرآن و تاریخ قرآن، اعجاز قرآن و تأویل قرآن پرداخته است.

استاد معرفت مباحث علوم قرآنی را در التمهید آورده و به صورت

جزئی در هر جلدی به موضوعی خاص پرداخته است.

یعقوبیان در ادامه سخنانش به بررسی کتاب صیانة القرآن من

التحریف پرداخت و اظهار کرد: بحثی در میان اخباری‌ها بوده که آن‌ها

آیت‌الله معرفت در واقع هم
ویژگی‌اش این است که اهل
تتبع هست و آرا و اقوال را
می‌بیند، هم خودش با دیدن
این آرا و اقوال تعمق جدی
دارد و به راحتی تحت تأثیر
اقوال قرار نمی‌گیرد



ثوبه القشيب پرداخت و اظهار کرد: آیت الله معرفت در التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب نخواست که حق متقدمان راضیع کند، ذهبی عالم اهل سنت کتابی با عنوان التفسیر و المفسرون نوشته و تفاسیر عالم اسلام را مطرح و مفسران به نام را معرفی و تاریخچه و بیوگرافی مختصری از هر یک از این مفسران داده و آثارشان را معرفی و توضیح داده است. ذهبی وقتی که به شیعه رسیده متأسفانه همه جا سعی می‌کند که تفاسیر و مفسران شیعه را تحقیر کند، و در حقیقت در مورد تفاسیر و مفسران شیعه بی‌انصافی کرده است. آیت الله معرفت در کتاب التفسیر و المفسرون؛ شکست نفسی کرده و می‌نویسد که در واقع نیامدم که کار جدیدی ارائه کنم، همان التفسیر و المفسرون ذهبی است، اما خواستم آن را در لباس جدید معرفی کنم.

وی تأکید کرد: انصافاً آیت الله معرفت در تبیین و معرفی تفاسیر شیعه خیلی زحمت کشید، که در کتاب ذهبی چنین چیزی یافت نمی‌شود. استاد معرفت تلاش کرد کم کاری ذهبی درباره مفسران و تفاسیر شیعه را جبران کند؛ لذا باید گفت که التفسیر و المفسرون استاد معرفت گرچه فرموده که تکمله‌ای است و همان طور که ملامحسن فیض کاشانی محجة البیضاء فی احیای احیاء علوم الدین را نوشته، آیت الله معرفت هم این اثر را نوشت. اگر کسی خواسته به اختصار با تفاسیر شیعه و سنی آشنا شود، می‌تواند به این کتاب مراجعه کند، البته دسته‌بندی مناسب و جالبی هم طرح شده تفاسیر علمی، ادبی، فلسفی، جامع به صورت تفکیکی بیان شده، تفاسیر متأخرین از نقطه نظر موضوعات دسته‌بندی شده، تفاسیر تخصصی و جامع را معرفی کرده است. آیت الله معرفت در التفسیر الاثری الجامع خواسته که آرزوی دیرینه‌اش را محقق کند، که می‌خواست از همان ابتدا تفسیر قرآن بنویسد و البته تا بخشی از سوره بقره را انجام داد.

حجت الاسلام یعقوبیان خاطر نشان کرد: آیت الله معرفت با توجه به این که فقیه بسیار برجسته‌ای بود و سال‌هایی از عمرش را در نجف اشرف گذرانده در همان جا به مقام اجتهاد رسیده بود، در حوزه فقه و اصول فعالیت‌های زیادی داشت، مباحث مربوط به ولایت فقیه از مباحث روز بود، خصوصاً در ۱۰ تا ۱۵ سال اخیر که شبهاتی در مورد ولایت فقیه که در واقع تئوری حضرت امام خمینی (ره) بود و نقطه نظرات حکومتی امام را منعکس می‌کرد، مطرح شد. ولایت فقیه مورد شبهات قرار گرفت و در نتیجه در پاسخ به این شبهات علمای بنامی مثل آیت الله العظمی جوادی‌آملی، آیت الله مصباح یزدی به این موضوع پرداختند، آیت الله معرفت نیز به این موضوع پرداخت.

معتقدند قرآن کریم تحریف شده است، اگر این موضوع را پیگیری کنیم، متوجه می‌شویم که بعضی از اخباری‌ها به این کار دامن زدند، حتی در میان علمای متأخر می‌بینیم که ملامحسن فیض کاشانی بحث تحریف قرآن را به صورت جدی پیگیری کرده است. همچنین مرحوم سید نعمت الله جزایری بحث تحریف قرآن را به صورت گسترده مطرح می‌کند و در روایاتش بحث می‌کند. نوعاً در بین اخباریون مباحث تحریف قرآن را داریم، لکن در رأس همه این‌ها از معاصران مرحوم محدث نوری صاحب مستدرک الوسائل است. میرزا حسین نوری، کتابی به نام فصل الخطاب فی اثبات تحریف الكتاب رب الارباب را نوشته و گفته که بیش از ۲ هزار روایت داریم و این روایات تحریف قرآن کریم را اثبات می‌کند. این کتاب باعث شده که به شیعه خیلی طعن زده شود، «احسان الهی ظهیر» در آثار خودش این موضوع را دستاویز قرار داده و به شیعیان تاخته است و حتی گفته که بحث وحدت با شیعه معنا ندارد، شیعه‌ای که قائل به تحریف قرآن است، وحدت با او معنا ندارد.

این مدرس علوم اسلامی تصریح کرد: علامه حسن زاده آملی کتابی نوشته با عنوان فصل الخطاب فی اثبات عدم تحریف الكتاب رب الارباب، همچنین رسول جعفریان در این باره کتاب نوشت، آیت الله العظمی سبحانی هم در این باره کتاب نوشت، بعضی از علمای دیگر هم در این باره کتابی نوشتند. آیت الله معرفت در کتاب صیانة القرآن من التحریف کار بسیار جالبی که کرد این بود که منابعی را که محدث نوری به آن استناد کرده، جایگاه علمی و اعتبار هر یک از این کتاب‌ها را معرفی کرده است؛ مثلاً اگر محدث نوری از کتاب احتجاج مرحوم طبرسی نقل کرد، استاد معرفت به تفصیل کتاب احتجاج طبرسی را بررسی کرده و به این نتیجه رسید که انتساب این کتاب به مرحوم طبرسی محل شبهه و ابهام است و معلوم نیست که این کتاب از مرحوم طبرسی باشد و حتی نوع این روایات تحریف را بررسی کرد و منبع این روایات را نوعاً بیان کرده که بیشتر از منابع اهل سنت وارد منابع شیعه شده است.

حجت الاسلام یعقوبیان افزود: لذا صیانة القرآن من التحریف، یکی از مبسوط‌ترین کتاب‌هایی است که درباره پاسخ به این شبهه نگاشته شده است. در مسئله تحریف قرآن استاد معرفت در روایات بحث کرده و نوعاً این روایات را از نظر سند و دلالت مخدوش دانسته و گفته است که خیلی از این‌ها از منابع اهل سنت گرفته شده است، آنچه که در منابع شیعه آمده، منابع را جداگانه بررسی کرده که هر یک دارای چه جایگاهی است. وی در ادامه سخنانش به بررسی کتاب التفسیر و المفسرون فی

آیت الله معرفت در کتاب
صیانة القرآن من التحریف
کار بسیار جالبی که کرد این
بود که منابعی را که محدث
نوری به آن استناد کرده،
جایگاه علمی و اعتبار هر
یک از این کتاب‌ها را معرفی
کرده است

اعتقاد آیت الله معرفت به اعتبار روایات ترتیب نزول در بحث مکی و مدنی



دوره شانزدهم

راهک

سال ششم

شماره ۷۹

۱۵ اردیبهشت ۱۳۸۹

۱۰۸

عضو هیئت علمی دانشگاه قم در پاسخ به این سؤال که سبب روی آوری به تاریخ‌گذاری قرآن چیست؟ اظهار کرد: نظارت مضامین سوره‌های قرآن به شکل مستمر یا مقطعی بر عصر رسالت پیامبر اکرم (ص) نشان می‌دهد که فلسفه نزول تدریجی آن، پاسخ‌گویی به نیازها و مقتضیات عصر رسالت بوده است.

وی افزود: آیت‌الله معرفت ضمن اشاره به آیات ۳۳ و ۳۴ سوره مبارکه فرقان می‌نویسد: «اختلاف مناسبت‌های آیات قرآن بر حسب شرایط و مقتضیات، بزرگ‌ترین دلیل بر این است که آن‌ها در مواقع مختلفی نازل شده و به طور يك‌جا نازل نشده است.» وی در این زمینه به نقل از شیخ مفید نمونه‌هایی را به دست می‌دهد.

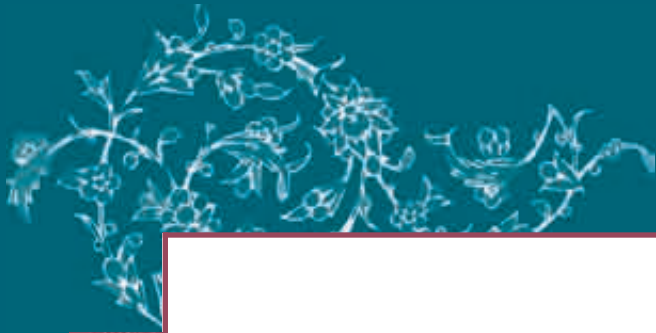
نویسنده کتاب پژوهشی در مصحف امام علی (ع) خاطرنشان کرد: آیت‌الله معرفت در این باره می‌نویسد: «قرآن به تبع اسباب نازل می‌شد که به تدریج واقع می‌شدند و گاهی قرآن فرآیند آن را نیز شرح داده است که آیه ظهار از جمله آن است. این آیه درباره خویله دختر خویلد نازل شد که به شکایت از شوهرش به نزد رسول خدا (ص) آمده بود.» آیت‌الله معرفت از قرائن دیگر نزول تدریجی قرآن این نکته را بر می‌شمارد که قرآن به صیغه ماضی از رخدادها و

برای تاریخ‌گذاری قرآن بهتر است که ترتیبی که روایات ترتیب نزول از سوره‌های قرآن به دست می‌دهند، مینا قرار گیرد و دیگر روایات بر اساس آن‌ها ارزیابی شود، آیت‌الله معرفت تقریباً همین شیوه را در بحث مکی و مدنی و اسباب نزول پیش گرفت.



جعفر نکونام، عضو هیئت علمی دانشگاه قم، در تبیین دیدگاه آیت‌الله معرفت درباره تاریخ‌گذاری قرآن، اظهار کرد: آیت‌الله معرفت موضوع تاریخ‌گذاری را در آثار خود هرگز مطرح نکرده است، اما کما بیش به مباحث مطرح در آن پرداخته است. وی درباره دیدگاه خاورشناسان در این باره نیز سخنی نگفته است، اما با عرضه دیدگاه‌های آنان بر دیدگاه آیت‌الله معرفت، موضع وی را در مورد آنان می‌توان به دست آورد.

وی در تبیین تلقی خاورشناسان از تاریخ‌گذاری قرآن تصریح کرد: به باور آنان تاریخ‌گذاری قرآن عبارت از دانشی است که در آن از شکل‌گیری قرآن از آغاز نزول تا تثبیت قرائتش به صورت نهایی بحث می‌شود و موضوعات متعددی را همچون مفهوم زمان و تاریخ در قرآن، اولین و آخرین آیه نازل شده، نسخ و منسوخ و مباحث دیگر پوشش می‌دهد.



جسد حمزه فرمودند: من به جای توهفتاد نفر از مشرکان را مثله خواهم کرد. در این هنگام بود که جبرئیل این آیه را نازل کرد. این در حالی است که این آیه در سوره نحل واقع شده که تمامش در مکه نازل شده است.»

عضو هیئت مدیره انجمن علوم قرآن و حدیث ایران با بیان این که آیت الله معرفت به روایات اسباب نزول چندان اعتماد نشان نداده، اما به روایات ترتیب نزول اعتماد کرده است، تأکید کرد: وی در تمامی موارد که روایات اسباب نزول با روایات ترتیب

نزول تعارض دارند، روایات ترتیب نزول را ترجیح داده است. همچنین به سیاق آیات توجه فراوانی کرده است. آیت الله معرفت در مواردی که روایت سبب نزول مکی یا مدنی با سیاق آیات متعارض است، سیاق را بر روایت ترجیح می دهد. وی خصوصیات سبکی و مضمونی قرآن؛ مثل لحن، آهنگ و معانی را معیاری قاطع برای تاریخ گذاری در نظر نمی گیرد، مگر در مواردی که آن خصوصیت به دوره و زمان خاصی اختصاص داشته باشد.

نکونام با بیان این که استفاده از روایات در تاریخ گذاری قرآن مشکلاتی را به همراه دارد، تصریح کرد: بیان وجود تنقیح روایات و انضمام آن ها به آیات قرآن، معتبرترین و علمی ترین شیوه تاریخ گذاری قرآن به نظر می رسد. برای تاریخ گذاری قرآن بهتر است که ترتیبی که روایات ترتیب نزول از سوره های قرآن به دست می دهند، مبنای تاریخ گذاری قرار گیرد و دیگر روایات بر اساس آن ها ارزیابی شود. آیت الله معرفت تقریباً همین شیوه را در بحث مکی و مدنی و اسباب نزول پیش گرفت.

وی در ادامه با بیان این که روایات اسباب نزول منبع دیگر تاریخ گذاری قرآن کریم است، تصریح کرد: آیت الله معرفت سبب نزول را عبارت از مشکلی دانسته که آیه برای حل آن نازل شده است. به تعبیر دیگر، سبب نزول عبارت است از عاملی که موجب شده است آیه درباره آن نازل شود. آیت الله معرفت میان سبب نزول و شأن نزول تفاوت قائل شده است، به نظری سبب نزول عاملی است که در وقت حضور آیه حضور داشته است و

گفت مان های دوره پیامبر اسلام (ص) خبر می دهد. همچنین به نظری از دیگر قرائن و جود ناسخ و منسوخ است.

نویسنده کتاب درآمدی بر تاریخ گذاری قرآن کریم با بیان این که قرآن به تدریج و متناسب با شرایط متطور دوره نبوت نازل شده است، اظهار کرد: این مسئله اقتضا کرده تا قرآن پژوهان اعم از مسلمان و خاورشناس، به شناخت مباحث تاریخی وحی های قرآن و زمان نزول آن ها بپردازند و دانش تاریخ گذاری قرآن را بنیان نهند.

وی با بیان این که آیت الله معرفت شرایط و مقتضیات نزول آیات را «اسباب نزول» می دانست، تصریح کرد: شناخت سبب نزول نقش مهمی در فهم معانی قرآن و حل مشکلات تفسیری اعم از عقاید و احکام دارد؛ زیرا نقاب از چهره برخی از آیات قرآن برمی دارد که بر حل مشکل خاصی در وقت خود نازل شده است.

مدیرمسئول «پژوهش نامه قرآن و حدیث» خاطرنشان کرد: آیت الله معرفت معتقد بود وجه عام آیات می تواند مشکل های امت را در گذر زمان حل کند. وی برای نمونه به آیه مبارکه ۱۵۸ از سوره مبارکه بقره اشاره کرد که خداوند متعال می فرماید: «إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنَ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطُوفَ بِهِمَا؛ همانا صفا و مروه از شعائر خداست. پس هر که حج خانه خدا کند یا عمره به جا آورد، مانعی ندارد میان آن دو طواف کند». برخی بر تعبیر «فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ» چنین اشکال کرده اند که این آیه بر گناه نداشتن سعی صفا و مروه دلالت دارد و نه وجوب آن. حال آن که وجوب طواف آن دو، مورد اتفاق مسلمان است، اما هنگامی که سبب نزول را بدانیم، مجالی برای طرح چنین مشکلی پیدا نمی شود.

نکونام با بیان این که یکی از فواید تاریخ گذاری قرآن شناخت صحت و سقم روایات تفسیری است، تصریح کرد: آیت الله معرفت در ذیل آیه شریفه ۱۲۶ از سوره مبارکه نحل: «وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَ لَنْ صَبْرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِّلصَّابِرِينَ» می نویسد: «در ذیل این آیه گفته اند که پیامبر اکرم (ص) بالای



شأن نزول اعم از آن است و لذا عاملی را که مربوط به گذشته است در بر می‌گیرد. شأن نزول مشکلی است که آیه در حل و توضیح آن یا عبرت‌گیری از آن نازل شده است، نظیر داستان‌های انبیاء گذشته.

نویسنده کتاب پژوهشی در مصحف امام علی (ع) افزود: به نظر می‌رسد باید سبب نزول را اعم از رخداد‌های خاص و مقطعی در نظر گرفت و شامل مقتضیات و شرایط عامی نیز که موجب نزول آیات قرآن شده‌اند دانست. چه رخداد‌های خاص مقطعی و چه شرایط عمومی و مستمری که در طول زمان و مکان نزول قرآن وجود داشته است.

نکونام با بیان این‌که با این تلقی از سبب نزول نباید اسباب نزول آیات و سوره‌های قرآن را تنها در کتب اسباب نزول جستجو کرد، گفت: در این کتاب‌ها بیشتر روایاتی آمده است که به رخداد‌های خرد و شخصی مربوط است. به منظور آشنایی کامل با اسباب نزول باید همه روایات و نقل‌هایی که شرایط آن عصر را در تمامی ابعاد گزارش می‌کند بررسی کرد. آیت‌الله معرفت می‌نویسد: «عبارت «نزل فی کذا» در سخنان صحابه و تابعان اعم از سبب نزول است. گاهی مراد از آن سبب نزول، گاهی واقعه‌ای در گذشته و گاهی حکم شرعی است؛ چنانکه زرکشی و سیوطی نیز همین نظر را در گذشته داشته‌اند».

مدیرمسئول «پژوهش‌نامه قرآن و حدیث» با بیان این‌که برخی از دانشمندان قاعده‌ای به نام «وحدت نازل و تعدد نزول» برای توجیه تعارض برخی روایات ساخته‌اند، گفت: به عنوان نمونه آیه ۱۱۳ سوره توبه را هم مرتبط با استغفار پیامبر اکرم (ص) برای مادرش و هم ابوطالب دانسته‌اند. به نظر آیت‌الله معرفت این روایات جعلی است و امویان آن را برای از میان برداشتن کرامت بنی‌هاشم و مشوه نشان دادن پیامبر اسلام (ص) ساخته‌اند. تنها روایاتی که با تکیه بر آن‌ها می‌توان تاریخ تقریبی نزول سوره‌های قرآن را شناسایی کرد، روایات ترتیب نزول است. آیت‌الله معرفت می‌نویسد: «بیشتر دانشمندان اسلامی بر این روایات اعتماد کرده‌اند، البته بیشتر بر روایات ابن

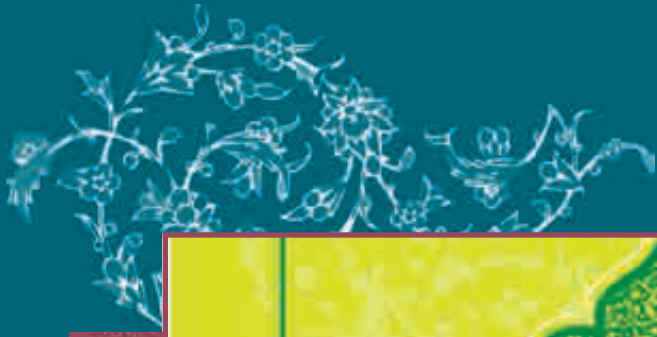
عباس اعتماد شده است.»

وی با بیان این‌که به باور آیت‌الله معرفت، ترتیب سوره‌ها در روایات ترتیب نزول بر اساس صدر سوره‌ها است، تصریح کرد: بر این اساس رتبه هر سوره لزوماً به این معنا نیست که همه آیات آن در همان مرتبه نازل شده باشد. چه بسا چند سوره‌ای که آیه اولش نازل شده باشد و بعد سوره دیگری نازل و پس از آن سوره قبلی تکمیل شده باشد.

نکونام در تبیین نظر آیت‌الله معرفت درباره مکی و مدنی بیان کرد: آیت‌الله معرفت ضمن برشماری سور مکی و مدنی، یادآور می‌شود که دانشمندان اسلامی در این زمینه اتفاق نظر ندارند. وی سپس موارد اختلاف را ذکر می‌کند و پس از بررسی هر یک، روایات ترتیب نزول را تأیید می‌کند. آیت‌الله معرفت با اشاره به نظر پیشینیان که بسا سوره‌ای مکی که در آن آیات مدنی با مکی است و بالعکس، معتقد است که در بیشتر این موارد بر روایات و اقوال ضعیف اعتماد شده است. به همین جهت وی هرچه را که این‌گونه نقل شده است، رد می‌کند.

عضو هیئت مدیره انجمن علوم قرآن و حدیث ایران با بیان این‌که آیت‌الله معرفت در بسیاری از موارد در رد آیات مستثنی به سیاق آیه؛ یعنی هیئت ترکیبی مفردات آیه اشاره می‌کند، گفت: به عنوان نمونه درباره آیه شریفه ۹۵ سوره مبارکه نحل که گفته‌اند مدنی است، می‌نویسد: «این قصه ثابت نیست و لحن آیه عام است و سیاق آن با انسجام و ثقیف با آیات قبل، گواهی می‌کند که نکوهش شدید مشرکان معاند را هدف گرفته است.»

وی در پایان اظهار کرد: ملاحظه مباحث مکی و مدنی آیت‌الله معرفت نشان می‌دهد که وی هیچ یک از استثنائات قرآن را نمی‌پذیرد و معتقد است که هیچ آیه مکی در سوره مدنی و هیچ آیه مدنی در سوره مکی وجود ندارد. نهایت این است که در مواردی؛ مانند آیه ۲۶ سوره مبارکه اسراء که خداوند می‌فرماید: «وَأَتِذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّةً» احتمال می‌دهد که تعدد نزول داشته باشد.



دوره بیست و نهم

راهی

سال ششم

شماره ۷۹

۱۵ اردیبهشت ۱۳۸۹

۱۱۱



آیت‌الله معرفت(ره)؛ احیای علوم قرآنی در دوران معاصر





نقد بزرگان مذاهب، بدون اهانت؛ ویژگی ممتاز تألیفات آیت الله معرفت

معرفت از زمانی که قرآن را آموخت شیفته مطالعات قرآنی و تحقیق در مباحث قرآنی بود. وی با دقت و ژرف نگری مشغول تحقیق در این زمینه شد و حاصل مطالعات خود را ثبت و نگهداری کرد. این یادداشت‌ها از نکات لطیف قرآنی تا نقدهای علمی از مطالب علوم قرآنی دیگران بود. آیت الله معرفت، پس از سالیان دراز درس و تحقیق، محصول یادداشت‌ها و مطالب گردآوری شده خود را مرتب و منظم کرد و کتابی شایسته و گرانبه در پژوهش‌های علوم قرآنی نگاشت، که بسیار غنی و تخصصی با رویکرد شیعه در این زمینه بود.

وی با بیان این‌که کتاب التمهید فی علوم القرآن خلأ ناشی از کتاب جامع و شیعی علوم قرآنی را در این زمینه برطرف کرد، گفت: این کتاب پس از آن‌که در حوزه به عنوان منبع علوم قرآنی تثبیت شد، دامنه مطالعاتی و وسیع تری هم پیدا کرد و سرفصل منابع درسی حوزه و دانشگاه شد. محققانی که در حوزه‌های تفسیری، تاریخ قرآن، نگارش و قرائت قرآن، کار می‌کنند یکی از منابع ثابت و اساسی‌شان مجموعه پژوهش آیت الله معرفت است؛ زیرا این کتاب دیدگاهی که پژوهشگران در لابه‌لای کتاب‌های حجیم و دور از دسترس می‌یابند در خود جای داده است.

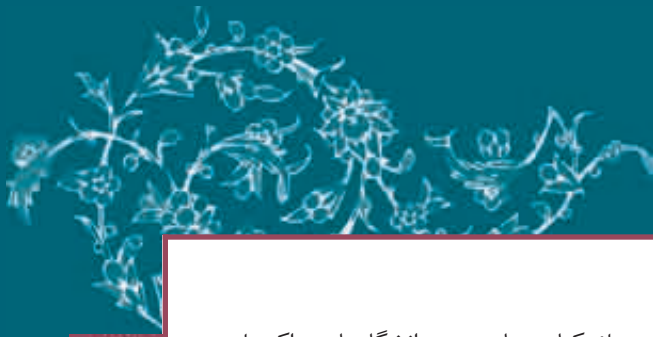
وی با بیان این‌که مهم‌ترین دلیل روی آوردن ایشان به تألیف این کتاب فقدان اطلاعات و منابع لازم در زمینه قرآن پژوهی بود، تصریح کرد: ایشان جای خالی پژوهش‌های قرآنی را در کتابخانه‌های شیعه در عصر حاضر احساس کرد، چیزی که پیش از این از غنای نسبی برخوردار بود. یعنی بسیاری از مسائلی که در علوم قرآنی مطرح شده بود، بر اساس دیدگاه شیعی در کتب اهل بیت بررسی و تحقیق نشده بود. حوزه علمیه قم، از لحاظ سابقه تاریخی در علوم قرآنی حوزه جوان تری نسبت به سایر حوزه‌ها است. از جهتی با توجه به تحولاتی که انقلاب اسلامی به وجود آورد و در دوران معاصر تأثیرات فرهنگی

آیت الله معرفت تعصب و اهانتی نسبت به بزرگان اهل سنت نداشت. برخورد ایشان با مسائل مطرح شده در تمام نوشته‌هایشان محققانه و عالمانه بود.



حجت الاسلام سیدرضا سجادی، در بررسی شخصیت علمی آیت الله معرفت، با بیان این‌که وی بنیان‌گذار علوم قرآنی در ایران و تشیع محسوب می‌شود، تصریح کرد: شخصیت برجسته آیت الله معرفت در علوم قرآنی که منشأ برکات قابل توجهی شد، روح تازه‌ای به علوم و پژوهش‌های قرآنی در کشور داد.

این محقق قرآن پژوه در بیان برکات و وجودی و تأثیرات معنوی و عملی آیت الله معرفت به ایجاد دانشگاه‌های علوم قرآنی در کشور اشاره کرد و گفت: ایجاد این دانشگاه‌ها که ابتدا در قم بود و سپس به تدریج در کل کشور گسترش یافت، نقش بسیار ارزنده‌ای در رشد و شکوفایی علوم قرآنی داشت. این مسئله باعث ایجاد نگرش تخصصی به علوم قرآن شد که با اختصاص منابع مالی و توجه پژوهشگران به این عرصه، برکات فراوانی را در پی داشت. آیت الله



فراوان خلأ وجود يك كتاب مناسب در دانشگاه‌ها و مراکز علمی کشور را پر کرد و این کتاب گرانقدر را پس از سال‌ها تلاش علمی به رشته تحریر درآورد.

وی در بررسی دیدگاه ایشان در مورد ولایت فقیه اظهار کرد: برخورد‌های خصوصی‌تری که من از ایشان داشتم در جلساتی بود که گروه‌های جانباز و رزمنده در محضر ایشان بودند. برخورد ایشان را با مسئله انقلاب و مسئله ولایت فقیه از نزدیک ملاحظه کردم.

مهربانی ویژه ایشان به خصوص نسبت به جمع طلبه‌های جانباز برای من بسیار جالب بود.

آن گروه جانباز نیز از همین جهت به ایشان علاقه خاصی داشتند. مخصوصاً دیدگاه ایشان نسبت به مسئله ولایت فقیه و انقلاب که عزیزان بسیار خون‌شان را در این مسیر ارزانی داشته بودند، همگان را بیشتر به سوی این شخصیت جذب می‌کرد. اعتقاد به ولایت فقیه و عشق به انقلاب اسلامی در آثار و نوشته‌های کلامی ایشان نیز نمود داشت. اگرچه تتبع کافی در این زمینه نداشتم اما برخورد اجتماعی ایشان بیش از هر چیز مؤید این واقعیت بود.

حجت‌الاسلام سجادی ناشناخته ماندن آیت‌الله معرفت در جامعه را مربوط به روح متواضع و شخصیت ساده و افتاده ایشان دانست و اظهار کرد: آیت‌الله معرفت موقعیت علمی و جایگاه و مقام اجتماعی والا بی داشتند، ولی از این جایگاه استفاده نمی‌کردند.

بسیاری وقت‌ها بود که ایشان پیاده تردد می‌کردند و از امکانات مهیا برای ایشان استفاده نمی‌کردند. شخصیت ایشان مورد توجه محافل دانشگاهی، محافل علمی، و حتی وزارتخانه‌ها بود. اما متوجه بودم که ایشان اعتنایی به این مسائل نداشت و رنگ و برق دنیای مادی و زخارف آن در ایشان اثری نداشت. این نشان‌دهنده روح مهذب و پاکی نفس ایشان بود.

وی در تبیین سادگی آیت‌الله معرفت به خاطره‌ای اشاره کرد و گفت: یکبار که ایشان دیر آمده بودند، هنگامی که دلیل را جویا شدم، گفتند که در آمد و شدی که بین تهران و قم داشتند، سوار مینی‌بوس شده بودند و مینی‌بوس تصادف کرد. این مسئله زندگی متواضعانه و روح طلبگی را نشان می‌داد که بسیار با ارزش بود.

و علمی فراوانی رخ داد، افرادی که در زمینه علوم قرآنی کار و پژوهش انجام دادند، رو به رشد نهاد. قبل از انقلاب اسلامی افرادی که در زمینه علوم قرآنی تحقیقات گسترده‌ای انجام داده باشند و حتی به کشورهایی مثل عراق، مصر سفر کرده و آثار منابع علمی آنان را از نزدیک دیده و دیدگاه‌های آنان را جمع‌آوری کرده باشند، بسیار محدود هستند و آیت‌الله معرفت چهره برجسته و منحصر به فردی در این زمینه است.

وی خصوصیت بارز این کتاب را در برداشتن دیدگاه‌های قرآنی و کلامی مختلف دانست و تصریح کرد: ایشان در این کتاب کج‌روی‌های بسیاری از بزرگان را نقد و بررسی کرده‌اند و انحرافات که در نتیجه شتابزدگی یا تعصبات دینی آنان بوده است را آشکار ساخته‌اند.

ایشان با يك رویکرد علمی و اخلاقی شبهات و ایرادات وارده را پاسخ می‌گفت و همواره از حریم تشیع بدون تعصب‌ورزیدن دفاع می‌کرد.

وی با بیان این‌که برخی از اهل سنت همانند ذهبی نسبت به شیعه کم‌لطفی و اهانت می‌کردند، تصریح کرد: ایشان حتی توجهی به موضوعات اختلافی در این زمینه نداشتند و فقط حرمت نگه داشته و دفاع می‌کردند و سعی کردند نقاط قوتی که در تشیع وجود دارد به شکل برجسته مورد توجه قرار دهند. وجود تاریخی چهارده‌قرنه برای تفسیر قرآن و ظهور مکاتب تفسیری مختلف و اهمیت باز یافت تلاش فرق اسلامی و مخصوصاً شیعیان برای دریافت معارف قرآن، از جمله مسائلی بود که توجه جدی ایشان را به فصل مهمی در علوم قرآن با عنوان «شناخت تفسیر و مفسران» وادار کرد. نخستین کتاب مستقلی که در این زمینه نوشته شده است، کتاب مذاهب تفسیر اسلامی بود که توسط «گلدزیهر» مستشرق به نوشته تحریر درآمده بود و این مستشرق غرض‌ورزی خود را در این کتاب و کتاب‌های دیگر در معرفی اسلام نشان داده بود.

وی با بیان این‌که پس از او محمدحسین ذهبی کتاب التفسیر و المفسرون را در دو جلد نگاشت، تصریح کرد: این بار ذهبی غرض‌ورزی و بی‌انصافی نسبت به مذاهب اسلامی و مخصوصاً شیعه داشت که به شدت از اعتبار کتابش کاست و موجب دل‌آزاری خوانندگان شیعه می‌شد. آیت‌الله معرفت با کوشش و تحقیق

ایشان با يك رویکرد علمی و اخلاقی شبهات و ایرادات وارده را پاسخ می‌گفت و همواره از حریم تشیع بدون تعصب‌ورزیدن دفاع می‌کرد



بیان تفصیلی دلایل و حیانی بودن قرآن در شبهات وردود



باب قرآن از دیدگاه آیت الله معرفت به چند دسته تقسیم می شوند و کلا دیدگاهشان نسبت به این شبهات چه بود، اظهار کرد: استاد معرفت شبهات درباره قرآن را به دو گروه داخلی و خارجی تقسیم می کند؛ زمینه های خارجی مانند دیدگاه های مستشرقان که قرآن را اساسا به عنوان وحی آسمانی باور ندارند و آن را نتیجه هوش، نبوغ، ذکاوت و روشن اندیشی پیامبر اسلام (ص) می دانند و دوم زمینه های داخلی شبهات که به دلیل همگام نبودن برداشت های مفسران از قرآن با روند پیشرفت علوم پدید آمده است.

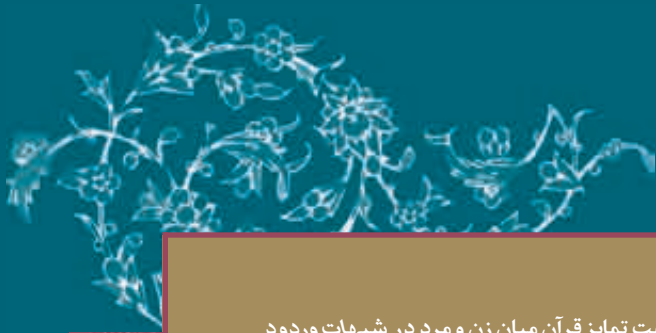
وی در بررسی روش پاسخگویی به شبهات از دیدگاه آیت الله معرفت تصریح کرد: در پاسخگویی به شبهات از روش های مختلفی استفاده می شود. برخورد تکفیرآمیز و مرتدپنداری که انسان طرف مقابل خود و کسی را که شبهه برای او به وجود آمده کافر و مرتد می پندارد. مواجهه تحقیرآمیز که انسان طرف مقابل خود را تحقیر کند که منطبق قرآن این روش را دور از انسانیت دانسته است. پاسخ استدلالی همراه با عطف و مهربانی که استاد شیوه سوم را درست می دانست. آیت الله معرفت درباره شیوه پاسخ استدلالی همراه با عطف و مهربانی می گوید: «کسی که برای او سؤال ایجاد شده؛ مانند فرد مریض است که باید به دنبال درمان او باشیم.» وی این روش را شیوه معمول امامان اهل بیت (ع) در احتجاجات خود با دیگران دانسته است. با توجه به نکته فوق، یکی از کتاب های مهم استاد به شبهات قرآنی مطرح به صورت استدلالی و قاطع پاسخ گفته است.

وی انگیزه نگارش کتاب شبهات و ردود را پاسخ به این گونه شبهات دانست و تصریح کرد: بر اساس این دغدغه، آیت الله معرفت به نگارش کتاب شبهات و ردود حول القرآن الکریم پرداخت. وی در مقدمه این کتاب شبهات وارده از سوی معارضان را پنج قسم دانسته است که عبارتند از: الهام گیری قرآن از منابع زمینی و تعلیمات محیط پیرامون پیامبر (ص) و ندهای درونی وی، تأثیر پذیری قرآن از فرهنگ زمان جاهلیت، تناقض نمایی، وجود اشتباهات تاریخی،

آیت الله معرفت در کتاب شبهات و ردود بر حقانیت پیامبر (ص) و حیانی بودن قرآن، دلایل بسیاری اقامه کرده است و در این کتاب مستندات معارضان را پاسخ گفته است.

حجت الاسلام و المسلمین «محمدحسین محمدی»، محقق و نویسنده، درباره شبهه شناسی و روش برخورد با آن از دیدگاه آیت الله معرفت گفت: استاد معرفت عقیده داشت، شبهه به طور مطلق یکی از نعمت های الهی است و اساسا اگر شبهه در کار نبود دانش هم موجود نبود و گسترش نمی یافت. دانشمندان معمولا پس از شک دنبال تحقیق می روند و می توان گفت کسی که شبهه ندارد حرکت علمی در وجود او حالت ایستادگی دارد و لذا استاد معرفت، طرح شبهه را امری پسندیده می داند که ضامن پیشرفت علم و دانش و روند تحقیق و پژوهش است. وی فرهنگ موجود در جامعه مبنی بر تلقی مخاصمه جویانه از شبهه را تصویری نادرست و برخوردی ناشایست می داند.

این محقق و نویسنده در پاسخ به این سؤال که شبهات وارده در



ادبی و علمی و احتمال راه یافتگی تحریف به قرآن. بر همین اساس آیت‌الله معرفت مطالب کتاب را در پنج باب تنظیم کرده است؛ اشکال نخست، بیشتر از سوی مستشرقان است که غالباً همراه با انگیزه‌های مغرضانه و از سر دشمنی و گاه انگیزه‌های سیاسی و استعماری ارائه شده؛ مانند تسدال، ماسیه، اندریه، لامنز، گلدزپهر، نولدکه و... که قرآن را برگرفته از متون کهن و منابع دینی یهود همچون «تلمود» دیده‌اند.

این مدرس حوزه در ادامه سخنانش گفت: آیت‌الله معرفت دلیل این همگرایی و همگونی قرآن و کتاب‌های مقدس را تنها این حقیقت می‌داند که آئین‌های ابراهیمی همگی از یک منبع سرچشمه گرفته‌اند و همه آموزه‌های آن‌ها در راستای کلمه توحید و اعمال صالح و مکارم اخلاق است. چنان‌که شواهد تاریخی اتخاذ برخی از برخی دیگر را نفی می‌کند و از نظر عقل نیز احتمال اتفاقی بودن و تصادفی بودن این همگونی و همگرایی ناممکن است.

حجت‌الاسلام محمدی در تبیین روش برخورد آیت‌الله معرفت با این شبهات گفت: آیت‌الله معرفت بر حقانیت پیامبر(ص) و وحیانی بودن قرآن، دلایل بسیاری اقامه کرده و مستندات معارضان را پاسخ می‌گوید و در ادامه با مقایسه تطبیقی معارف قرآن در عرصه‌های مختلف از قبیل توحید، صفات خدا، انسان‌شناسی و... به

این نتیجه می‌رسد که ممکن نیست منبع قرآن، کتب مقدس گذشته؛ چون تورات و انجیل تحریف شده موجود در دسترس پیامبر(ص) باشد. آیت‌الله معرفت در فصل دیگری به تفصیل، داستان طوفان نوح(ع) در تورات و قرآن را مقایسه می‌کند و فرضیه جهان شمول بودن آن را نقد می‌کند. سپس در این کتاب موضوعاتی؛ مانند پدر واقعی ابراهیم(ع)، «تارح» است یا «آزر»، فرزند قربانی ابراهیم(ع) اسماعیل است یا اسحاق، کشتی یعقوب(ع) با خدا، عبور بنی اسرائیل از دریا، داستان گوساله و سامری، هویت واقعی قارون، حرکت کوه بر فراز سر بنی اسرائیل و... می‌پردازد. آیت‌الله معرفت در ادامه در این کتاب گزارش‌های اناجیل و قرآن درباره مریم(س)، خواهر هارون و دختر عمران، نسبیت الوهیت به او، ولادت عیسی(ع)، کودکی و کهولت او، بشارت وی به آمدن پیامبر اسلام(ص) و به صلیب کشیدن حضرت عیسی(ع) را با یکدیگر مقایسه می‌کند.

تبیین حکمت تمایز قرآن میان زن و مرد در شبهات ورود

محمدی در ادامه سخنانش در بررسی دیگر شبهات مطرح شده در کتاب شبهات و ردود گفت: شبهه قرآن و فرهنگ زمانه از اتهام‌های دیگری است که بر قرآن وارد کرده‌اند مبنی بر این‌که قرآن بازتاب فرهنگ زمانه بوده است که در باب دوم این کتاب نویسنده به تفصیل پاسخ داده است و مبارزه برنامه‌ریزی شده و زمان‌بندی شده اسلام علیه مسائلی چون تبعیض علیه زنان و برده‌داری را به عنوان شاهد نادرستی این باور مطرح کرده است. همچنین توسط مستشرقان ادعا شده که دیدگاه اسلام درباره زن تحت تأثیر فرهنگ حکمفرما بر جاهلیت عصر نزول بوده است. آیت‌الله معرفت ضمن تبیین کرامت انسانی و جایگاه بلندی که قرآن برای زن – همسان و برابر با مرد. قائل است، فلسفه تفاوت‌هایی را که قرآن در برخی

عرصه‌ها میان زن و مرد گذاشته مورد تحلیل قرار داده است. از جمله دلیل تفاوت دیه و ارث و شهادت زن با مرد را حکمت شگرف آفریدگار جهان به عنوان یگانه مرجع قانون‌گذاری می‌داند که بر اساس مقتضیات متفاوت طبیعی و آفرینش این دو جنس بوده است. آیت‌الله معرفت در این کتاب همچنین پرسش‌های مطرح شده درباره قضاوت زن، حق طلاق وی، مسئله حجاب، ضرب زن و مسئله چند همسری را به تفصیل پاسخ گفته است و حکمت تعدد همسران پیامبر گرامی اسلام(ص) را نیز بیان کرده است.

محمدی درباره کتاب شبهات و ردود آیت‌الله معرفت گفت: بحث از آیات متناقض‌نما در سومین باب این کتاب آمده است، توهم متناقض‌نما بودن برخی از آیات قرآن از سده‌های نخستین تاریخ اسلام برای بسیاری روی داده و امامان اهل بیت(ع) نیز در مواردی به توضیح و رفع چنین شبهاتی پرداخته‌اند. آیت‌الله معرفت در این بخش پس از تحلیل علل و عوامل پیدایش ذهنیت یاد شده، موارد و نمونه‌های چندی از متناقض‌نمایی آیات قرآن مطرح، و سپس بدان پاسخ داده است. بارگناه هر کسی بر دوش خود اوست یا بر دوش کسی که او را به گمراهی افکنده، روز قیامت هزار سال یا پنجاه هزار سال، آفرینش آسمان‌ها و زمین در دو روز یا شش روز، وجود پرسش و پاسخ در قیامت یا عدم آن، تنظیم مقدرات انسان‌ها و مسئله اختیار از جمله این موارد است.

توهم متناقض‌نما بودن برخی از آیات قرآن از سده‌های نخستین تاریخ اسلام برای بسیاری روی داده و امامان اهل بیت(ع) نیز در مواردی به توضیح و رفع چنین شبهاتی پرداخته‌اند

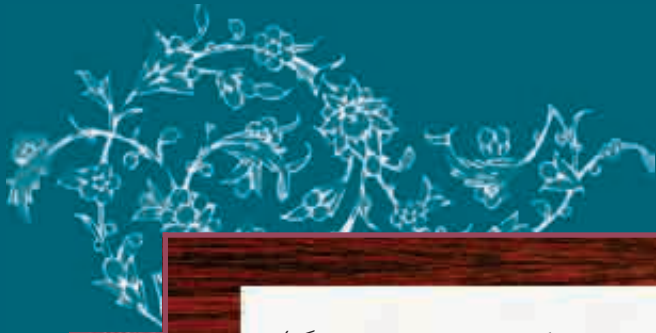
محمدی در ادامه سخنانش به معرفی ابواب دیگر این کتاب پرداخت و اظهار کرد: در باب دیگر این کتاب، ناسازگاری با علم و تاریخ مطرح می‌شود. استاد معرفت در این باب باردار مخالفت و ناسازگاری قرآن با علم، نمونه‌های چالش برانگیز عرضه شده از سوی دانشمندان و معارضان را مورد تحلیل ادبی و علمی و تفسیری قرار داده است؛ از جمله اشارات قرآن به جفت بودن همه آفریده‌ها، کوری دل، سخن گفتن مورچه، مراحل تکوین جنین، شهاب‌های آسمانی و طرد شیاطین، آسمان‌های هفت‌گانه و جو زمین، زمین‌های هفت‌گانه و لایه‌های زمین، ذوالقرنین و چشمه سرخ در مغرب زمین، هویت واقعی هامان وزیر فرعون و چگونگی ساخته شدن برج او، ادعاهای یهود درباره بسته بودن دست خدا، ادعای یهود مبنی بر پسر خدا بودن عزیر، یوسف و خزانه‌داری مصر و... که معرکه مجادلات بسیار میان مفسران، مورخان و مستشرقان است.

این محقق و مدرس حوزه در بررسی آخرین فصل این کتاب بیان کرد: نویسنده در پنجمین و آخرین فصل کتاب، پس از ذکر مقدمه‌ای در باب فایده داستان و داستان‌سرایی و روایت‌های تاریخی و روش قصه‌پردازی در قرآن و ویژگی‌های قصص قرآنی به بررسی اهداف قرآن از آوردن قصه‌ها و فلسفه تکرار قصص در قرآن پرداخته و هنر تصویرگری و مکتب آزاد هنری آن را نشان داده است. همچنین دیدگاه‌های برخی قرآن‌پژوهان عرب؛ مانند محمد احمد خلف‌الله، طه حسین، علی عبدالرزاق و خلیل عبدالکریم و دیگر نواندیشان مسلمان را

که زبان قرآن را در نقل داستان‌ها زبان تمثیل دانسته‌اند مورد نقد و تحلیل قرار داده و در پی اثبات این حقیقت برآمده که قرآن هر چند از زبان هنر به بهترین شکل بهره برده و مکتب هنری ویژه برای خود داشته، اما همواره بر عنصر واقعیت پای فشرده و اساسا به عنوان یک منشور هدایت، نیازی به بهره‌وری از خیال‌پردازی نداشته است.

حجت‌الاسلام محمدی در ادامه سخنانش در بررسی کتاب دیگر آیت‌الله معرفت، التمهید، گفت: وی در کتاب ارزشمند التمهید از عهده مطالب به خوبی برآمده و مسائل مهمی را مطرح کرده و درباره آن‌ها به تحقیق و بررسی پرداخته است که یکی از آن مسائل مربوط به جمع‌آوری و تدوین قرآن است و عقیده او این است که اختلاف در مصاحف صحابه و عدم امکان جمع و تدوین قرآن در دوران حیات پیامبر (ص) به خاطر انتظار نزول قرآن می‌رساند که تنظیم کنونی سوره‌های قرآن اجتهادی و توسط صحابه انجام گرفته است، اما جملات و ترکیب آن‌ها و تنظیم آیات در سوره‌ها با دستور و نظارت پیامبر (ص) توقیفی و به دستور آن حضرت بوده است.

وی در پاسخ به این سؤال که مباحثی از این‌گونه در تاریخ اندیشمندان شیعه چه جایگاهی داشته؟ تشریح کرد: آیت‌الله خوئی نیز در این باره به تحقیقی پرداخته بود و کتاب نوشته بود. وی در این اثر ضمن ساده‌گویی و رسایی گفتار، مطالب خود را عمیق و با استدلال قوی بیان کرده و در عباراتی کوتاه حجم زیادی از مطالب را به مخاطبان خود انتقال داده است. این ویژگی به خوبی از کتاب ارزشمند البیان مشهود است. آیت‌الله خوئی در این کتاب مطالبی درباره علوم قرآن از قبیل اعجاز قرآن، قرائات، عدم تحریف قرآن، حجیت ظواهر قرآن و نسخ در قرآن بیان کرده و یکی از مباحث این کتاب مربوط به تاریخ قرآن و درباره کیفیت تدوین و جمع‌آوری آن است که مطالب مهمی را در عباراتی سلیس و پرمحتوا مطرح کرده و اعتقاد او در



ضمن سوره‌ها (چه سوره‌های کوچک و چه سوره‌های بزرگ) توسط خود پیامبر (ص) انجام گرفته است. تألیف آیات در ضمن سوره‌ها به این صورت بوده است که هرگاه «بسم الله الرحمن الرحیم» نازل می‌شد، مشخص می‌شد که سوره قبلی تمام و سوره جدیدی آغاز شده است. ابن عباس می‌گوید: «پیامبر (ص) با نزول بسم الله الرحمن الرحیم متوجه می‌شد که سوره قبلی تمام و سوره جدیدی آغاز شده است.» امام جعفر صادق (ع) فرمودند: «تمام شدن سوره قبلی و شروع سوره جدید با نزول بسم الله الرحمن الرحیم شناخته می‌شد.»

محمدی با بیان این مسئله که البته گاهی از اوقات آیه‌ای بر پیامبر (ص) نازل می‌شد، ولی به دستور آن حضرت (ص) آن آیه در بین سوره‌های قبلی که تمام شده بود قرار می‌گرفت و این یک مسئله استثنایی بوده است، افزود: مانند آیه شریفه ۲۸۱ سوره مبارکه بقره که گفته شده آخرین آیه‌ای است که بر آن حضرت نازل شده، ولی در سوره بقره بین آیات «ربا» و «دین» قرار داده شده است. ابن عباس نیز نقل کرده است، رسول خدا (ص) گاهی دستور می‌داد آیه‌ای را که نازل شده در ضمن سوره‌ای که چنین مشخصاتی را دارد قرار دهند.

وی در بیان اعتقاد آیت‌الله معرفت درباره سومین مرحله تدوین قرآن گفت: مرحله سوم ترتیب سوره‌ها در کنار یکدیگر به صورت کنونی و مابین دو جلد است که این بخش بعد از رحلت پیامبر (ص) بوده است؛ زیرا در زمان آن حضرت (ص) قرآن بر روی چوب‌ها و استخوان‌ها و... نوشته شده بود و اول کسی که بعد از پیامبر (ص) اقدام به جمع‌آوری قرآن بر اساس ترتیب نزول کرد امام علی (ع) بود.

حجت‌الاسلام محمدی در پایان سخنانش گفت: علامه طباطبایی نیز می‌نویسد که قرآن در زمان پیامبر (ص) تألیف نشده بود و فقط سوره‌ها و آیات آن به صورت متفرق در دست مردم وجود داشت. آیت‌الله معرفت معتقد بود این مطلب، معروف و مشهور بین مسلمانان و محققان از صدر اول تا کنون بوده است، ولی در عین حال عده‌ای از بزرگان؛ مانند قاضی و ابن الأباری و سید مرتضی عقیده دارند که قرآن به صورت کنونی در زمان خود پیامبر (ص) جمع‌آوری شده است. مرحوم آیت‌الله خویی نیز این نظریه را ترجیح داده و پذیرفته است و در این زمینه ادله‌ای را ذکر کرده است.

تدوین قرآن این است که قرآن به صورت کنونی در زمان حیات پیامبر (ص) جمع‌آوری شده است.

دیدگاه آیت‌الله معرفت در جمع قرآن

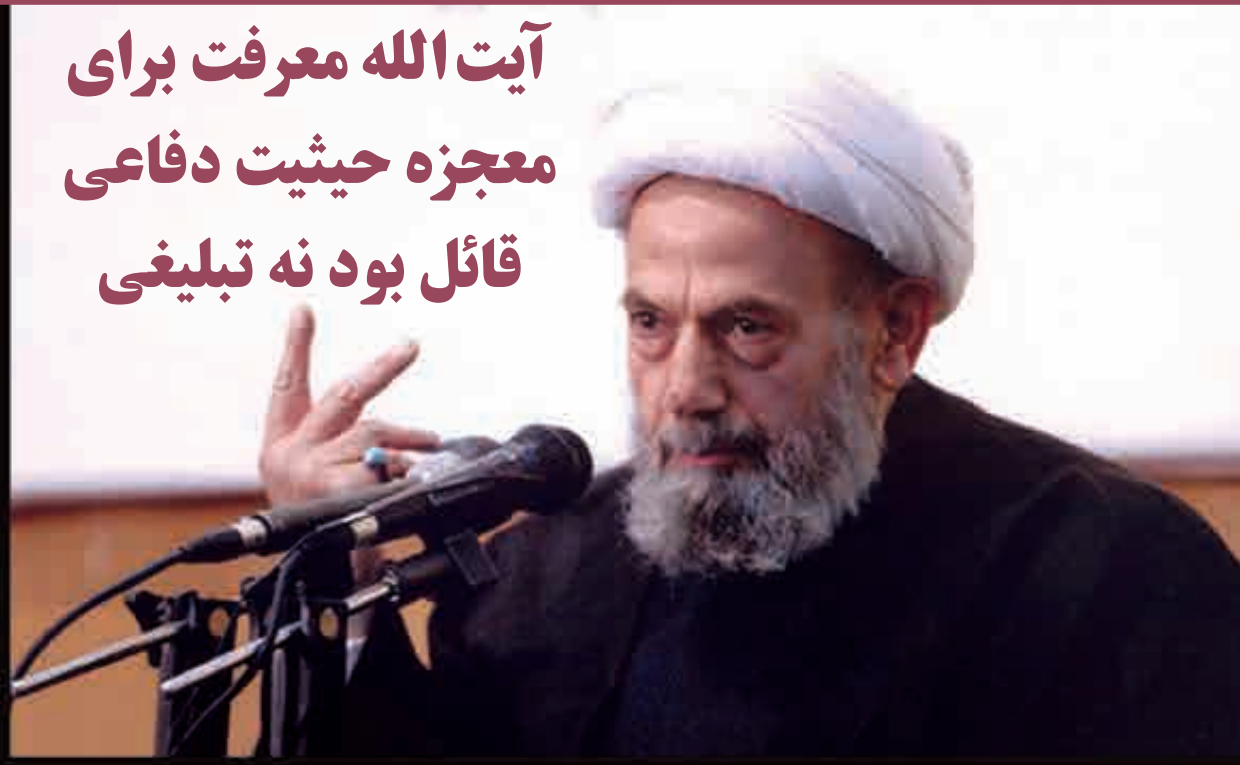
وی در بیان نظریه آیت‌الله معرفت در جمع و تدوین قرآن اظهار کرد: محقق گرانمایه آیت‌الله معرفت درباره جمع قرآن معتقد است تدوین قرآن به صورت کنونی در زمان پیامبر اسلام (ص) شکل نگرفته و تولید یک عامل نبوده است، بلکه در ادوار و زمان‌های مختلف به وجود آمده و می‌توان گفت که تدوین قرآن از زمان رسول خدا (ص) شروع و به توحید مصاحف در زمان عثمان و اعراب‌گذاری آن به دست «خلیل بن احمد» ختم شده است. آیت‌الله معرفت در جای دیگر آورده است: «به دلیل اختلاف مصاحف صحابه و عدم امکان جمع و تدوین قرآن در دوران حیات پیامبر (ص) به خاطر انتظار نزول قرآن، تنظیم کنونی سوره‌های قرآن توسط صحابه انجام گرفته و اجتهادی است، اما تنظیم آیات در سوره‌ها توفیقی و با نظارت پیامبر (ص) انجام گرفته است. جمع قرآن در دوران دو خلیفه اول ناظر به گردآوری و تدوین بدوی قرآن و در دوره عثمان ناظر به یکدست کردن قرائات قرآن است.»

وی اظهار کرد: صاحب التمهید تدوین قرآن را به سه بخش تقسیم کرده است؛ اول نظم کلمات و جمله‌بندی و ترکیب کلامی آن در ضمن آیات که این نوع نظم به دست خود پیامبر (ص) بوده و هیچ کس در آن دخالت نداشته است و قرآن هم در این زمینه می‌فرماید: «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ» و از طرفی سرعجاز قرآن هم در همین جمله‌بندی‌ها و ترکیب آن‌هاست که قرآن نیز به آن تحدی کرده است. از طرف دیگر نسبت دادن یک کلام به متکلم به معنای آن است که تنظیم کلمات و تعبیرات از او است و الا اگر کسی کلماتی جدا از هم بگوید و شخص دیگری آن کلمات را تنظیم و به صورت یک اسلوب خاص درآورد این کلام باید به شخص دوم نسبت داده شود نه شخص اول و از طرف سوم اتفاق جمیع امت اسلامی بر آن است که نظم کلمات و جمله‌بندی‌ها وحی سماوی بوده و بشر در آن دخالتی نداشته است.

حجت‌الاسلام محمدی تأکید کرد: دوم این‌که تألیف آیات در



آیت الله معرفت برای معجزه حیثیت دفاعی قائل بود نه تبلیغی



آیت الله معرفت اعجاز قرآن را تنها در يك بعد منحصر نمی کرد، وی برای معجزه حیثیت و شأنت دفاعی قائل بود و نه شأن تبلیغی و این نکته را از یافته ها و تأملات خود می دانست.



سید هدایت جلیلی، نویسنده، پژوهشگر و عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم تهران، درباره شخصیت علمی آیت الله معرفت اظهار کرد: در آغاز به روح بلند آیت الله معرفت درود می فرستم و خدای را به خاطر توفیق شاگردی در محضر وی شاکرم. ابتدا می خواهم به دو مؤلفه موجود در پرسش شما «علوم قرآنی» و «آیت الله معرفت» بپردازم. زیرا تعبیر «علوم قرآنی» برایم مبهم است و هرچه پیشتر می روم درک و پذیرش آن برایم دشوارتر می شود. این اصطلاح به رغم آن که بسیار رایج است، همچنان گرفتار ابهام است.

مؤلف کتاب روش شناسی تفاسیر موضوعی افزود: برخی می کوشند که از رهگذر تفکیک «علوم للقرآن»، «علوم القرآن» و «علوم حول القرآن» این ابهام و تیرگی را چاره کنند. این تفکیک اگرچه سودمند و رهگشاست، اما مشکل بنیادین مفهوم علوم قرآنی را حل و رفع نمی کند.

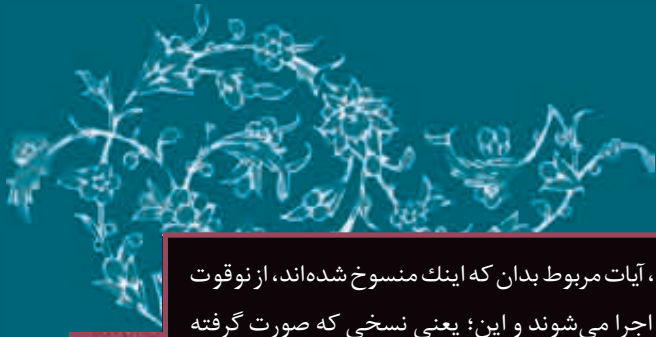
وی با بیان این که ترجیح می دهم از اصطلاح «مطالعات قرآنی» استفاده کنم، گفت: این اصطلاح در عرف بین الملل و در محافل

آکادمیک، رایج و شناخته شده و دارای قلمرو معین و محورهای مشخص است. در کشورهای اروپایی نیز کرسی ها و دپارتمان هایی با همین عنوان وجود دارد و چیزی با عنوان علوم قرآنی شناخته شده و معتبر نیست.

عضو هیئت تحریریه کتاب ماه دین، با بیان این که مطالعات قرآنی از چهار حوزه خارج نیست، اظهار کرد: این چهار حوزه عبارتند از: مطالعاتی که ناظر به تکوین متن قرآنی است، مطالعاتی که به تفسیر متن قرآنی مربوط می شوند، مطالعاتی که ناظر به حقانیت محتوای متن قرآن است، مطالعاتی که به تأثیر آن بر جهان متأخر از متن قرآنی مربوط می شود.

وی خاطر نشان کرد: تقسیم بندی دوگانه تفسیر و علوم قرآنی افزون بر این که غیر دقیق و خطاست، جامعیت تقسیم بندی فوق را ندارد. مطالعات قرآنی دانشمندان علوم قرآنی نیز گستره محورهای چهارگانه فوق را فرا نمی گیرد. آیت الله معرفت، عالمی متضلع است اما دیگران بیشتر وی را قرآن پژوه و عالم علوم قرآنی می شناسند. آثاری که وی در این قلمرو آفریده هم از لحاظ کمی و هم کیفی درخور توجه است، البته مطالعات قرآنی آیت الله معرفت عمدتاً در دو محور نخست از محورهای چهارگانه مذکور قابل گنجایش است.

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم تهران در معرفی تألیفات



بار حاکم شود، آیات مربوط بدان که اینک منسوخ شده‌اند، از نوقوت گرفته و قابل اجرا می‌شوند و این؛ یعنی نسخی که صورت گرفته مطلق نبوده، بلکه مشروط بوده است.

این پژوهشگر علوم قرآن افزود: شاید اظهار این سخن در این جا خالی از لطف نباشد که آوردن ملاحظات و تفکیک‌هایی که طی دو نکته از آیت‌الله معرفت ذکر کردیم، نشان از آن دارد که بحث نسخ همچنان رخنه‌هایی دارد که از رهگذر این تقسیم‌بندی‌ها و ملاحظات در صدد پوشاندن آن رخنه‌ها هستیم. باید در نظر داشت که افزودن ملاحظات، شروط، تقسیمات، تفکیک‌ها و تبصره‌ها در بحث نسخ، آن را از خاصیت و کارکردش خواهد انداخت.

وی در بیان دیدگاه آیت‌الله معرفت درباره تأویل تصریح کرد: وی چهار معنا از تأویل را همواره از هم باز می‌شناخت و اجازه نمی‌داد این معانی باهم درآمیزند و مفهوم تأویل را دچار ابهام و مخاطبان بحث آن را دچار سرگشتگی کند. وی یکی از معانی تأویل را عبارت از بطن قرآنی و معنای باطن آیات می‌داند.

دیدگاه آیت‌الله معرفت درباره تأویل

وی با بیان این‌که آیت‌الله معرفت تأویل آیات را از جنس معنا و مفاهیم نمی‌داند، اظهار کرد: دیدگاه آیت‌الله معرفت برخلاف دیدگاه علامه طباطبایی بود که تأویل را از جنس حقایق بیرونی می‌داند. دغدغه بسیار مهم آیت‌الله معرفت در خصوص تأویل آیات، کشف مبانی باطنی قرآن و رفع ناروشمندی عرصه تأویل بود.

مؤلف کتاب روش‌شناسی تفاسیر خاطر نشان کرد: آیت‌الله معرفت بر این باور بود که بسیاری از تأویلات مفسران، از جنس تداعی معانی هستند که بر خاطر مفسر گذر کرده‌اند و این‌ها را به واقع نمی‌توان تفسیر نام نهاد. تداعی معانی هم نظم‌پذیر نیست و از دایره اختیار بیرون است. وی می‌کوشید تأویل را ضابطه‌مند و روش‌مند کند و ضابطه‌مندی را بر فضای تأویل حاکم کند.

وی با بیان این‌که آیت‌الله معرفت در تأویل قرآن بر قاعده سبر و تقسیم تکیه می‌کرد، گفت: وی با آوردن نمونه‌هایی از آیات و کاربرد قاعده سبر و تقسیم به معنایی نهایی و مجرد از آیات دست می‌یافت و آن را تأویل آن آیه و معنای باطن آن قلمداد می‌کرد. وی از این‌که مفسری معنایی را به عنوان تأویل به آیه‌ای نسبت می‌دهد که با هیچ ضابطه منطقی در دلالت الفاظ راه بدان معنا متصور نیست، سخت برمی‌آشفته. یکی از کسانی که چنین تفسیر و تأویلاتی از قرآن را بر نمی‌تافت، ابن عربی بود. او بر این باور بود که تأویل در چارچوب یکی از دلالت‌ها که در بحث الفاظ مطرح است، باید بگنجد.

آیت‌الله معرفت تصریح کرد: وی آثار درخشانی در سه موضوع مهم دارند؛ در بحث تفسیر التفسیر الأثری الجامع، در بحث تفسیر پژوهی التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب و در بحث علوم قرآنی به معنای متعارف، التهمید فی علوم القرآن. هر یک از این آثار سه‌گانه آیت‌الله معرفت کافی بود که وی را چونان شخصیتی ماندگار در قلمرو قرآن پژوهی در حافظه و صحیفه قرآن پژوهان ثبت کند.

وی در تبیین جایگاه تألیفات آیت‌الله معرفت در میراث مکتوب تشیع گفت: مکتوبات تشیع به رغم پربری، در خصوص مباحث علوم قرآنی در قیاس با اهل سنت همواره با گونه‌ای تأخر روبرو بوده است؛ این بدان معنا نیست که در میراث شیعه بن‌مایه‌های این حوزه از مطالعات وجود نداشته و ندارد؛ بلکه به این معناست که اهل سنت در تدوین آثاری با موضوع علوم قرآنی در یک مجموعه از دیرباز پیش قدم بوده و هستند و در ساحت تشیع از این حیث با تأخر تألیفی روبه‌رویم.

جلیلی افزود: این تقدم به شکلی است که اکثریت آثار با مراجع و مصادر این قلمرو از مطالعات، به قلم اهل سنت نگاشته شده است. البته این امر، علل و دلایل خاصی دارد که مجال طرح آن در این گفت‌وگو نیست. در روزگار ما، در میان کسانی که چنین خلأ و تأخری را به جد احساس کرد و کمر همت و اهتمام در تدوین آثار علوم قرآنی مبتنی بر مبانی شیعه بست، آیت‌الله معرفت چهره شاخصی و نامبرداری است.

دیدگاه آیت‌الله معرفت درباره نسخ

وی در تبیین دیدگاه آیت‌الله معرفت درباره نسخ اظهار کرد: هر چند درباره نسخ در دیدگاه وی مسائل زیادی شایان ذکر و تأمل است، اما دو نکته دارای برجستگی بیشتری است. یکی آن‌که وی نسخ را در معنای حقیقی‌اش در خصوص قرآن نمی‌پذیرد و آن را در مصداق قرآن و خداوند به حسب ظاهری می‌داند؛ یعنی نسخ در قرآن از چشم ما انسان‌ها نسخ می‌نماید، اما از منظر الهی و از آن موضع که نظر کنیم به واقع، نسخی در کار نبوده است.

جلیلی در بیان نکته دوم تصریح کرد: آیت‌الله معرفت قائل به تفکیک نسخ مشروط از نسخ مطلق است؛ به باور وی، بسیاری از مواردی را که در نهایت به وقوع نسخ در آنها گردن می‌نهیم، از نوع نسخ مشروط‌اند؛ بدین معنا که آن منسوخ به دوره و شرایطی ناظر بود که اکنون آن دوره و شرایط سپری شده است.

مؤلف کتاب روش‌شناسی تفاسیر موضوعی خاطر نشان کرد: این مسئله به این معناست که اگر احیانا همان شرایط و اوضاع دیگر

آثار آیت الله معرفت: حاشیه نقادانه یک عالم شیعی

بر میراث اهل سنت

عضو هیئت تحریریه کتاب ماه دین خاطر نشان کرد: به نظر من آثار قرآن پژوهی آیت الله معرفت، گرچه کوشش سترگ یک عالم شیعی در مقام پاسخ به یک خلأ بزرگ است، اما همچنان مسبوق و معطوف به میراث اهل سنت است؛ به دیگر تفسیر، می توان آن ها را حاشیه یک عالم شیعی، با دغدغه های شیعی و با روح نقاد و مسئله یاب به میراث اهل سنت در تفسیر، علوم قرآنی و تفسیر پژوهی دانست.

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم تهران با بیان این که نمونه بارز این رویکرد التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب است، گفت: آیت الله معرفت در این کتاب در مقام اصلاح، پیرایش و تکمیل التفسیر و المفسرون محمد حسین ذهبی اما با همان ساختار و مبانی است؛ با این وجود آثار آیت الله معرفت به طور قطع دارای عناصر و رگه های نوآورانه ای است.

وی با بیان این که نوآوری های آیت الله معرفت در چارچوب و فضای گفتمان سنتی شکل می گیرد، تصریح کرد: این نوآوری ها رهیافت نوینی ندارد تا با گفتمان های قرآن پژوهی مدرن نسبتی پیدا کند. به نظر من، نوآوری های وی مبتنی بر مبانی سنتی است و از این رو، شعاع آن محدود و تحول بخشی آن کم دامنه است. با این وجود در آثار وی نکته ها، تلنگرها و رویکردهای ارزشمند و قابل تأملی دیده می شود.

جلیلی در نقد انسجام ساختاری آثار آیت الله معرفت بیان کرد: آثار وی با وجود طرح مطالب ارزشمند، سیر منطقی مورد انتظار را در طرح این مباحث ندارد و از این رو، نیازمند ویرایش ساختاری است؛ به دیگر عبارت، مکتوبات وی فرآیند روشمند یک اثر پژوهشی را طی نمی کند. مباحث به جای آن که سیر خطی خود را طی کند، فرآیندی دوری پیدا می کند و در لابه لای آن بحث های فرعی می آید.

وی با بیان این که دیدگاه آیت الله معرفت در یک موضوع

و مسئله در یک فصل و بخش از کتاب یک جا بیان نمی شود، اظهار کرد: همین امر درک دیدگاه وی را با دشواری و گاه با احساس تشنگی همراه می کند. علاوه بر جامعیت علمی آیت الله معرفت در زمینه های مختلف، تحول و تفسیر دیدگاه وی طی تأویلات پیوسته و مکرر نیز مزید بر علت شده است. پیشنهاد می کنم آثار آن عالم بزرگ را به دست ویرایش ساختاری و محتوایی سپرد شود.

نگاهی آسیب شناسانه توأم با حرکت اصلاحی به

مسئله صحابه

این پژوهشگر علوم قرآن در پاسخ به این سؤال که دیدگاه آیت الله معرفت درباره صحابه چه بود؟ بیان کرد: یکی از نگرش های آیت الله معرفت که واکنش هایی را در پی داشت، نظر ایشان در خصوص صحابه بود. با توجه به گستره بینش و آگاهی آیت الله معرفت که محدود به قم و محافل شیعی نبود و کم و بیش با جهان تسنن ارتباط داشت، چنین دریافته بود که مسئله صحابه از دیرباز بستر مناقشات، افراط و تفریط و سوء تفاهم های شیعه و اهل سنت شده است.

وی خاطر نشان کرد: نگاه قدسی اهل سنت به صحابه که فوق چون و چرا است، در کنار تعریف بسیار موسع «ابن حجر» از صحابه، بر این که هر آن کس پیامبر (ص) را هر چند یک لحظه دیده باشد و مسلمان از دنیا رفته باشد در شمار صحابه پیامبر (ص) است، افراد کثیری را به عنوان صحابه پیامبر (ص) در هاله عصمت و قداست قرار می داد.

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم تهران در بیان تبعات این رویکرد در اهل سنت تصریح کرد: در میان صحابه رسول اکرم (ص) افرادی یافت می شدند که رفتارهای پلید و غیر انسانی و اسلامی آن ها در منابع تاریخی مربوط به صدر اسلام ثبت شده است. از سوی دیگر، در محافل و مکتوبات شیعه، صحابه پیامبر (ص) «بما هو صحابه» هیچ مرجعیت و اتوریته ای ندارد و از این فراتر، کاربرد الفاظ و تعبیر ناپسند و بعضاً غیر اخلاقی در خصوص صحابه زمینه را برای سوء استفاده و حمله به شیعه در جهان اسلام فراهم آورده بود.

معنوی آیات و نکته‌ها و ظرافت‌ها.

عضو هیئت تحریریه کتاب «ماه دین» افزود: آن‌طور که از آیت‌الله معرفت در یکی از کلاس‌هایش شنیدم، وی در خصوص اعجاز قرآن بر آن بود که قرآن به واسطه یکی از ابعادش معجزه نیست، قرآن از آن‌رو معجزه است که این ابعاد در یکجا گرد آمده‌اند. نکته دیگر این‌که وی برای معجزه حیثیت و شأنیت دفاعی قائل بود و نه شأن تبلیغی و این نکته را از یافته‌ها و تأملات خود می‌دانست.

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم تهران خاطرنشان کرد: به یاد دارم که در آن جلسه، بی‌تی از مولانا را در میان گذاشتم که بر جنبه دفاعی معجزه تأکید می‌کرد که آثار تعجب و تأمل در چهره آیت‌الله معرفت مشاهده شد. آن بیت مولانا این بود: «معجزات از بهر قهر دشمن است / بوی جنسیت پی دل بردن است».

وی با بیان این‌که بحث اعجاز قرآن در کتاب‌های علوم قرآنی از جمله در آثار آیت‌الله معرفت از دو عارضه مهم رنج می‌برند، تصریح کرد: نخست این‌که با انبوه مباحث حول معجزه در آثار فلسفی، خاصه در کتب فلسفه دین که پس از هیوم وارد مرحله جدی‌تری شده است، ربط و نسبتی برقرار نکرده‌اند. دیگر این‌که میان مباحث کلامی در باب معجزه و مباحث عالمان علوم قرآنی در خصوص اعجاز قرآن، برخلاف ظاهر امر، فاصله و حلقه مفقوده‌ای وجود دارد.

این پژوهشگر علوم قرآن با بیان این‌که بر مباحث معجزه، وضعیت یک بام و دو هوا حاکم است، تصریح کرد: این شرایط بر قیاس، وضعیت یک موضوع و دو منطق است؛ به عنوان مثال، ایده آیت‌الله معرفت که معجزه یک ضرورت دفاعی است و نه تبلیغی، را اگر بخواهیم در مصداق معجزه بودن قرآن سرایت دهیم و اعمال کنیم، چه نتایج و تبعاتی خواهد داشت؟ این دو عارضه باعث شده است که مباحث عالمان علوم قرآنی در خصوص اعجاز قرآن نتواند با مسئله‌های جدی امروز ارتباطی برقرار کند و به بحث اعجاز قرآن خصلتی کاملاً درون‌دینی دهد.

جلیلی با بیان این‌که آیت‌الله معرفت نگاهی آسیب‌شناسانه توأم با حرکت اصلاحی به این مسئله داشت، اظهار کرد: وی کوشید تا از طریق نقد و نفی تعریف ابن حجر از صحابه و ارائه تعریفی جدید از آنان که به باور وی مبتنی بر نگاه قرآن و اهل بیت (ع) است، دامنه مصادیق صحابه را از افرادی که سلوک و رفتارشان وهن اسلام پیامبر (ص) بود، پیراسته کند و آن‌گاه از پس این تعریف، مصادیق باقی مانده را مکانت رفیع بخشد و چنان‌که باید و شاید تکریم کند.

وی با بیان این‌که این حرکت اصلاحی در غبار هیجانات، خوب دیده نشد، اظهار کرد: دیدگاه آیت‌الله معرفت ابتدا در یکی از نشریات در دو شماره منتشر شد و بعدها به صورت کتابچه کوچکی نیز به چاپ رسید. شخصا در همان زمان ضمن ارج نهادن به دغدغه وی، کوشش ایشان در بحث صحابه را طی مقاله‌ای که در مجله «علوم حدیث» به چاپ رسیده است، به تحلیل نشستیم.

مؤلف کتاب روش‌شناسی تفاسیر خاطرنشان کرد: در آن مقاله هر چند کارآمدی تحلیل آیت‌الله معرفت را به لحاظ منطقی و تحلیلی چندان قرین توفیق نیافتیم، اما آن‌را پاسخگوی حملات علیه شیعه دانستیم. این نکته را بیافزایم که دیدگاه وی در خصوص صحابه و تابعان در آثار متأخر و واپسین ایشان نمود و بروز یافته است؛ از جمله در مجموعه التفسیر الأثری الجامع که بعضاً و البته ندرتاً اقوال صحابه و تابعین در کنار روایات تفسیری پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) آمده است.

دیدگاه آیت‌الله معرفت درباره اعجاز قرآن

وی درباره دیدگاه آیت‌الله معرفت در زمینه اعجاز قرآن اظهار کرد: وی در سه جلد پایانی التمهید به تفصیل درباره دیدگاه‌های مختلف در بحث اعجاز قرآن سخن گفته است و ابعاد اعجاز قرآن آن‌را در سه بعد کلی بیان می‌کند که شامل سه بعد؛ اعجاز بیانی، اعجاز علمی و اعجاز تشریحی است. اعجاز بیانی را نیز در پنج بخش خلاصه می‌کند؛ گزینش کلمات، سبک و شیوه بیان، نظم‌آهنگ قرآنی، وحدت موضوع یا تناسب

چکیده‌ای از مطالب فصل سوم

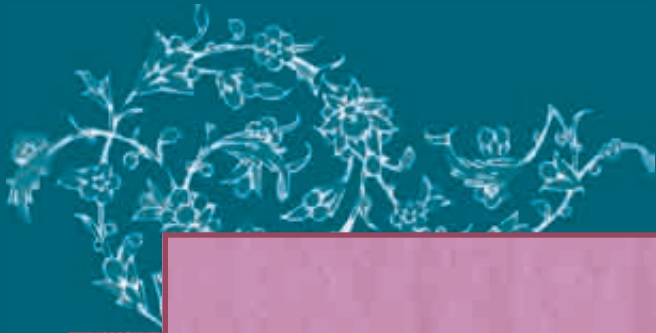
چند بعد شخصیتی آیت‌الله معرفت بسیار برجسته و ارزشمند بود؛ اولین بعد؛ اخلاق اجتماعی و فردی آیت‌الله معرفت بود و بعد دیگر اخلاق علمی و سومین بعد، نظریات نو و نوآوری‌های ایشان در حوزه علوم قرآن و فقه بود. ایشان مرد قرآن‌پژوهی قرن آینده است. نظرات آیت‌الله معرفت در دهه‌های آینده، انقلابی در مباحث قرآنی ایجاد خواهد کرد، همانطور که هر چه از وفات مرحوم علامه طباطبایی گذشت، رشد بیشتری بر افکار و آثارش پیدا شد، در مورد آیت‌الله معرفت نیز همین‌طور خواهد شد.



آیت‌الله معرفت در واقع حلقه ارتباط و اتصال علوم اسلامی بین نسل گذشته در حوزه‌ها و نسل آینده محققان بود و در این جایگاه وظیفه خود را به نحو شایسته به انجام رساند. آیت‌الله معرفت از محضر اساتید بزرگواری استفاده کرده بود و چکیده اندیشه‌هایی را که پسندیده بود و با اسلام ناب سازگارتر و همانگ‌تر می‌دید، فراگرفت و

آن‌را با آمیزه‌ای از اندیشه‌ها و نوآوری‌های خودش به شاگردانش منتقل می‌کرد. آیت‌الله معرفت در زمینه‌های مختلفی تخصص داشت؛ یعنی قبل از این‌که در علوم قرآن و تفسیر وارد شود، یک فقیه و اصولی متبحر بود. آیت‌الله معرفت با آن‌که درس‌های مختلف فقه و اصول را در حوزه نجف، قم و در دانشگاه مشهد تدریس می‌کرد، با این وجود بیشتر آثارش در حوزه علوم قرآنی بود.

این‌که آیت‌الله معرفت در منش اخلاقی بسیار متواضع بود. همیشه مقید بود کارهای منزل را خودش انجام دهد. اگر از هر جایی دعوت می‌شد که در جلسه‌ای شرکت کند، حتما شرکت می‌کرد و کاری نداشت که دعوت کننده و شأن جلسه چه بود. آیت‌الله معرفت با افراد و شاگردان گرم می‌گرفت و رفیق می‌شد. اگر تلفن علمی به ایشان می‌شد. حتی ساعت یک بعد از نیمه شب - با روی باز جواب می‌داد و اصلا ترش رویی نمی‌کرد



ایشان همواره شاگردان خود را به کار نگارش تشویق می‌کرد. در عین حالی که اشکالات را هم گوشزد می‌کرد، شیوه تشویقی را نیز رعایت می‌کرد. برای همین مسئله بود که توانست شاگردان موفق‌تری تربیت کنند که هم دارای مدارج و هم مسئولیت‌های قرآنی در سطح کشور باشند. نسل جدید قرآن پژوهی حوزه علمیه قم، مستقیم یا غیر مستقیم مدیون زحمات آیت‌الله معرفت هستند

ایشان همواره شاگردان خود را به کار نگارش تشویق می‌کرد. در عین حالی که اشکالات را هم گوشزد می‌کرد، شیوه تشویقی را نیز رعایت می‌کرد. برای همین مسئله بود که توانست شاگردان موفق‌تری تربیت کنند که هم دارای مدارج و هم مسئولیت‌های قرآنی در سطح کشور باشند. نسل جدید قرآن پژوهی حوزه علمیه قم، مستقیم یا غیر مستقیم مدیون زحمات آیت‌الله معرفت هستند

شخصیت آیت‌الله معرفت جهان‌نگر و آینده‌نگر بود، وی اساساً محدود و بسته فکر نمی‌کرد؛ زیرا افراد بسیاری هستند که مشغول کارهای قرآنی‌اند، اما بسته فکر می‌کنند. آنان در محدوده قم یا ایران فکر می‌کنند و نهایتاً مرزهای تشیع را نیز در دامنه تفکرات خود وارد می‌کنند، اما آیت‌الله معرفت فرامذهبی و فراملیتی فکر می‌کرد.

آیت‌الله معرفت تفکری تقریبی داشت و سعی می‌کرد که مذاهب اسلامی را نسبت به هم حساس نکند؛ البته هدف منظور آیت‌الله معرفت از این مراعات‌ها انتقال بیشتر محتوای فرهنگ تشیع بود، آیت‌الله معرفت به حدیث «لو علموا محاسن

کلامنا لاتبعونا» استناد می‌کرد که اگر دشمنان محاسن کلام اهل بیت (ع) را بدانند، تبعیت می‌کنند؛ لذا نیازی به توهین و لعن و سب دیگران نیست.

آیت‌الله معرفت در التفسیر الأثری الجامع پس از نقل روایات اهل سنت و اثبات ورود این کلمه (آمین) از مسیحیت به اسلام، روایات شیعه را نیز می‌آورد که نشان می‌دهد اهل بیت (ع) با این مسئله به شدت برخورد کرده‌اند. روش تدریس وی روش سامرایی بود؛ در این روش از پیش، موضوع توسط استاد گفته می‌شد و طلاب با مطالعه قبلی به سر کلاس می‌آمدند و موضوع را مطرح می‌کردند. استاد نقش اول را نداشت. ایشان دقیقاً همین روش را پیگیری می‌کرد؛

آیت‌الله معرفت در مباحث علوم قرآنی چند نظریه مهم داشت؛ یکی نظریه نسخ مشروط یا تمهیدی و دومین نظریه ایشان بطن قرآن بود. علمای پیشین سه قسم نسخ داشتند؛ نسخ تلاوت و حکم، نسخ حکم بدون تلاوت و نسخ تلاوت بدون حکم. آیت‌الله معرفت نسخ حکم بدون تلاوت را می‌پذیرفتند. آیت‌الله معرفت در دو جای کتاب شبهات ورود بحث زنان و برده‌داری را

مطرح کرد که از آن گاهی به نسخ مشروط، گاهی به نسخ تمهیدی و گاهی به نسخ تدریجی نام برد.

مقصود وی این بود که گاهی اوقات در جامعه سنت‌های غلطی داریم، قرآن آمده است که این سنت‌های غلط را ازاله و نسخ کند، اما این کار را به صورت تدریجی و مرحله به مرحله انجام داده است. به عنوان نمونه در قرآن آیات برده‌داری آمده است، اما سیستم و نظامی در درون آیات و روایات طراحی کرده است که کم کم برده‌داری برداشته شده است. قرآن و روایات به گونه‌ای برنامه‌ریزی شد تا زنان جایگاه حقیق خود را به دست آورند، تا جایی که امیرالمؤمنین(ع) فرمودند: «المرأة ریحانة لیست بقهرمانة». نسخ تمهیدی برای پاسخ‌گویی به بسیاری از شبهات کارایی دارد.

نوآوری دیگر، نظریه جدید آیت‌الله معرفت درباره بطن بود که اولین کرسی نظریه‌پردازی که در قم برگزار شد، راجع به همین بحث بود. امام خمینی(ره) بطن را حقیقت عندالله در لوح محفوظ

می‌دانست، علامه طباطبایی نیز، معانی متبادر در طول و ژرفای آیه می‌دانست. آیت‌الله معرفت بر این باور بود که بطن معنای کلی آیه است که به صورت يك قاعده در طی چهار مرحله از آیه استفاده می‌شود: مرحله ابتدایی، به دست آوردن هدف آیه و مرحله بعدی، الغای خصوصیات از زمان و مکان و افراد آیه است. سومین مرحله، استخراج قاعده کلی و سپس تطبیق بر مصادیق زمان است. در مرحله آخر، آزمایش کنیم که بطن استخراج شده مصادق خود آیه را شامل می‌شود یا نه؟ به این ترتیب مطمئن می‌شویم که از مصادق خود آیه خارج نشده و در دام تفسیر به رأی نیفتاده‌ام.

این‌که به نظر آیت‌الله معرفت هدف اصلی تفسیر قرآن، به دست آوردن پیام‌های کلی از آیات و تطبیق آن بر زمان جدید است. آیت‌الله معرفت معتقد بود که بعضی از مراتب بطن مخصوص اهل بیت(ع) است، اما برخی از مراحل بطن برای ما قابل فهم است. متأسفانه برخی این مطلب ایشان را متوجه نشده بودند.



دو هفتاد و نهم

راهی

سال ششم

شماره ۷۹

۱۵ اردیبهشت ۱۳۸۹

۱۲۵



تفسیر ثور و منبای حدیثی آیت الله معرفت (ع)

آیت الله معرفت (ع)؛ احیای علوم قرآنی در دوران معاصر

احیای نام امیرالمؤمنین (ع) در تفسیر؛ هدف آیت الله معرفت در پژوهش‌های قرآنی



داشت که در منزلشان و بعد در حرم حضرت معصومه (س) برگزار می‌کرد و حلقه‌ای از شاگردانش در این جلسات شرکت می‌کردند و بنده نیز توفیق حضور در این جلسات را پیدا کردم.

آیت‌الله معرفت قبل از این‌که یک پژوهشگر عرصه قرآن باشد، یک

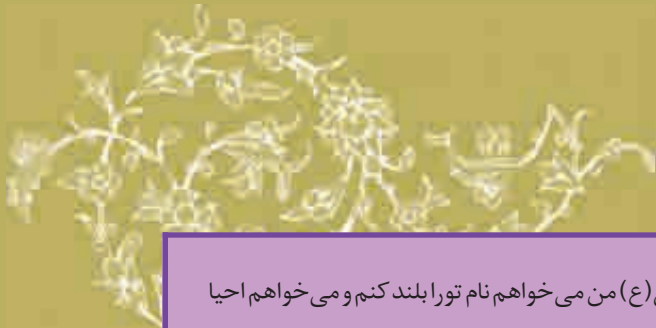
فقیه بود

این محقق علوم قرآن با اشاره به این‌که استاد معرفت در کنار تدریس مباحث فقهی در مرکز تخصصی تفسیر نظریات ابتکاری تفسیری خود را ارائه می‌داد، گفت: بنده چون جزء شرکت‌کنندگان در این دوره‌های مرکز تخصصی تفسیر بودم؛ لذا توفیق بهره بردن از نظریات استاد در این دوره مهم را پیدا کردم. به تناسب استفاده فقهی و استفاده اصولی و در کنارش استفاده قرآنی، ارتباط ما با ایشان فراتر از کلاس‌ها رفت و استاد معرفت با محبت خاصی عنایت می‌فرمود که برای جلسات ویژه فقهی و یا جلسات ویژه قرآنی و طرح بیشتر مباحث قرآنی خدمتشان مشرف بشویم و به تدریج این ارتباط بیشتر شد تا سال ۱۳۷۳ که بنده خدمت استاد پیشنهاد کردم که این بحث‌های اصولی با مدل دیگری به غیر از آنچه هم اکنون در حوزه مطرح است، مطرح شود و آن این‌که در ابتدا ما کار تحقیقی در مورد درس انجام دهیم و سپس کار تحقیقی خود را به شما ارائه دهیم.

این مدرس حوزه و دانشگاه در بیان دلیل مدعای خود، تشریح کرد: به نظر می‌رسد که طلبه پس از شرکت ۵ و ۶ ساله در مباحث اصولی، کفایت بکند از این‌که استاد مطالبش را القا بفرماید و طلبه فقط شنونده باشد و یا به عنوان شاگردی که صرفاً قصد آموختن و گاه پرسش‌هایی دارد، نباشد؛ لذا ما کارهای تحقیقی را ارائه می‌دادیم و استاد معرفت آن‌ها را نقد می‌کرد؛ یعنی عمل مجتهدانه ما را نقد می‌کرد. استاد معرفت با کمال انبساط خاطر این جلسات را برگزار می‌کرد، هفته‌ای دو شب، یک شب خارج فقه و شب دیگر خارج

آیت‌الله معرفت، زمانی که دید حق حضرت علی (ع) و اهل بیت (ع) در باب قرآن در منابع قرآنی ادا نشده است؛ از این رو به دنبال احیاء حق امیرالمؤمنین (ع) در تفسیر قرآن، پژوهش‌های قرآنی را آغاز کرد.

حجت الاسلام والمسلمین «عبدالکریم بهجت‌پور»، عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، در مورد شخصیت علمی و اخلاقی آیت‌الله معرفت، گفت: بنده از سال ۱۳۶۸ محضر آیت‌الله معرفت توفیق آشنایی را داشتم و اصولاً آغاز آشنایی از دعوت ایشان برای برگزاری دوره تخصصی علوم قرآن برای اهالی فرهنگ و اندیشه در دزفول آغاز شد. به دلیل این‌که بنده اصالتاً دزفولی هستم و لذا به دلیل پذیرش استاد برای حضور و تدریس در این دوره، دو هفته‌ای در خدمت‌شان بودیم و همان، زمینه‌ای شد برای بنده - هم در حوزه فقه و هم در حوزه قرآن علائقی داشتیم - تا با ایشان مرتبط شوم بطوری که ایشان شوخی هم با من داشتند که می‌گفتند: «وقتی با شما آشنا شدم، گویا صد سال است که با شما آشنا هستم». در همان دوران ایشان دروس خارج فقهی در مباحث حدود و دیات



گفتم که یا علی (ع) من می خواهم نام تو را بلند کنم و می خواهم احیا کنم حق تو را در باب قرآن. استاد معرفت در احیای نام حضرت امیر (ع) در تفاسیر قرآن، بسیار تأکید و تلاش بسیار زیادی را انجام داد که این اتفاق بیافتد. در ابتدای کار بنا بر این بود تفسیری نگاشته شود که در این تفسیر، مجموعه روایات تفسیری - در طول به اصطلاح سه قرن پس از پیامبر اکرم (ص) که تفاسیر اجتهادی مان رونق می گیرد - از نظر روایت و نظرات صحابه، تابعان و تابعان جمع شود و به گونه ای این دائرةالمعارف را شکل دهد که خود روایات حقانیت فرهنگ شیعی را اثبات کند.

این قرآن پژوه عنوان کرد: آیت الله معرفت برای این که این کار را انجام دهد - و کار بسیار بزرگی بود و حتی در خاطر من هست که بنده پیگیر کار با دفتر مقام معظم رهبری بودم که در واقع نسبت به پروژه حضور ذهنی داشته باشند و اظهار نظری بفرمایند و حمایتی از این کار داشته باشند - از همان آغاز کار می خواست بگوید که هنوز کسی به طور جامع مجموعه روایات را کنار هم نگذاشته و در آنجا حقانیت فرهنگ و عمق اندیشه شیعی را نشان بدهد - به گونه ای که خود روایات نشان دهند و بدون دخالت ما - و سخن بگویند، نداریم و ایشان می خواست که این کار بزرگ را انجام دهد. استاد معرفت برای این که این کار بزرگ را انجام دهد باید مقدماتی را در باب قرآن عمل بکند؛ یعنی یک فقیه به سمت تفسیر می آید از تفسیر به سمت مقدمات و علوم قرآنی می رود.

وی افزود: استاد معرفت وقتی وارد مقدمات شد، دید که باید در این امر بماند و یک زودگذر و مقدمه ساده برای یک تفسیر ساده نیست؛ لذا اسم این مجموعه را التمهید گذاشت که الآن ۱۰ جلد شده است، در واقع مقدمه برای یک تفسیر بزرگ است. شاید در آن زمان که استاد معرفت به این امر توجه کرده بود، فکر می کرد یک جلد مقدمه و یک دوره تفسیر بنویسد، اما وقتی وارد شد، دید که باید این مقدمه به طور جد پیگیری شود. بحث باید مجتهدانه عمل شود و در جای جای این متن ها که رنگ شیعی ندارد، و اندیشه اسلامی با نگرش غیر شیعی مطرح شده است و نگاه داوری در منابع اهل سنت رخ نداده است؛ استاد معرفت درنگ کرده است.

این قرآن پژوه افزود: درنگ استاد معرفت هم به این جا رسید که در واقع مجموعه منابع اهل سنت در حوزه علوم قرآن شاید در دو کتاب مادر و بزرگ و مهم مطرح شده است؛ یکی البرهان زرکشی است که مربوط به قرن پنجم است و دیگری الاتقان سیوطی است (مربوط به قرن نهم و دهم) و منبع بزرگ دیگری ندارند. آیت الله معرفت ناظر به این دو کتاب، کتاب نگاری کرد و علوم قرآنی را نگاشت. اتقان سیوطی

اصول در محضر استاد برای ادامه این مباحث بودیم و به صورت مکرر در خدمت ایشان پژوهش های قرآنی را برای ورود به عرصه های تخصصی قرآن تعقیب می کردیم. ارتباط ما با استاد معرفت، قدری بیشتر از حد، و ارتباط های خانوادگی هم شد و تقریباً به گونه ای شد که ایشان فکر می کردند که مبانی فقهی و اصولی ایشان در دست حقیر هست؛ لذا در سمینارها و برنامه های تخصصی و یا گاهی نوشتن مقالات و یا تدریس کلاس هایی از استاد دعوت به عمل می آمد، محبت می کردند و حقیر را در مواردی که صلاح می دانستند، جایگزین می کردند و این ارتباط تا سال ۱۳۸۵ که فوت ایشان بود، ادامه پیدا کرد و ارتباط ۱۷ ساله علمی و پژوهشی زیر نظر ایشان در حوزه های فقه، اصول و قرآن، سابقه آشنایی بنده با استاد معرفت است.

وی در پاسخ به این سؤال که با توجه به تخصص آیت الله معرفت در دو حوزه قرآن و فقه، چگونه میان این دو ارتباط برقرار می کرد؟ گفت: آیت الله معرفت قبل از این که یک پژوهشگر عرصه قرآن باشد، یک فقیه است؛ یعنی دوره تحصیلی ایشان و اساتیدی که در کربلا و نجف درک کرد، اساتید حوزه فقه و اصول هستند. به دلیل اهمیتی که مباحث قرآنی داشت و به خاطر نیازی که در یک برهه از زمان احساس شد، جمعی از فضلا و محققان حوزه کربلا و بعد هم نجف تصمیم می گیرند که به سؤال ها و شبهاتی که در بین طبقات روشنفکر عراق وجود داشت از جمله دانشگاه ها، پاسخ دهند، نامه ای به همه مراکز می نویسند و ترویج می کنند که ما یک گروه در حوزه هستیم که آماده پاسخ گویی به سؤال ها و شبهات هستیم. آیت الله معرفت هم در همان گروه بود و به خاطر علاقه به قرآن، گروه قرآنی را انتخاب می کند و پاسخ به سؤال هایی که در این زمینه هست، در حین کار به این نتیجه می رسد که کتابخانه های شیعی، از داشتن منابع قرآنی خالی است و این کمبود در واقع برای شیعه آزار دهنده است، در حالی که شیعه باید نقش خودش را در مباحث قرآنی نشان دهد.

این مدرس حوزه علمیه قم خاطر نشان کرد: استاد معرفت خود می گفت که به مناسبتی می خواستم بحثی را بفهمم، هر چه کتابخانه های شیعی را گشتم در رابطه با این بحث خاص که موضوعی بود در قرائت، کتاب و حتی مقاله ای پیدا نکردم، تنها از مرحوم کاشف الغطاء یک صفحه دیدم و همین امر باعث شد که تصمیم بگیرم در خدمت قرآن وقت و پژوهش ها قرار بدهم. استاد معرفت می گفت که ظلمی که احساس کردم و باعث شد انگیزه ام تقویت شود، این بود که وقتی به منابع اهل سنت مراجعه می کردم، می دیدم که حق حضرت علی (ع) و اهل بیت (ع) در باب قرآن ادا نشده است؛ لذا من مشرف شدم خدمت مزار حضرت امیر (ع) در نجف اشرف و

که مسائلی بیشتر از برهان زرکشی است، دو جلد است، استاد معرفت، به قدری این بحث را غنی و گسترده کرد و مسائل جدید را مطرح کرد که مجموعه علوم قرآنی به ده جلد توسعه پیدا می‌کند، برای این‌که ما بینم الآن در جهان اسلام در دستمان چه منبع شیعی معتبر و ارزشمندی را بگیریم و به دنیا معرفی کنیم؛ یعنی در مقابل اتقان و برهان اهل سنت، التمهید با ده جلد تدوین شد.

این مدرس علوم قرآنی اظهار کرد: استاد معرفت به همه مباحث علوم قرآنی و روش‌های تفسیری پرداخته است، اول بحث وحی‌شناسی و بعد تاریخ قرآن و بحث مکی و مدنی، اسباب نزول، قرائات، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه و اعجاز و... را به طور مفصل بررسی کرد؛ لذا اعجاز را در سه جلد التمهید بحث کرد که هیچ‌کس در مور اعجاز به این گستردگی وارد نشده بود. ادعایی علیه شیعه

مطرح می‌شود و ما را متهم به اعتقاد تحریف قرآن می‌کند و برخی از اخباریون به اشتباه فاحش در واقع ادعای تحریف بالنقیصه را به نحوی نیز مطرح می‌کنند.

آیت‌الله معرفت برای رفع این شبهه به التمهید جلد هفتمی را الحاق می‌کند و مسئله

صیانت قرآن از تحریف را مورد تأمل

قرار می‌دهد و شبهات مطرح شده و ریشه‌های این شبهه را توضیح می‌دهد و روایاتی را که در منابع اهل

سنت و شیعه وارد شده است که ضعیف هستند و موجب

سوء استفاده، مورد بررسی قرار می‌دهد و نظرات شیعه را به طور سلسله‌وار به رخ طرف مقابل می‌کشد و نظرات دانشمندان منصف اهل سنت را که می‌گویند شیعه قائل به تحریف نیست تذکر می‌دهد و کاملاً با رویکردی که این شبهه از ریشه زده شود و با یک برخورد عالمانه و فنی و همه‌جانبه پاسخ‌گوهست.

این قرآن‌پژوه در ادامه اظهار کرد: اهل سنت، کتابی دارند که التفسیر و المفسرون نام دارد که با قلم محمدحسین ذهبی، دانشمند مصری نوشته است. نویسنده کم‌لطفی‌های خیلی زیادی علیه شیعه کرده است و متأسفانه به دلیل این‌که در منابع اسلامی و منابع شیعی و پژوهشی کتاب‌هایی در مستوای تتبع علمی ایشان وجود نداشت، منبع اصلی دروس اصلی حتی در دانشگاه‌های ایران شده بود. آیت‌الله معرفت به این نتیجه رسید که باید به این کتاب پاسخ دهد و لذا در دو جلد قطور به زبان عربی التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب را نوشتند، ولی بعد دیدند که حق مطلب آن‌چنان که باید ادا نشده است، دوباره این مطالب را با زبان فارسی و البته کامل‌تر نوشتند.

وی در ادامه خاطر نشان کرد: در واقع جلد هشتم و نهم التمهید اثر استاد معرفت، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، در نقد التفسیر و المفسرون ذهبی است که با نگاه شیعی به مسئله تعریف تفسیر و تأویل، رابطه تأویل و تفسیر، نقش پیامبر (ص) در تفسیر، نقش صحابه در تفسیر، صحابه مهم در تفسیر و تابعان پرداخت. در این حلقه و زنجیره تحقیق‌ها، یک حلق مفقوده وجود داشت، و آن جایگاه اهل بیت (ع) در تفسیر بود. استاد معرفت وقتی این سیر تبعی را در جلد اول التفسیر و المفسرون خود تمام کرد و پا به پای ذهبی جلو رفت، بخش آخر جلد اول را اختصاص به نقش اهل بیت در تفسیر داد. در آنجا با بیان نمونه‌هایی ارزش و الوایی مکتب اهل بیت (ع) را در تبیین و تبلیغ قرآن و معارف قرآنی به خوبی نشان داد.

این محقق علوم اسلامی تأکید کرد: این‌گونه رفتار، در کنار آن رویکرد کلی بود که به مکتب شیعه در تفسیر قرآن داشت. مثلاً در بحث تأویل آن تأویل مصداقی شیعه را که از آن به تطبیق یاد می‌کنیم، توجه کرده است. و وقتی به بحث صحابه رسید و تفسیر را توضیح داد و در آنجا بیان کرد آن حلقه اصلی تفسیر که سلسله مفسران به او وصل می‌شود، علی بن ابیطالب (ع) است و لذا او مرجع تفسیری است. صحابی نحل‌های در عملیات تفسیر، از موالیان و شیعیان و ارادت‌مندان امیرالمؤمنین (ع) هستند که عبدالله بن مسعود، عبدالله بن کعب، عبدالله بن عباس نام دارند و سه شخصیتی هستند که زیر نظر حضرت امیر (ع) رشد کردند و بنابراین دانش تفسیری در بین مسلمانان از حضرت امیر (ع) نشأت پیدا کرده است و نمی‌توان گفت که فرهنگ قرآنی از اندیشه غیر علوی منتشر شده باشد.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، خاطر نشان کرد: استاد معرفت در پرداختن به شخصیت‌های تابعین هم توجه به این نکته داشت که تابعین و تابعان تابعین - شخصیت‌های مورد قبول شان - کسانی هستند که در دامن فرهنگ اهل بیت (ع) و شاگردان این‌ها تربیت شده‌اند. بدون این‌که در این مسیر بی‌انصافی و بی‌احترامی نکنند و کاملاً با زبان علمی و مستدل و نکاتی پنهان از دل تاریخ و رجال بیرون کشیده‌اند که این کار بزرگ انجام گرفت.

وی با بیان این‌که استاد معرفت در جلد دوم التفسیر و المفسرون، بحث را از تفسیر نقلی آغاز کرد، اظهار کرد: ایشان در قسمت دوم این کتاب به بحث اجتهادی و بحث آخر به بحث اثری تفسیر پرداخته است. استاد در بخش اول که بحث تفسیر نقلی بود به مناسبت،

آیت‌الله معرفت به این نتیجه رسید که باید به این کتاب پاسخ دهد و لذا در دو جلد قطور به زبان عربی التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب را نوشتند، ولی بعد دیدند که حق مطلب آن‌چنان که باید ادا نشده است، دوباره این مطالب را کامل‌تر نوشتند

مفسران صحابه را معرفی کنند با همان ادله‌ای که ذهبی آورده و با ادله دیگر، برای خواننده مشخص می‌کند که اگر بنا است، مفسران صحابه را برای خواننده طبقه‌بندی کنیم، صدرالمفسرین امام علی بن ابیطالب (ع) است، به خاطر همین ادله.

این پژوهشگر حوزه علوم قرآن و حدیث با بیان این‌که دیدگاه ذهبی درباره تفسیر مجمع‌البیان و تفاسیر شیعه، دیدگاهی کاملا لجوجانه و برخاسته از تعصب است، اظهار کرد: تفسیر البرهان شیعه یک تفسیر روایی است که نمی‌توان در مورد آن اظهار نظر کرد. مفسر در پی جمع‌آوری روایات در ذیل آیات بوده است. هر چند دیدگاهش این بوده که من روایات صحیح را می‌آورم، ولی شما نمی‌توانید یک تفسیر روایی را همانند تفاسیر اجتهادی بررسی کنید.

وی با اشاره به نقد اشتباه و غرض‌ورزانه ذهبی بر تفسیر البرهان، خاطرنشان کرد: ذهبی با تفسیر البرهان می‌خواهد بگوید که حرف شیعه این است. آیت‌الله معرفت این مرز را ایجاد کرده و معتقد است که تفسیر روایی غیر از تفسیر اجتهادی است. ایشان در پاسخ به این مسئله گفته است که در اهل سنت الدر المنثور یک تفسیر روایی (در نگاه اهل سنت) است، آیا شما همه روایات آن را قبول دارید؟ مسلما اهل سنت تمامی روایات موجود در الدر المنثور را قبول ندارند، از این قبیل تعصب‌ورزی‌ها در کتاب التفسیر و المفسرون ذهبی فراوان است و به همان نسبت نقد و بازخوانی عالمانه آیت‌الله معرفت بر دیدگاه وی فراوان است.

وی در پاسخ به این سؤال که چرا با وجود جایگاه بلند آیت‌الله معرفت در علوم قرآنی و مکتوبات علوم قرآنی تشیع، انتقاداتی به ایشان هست؟ تصریح کرد: اساس این انتقادات به خاطر حریت و آزاداندیشی آیت‌الله معرفت است. به بیان دیگر، وی در مقام اجتهاد و فتوا، خود را آزاد از تمامی فضاها و جوسازی‌های دید و فتوی می‌داد.

این دانشیار گروه معارف اسلامی دانشگاه تهران با بیان این‌که طبیعی است که اگر کسی بخواهد با این آزاداندیشی وارد عرصه شود، مورد انتقاد عده‌ای قرار می‌گیرد، اظهار کرد: عالمانی که بر یک سری سنت‌ها عادت کردند، تحمل این حریت و آزاداندیشی را ندارند، البته به مرور زمان، این فضا الحمدلله بهتر می‌شود و این مسئله را می‌پذیرد. اگر امروزه نظریه‌پردازی و کرسی‌های آزاداندیشی می‌خواهد برقرار شود بر همین مبنا است که آیت‌الله معرفتی پدید بیاید و بعد از آن دیگران هم بیایند و نظرات ایشان را نقد کنند.

مسئله خطا و روایات ضعیف را مطرح کرد و معیاری را برای کشف روایات صحیح و تقویت روایات ضعیف برای روایات تفسیری توضیح داد. استاد معرفت در همین مجلد به مسئله اسرائیلیات پرداخت و نمونه‌های فراوانی از اسرائیلیات را ذکر کرد و هشت تن از شخصیت‌هایی که متأسفانه در بین منابع اهل سنت وجود دارند و این‌ها سر سلسله جنبانان روایات اسرائیلی در بین امت اسلامی و علمیات تفسیری هستند را معرفی و اشکالاتشان را گفت، و در نهایت نسبت به این مطلب و این اشخاص هشدار داد.

استاد معرفت در تفسیر اجتهادی جامع، با روش فقهی، عرفانی و

عقلی جلورفت

بهجت‌پور در ادامه خاطرنشان کرد: استاد معرفت در ادامه این

کتاب مفسران عامه و خاصه که در زمینه تفسیر، نقلی یا نگاهشده‌ای داشتند را بیان کرد و آن‌هایی که از اسرائیلیات حذر می‌کردند در واقع تشویق می‌کرد؛ یعنی به عنوان یک مؤید از قوت کارشان یاد می‌کرد و آن‌جایی که مفسر روایاتش مستند می‌شد را نیز تأیید و تشویق می‌کرد و آن‌هایی که روحیه علمی داشتند از شیعه گرفته تا سنی آن‌ها را نیز تقویت می‌کرد و با این رویکرد به تفاسیر نقلی پرداخت. استاد معرفت در تفسیر اجتهادی

رویکرد منصفانه را ادامه داد، و در تفسیر اجتهادی جامع، با یک روش فقهی و عرفانی و عقلی جلورفت و سپس وارد تفسیر اثری شد و این دو سه قرن اخیر را که با رویکرد علمی و اجتهادی و اجتماعی و موضوعی است، بیان کرد؛ بنابراین استخراج مجموعه اطلاعات عالمانه با رفتن در دل متن‌ها و استخراج زوایای پنهان و با بیان نقاط قوت و ضعف مجموعه تراث علمی و تفسیری، کاری است که در التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب انجام شده است.

وی در مقایسه دیدگاه ذهبی و نقدهای آیت‌الله معرفت، تصریح کرد: ذهبی با وجود اعتراف‌های خود در مورد جایگاه حضرت علی (ع) در تفسیر، هنگامی که می‌خواهد شرح حال مفسران را بگوید، جایگاه ایشان را در رتبه چهارم و بعد از ابن عباس و ابن مسعود قرار می‌دهد. این مسئله خود نشان می‌دهد که دیدگاه وی برخاسته از جهالت‌هایی است که در لوای تعصبات و غرض‌ورزی‌ها رشد کرده است. آیت‌الله معرفت با درک این حقایق، با نگاه علمی و پژوهشگرانه به صحنه آمد و با نوشتن کتاب التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب دیدگاه‌های ذهبی را نقد کرد. آیت‌الله معرفت هنگامی که می‌خواهد

آیت‌الله معرفت با درک این حقایق، با نگاه علمی و پژوهشگرانه به صحنه آمد و با نوشتن کتاب التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب دیدگاه‌های ذهبی را نقد کرد

آیت الله معرفت در عین نقد نومعتزلیان، تعدیل ضد عقل‌گرایی را مثبت می‌داند



سال‌های ۷۰، از اساتید علوم قرآنی و تفسیر و حدیث برجسته کشور دعوت به عمل آمد و از جمله از آیت‌الله معرفت برای تدریس در این دانشگاه دعوت شد.

این قرآن‌پژوه خاطر نشان کرد: آن‌گونه که آیت‌الله العظمی سبحانی به من گفت، آیت‌الله معرفت را ایشان به آیت‌الله واعظ طبسی برای تدریس در دانشگاه علوم اسلامی رضوی معرفی کرده بود. آیت‌الله معرفت هم در دو سه سال اول که ما خدمتشان بودیم، تقریباً هر هفته از قم به مشهد می‌آمدند و بیشتر وقت پنج‌شنبه‌های ما در کنار ایشان می‌گذشت. در آن ایام چون من مسئولیت مدیریت گروهی رشته علوم قرآن را داشتم و خیلی از فضلا - قریب به صد تن - در این گروه فعال بودند؛ لذا زمینه‌ساز دعوت بودیم و هم ارتباط با اساتید داشتیم؛ لذا حشر و نشرمان با اساتید به طور طبیعی خیلی بیشتر از دیگران بود، و اساتید بزرگی همچون آیات سبحانی و واعظ زاده را دعوت می‌کردیم. آیت‌الله معرفت؛ چون استاد حاذق این رشته بود، و البته یک شخصیت دوست‌داشتنی و آدم خلیق و خوش مجلسی بود و به شاگردان خود احترام

آیت‌الله معرفت در مورد آرای تفسیری نومعتزلیان عرب معتقد به انحراف‌ها و تندروی‌هایی در عقل‌گرایی بود، ولی در عین حال می‌گفت که در نقد این تفکرها نباید به نحوی برخورد کرد که آن‌ها در صف تفکر خشک ضد عقل‌گرایی سلفی و اهل سنت قرار گیرند.



حجت‌الاسلام و المسلمین علی نصیری، عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت، در مورد سابقه آشنایی خود با آیت‌الله معرفت گفت: بنده از سال ۶۷ وارد دانشگاه علوم اسلامی رضوی شدم، و سه تا چهار سال دروس سطوح عالی و خارج را در آنجا گذراندم و آرام آرام در دانشگاه زمزمه شد که کلاس دروس را به صورت رشته‌ای و گرایشی کنند و هنوز مدارک، مورد تأیید وزارت علوم نشده بود و حتی در گزینش هم رشته‌ای به عنوان پیشنهاد مطرح نبود. بعد از این‌که قرار شد، رشته‌های و گرایش‌ها در دانشگاه دایر شود، رشته‌های علوم قرآن و حدیث، حقوق و فلسفه دایر شد. علی‌رغم این‌که دوستان فکر می‌کردند گرایش من به فلسفه است، برای ادامه تحصیل رشته علوم قرآن را انتخاب کردم، در دانشگاه در



ناروا به حریم شیعه را از اساس باطل ساخت، نظیر تهمت باورمندی شیعه به تحریف قرآن که استاد معرفت با تدوین کتاب صیانة القرآن من التحریف به دفع این شبهه پرداخت.

آیت الله معرفت در فقه بسیار به روز بود

وی در مورد شخصیت علمی و اخلاقی آیت الله معرفت گفت: آیت الله معرفت در فقه بسیار به روز بود و در آرای فقهی شان هم احتیاط دیده می شود و هم جنبه بدیع و نوبودن. استاد معرفت در مورد تلقیح، پیوند اعضا، مسائل مربوط به جنین و شبیه سازی و بانک و ربا، دیدگاه فنی دارد؛ لذا به يك معنا در فقه نوپرداز است و با خبر است که در دنیای امروز چه نظریه های جدیدی گفته شده است.

می گذاشت و با محبت بسیار تعامل می کرد؛ لذا بنده ارتباط و علاقه فوق العاده ای به ایشان پیدا کرده و در نتیجه به بهانه کار گروه، ساعت ها خدمت ایشان می رسیدیم.

این مدرس حوزه علمیه با بیان این که ارتباط بنده با آیت الله معرفت از سال ۷۰ تا ۷۷ روز به روز بیشتر شد، گفت: در سال ۷۷ که کارشناسی ارشد خود را در دانشکده الهیات دانشگاه تهران گرفتم و به قم منتقل شدم، در قم، ارتباطم با استاد معرفت بیشتر شد و گاهی اوقات در درس خارج شان شرکت می کردم. زمانی که در مشهد خدمت آیت الله معرفت بودیم، کتاب سنة القرآن ایشان را ترجمه کردم. در تفسیر اثری نیز با آیت الله معرفت همراه بودم و در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در گروه علوم قرآن همیشه از استاد استفاده می کردم.

این محقق علوم اسلامی در ادامه سخنانش اظهار کرد:

این مدرس حوزه علمیه قم در پاسخ به این سؤال که آیا

درس خارج فقه آیت الله معرفت با توجه به این که

ایشان قرآن پژوه بودند با درس خارج فقه دیگر

علما تفاوت داشت یا خیر؟ عنوان کرد: این سؤال

با توجه به شناختی که از آیت الله

معرفت دارم، از چند جهت

مورد پاسخ گویی است،

آیت الله معرفت مکرر تذکر

می داد این نگاهی که به آیات فقهی قرآن وجود

دارد که مثلا ۳۰۰ آیه و یا ۳۵۰ آیه از قرآن مربوط به

فقه است، صحیح نیست. استاد معرفت مکرر می گفت

که اگر به طرز صحیحی به قرآن رجوع شود، همه قرآن فقه است

– البته فقه به معنای وسیع کلمه – چرا که قرآن آمده است تا به

همه زندگی ما خط و خطوط بدهد و چه بسا ما به راحتی از کنارش

رد می شویم.

مؤلف کتاب رابطه قرآن و سنت اظهار کرد: در آیه «وَهُوَ فِي

الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ» خداوند نظریه مشرکان را که مدعی هستند که

خداوند فرشتگان را به عنوان دختران خود اختیار کرده است و زمام

کارها را به ایشان داده است، باطل می انگارد، این آیه بحثی کاملا

کلامی است، در حالی که آیت الله معرفت معتقد بود که به رمعی

که این آیه بحث کلامی است، مسئله فقهی را نیز در حال بازگو

کردن است که به زن در چه حد در قضاوت و داوری بها بدهیم. در

مورد «لا اکراه فی الدین» خیلی ها گفته اند این مسئله تکوینی

است، در حالی که آیت الله معرفت يك حکم فقهی از آن استنتاج

آیت الله معرفت در میان خاندانی علمی چشم به جهان

گشود و در دامان تباری اهل علم و فضیلت پرورش

یافت و توفیق بهره مندی از سه حوزه بزرگ و مهم

تأثیرگذار شیعی؛ یعنی حوزه علمیه

کربلا، نجف و قم را یافت و

از اساتید و فرزندانگان ناموری

همچون امام خمینی (ره) و آیت الله

خوئی بهره گرفت. آیت الله معرفت بر اساس حس

مسئولیت شناسی و سنگربانی از مرزهای عقیدتی

دین که بر اساس آموزه های اهل بیت (ع) بر عهده عالمان

گذاشته شده است، با تشکیل گروهی، پاسخ گویی به پرسش های

محافل علمی روز را در دستور کار خود قرار داد.

وی خاطر نشان کرد: همچنین بر اساس همین احساس

مسئولیت به برطرف کردن ضعف تحقیقات و آثار متأخر شیعه در

عرصه علوم قرآن اهتمام ورزید. او بیش از نیم قرن از عمر با برکت

خود را در کنار اهتمام به تحقیقات فقهی، وقف تحقیق و پژوهش

در قرآن کرد. بر هر قرآن پژوهی واضح است که نگارش کتاب هایی

همچون التمهید فی علوم القرآن، شبهات و ردود، التفسیر و

المفسرون و التفسیر الأثری الجامع نشانگر تفتن و اهتمام استاد

به نیازها و ضرورت های عصر بوده است. این آثار ارزشمند استاد

معرفت در کنار ارائه اندیشه های قوی در عرصه قرآن پژوهی و دفاع

از حریم و حرمت قرآن، نه تنها جایگاه تشیع را در حوزه مطالعات و

تحقیقات قرآن به جهانیان باز شناساند، بلکه بسیاری از تهمت های

استاد معرفت در مورد تلقیح، پیوند اعضا، مسائل مربوط به جنین و شبیه سازی و بانک و ربا، دیدگاه فنی دارد؛ لذا به يك معنا در فقه نوپرداز است و با خبر است که در دنیای امروز چه نظریه های جدیدی گفته شده است

می‌کرد و معتقد بود که حالا که در متن هستی امکان ندارد دین را در قلب کسی ملزم کرد، پس در مقام تشریح و احکام هم نباید احکام اجباری برای پذیرش دین تولید کنیم.

وی خاطر نشان کرد: عده‌ای از مفسران گفتند این آیه حکایت از تکوین دارد؛ یعنی در متن

هستی باور را نمی‌توان در قلب کسی گنجانند و عده‌ای دیگر حکایت را تشریحی دانسته‌اند. نگاه سومی تولید می‌شود که آن نگاه آیت‌الله معرفت است که می‌گوید که نگاه تکوینی به این آیه داشته باشید، ولی تکوین را با تشریح یکی بدانید؛ یعنی تشریح لباسی است که بر قامت تکوین آماده شده است. اگر در متن هستی، دین اکراه بردار نیست، پس قانون اکراه بردار هم ننویسید؛ یعنی دولت اجازه ندارد که کاری را انجام دهد که تفتیش عقاید صورت گیرد. آیت‌الله معرفت معتقد بود که ما نمی‌توانیم صرفاً از زاویه تعدادی از روایات، روش متداول فقه اسلامی را استنباط و استخراج کنیم که اصطلاحاً «مقاصد الشریعة» به آن گفته می‌شود، ایشان معتقد بود که فقیه باید به جوانب متعدد دین، احاطه و تسلط پیدا کند و چارچوب‌های دین را در همه جهاتش بشناسد و این فرد می‌تواند در مورد دین اظهار نظر کند.

وی افزود: موضوع تساهل و تسامح، در متن روایات ما قرار دارد که در کشور ما مطرح شد و به دنبال آن قیل و قالی رخ داد. آیت‌الله معرفت معتقد بود که این نگاه در مسائل شخصی و شهروندی تأثیرگذار است و برای حل این مسئله نمی‌توان به چهار روایت تمسک کرد، بلکه باید بر تاریخ اسلام، سیره پیامبر (ص) و آیات قرآن تسلط پیدا کرد و بعد یک چهارچوب ذهنی ایجاد می‌شود؛ بر این اساس می‌توان فهمید که آیا دین

بر مدار تساهل است و یا تسامح. نکته سوم در مورد آرای فقهی آیت‌الله معرفت این است که در مورد حاکمیت بسیار پایبند و تأکید داشت، چنانچه ولایت فقیه امام را استاد معرفت تدوین و تعریف کرده بود؛ لذا روش ایشان، روش حکومت اسلامی است.

مدرس دانشگاه معارف اسلامی عنوان کرد: استاد معرفت معتقد بود که اگر مسائل قرآن و روایات با چارچوب ذهنی و با دید حکومت دیده نشود، ارزیابی ناقصی شده است، ایشان معتقد است حاکم اسلامی، اختیارات و حدودی دارد، و نظریه ایشان شبیه آن چیزی است که امام در کتاب ولایت فقیه مطرح کرده است. آیت‌الله معرفت معتقد بود که نباید در سیره امیرالمؤمنین (ع) و رسول‌الله (ص) به دنبال آیه‌ای منحصر به فرد باشیم، بلکه استاد معرفت معتقد بود باید گفته شود اسلام برای پیامبر (ص) و امام معصوم (ع) و ولی فقیه، چارچوب و اختیاراتی را تعریف می‌کند که بر آن مبنا کار می‌کنند و ولی فقیه بر اساس نقش زمان و مکان در منطقه الفراق که در اختیار حاکم است، اظهار نظر می‌کند.

مؤلف کتاب رابطه قرآن و سنت در پاسخ به این سؤال که پژوهش‌های قرآنی آیت‌الله معرفت چه تأثیری بر روند قرآن پژوهی حوزه و دانشگاهیان گذاشت؟ گفت: بنده در مقدمه معرفت قرآنی اصطلاحی به کار بردم و آن، این‌که علامه طباطبایی احیاگر تفسیر قرآن و آیت‌الله معرفت احیاگر علوم قرآن در ایران است. قبل از شروع فعالیت‌های آیت‌الله معرفت، به علوم قرآن به عنوان یک دانش مستقل و تأثیرگذار توجهی نشده بود، به قدری که اهل سنت کار کرده بودند شیعه این فعالیت را نکرده بود. قبل از آیت‌الله

این قرآن پژوه در ادامه گفت: ادعای نزول دفعی و تدریجی قرآن، که از سوی محدثان به استناد برخی از روایات ارائه شده و نیز کسانی چون راغب اصفهانی، با تفاوت گذاشتن میان دو کاربرد «انزال» و «تنزیل» بر آن اصرار داشتند را آیت‌الله معرفت قبول نداشت. استاد معرفت معتقد بود که شمار قابل توجهی از آیات، نه ذاتا، بلکه به صورت عارضی و با رویکرد فرقه‌های کلامی مختلف، از اوایل سده دوم، شکل تشابه به خود گرفته و جزو متشابهات به شمار رفته‌اند؛ بنابراین با صرف نظر از نوع برخورد این فرقه‌ها با این آیات، آن‌ها ذاتا جزو محکّمات خواهند بود.

دیدگاه آیت‌الله معرفت درباره نسخ

نصیری در پاسخ به این سؤال که آیت‌الله معرفت در مورد نسخ آیات چه دیدگاهی داشت؟ اظهار کرد: گرچه آیت‌الله معرفت در مخالفت با استاد خود، آیت‌الله خوئی، در آغاز، رهیافت نسخ در قرآن - حداقل در شش مورد - را پذیرفته بود، اما در صحبت‌های آخر عمرشان، هم‌صدا با استاد خود، بر این باور بود که نسخ در قرآن رخ نداده است. نسخ مشروط، دیدگاه بدیعی است که آیت‌الله معرفت آن را طراحی کرده بود که بر این اساس تعدادی آیات نسخ شده‌اند، اما نه به صورت مطلق، بلکه به صورت مشروط نسخ شده‌اند، مثلا آیات «صفح». به معنای گذشت و مدارا - که اشاره به وضعیت مسلمانان در مکه است، به طور کامل با آیات امر کننده به جهاد نسخ نشده است، بلکه با تکرار شرایط مکه، حکم به گذشت و مدارا پابرجاست. نصیری در پایان سخنان گفت: از دیگر اندیشه‌ها و نوآوری‌های آیت‌الله معرفت این است که خبر واحد نه از باب حجیت تعبیه، بلکه از باب سیره عقلا دارای حجیت مطلق است؛ از این رو، روایات آحاد را در تمام عرصه‌های تفسیر قرآن حجت می‌دانست.

معرفت، علوم قرآنی مانند یک سرزمین بکر و بایری بود که هیچ‌گونه فعالیتی روی آن انجام نشده بود. به صورت پراکنده در گوشه و کنار کتاب‌ها، در مورد قرآن تحقیق‌هایی شده بود و لذا کار منسجم و دائرةالمعارفی انجام نگرفته بود. آیت‌الله معرفت فضای علمی کشور را معطر کرد و روح قرآن پژوهی را در حوزه و دانشگاه دمید.

دیدگاه آیت‌الله معرفت درباره نزول و جمع قرآن

مؤلف کتاب حدیث‌شناسی در پاسخ به این سؤال که آیا آیت‌الله معرفت در تفسیر هم نظریاتی داشت که با علامه طباطبایی اختلاف داشته باشد؟ گفت: عکس علامه طباطبایی که برای قرآن حقیقتی غیر از الفاظ و عبارات کنونی قائل بود، آیت‌الله معرفت به ماهیتی غیر از آنچه در دسترس است، قائل نبود. استاد معرفت در زمینه شب مبعث و شب قدر هم نظریه خاصی داشت و آن این‌که مقصود از «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» آغاز نزول رسمی قرآن در شب قدر است و آنچه در شب مبعث اتفاق افتاد، صرفا برای اعلام آغاز رسالت بود.

نصیری در پاسخ به این سؤال که گویا آیت‌الله معرفت در مورد جمع‌آوری قرآن هم نظریه خاصی داشت؟ گفت: استاد معرفت معتقد بود که به خاطر اختلاف مصاحف صحابه و عدم امکان جمع و تدوین قرآن در دوران حیات پیامبر(ص) به خاطر انتظار نزول قرآن، تنظیم کنونی سوره‌های قرآن توسط صحابه انجام گرفته و اجتهادی است، اما تنظیم آیات در سوره‌ها توقیفی و با نظارت پیامبر(ص) انجام گرفته است. آیت‌الله معرفت علی‌رغم اصرار شماری از اندیشمندان، مبنی بر انتساب رسم الخط کنونی قرآن به پیامبر(ص)، معتقد بود که این رسم الخط امری حادث بوده و به خاطر رهیافت خط‌هایی در آن، قابل تغییر است.

روش اجتهادی - اثری؛ شیوه آیت الله معرفت در التفسیر الاثری الجامع



نگاشته‌های آیت‌الله معرفت را در یک جمله کوتاه بیان کنیم، باید به مرجعیت کتاب ایشان در زمینه علوم قرآنی اشاره کنیم. معمولاً در سطح جامعه مرجعیت راجع به اشخاص مطرح است، و عموم مردم ممکن است از مرجعیت در حد کتاب غافل باشند. به عنوان نمونه در بین کتاب‌های اصولی کتاب شیخ انصاری و آخوند خراسانی کتاب مرجع قلمداد می‌شود. وی با اشاره به این‌که در میان کتاب‌های شیعی در قسم علوم قرآن، کتاب مرجعی وجود نداشت، تصریح کرد: تک‌نگاری‌هایی در این زمینه وجود داشت، اما در حد کتاب مرجع نبود. با این وجود آیت‌الله معرفت ۱۰ جلد کتاب درباره علوم قرآن و برخی معارف قرآن تدوین کرد که کتاب مرجع در این زمینه شد؛ یعنی بعد از انتشار این کتاب‌ها، دیگر پایان‌نامه‌های علوم قرآنی تدوین نمی‌شود و مباحث علوم قرآنی در کلاس طرح نمی‌شود، مگر این‌که ارجاعاتی به این کتاب داده شود.

جایگاه والای التمهید در مصر

وی با اشاره به این‌که این کتاب اکنون جای خود را در ایران و

روش آیت‌الله معرفت روش اجتهادی - اثری بود و در التفسیر الاثری الجامع، تفسیر از هر دو روش به نحو احسن و اتم استفاده کرد.



حجت‌الاسلام والمسلمین «مهدی رستم‌نژاد»، از شاگردان آیت‌الله معرفت، در بیان سابقه‌آشنایی خود با آیت‌الله معرفت گفت: از سال ورودم به رشته تخصصی تفسیر در حوزه علمیه (سال ۷۰) مستقیماً محضر ایشان را درک کردم. اگرچه قبلاً با ایشان آشنا بودم، اما در آن زمان به مدت چهار سال در کلاس درس ایشان نشستم. بعد از آن نیز در کار التفسیر الاثری الجامع از سال ۷۹ تا آخر عمر شریفشان، به صورت مستقیم و تقریباً همیشگی و مستمر در خدمت ایشان بودم.

وی با اشاره به جایگاه بلند تألیفات آیت‌الله معرفت در میراث تشیع و نقش وی در احیای علوم قرآنی، اظهار کرد: اگرچه عمده تخصص آیت‌الله معرفت در علوم قرآنی و تفسیر بود، اما ایشان در زمینه‌های فقه، اصول و ادبیات عرب ید طولایی داشت و در مسائل مختلف فقهی همچون قضا، حدود و دیات، مدتی به کار علمی مشغول بود. اگر بخواهیم جایگاه کلی



وی با بیان این که آیت الله معرفت هنگامی که با این دید تفسیر می نویسد، جنبه تقارب بین مکاتب اسلامی را لحاظ کرده، اظهار کرد: لذا در التفسیر الأثری از جنبه شیعی نگاه نمی کند. مجموعه روایاتی که در اختیار شیعه و سنی است همه را جمع آوری کرده است. حال برخی این مسئله را بر نمی تابند؛ زیرا آنان خود به حقیقت این مسئله آگاه نیستند. راه اینان از کسانی که نقدهای عالمانه دارند جداست، عده ای از محققان نیز نقدهای کارشناسانه ای بر ایشان داشته اند. نقدهای عالمانه همیشه در حوزه ها متداول بوده و نه تنها امر مذمومی نیست، بلکه بسیار ممدوح است و باعث پیشرفت مسیر علم می شود. علاوه بر این، آیت الله معرفت همیشه به دنبال این نوع انتقادات بود.

وی در تبیین مبانی تفسیری آیت الله معرفت بیان کرد: مطالب در این زمینه بسیار زیاد است و شاید ناقص گفتن آن معنای کامل خود را نرساند و لذا در حد مختصر باید بگوییم، در پیشینه تفسیر روایی در جهان اسلام از شیعه و اهل سنت کارهای ارزشمندی در سابق انجام گرفته است. اساسا تفسیر روایی دو دوره اوج و شکوفایی داشت و غیر از آن دو دوره رکود داشته است. یک دوره اوج تفسیر که هم مرتبط به شیعه و هم اهل سنت است، دوره تدوین تفسیر اثری است، البته در این دوره اوج، شیعه برای خود می نویسد و اهل سنت برای خود. بعد از این دوره، تفسیر روایی مرحله انحطاط و رکود خود را می گذراند تا این که در زمان اخباری ها و نهضت اخباری گری می بینیم که تفسیر اثری اوج دوباره ای به خود می گیرد. مرحوم آیت الله معرفت روایات پراکنده این دوره ها را به شکل منسجم جمع می کند.

وی در تبیین جایگاه تفسیر اثری آیت الله معرفت، با بیان این که در پیشینه تفسیر روایی در جهان اسلام از شیعه و اهل سنت کارهای ارزشمندی در سابق انجام گرفته است، اظهار کرد: اساسا تفسیر مأثور دو دوره اوج و شکوفایی و دو دوره انحطاط به خود دیده است، اوج دوم تفسیر اثری مربوط به اخباری ها و نهضت اخباری گری است. در دوره ای که نهضت اخباری گری غالب بود، کتاب هایی همچون نورالثقلین در شیعه و تقریبا در همان زمان الدر المنثور در اهل سنت به گونه ای کاملا جداگانه شکل می گیرد. پس از طی این دوره و دوره افول تفسیر روایی، آیت الله معرفت روایات پراکنده این دوره ها را به شکل منسجم

برخی کشورهای مسلمان باز کرده است، گفت: اکنون اطلاعات کامل و موثقی داریم که این کتاب در مصر جایگاه بسیار بلندی پیدا کرده است و در آنجا نیز در حد یک کتاب مادر و مکتوب ماندگار مطرح شده است. و این بهترین کتاب ایشان در این زمینه است، اگرچه آیت الله معرفت آثار فراوانی در قسمت های فقه و پاسخ به شبهات روز دارد، که عمدتا از راه قرآن به آنان پاسخ گفته است. همچنین غیر از این مباحثی درباره ولایت فقیه، حدود، قضا و شهادت نگاه شده های فراوانی دارند که از این بین کتاب التمهید جایگاه خاص و ماندگاری دارد و می تواند برای قرن ها زنده بماند.

این شاگرد آیت الله معرفت در پاسخ به این سؤال که چرا با وجود تلاش های فراوانی که آیت الله معرفت در دفاع از مکتب تشیع انجام داده است، منتقدانی در حوزه دارد؟ تصریح کرد: اساسا وجود منتقد مشکلی ایجاد نمی کند؛ زیرا روال حوزه از گذشته بر این بوده است. اکنون اگر به سابقه مجاهدات علامه طباطبایی در نگارش تفسیر المیزان نگاهی کنیم، خواهیم دید که ایشان نیز همین مشکلات و فشارها را تحمل می کرد. علامه طباطبایی کتابی را تدوین کرد که پدیده قرن شد و حتی دانشمندان اهل سنت نیز بدان اذعان داشتند، اما زمانی که علامه طباطبایی هم تفسیر المیزان را می نوشت، منتقدانی داشت و افرادی نیز فشار می آوردند. بعضی از افراد تلاش می کنند تا جلوی حرکت ایشان را بگیرند، این طور نبود که اکنون علامه طباطبایی که آوازه اسم بلند و بزرگش در گوش ما طنین می اندازد، از روز اول چنین بود.

حجت الاسلام رستم نژاد با اشاره به شرایطی که علامه طباطبایی در هنگام آمدن به قم داشت، بیان کرد: در آن زمان برخی حتی فشار آوردند تا شهریه طلابی که در کلاس درس ایشان بودند، قطع شود و این مسئله راجع به علامه طباطبایی با این وزانت و اتقان بود. به هر حال این جریان راه افتاد و همیشه گروه های نخستین، انعکاس های این چینی را ایجاد می کنند. این خودش دلالت بر حیات جریانی می کند که از حالت عادی محافظه کارانه خارج می شود. کتاب های آیت الله معرفت جنبه تقریبی دارد؛ یعنی ایشان اساسا فراشیعی و فرامنطقه ای فکر می کند و کلیت جهان اسلام را می بیند.

جمع‌آوری کرد و روح تازه‌ای به تفسیر اثری داد.

مدرس جامعه المصطفی (ص) العالمية با بیان این‌که آیت‌الله معرفت هر دوی این نگاه‌ها و نظرات را در کنار هم نهاد، افزود: این کنار هم گذاشتن، با این هدف که روایات صحابه و تابعین را به لحاظ اعتبار و حجیت، در جایگاه روایاتی که صادره از معصوم (ع) است، بگذاریم، نیست. بلکه به این معنا است که تمامی روایات را کنار هم بنشانیم؛ چه روایاتی که از شیعه منقول شده و چه روایتی که از اهل سنت رسیده؛ زیرا با این منقولات اثری چند اتفاق مهم دیگر می‌افتد. اولین نتیجه این اقدام این‌که روایاتی که جمع‌آوری نشده و پراکنده بود، به صورت مکتوب جامعی درآورده‌ایم. دومین نکته این‌که پیشینیان روایات را طبقه‌بندی نکردند و تنها نوشتند، ارزش‌گذاری و پالایش نکردند و احادیث ضعیف، قوی و اسرئیلیات را با هم آوردند؛ لذا این روایات به طور کامل و در یک نگاه جامع، طبقه‌بندی نشدند.

این شاگرد آیت‌الله معرفت با بیان این‌که سوم خصیصه مهم کتب پیشین، عرضه نشدن روایات بر قرآن است، اظهار کرد: در این کتب تنها روایات به عنوان احادیث تفسیری نوشته شدند و در این بین حتی برخی از آن‌ها با آیاتی از قرآن منافات داشتند؛ یعنی با وجود این‌که بخشی از روایات این چنین بود، باز نیامدند تا بر قرآن عرضه کنند. آیت‌الله معرفت با این رویکرد وارد شد تا تفسیری داشته باشیم که روایات اهل بیت (ع) در کنار روایات دیگران، جایگاه واقعی خود را نشان دهد. البته نه نشان دادنی که وضعی جبران شود، بلکه به این دلیل که هنگامی که منقولات و برداشت‌های تفسیر صحابه و تابعین و اتباع تابعین آورده می‌شود، چند استفاده خواهیم کرد. یک استفاده این‌که اولین طبقه‌ای که آیات قرآن را تلقی کرده است از آن، چه برداشت‌هایی داشته است؟ هنگامی که در تفسیر آیات قرآن مراجعه به اهل لغت می‌کنیم، اهل لغت چه کسانی هستند؟ اگر نگاهی به نزدیک‌ترین کتاب به عصر رسالت کنیم، می‌بینیم که اولین کتاب که متعلق به «خلیل بن احمد فراهیدی» است، نزدیک به صد و هفتاد سال بعد از عصر رسالت است. این در حالی است که ابن عباس و

ابن مسعود همزمان این عصر هستند.

اعتبار صحابه و تابعین نزد آیت‌الله معرفت در حد

اهل لغت است

وی با بیان این‌که اعتبار روایات صحابه و تابعین در حد اعتبار اهل لغت است، خاطرنشان کرد: این نگاه حاکم است و نه آن اعتباری که ما برای امام صادق (ع) و امام باقر (ع) قائل هستیم. دیگر این‌که در این جمع‌بندی و کنار هم قرار دادن ما به تحلیل می‌رسیم؛ یعنی برای کسی که محقق این میدان است، هنگامی که این روایات را در کنار هم می‌بینیم، امکان داوری و مقایسه فراهم می‌شود. او می‌تواند به راحتی بفهمد که افرادی همانند قتاده، عکرمه و سدی چگونه تفسیر می‌کنند و امام صادق (ع) چگونه تفسیر می‌کنند. هنگامی که کلمات گوهر بار ائمه (ع) را در کنار گفتار این افراد می‌آوریم، کلام آنان خود به خود رنگ می‌بازد. این مسئله بسیار کار مهمی است. در واقع هدف پنهان و دور که لایه‌های درونی و عمیق این مسئله را نشان می‌دهد، این است که ما می‌خواهیم روایات اهل بیت (ع) را ترویج کنیم و برتری روایات اهل بیت (ع) را در مقایسه با افرادی که در حد صحابه و یا تابعین هستند، نشان دهیم. کلام معصوم (ع) هنگامی که در کنار کلمات صحابه و تابعین قرار گیرد، هر انسان عاقلی می‌فهمد که این کلام هم‌جنس کلام بشری و از سنخ کلمات عادی نیست و برخاسته از حقایق دیگری است. به هر حال مسائل درونی شکل می‌دهد که اگر آیت‌الله معرفت در این طرح به سراغ صحابه و تابعین رفته است، اولاً نه به اعتباری که برای معصوم قائل است، ثانیاً این‌که اعتبار آنان در حد اهل لغت است.

حجت‌الاسلام رستم‌نژاد با بیان این‌که صحابه تلقی‌کنندگان و برداشت‌کنندگان اول آیات قرآن هستند، افزود: در التفسیر الأثری آیت‌الله معرفت به کلام صحابه به عنوان یک گزاره تاریخی نگریسته شده است. مسئله دیگر این‌که در این تفسیر امکان مقایسه، داوری و پالایش روایات، ارزیابی روایات و تحلیل و نقد و بررسی، بعد از این‌که این روایات را کنار هم بگذاریم امکان پذیرفته است. اساساً هنگامی این

اجتهادی است. آیت‌الله معرفت معتقد بود که سه قرن اول عمدتاً همان روش اثری و منقول روایات و عرصه نقل از معصوم(ع) بوده است. در اهل سنت مفهوم روایات را توسعه می‌دهند و منقولات صحابه و تابعین را می‌افزایند.

این شاگرد آیت‌الله معرفت با بیان این‌که در این تفسیر از بسیاری مسائل و شیوه‌ها از جمله شیوه اجتهادی استفاده شده، تصریح کرد: آنچه آیت‌الله معرفت در التفسیر الاثری خود استفاده می‌کند، هم روش تفسیر اثری است آنچنان‌که از اسمش پیداست و هم از تفسیر اجتهادی است؛ زیرا اساساً پالایش کردن روایات نیز کاری اجتهادی است. درست است که روایات، تصریح به فهم آیات دارد، اما تنقیح آن‌ها، اجتهادی است؛ زیرا تا انسان مجتهد نباشد و نتواند روایت صحیح از سقیم را تفکیک کند، نمی‌تواند تفسیر صحیحی داشته باشد و رویکرد التفسیر الاثری الجامع همین است.

وی در پاسخ به این سؤال که آیا در التفسیر الاثری همانند تفسیر المیزان از سیاق استفاده شده است؟ اظهار کرد: البته سیاق از مبانی تفسیری نیست، همچنین روش قرآن به قرآن را نیز مبنا نمی‌گویند. آیت‌الله معرفت در مقدمه این تفسیر بحث مبسوطی راجع به سیاق دارد، اما آنچه در این مجال می‌گنجد، این‌که روش آیت‌الله معرفت روش اجتهادی - اثری بود و در این تفسیر از هر دو روش به نحو احسن و اتم استفاده کرد.

حجت‌الاسلام رستم نژاد با بیان این‌که التفسیر الاثری از همه نگاه‌ها، منظرها و گرایش‌ها واقعاً جامع است، افزود: یکی از رویکردهای نام‌گذاری این تفسیر به عنوان الاثری الجامع همین مسئله است. البته علت دیگر عنوان جامع، به معنای جامع بین شیعه و اهل سنت است، اما این جامع بودن از جمیع جهات است؛ زیرا از همه گرایش‌ها استفاده می‌کند و حتی از علوم امروزی سود می‌برد و از همه روش‌ها و مبانی بهره کافی می‌برد.

وی در تبیین مبانی تفسیری آیت‌الله معرفت بیان کرد: اگر بخواهیم مستقیماً مبانی تفسیری ایشان را بررسی کنیم؛ باید بگوییم که آیت‌الله معرفت قائل به

تحلیل و تتبع درست و کامل است که تمامی منابع و روایات جمع‌آوری شده باشد. مسئله دیگری که باز از فوائد این نگاه است، این‌که هنگامی که روایات غیر معصومین(ع) همچون تابعین و اتباع آنان را می‌آوریم، در واقع می‌فهمیم که آنان از چه کسانی گرفته‌اند. بسیاری از این روایات نشان می‌دهد که سرچشمه آن معصوم(ع) بوده است.

عضو هیئت علمی جامعه‌المصطفی(ص) با بیان این‌که در این تحقیق تأثیرگذاری معصوم(ع)، در صحابه و تابعین مشخص می‌شود، گفت: انسان در این تفسیر به راحتی می‌تواند اثربخشی کلام معصومین(ع) و انتشار این معارف بین صحابه و تابعین و اتباع را تطبیق و بررسی کند و آنرا عمل‌ناشان دهد. با این تعاریف در واقع نوع تلقی آیت‌الله معرفت نسبت به صحابه و تابعین بیان شده و هم به فواید این کار اشاره شده است.

آنچه که در این تفسیر اتفاق افتاد، تلفیقی از بسیاری از روش‌های تفسیر بود، اما آنچه که نگاه تمحیصی و تمرکزی آیت‌الله معرفت بود، این‌که از روش تفسیر قرآن به روایت استفاده کند. البته در این کتاب از روش‌های دیگری نیز استفاده شده و به عنوان نمونه در همین التفسیر الاثری الجامع، از روش قرآن به قرآن استفاده می‌کند.

نویسنده مقاله «سخنی با آیت‌الله معرفت، پیرامون نسخ» افزود: ایشان حتی از روش‌های دیگری همچون تفسیر اشاری بهره می‌برد و در این بین به گرایش‌های گوناگون نیز اشاره می‌کند. به عنوان نمونه آیت‌الله معرفت از لغت استفاده می‌کند، از سیاق آیات در این تفسیر سود می‌برد، از بطون و تفاسیر تطبیقی نیز بهره‌هایی برده می‌شود؛ زیرا تمامی این‌ها در روایات شیعه منعکس است و در روایات اهل سنت نیز وجود دارد.

وی در توضیح دیدگاه آیت‌الله معرفت نسبت به تفسیر صحیح قرآن، خاطر نشان کرد: آنچه که نگاه آیت‌الله معرفت بیشتر متوجه آن بود این‌که ما دو روش بیشتر نداریم؛ یک روش تفسیر قرآن اثری است و دیگری اجتهادی است، ایشان سایر طریقه‌ها را روش صحیح نمی‌دانست، تنها روش، روش اثری و

حجیت ظواهر قرآن بود، چنانچه غالب مفسرانی که تفسیر می‌نویسند به این مسئله معتقد هستند. همچنین آیت‌الله معرفت قائل به بطون قرآن است و در بطون نظریه خاصی دارد و باید در جای خود مطرح شود. اخبار، احادیث و جایگاه آنان در فهم قرآن و استقلال داشتن یا نداشتن فهم قرآن نسبت به روایات نیز در مبنای تفسیری ایشان مطرح است. مطلبی که چندین بار به طور مکرر از آیت‌الله معرفت شنیدم، این بود که می‌گفت: «قرآن را جز اهل بیت (ع) کس دیگری نمی‌تواند تفسیر کند». این‌که ایشان منقولات صحابه را می‌آورد، بر این مبنا بود که تلقیات صحابه را تنها به عنوان یک گزاره تاریخی دنبال می‌کند.

وی با بیان این‌که نقل روایات صحابه تنها وام‌داری آنان از اهل بیت (ع) را روشن می‌سازد، اظهار کرد: با این رویکرد، برتری بیانات تفسیری اهل بیت (ع) بردیگران مشخص می‌شود که در واقع نوعی ایجاد مقارنه و تلفیق است. به این منظور باید بتوانیم در بین روایات داوری، و آنان را پالایش کنیم تا صحیح و سقیمش را از هم جدا کنیم و مطالب دیگری که به نوعی قبلا بدان اشاره شد.

مدرس جامعه‌المصطفی (ص) العالمیه در تبیین نظریه آیت‌الله معرفت راجع به بطن قرآن تصریح کرد: درباره بطن قرآن نظریات مختلفی ارائه شده است و واقعا گستره وسیعی در این باره پیدا کرده است.

نظر آیت‌الله معرفت نسبت به بطن قرآن را اگر خلاصه بگویم، این بود که ایشان مدلول آیه را با الغاء خصوصیات آن، بطن آیه می‌دانست. این عصاره کلامی

است که درباره بطن می‌توان گفت. به نظر آیت‌الله معرفت آیه برای خودش مراد و مدلولی دارد، که آن مدلول حتما و یا غالبا مقید به یک خصوصیات زمانی و مکانی است. هنگامی که این خصوصیات را ملغی کنیم و از آن فاصله بگیریم و تجرید کنیم، به بطن آیه رسیده‌ایم. در واقع به نظر آیت‌الله معرفت پیام‌های اصلی برداشت شده از آیه، بطن آیه است.

وی در تبیین نظریه استاد خود راجع به بطن قرآن، اظهار کرد: به نظر آیت‌الله معرفت آیه برای خودش مراد و مدلولی دارد، که آن مدلول حتما و یا غالبا مقید به یک خصوصیات زمانی و مکانی است. هنگامی که این خصوصیات را از آن ملغی کنیم و از آن فاصله بگیریم و تجرید کنیم، به بطن آیه رسیده‌ایم. در واقع به نظر آیت‌الله معرفت پیام‌های اصلی برداشت شده از آیه، بطن آیه

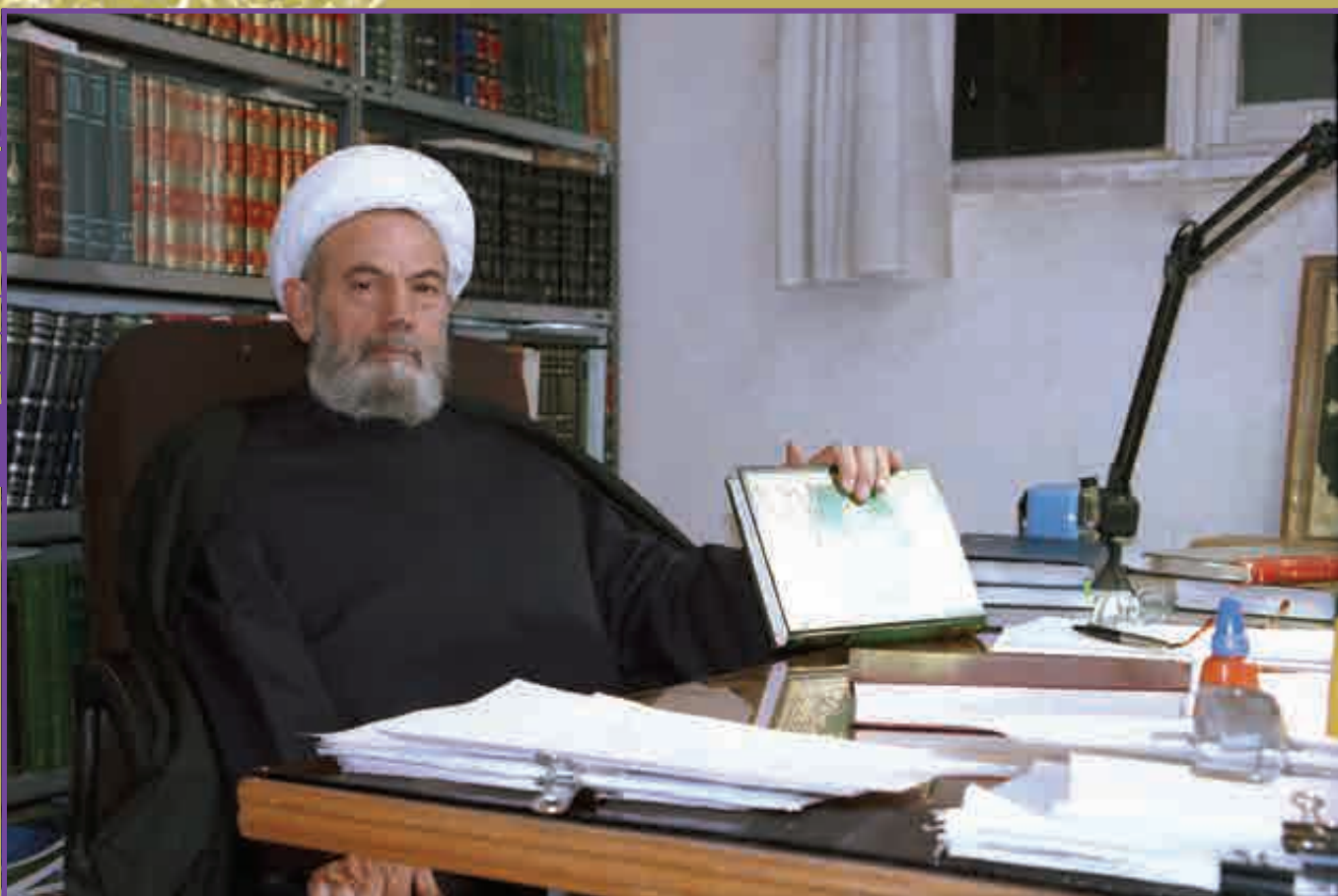
است. وی در ادامه با تأکید بر این‌که البته این بطن غیر از بطنی است که معصوم (ع) از آن خبر داده، تصریح کرد: این بطنی است که دیگران هم می‌توانند به آن برسند. در این روش آیه را می‌توان از متعلقاتش مجرد و برهنه کنیم؛ یعنی از سیاق، شأن نزول، فضای نزول تجرید کنیم و از آن معنای کلی و کبرای کلی اصطیاد کنیم. آن کبرای اصطیاد شده از آن آیه، بطن آن می‌شود و قابل سرایت و جریان دادن به موارد دیگر است. آن کبرای (منطقی) چون کلی می‌شود آیه را از حالت صغری بودن خارج می‌سازد، آن را به پیام و قاعده کلی تبدیل می‌کند که موارد متعددی را می‌پذیرد. این قاعده بسیار مهمی است و می‌تواند موارد مبنای کار مهمی در حوزه تفسیر قرآن کریم باشد.

دیدگاه آیت‌الله معرفت درباره زبان قرآن

وی در تبیین نظریه آیت‌الله معرفت درباره زبان قرآن بیان کرد: این مسئله را تنها در حدی که علاقه‌مندان آشنایی اجمالی با نظرات ایشان پیدا کنند، بیان می‌کنم. در زبان‌شناسی قرآن بحث است که آیا زبان قرآن یک زبان عام است و یا زبان خاص؛ یعنی برای عموم مردم صحبت کرده و یا تنها برای خاصی از اهل علم. به عنوان نمونه برای عرفا و فلاسفه یا برای کسانی که معارف پنهانی از آیات را بیرون می‌کشند. آیا این زبان عام و برای تمامی عموم مردم است یا هر سطح فکر و منش علمی، و یا نه زبان، زبان خواص است، همانند علمی که برای خود اصطلاحات خاصی دارد. نظرات اینجا مختلف است، اما نظر استاد این‌گونه است که هر دو وجه درست است؛ یعنی زبان قرآن به گونه‌ای است که برای هر دو طبقه آمده است؛ یعنی عام با عام بودن در حد فکری خودش استفاده می‌کند. خواص هم آنچه را در آن فضای علمی خودشان هست از قرآن استفاده می‌کنند.

وی با بیان این‌که به نظر آیت‌الله معرفت این چندلایگی زبان قرآن نحوه‌ای از اعجاز قرآن است، تصریح کرد: یعنی به گونه‌ای است که هر کس با همان سطح علمی که دارد، چه عامی محض باشد و چه عالم به تمام معنی باشد. حتی پیامبران (ع) و اولیای الهی در همان حد سعه وجودی خودشان از قرآن بهره می‌برند. سایر حرف‌ها چنین نیست، ولی قرآن این‌گونه نیست و واقعا هم

به نظر آیت‌الله معرفت آیه برای خودش مراد و مدلولی دارد، که آن مدلول حتما و یا غالبا مقید به یک خصوصیات زمانی و مکانی است. هنگامی که این خصوصیات را ملغی کنیم و از آن فاصله بگیریم و تجرید کنیم، به بطن آیه رسیده‌ایم



این شکل بود که حتی نسخه بدل های روایات نیز منعکس می شد، اظهار کرد: در واقع سند برخی از این روایات با این نسخه های بدل تصحیح می شد. در کنار ذکر منابع به اولین منبعی که این روایات در آن آمده بود حتما قید می شد. برخی از این روایات تاریخ عمرش به شش قرن قبل باز می گردد و به زمان پیغمبر (ص) و صحابه و تابعین نمی رسید. تمامی این روایات به این صورت تدوین شدند و قبل از این که به دست استاد برسد، تمامی این کارها انجام می گرفت. هنگامی که در دسترس ایشان قرار می گرفت، روایاتی که احتیاج به توضیح و شرح داشت، تعلیق و توضیح می داد. در این بین روایاتی که تعارضی داشت و احتیاج بود تا تعارض بین آنان حل شود، روایاتی که با مبانی شیعه ناسازگار بود و یا ناسازگاری هایی با تاریخ و مسائل مختلف دیگر داشت، تحت نقد و پالایش قرار می گرفت.

حجت الاسلام رستم نژاد با بیان این که هر روایاتی که نیاز به رد یا نقد داشت، مورد بررسی ایشان قرار می گرفت و نهایتاً جایگاه حقیقی خود را پیدا می کرد، افزود: این تحقیق و تتبع ادامه پیدا می کرد تا این که نهایتاً برای چاپ و نشر آماده می شد. آیت الله معرفت تا آخرین هفته که چهار روز قبل از رحلتشان بود، آخرین سطوح مربوط به سوره بقره را مرقوم کردند و تاریخ آن را نیز نوشتند.

عوام را تحت پوشش خود دارد و هم خواص را. این خود یکی از جنبه های اعجاز قرآن است.

روند تدوین التفسیر الاثری الجامع

وی در تشریح روند تدوین التفسیر الاثری الجامع بیان کرد: این تفسیر از سال ۷۹ شروع شد و در حدود ۱۰ تا ۱۲ نفر که بنده هم با جمعی از دوستان فاضل بودم، بنا بود که تمام روایات شیعه و اهل سنت را با کتبی که قبلاً با نام تفسیر اثری نوشته شده بود و هر منبع دیگری استخراج کنیم و این کار را انجام دادیم. در این اثر علاوه بر کتب تفسیر اثری، از تمامی منابع؛ مانند صحاح، مثانی، منابع روایی شیعه و اهل سنت، از منابع تاریخی، از تمامی معاجم و حتی با بهره گیری از نرم افزارهای کامپیوتری که در این جهت در اختیار بود، روایات جمع آوری شد و در حدود هفتاد هزار فیش که هنوز نیز موجود است، فراهم شد. این تنها کار مقدماتی و ابتدایی بود که در آن زمان انجام می شد. بعد از آن مرحله روایات بر اساس سوره به سوره طبقه بندی شد و کنار هم قرار گرفت. بعد از این طبقه بندی ابتدایی برای ایشان ارسال می شد و آنگاه آیت الله معرفت وارد بحث و تدوین این اثر ارزشمند می شد.

این شاگرد آیت الله معرفت با بیان این که تفحص از روایات به

منظور آیت الله معرفت از صحابه، مطلق افراد همنشین با پیامبر (ص) نیست



التمهید این مطلب را به خوبی بحث و رد کرده بود، من نیز در کتاب خودم، به این تحقیق آیت الله معرفت ارجاع دادم. در این گونه موارد از نوشته های وی استفاده کردم و نیازی نبود که در کنار تتبع آیت الله معرفت دوباره در این زمینه وارد بحث شوم.

نویسنده کتاب مکاتب تفسیری با اشاره به ارجاعات فراوان علمی به تألیفات آیت الله معرفت، تصریح کرد: به عنوان نمونه شخصا در مواردی که بیانات وی را مورد نقد و بررسی قرار دادم، گاهی مطلب را از آیت الله معرفت نقل کردم و بعد از آن به نقد پرداختم و گاهی نیز اصل مطلب را به صورت کلی مطرح کردم، بدون این که نام وی را ببرم به بررسی و نقد آن روی آوردم.

وی با بیان این که از برخی نوشته های آیت الله معرفت چنین برداشت می شود که وی برای آرای صحابه اعتباری بیش از ارزش واقعی آن قائل بود، اظهار کرد: وی در مقدمه کتاب التفسیر الأثری الجامع از صحابه به عنوان تربیت شدگان پیامبر (ص) و امثال آن یاد می کند و تفصیلی هم به آنان نمی دهد، اما آن طور که از قول آیت الله معرفت و شاگردان او برمی آید از صحابه مطلق افرادی که با پیامبر (ص) مصاحبتی داشته اند مراد نیست، بلکه منظور صحابه برجسته ای است که استفاده های علمی فراوانی از رسول

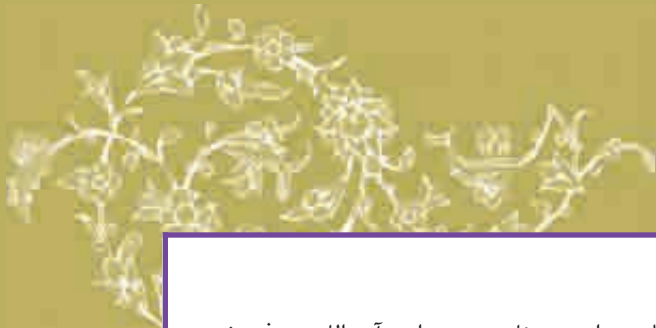
آن گونه که از قول آیت الله معرفت و شاگردان او برمی آید، منظور از صحابه، مطلق افرادی که با پیامبر (ص) مصاحبتی داشته اند، نیست، بلکه صحابه برجسته ای که استفاده های علمی فراوانی از رسول اکرم (ص) بردند مد نظر است.



حجت الاسلام و المسلمین علی اکبر بابایی، عضو هیئت علمی گروه قرآن پژوهی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، در بیان آشنایی خود با آیت الله معرفت اظهار کرد: آشنایی من با ایشان ابتدا از طریق مطالعه تألیفاتش بود و بعد از آن از طریق شرکت در جلساتی که آیت الله معرفت به عنوان استاد راهنما و من نیز به عنوان داور حضور داشتم؛ یعنی ارتباطم با وی یا از طریق کتاب ها و یا از طریق شرکت در این گونه جلسات بود.

وی با بیان این که با مطالعه ای که در کتب آیت الله معرفت داشتم، از گفتارهایش بهره فراوانی برده ام، تصریح کرد: در کتاب هایم گاه تنها بیانات وی را مطرح کردم و گاهی در کنار آن نقد اضافه کردم. به عنوان نمونه در کتاب مکاتب تفسیری در ذیل بحث ابن عباس، آنچه را که برخی به ابن عباس نسبت داده بودند که وی از کتاب های یهود و نصاری و امم پیشین استفاده می کرده است، رد کردم.

حجت الاسلام بابایی افزود: دیگران برای رد این نظریه دلیل متقنی ذکر نکرده بودند، اما آیت الله معرفت در کتاب



قرآن و روایات بر این مسئله وجود دارد. آیت الله معرفت نیز معتقد بود که هم واسطه‌ها باید ثقه باشند و هم صحابی، اما عنوان صحابی را تنها به کسی می‌گوییم که آن عدالت و وثاقت لازم را داشته باشد و این عنوان شایسته هر کسی نیست. وی با بیان این‌که در بررسی عدالت صحابه موضوع محدود می‌شود، گفت: روایات صحابه تنها با این دو شرط قابل قبول است، اما آرای تفسیری آنان که به اصطلاح اهل سنت روایات موقوفه است، منتهی به خود صحابه می‌شود و فراتر از آن نمی‌رود؛ به عنوان نمونه ابن عباس از حضرت علی (ع) نقل نمی‌کند و خودش می‌گوید.

نویسنده کتاب تاریخ تفسیر قرآن افزود: در اینجا باید تفصیل قائل شد و برخی از مطالب صحابه را که برخاسته از مشاهدات آنان بوده و نیز قضایی که اتفاق افتاده است را مجزا کرد؛ یعنی این مشاهدات نیز منوط به همان دو شرطی که ذکر شد، قابل قبول است، اما آرای که صحابه‌ای همانند ابن مسعود یا ابی بن کعب از قرآن استنباط کرده‌اند، تنها ناظر به فهم آنان از آیات قرآن است.

وی با بیان این‌که آرای تفسیری صحابه نه برخاسته از پیامبر اکرم (ص) و نه از مشاهداتشان است، تصریح کرد: این آرای تفسیری که جزو اجتهاد و استنباط علمی صحابه بوده را نمی‌توان به همین شکل پذیرفت؛ لذا باید با

آنان همانند آرای یک مفسر غیر معصوم برخورد کرد؛ زیرا آنان معصوم نبوده و ممکن است که در فهم خود اشتباه کرده باشند. وی با بیان این‌که آیت الله معرفت به نحو کلی به نظرات صحابه اعتبار داده است، اظهار کرد: وی تعبیر «استغرب کلام سیدنا علامه طباطبایی» را در نقد کلام علامه که قائل به بی‌اعتباری کلام صحابه است می‌آورد؛ یعنی این گفته علامه طباطبایی غریب است. علامه در ذیل آیه «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» می‌نویسد که از این آیه حجیت کلام پیامبر (ص) استفاده می‌شود و به دلیل حدیث ثقلین حجیت کلام اهل بیت (ع) استفاده می‌شود.

نویسنده کتاب مکاتب تفسیری افزود: علامه طباطبایی معتقد بود که کلام صحابه و تابعین فاقد حجیت است، زیرا

اکرم (ص) بردند.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه خاطرنشان کرد: با این حال اگر منظور از صحابه همین افراد باشد، صحابه در این موقعیت نیستند که باب علم پیامبر (ص) باشند. آنچه در مورد باب علم بودن است تنها درباره حضرت علی (ع) است که پیامبر اکرم (ص) در آن حدیث مشهور فرمودند: «انا مدینه العلم و علی بابها» یا «انا مدینه الحکمة و علی بابها» و امثال آن را در روایات داریم.

وی با بیان این‌که برجسته‌ترین مفسران صحابه ابن عباس است، گفت: ابن عباس حدود سیزده ساله بوده که پیامبر (ص) از دنیا رحلت فرمودند؛ لذا نمی‌توان او را باب علم نبی اکرم (ص) معرفی کرد. گذشته از این، این‌که ما بخواهیم صحابه را به صورت مرجع معرفی کنیم، کار درستی نیست؛ لذا در کتاب مکاتب تفسیری «باب ارزش تفسیر صحابه» این مسئله را به شکل تفصیلی بحث کردم.

حجت الاسلام بابایی در تبیین بیشتر دیدگاه خود نسبت به جایگاه صحابه بیان کرد: در کتاب مکاتب تفسیری آوردم که تفسیری که از صحابه به ما رسیده و نقل می‌شود به دو دسته تقسیم است؛ به اصطلاح اهل سنت، یک قسم روایات مرفوع و قسم دیگر روایات موقوفه و به اصطلاح خودمان روایات تفسیری صحابه و آرای تفسیری آنان.

وی با بیان این‌که روایات تفسیری صحابه تنها با دو شرط قابل قبول است، تصریح کرد: اگر صحابه مطلبی از پیامبر اکرم (ص) نقل کرده‌اند، باید دارای دو شرط باشد؛ یکی این‌که واسطه‌های بین ما تا صحابی همه ثقه باشند و دیگر این‌که خود آن صحابی و وثاقتش برای ما ثابت شده باشد. البته اهل سنت صحابی را عادل می‌دانند و در این زمینه نیازی به بررسی نمی‌بینند.

آرای تفسیری که جزو اجتهاد و استنباط علمی صحابه بوده را نمی‌توان به همین شکل پذیرفت

این پژوهشگر عرصه علوم قرآن با بیان این‌که به نظر شیعه عدالت تمامی صحابه پذیرفتنی نیست، اظهار کرد: ممکن است صحابی فاسق و یا عادل باشد؛ لذا شواهد بسیاری از آیات

ابن عباس حدود سیزده ساله بوده که پیامبر (ص) از دنیا رحلت فرمودند؛ لذا نمی‌توان او را باب علم نبی اکرم (ص) معرفی کرد

دلیلی برای پذیرفتن آن نداریم. آیت‌الله معرفت در تفسیر الاثری الجامع کلام علامه را غریب می‌شمرد و می‌گوید که ایشان چگونه چنین چیزی می‌فرماید. وی در ادامه آیات و روایاتی را ذکر می‌کند که قول صحابه محل اعتبار است.

وی با اشاره به تلاش آیت‌الله معرفت در احیای میراث علوم قرآنی تشیع گفت: آن چه از محسنات

برجسته آیت‌الله معرفت محسوب می‌شود، این است که خلأیی را که در مباحث علوم

قرآنی در میان شیعه وجود داشت دریافت و برطرف کرد. زمانی که

آیت‌الله معرفت پژوهش و تألیف در زمینه علوم قرآن را شروع کرد، در

شیعه تألیفاتی وجود داشت که محدود و پراکنده بود.

حجت‌الاسلام بابایی با اشاره به دو کتاب البیان آیت‌الله خوئی و قرآن در اسلام علامه طباطبایی تصریح کرد: علاوه

بر این دو کتاب، مباحث علوم قرآنی در مقدمات تفاسیر به طور پراکنده مطرح شده بود. اما حجم کم این مباحث و

پراکندگی آن‌ها از احساس نیاز به وجود کتابی جامع و مستقل در این زمینه نکاسته بود. مراکز علمی ما به کتاب

التفسیر و المفسرون ذهبی روی آوردند که اشکالات و تهمت‌های فراوانی به تشیع وارد

کرده بود. وی با بیان این که ذهبی در کتاب خود کم‌لطفی‌های فراوانی نسبت به شیعه و تفاسیر شیعی

داشته است، گفت: خدمت بزرگ آیت‌الله معرفت این بود که در زمان احساس این خلأ

در میان شیعه، خود را در مباحث علوم قرآنی محض کرد؛ یعنی زمانی که جایگاه علوم قرآنی در شیعه مهجور بود.

به هر حال این خدمت قابل اغماض نیست، هر چند که اشکالات و انتقاداتی بر نوشته‌های ایشان وارد شود.

وی با اشاره به دیدگاه‌های موجود در زمینه قرائت قرآن گفت: یکی از نظراتی که آیت‌الله معرفت دارد این است که همین قرائت فعلی قرائت حق است. این قرائت واقعی قرآن است و قرائت دیگر قابل اتکا نیست. این دیدگاه اگر ادله‌ای داشته باشد دیدگاه مثبت و بسیار ارزنده‌ای است. با این حال

یکی از دلایل صحتش این است که از طریق امیرالمؤمنین (ع) رسیده است. این پژوهشگر علوم قرآن خاطر نشان کرد: در سند این روایت که به امیرالمؤمنین (ع) می‌رسد، شخصی به نام ابو عبدالله سلمی وجود دارد. اگرچه

آیت‌الله معرفت وی را ثقه معرفی می‌کند اما توثیق وی از طریق شیعه نیست و از طریق اهل سنت است. اگر مبنای ایشان در نوشته‌هایش این باشد که بر اساس توثیقات اهل سنت

نیز می‌توان استناد کرد، جای نقد و سؤال مطرح می‌شود. وی در پاسخ به این سؤال که با توجه به تشخیص نداشتن شیعه یا اهل سنت در تمامی افراد جامعه در آن زمان، آیا آیت‌الله معرفت در روشن‌سازی شخصیت‌های تاریخی از منابع و اطلاعات تاریخی بهره نمی‌برده است؟ اظهار کرد: ما برای این که یک راوی را بپذیریم و به قول وی اتکا کنیم باید وثاقتش را ثابت کنیم. در این مسئله

صرف شیعه بودن نیز کافی نیست؛ یعنی علاوه بر اثبات قطعی شیعه و محب اهل بیت (ع) بودن شخصی، باید در عدالت و وثاقت وی تحقیق کرد. وی افزود: استفاده از این قرائن در تحلیل شخصیت، که مورد سؤال شماست در تصریح کلام آیت‌الله معرفت وجود ندارد، اما با پذیرش این مسئله باید اظهار کرد که باز هم کافی نیست و اثبات و وثاقتش نیز ضروری است. البته نمی‌خواهیم به عنوان نمونه بگوییم که عبدالرحمن سلمی که از علاقه‌مندان امیرالمؤمنین (ع) بوده، موثق نیست، اما باید این مسئله از روش علمی خود اثبات شود.

آن چه از محسنات برجسته آیت‌الله معرفت محسوب می‌شود، این است که خلأیی را که در مباحث علوم قرآنی در میان شیعه وجود داشت دریافت و برطرف کرد

خدمت بزرگ آیت‌الله معرفت این بود که در زمان احساس این خلأ در میان شیعه، خود را در مباحث علوم قرآنی محض کرد؛ یعنی زمانی که جایگاه علوم قرآنی در شیعه مهجور بود



التفسیر الأثری الجامع؛ عرصه مقایسه و مقارنه روایات تفسیری

التفسیر الأثری الجامع آیت الله معرفت آغاز راهی بزرگ در عرصه تفسیر قرآن است و نویسنده در این تفسیر برای خواننده امکان مقایسه و مقارنه روایات را مهیا کرده است.



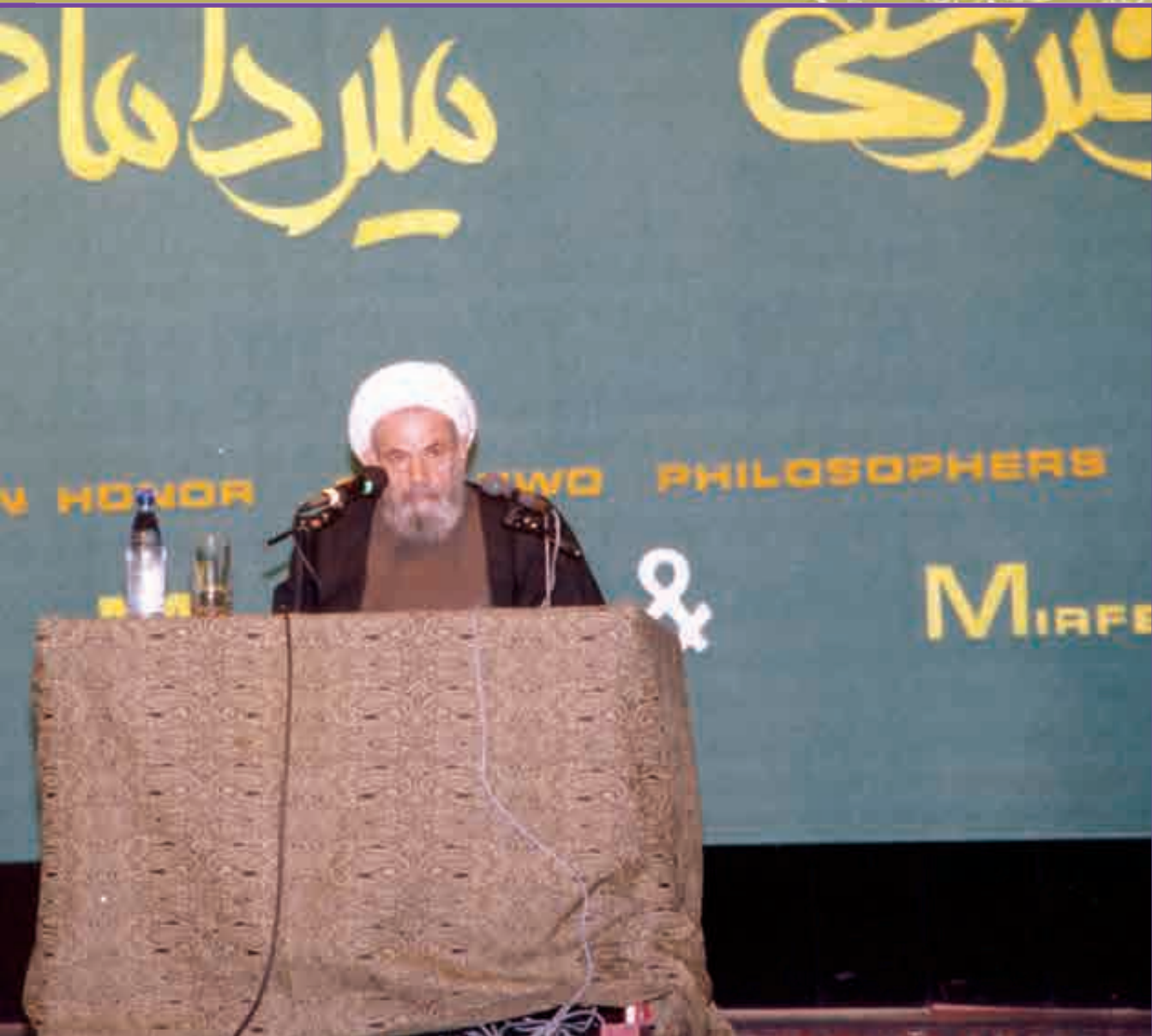
منصور پهلوان، دانشیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، در معرفی شخصیت علمی آیت الله معرفت، اظهار کرد: جایگاه علمی آیت الله معرفت و تألیفات ایشان در دو بعد کلی قابل بررسی و ارزیابی است؛ یکی از ناحیه تألیفات و آثار ارزشمند این استاد عالی قدر و دیگری بررسی خدمات علمی و عملی ایشان در حوزه و دانشگاه. تمامی تألیفات آیت الله معرفت در پاسخ به یک نیاز واقعی، علمی و اجتماعی نگاشته شده است، مهم ترین کتاب ایشان التمهید فی علوم القرآن است که در واقع پژوهش نوینی در زمینه علوم قرآنی است. آیت الله معرفت هنگامی که در نجف اشرف بود، متوجه مهجور بودن علوم قرآنی در بین شیعه و ضرورت تحقیق در زمینه قرآن در حوزه های شیعی شد.

نویسنده کتاب پژوهشی در زمینه کتاب کافی و مؤلف آن خاطرنشان کرد: آیت الله معرفت به همین دلیل تحقیقات خود را

در این حوزه آغاز کرد و کتاب التمهید فی علوم القرآن را نوشت. این مسئله خود نشان از درک درست وی از نیازهای علمی و واقعی جهان تشیع بود. این کتاب که حاصل بیش از سی سال تحقیق، مطالعه و تدریس در علوم قرآنی است، هم اکنون در ۶ مجلد به چاپ رسیده است. باید اقرار کرد که بین شیعیان کتابی با چنین جامعیتی یافت نمی شود، اگرچه وی این کتاب را بعداً تلخیص کرد.



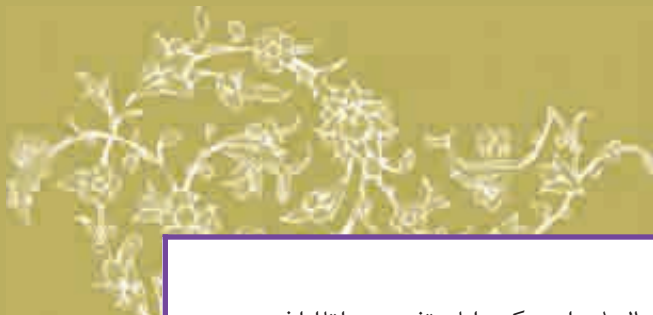
بهره گیری از منابع شیعه و سنی در التفسیر و المفسرون وی در ادامه بررسی آثار آیت الله معرفت به کتاب التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب اشاره کرد و گفت: این کتاب تاریخ تفسیر قرآن کریم و مفسران آن است که با توجه به کتاب التفسیر و المفسرون ذهبی نوشته شده است و حاوی انتقادهای ارزنده ای بر آن کتاب است. آیت الله معرفت این کتاب را التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب نام نهاد تا به معنای جامه ای نوباشد که بر روایت حقیقی تفسیر و مفسران افکنده شده است. این کتاب نیز در پاسخ به برخی غرض ورزی ها، انتقادات ناروا و کم لطفی هایی است که به برخی از کتب تفسیری شیعه شده است



که از این جهت نیز نوعی هوشیاری در شناسایی نیاز روز جامعه علمی است. انتقادهای وی نیز از نوع مسائلی است که کمتر کسی به آنان توجه کرده بود. این مدرس دانشگاه درباره ویژگی‌های این کتاب تصریح کرد: آیت‌الله معرفت در این کتاب از هر منبعی که از شیعه و سنی می‌توانسته در غنی ساختن مباحث کتاب مفید باشد، بهره جسته است. وی علاوه بر نقل آرا و اقوال دیگران، به نقد و بررسی محققان آنان نیز توجه داشته است. نوآوری و ابتکار عمل، همانند آثار دیگرش، از شاخصه‌های بارز این تألیف است. آیت‌الله معرفت در این کتاب با بیان نقش اهل بیت (ع) در تفسیر قرآن، جایگاه حقیقی صحابه و تابعان و کتب تفسیری شیعه، به دفاع از حریم مکتب اهل بیت (ع) پرداخته است. آیت‌الله معرفت علاوه بر بحث تاریخ تفسیر و مفسران، به صورت دوره‌ای کامل، دانش تفسیر و مکاتب مختلف آن را بررسی کرده است.

روشنی در این تفسیر این‌گونه است که پس از نقل هر آیه به اجمال اشاره‌ای به وجود روایات مربوط به آن آیه می‌کند و سپس به ذکر نظریه اهل بیت (ع) می‌پردازد.

پهلوان درباره کتاب شبهات و ردود مرحوم آیت‌الله معرفت بیان کرد: این کتاب پاسخ به شبهاتی است که درباره قرآن کریم مطرح شده است که نیم‌نگاهی



التفسیر الأثری الجامع است که روایات تفسیری را تا اواخر سوره بقره در خود گنجانده است. این کتاب در واقع آغاز راهی بزرگ در عرصه تفسیر قرآن است که در واقع بازگشت به منابع و میراث تفسیر روایی همراه با نگاه نقادانه به منقولات موجود در عمده‌ترین کتب تفسیر روایی است.

این پژوهشگر علوم قرآن با بیان این که رسالت آیت الله معرفت در نوشتن این تفسیر پاسخی به یکی دیگر از کمبودها و نیازهای علمی بوده است، افزود: این تفسیر تنها تا سوره بقره، نزدیک به ۲۰۰۰۰ هزار حدیث را در شش جلد جمع‌آوری کرده است که اگر به همین شکل ادامه پیدا کند، واقعا عنوان التفسیر الأثری الجامع زیننده آن است. روش وی در این تفسیر این گونه است که پس از نقل هر آیه به اجمال اشاره‌ای به وجود روایات مربوط به آن آیه می‌کند و سپس به ذکر نظریه اهل بیت (ع) می‌پردازد. وی در این روش برای خواننده امکان مقایسه و مقارنه روایات را مهیا می‌کند تا در پرتو آن، پژوهشگر بتواند صحیح را از سقیم بشناسد.

مدرس دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران اظهار کرد: تألیفات آیت الله معرفت همه حول محور قرآن کریم است و به نوعی درباره کمالات، عظمت قرآن کریم و علمی است که در این کتاب وجود دارد. همین طور تفسیر قرآن کریمی که ایشان تألیف کرده‌اند نشان دهنده اهتمام این عالم بزرگوار در خدمت به آستان قرآن کریم تلقی می‌شود. این در حالی است که وی در بسیاری از زمینه‌های فقهی، اصولی و کلامی صاحب نظر هستند. مرحوم معرفت کارش در دو حوزه چشم‌گیر بود. اگر بخواهیم خدمات

ضمنی به شبهاتی که اخیرا مطرح شده است نیز دارد. البته قرآن کریم، از همان آغاز نزول با شبهه افکنی معاندان و کافران مواجه بود و همواره از سوی خداوند و یا رسول اکرم (ص) پاسخ‌های شایسته به آنان داده می‌شد. در دهه اخیر نیز این کتاب آسمانی مورد طعن و شبهه افکنی برخی اشخاص و گروه‌ها قرار گرفته است. به عنوان نمونه آیت الله معرفت در بخش اول این کتاب شبهه مشهور مستشرقان را که مصادری جعلی برای قرآن کریم مطرح کرده‌اند بررسی کرده و پاسخ می‌گوید. مستشرقان به دلیل تشابه برخی موضوعات کتاب‌های مقدس و قرآن، مدعی شده‌اند که قرآن با استفاده از مطالب کتاب مقدس تألیف شده است. پاسخ ایشان به این شبهه در چند مسئله ارائه می‌شود که رویکرد جامعی است.

وی با بیان این که زدودن شبهات از دامن دین و قرآن، از رسالت‌های بزرگ یک دانشمند مسلمان

است، اظهار کرد: آیت الله معرفت در این کتاب به معروف‌ترین شبهات مطرح شده در مورد قرآن از جمله: قرآن و فرهنگ‌های معاصر نزول، توهم اختلاف و تناقض در قرآن، شبهه مخالفت قرآن با علم، تاریخ و ادبیات و قصه‌های قرآنی، می‌پردازد و به آنان پاسخی تفصیلی می‌دهد. آیت الله معرفت معتقد بود که ذخیره ارزشمند تفسیر روایی مورد بررسی نقادانه جامعی قرار نگرفته و صحیح از سقیم آن جدا نشده است، یکی دیگر از تألیفات مهم این اندیشمند

آیت الله معرفت (ره): احیاگر علوم قرآنی در دوران معاصر

آیت الله معرفت با تألیف کتاب التمهید و اهتمامی که در تحقیقات و پژوهش‌های خودش و همچنین تربیت شاگردان مستعد و عالم، به خصوص در حوزه علمیه قم، خدمتی بزرگ در طرح مباحث علوم قرآنی انجام داد

حوزه چشم‌گیر بود. اگر بخواهیم خدمات آیت الله معرفت را بررسی کنیم، به غیر از تألیفات آثار کتبی، خدمتی که کردند، طرح مباحث علوم قرآنی در حوزه‌های علمیه بود که با حضور و تألیفات وی، علوم قرآنی وارد در درس و بحث‌های حوزه‌های علمیه شد و شاید پیش از او درباره علوم قرآنی این اهتمام وجود نداشت که در حوزه‌ها تدریس و پژوهش شود. مقام معظم رهبری در متن نامه تسلیت خویش نیز بر خدمات برجسته و

آیت الله معرفت با تألیف کتاب التمهید و اهتمامی که در تحقیقات و پژوهش‌های خودش و همچنین تربیت شاگردان مستعد و عالم، به خصوص در حوزه علمیه قم، خدمتی بزرگ در طرح مباحث علوم قرآنی انجام داد

ماندگار

این عالم دینی

تأکید کرده‌اند و

نگاشته‌اند: «این روحانی عالی

مقام خدمات ارزشمندی در زمینه

تحقیقات و تألیفات دینی به ویژه در تفسیر

و علوم قرآنی به جامعه علمی کشور عرضه

داشته‌اند و تألیفات ایشان یادگارهایی ماندنی به

شمار می‌آید.»

وی با بیان این که آیت‌الله معرفت به حق

صاحب نهضت قرآنی هست، اظهار کرد: وی با تألیف

کتاب التمهید و اهتمامی که در تحقیقات و

پژوهش‌های خودش و همچنین تربیت شاگردان

مستعد و عالم، به خصوص در حوزه علمیه قم، خدمتی

بزرگ در طرح مباحث علوم قرآنی انجام داد. تلاش این

عالم باعث شد علوم قرآنی هویت پیدا کند و در کنار

درس‌های فقه، اصول، ادبیات و کلام، یکی از مواد

درس‌های حوزه‌های علمیه به حساب آید. با وجود آن که

آیت‌الله معرفت در زمینه فقه و اصول در سطح بالایی

قرار داشت، اما به خاطر غربتی که برای قرآن احساس

می‌کرد، تمام هم و غم خود را معطوف به علوم قرآنی

کرده بود. وی هنگامی که وارد حوزه علمیه نجف

اشرف شد در محضر استادان بزرگ آن زمان

همچون آیات خوبی، حکیم شیخ حسین

حلی، محمدباقر زنجانی و فانی اصفهانی

حاضر شد و از محضر درس آیت‌الله

خوبی بیشترین بهره را برد.

وی با بیان این که این عالم شیعی از شاگردان و ارادتمندان خاص امام خمینی(ره) بود، اظهار کرد: در پی هجرت امام خمینی(ره) به نجف اشرف، مادامی که امام(ره) در نجف اقامت داشتند، آیت‌الله معرفت در درس ایشان شرکت می‌کرد و در حدود سال‌های ۱۳۵۰ از نجف اشرف عازم تهران شد. با بررسی تطبیقی بین نظرات وی و آیت‌الله خوئی، مشخص می‌شود که او در علوم قرآنی متأثر از استاد خود آیت‌الله خوئی بود و از شخصیت قرآنی استادش بسیار بهره برد. مرحوم آیت‌الله خوئی نیز در علوم قرآنی اهتمام زیادی داشت و با تألیف کتاب البیان که شامل مباحث ارزنده‌ای از علوم قرآنی است، بزرگترین خدمت را در این دوره به علوم قرآنی کرد. درباره عظمت این کتاب همان بس که تقریباً تمامی کسانی که در طی ۴۰ سال در علوم قرآنی صحبت می‌کنند و پژوهشگران علوم قرآنی، از تألیف آیت‌الله خوئی در این باره استفاده کرده‌اند.

عضو هیئت علمی دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، تصریح کرد: به عنوان نمونه هنگامی که به مبحث نسخ می‌رویم، آیت‌الله معرفت از نظر استاد خود بسیار استفاده کرده و معتقد بود که نسخ تنها در چند آیه اتفاق افتاده است. هرچند این اتفاق جزئی با استاد در اواخر عمر برداشته شد. به هر حال وی شاگرد مجلس درس آیت‌الله خوبی بود و حتی در زمانی که در نجف بود، آثار و دروسش مورد استفاده طلاب قرار گرفت و هنگامی که به تهران آمد؛ درس، بحث و تألیفاتش منشأ خدمات فراوانی شد. فعالیت‌های ایشان در حوزه علمیه قم درباره علوم قرآنی، از مهم‌ترین بستر رشد و توسعه آموزش‌ها و پژوهش‌های کنونی علوم

قرآنی در ایران، به ویژه حوزه‌های علمیه محسوب می‌شود. آیت‌الله معرفت، شاگردان فاضل زیادی را به ویژه در مباحث تفسیر و علوم قرآن تربیت کرده است که بسیاری از آنان هم اکنون از مدرسان و پژوهشگران ممتاز حوزه و دانشگاه محسوب می‌شوند.

تأثیرگذاری آیت‌الله معرفت در دو عرصه حوزه و

دانشگاه

این پژوهشگر علوم قرآن در تبیین خدمات دیگر آیت‌الله معرفت تصریح کرد: بعد دیگر برکات علمی این استاد، در عرصه دانشگاه‌های کشور بود؛ یعنی هنگامی که به تهران آمد، از منزلت علمی وی به عنوان استاد راهنما، مشاور و صاحب نظر استفاده می‌شد. ایشان در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران بسیار حضور یافت و من در جلساتی که حضور داشت، شرکت می‌کردم. وی در جلسات دفاع پایان نامه‌ها، نظرات بسیار بنیادین و راه‌گشایی می‌داد که در بسیاری موارد گره‌های کور معرفتی را حل می‌کرد و برای شخص من بسیار آموزنده و قابل استفاده بود.

عضو هیئت علمی دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، در ادامه تبیین خدمات آیت‌الله معرفت، به همکاری ایشان با بسیاری از دانشگاه‌های کشور اشاره کرد و گفت: در دانشکده اصول دین قم که بنیانگذار آن علامه عسکری بود، همکاری‌های خوبی داشت. مرحوم آیت‌الله معرفت علاوه بر مساعدت‌های فراوانی که با دانشگاه قم داشت، به دانشگاه علوم اسلامی رضوی نیز رفت و آمد می‌کرد و از اعضای اصلی آن بود؛ یعنی شخصیت علمی و اخلاقی وی به نحوی بود که در دو

عرصه

حوزه و

دانشگاه تأثیرگذار

بود. نکته برجسته دیگر

درباره ویژگی آثار آیت‌الله

معرفت است؛ ایشان در

تحقیقات خود اهتمام فراوانی

داشت که همه منابع اسلامی اعم از

شیعی و سنی را استفاده کند. این‌طور نبود

که فقط به آثار تشیع توجه داشته باشد و

همواره به منابع اهل تسنن نیز التفات می‌کرد.

به حق دیدگاه او را می‌توان یک دیدگاه اسلامی

فراگیر و جامع دانست. آیت‌الله معرفت در مقام

بحث به آنان استناد می‌کرد، سپس وارد بحث و نقد

می‌شد و سرانجام به یک نتیجه صحیح، روشن و

مستدل نائل می‌شد.

وی در پایان اظهار کرد: به نظر من بهره‌گیری از

منابع شیعه و سنی از ویژگی‌های مثبت و ارزنده آثار

ایشان است که می‌تواند در وحدت فرق اسلامی

بسیار مؤثر واقع شود. در واقع تلاش وی گامی بلند

در تقریب مذاهب شیعه و اهل تسنن و جمع‌بندی

بین آن‌ها و رسیدن به نظر واحد است. این

ویژگی که از منابع فریقین در آثارش

استفاده کرد، هرچند مخالفانی داشت،

اما از نکات بلند شخصیت جامع‌نگر

ایشان است که تا حدودی مورد

غفلت واقع شده است.

آیت الله معرفت برای نظرات صحابه تنها از این منظر که در صحنه بودند اعتبار قائل می شد



تحقیقات مکتوب در علوم قرآنی داشته باشد، سراغ نداریم. هر چند در گذشته، عالمان علوم قرآنی بودند که در حد یک جلد یا دو جلد کتاب و یا در مقدمات تفاسیر به آن می پرداختند. ایشان به تنهایی ده جلد کتاب که شش جلد آن التمهید، دو جلد دیگر آن التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، یک جلد صيانة القرآن من التحريف و یک جلد شبهات وردود است تألیف کرده حاصل آن مجموعاً ده جلد قطور از تحقیقات ارزشمند قرآنی است که به جامعه علمی شیعه هدیه شد. این حجم کار و تحقیقات در طول تاریخ تشیع کم نظیر و یا بی نظیر است.

وی با اشاره به برخی انتقاداتی که به آیت الله معرفت وجود دارد، تصریح کرد: از قرن چهارم تا قرن هفتم و یا هشتم هجری قمری، دانشمندان شیعه هنگامی که در کتاب‌ها بحث می کردند، نظرات عالمان اهل سنت را می آوردند و در خلال کلام تحلیل می کردند. نمونه بارز آن کتاب الخلاف شیخ طوسی، کتاب مختلف الشیعه علامه حلی و کتب دیگری است که هم در عرصه فقه و هم در عرصه تفسیر نوشته شده است. در مجمع البیان مرحوم طبرسی از نظرات و اقوال عالمان اهل سنت استفاده شده است و اساساً عالمان آن دوره این نظرات را گاهی نقد می کردند و گاهی نیز می پذیرفتند. از قرن هشتم به بعد این جریان کمرنگ شد و مرزی بین کتاب‌های شیعه ایجاد شد؛ لذا گفتار و نظرات عالمان شیعه خالص شد.

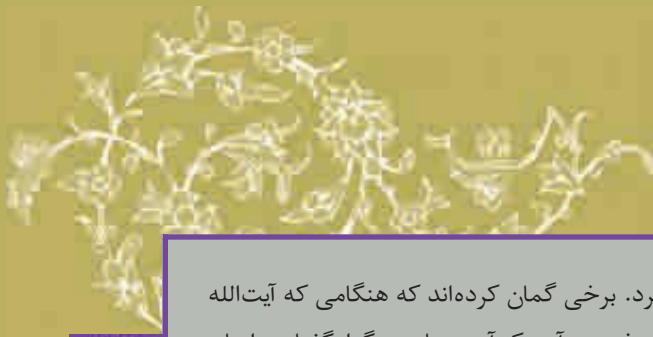
وی با بیان این که آیت الله معرفت به شیوه عالمان پیشین بازگشت، اظهار کرد: انسان با مطالعه کتب وی به حال و هوای

آیت الله معرفت برای نظرات صحابه تنها از این منظر که در صحنه بودند، اعتبار قائل می شد و هر جا که حرف اشتباهی از آنان بیان شده بود، بدان تصریح می کرد و سره را از ناسره تشخیص می داد.



حجت الاسلام و المسلمین «جواد ایروانی»، از شاگردان آیت الله معرفت و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، در بیان سابقه آشنایی خود با آیت الله معرفت گفت: از سال ۷۶ که وارد دانشگاه علوم اسلامی رضوی شدم، کم و بیش با آیت الله معرفت آشنا بودم، اما از حدود سال ۸۰ به بعد به طور جدی در درس‌های مختلف علوم قرآن، فقه الحدیث و فقه از محض او بهره بردم.

وی در تبیین جایگاه آیت الله معرفت در گسترش علوم قرآن در میراث مکتوب تشیع، تصریح کرد: به نظر من، در تاریخ تشیع، آیت الله معرفت بزرگ‌ترین عالم علوم قرآن از حیث مکتوبات و تحقیقات قرآنی بود. در تاریخ تشیع دانشمندی را که به این حد



کتاب‌های شیخ طوسی، علامه حلی و مرحوم طبرسی بازمی‌گردد، هدف آیت‌الله معرفت همان هدف شیخ طوسی و مرحوم طبرسی است. اساساً این انتقادات مبتنی بر ناآشنایی با سبک عالمان بزرگ شیعی در طول تاریخ، مخصوصاً در قرون اولیه است.

البته ممکن است آیت‌الله معرفت نظراتی داشته باشند که به آنان نقدی وارد باشد، کما این‌که به نظرات هر عالم دیگری نیز ممکن است نقدهایی وارد شود.

وی در تبیین دیدگاه مرحوم معرفت نسبت به صحابه و تابعین تصریح کرد: برخی معتقدند که اولاً همه صحابه پیامبر (ص) عادلند و ثانیاً حرف تمامی آن‌ها حجت است، که من اصلاً به این مباحث نمی‌پردازم، اما به هر حال ما تأییداتی از صحابه داریم و در قرآن کریم و در روایات خودمان اجماع از اهل بیت (ع) داریم؛ یکی از این‌ها این‌که بر اصحاب پیامبر (ص) جز خیر نگویند. مرحوم معرفت سر کلاس درس می‌گفت که ضمیر، مرجع خودش را پیدا می‌کند؛ لذا هنگامی که قرآن و روایات از اصحاب پیامبر (ص) تعریف و ستایش می‌کند، مشخص است که از چه اصحابی ستایش می‌کند. یقیناً در بین اصحاب پیامبر (ص) کسانی بوده‌اند که مقبول نیستند و آیت‌الله معرفت که گاهی از اصحاب به نیکی یاد می‌کند و اقوال آنان را مطرح کرده و به نوعی برای آن اعتبار باز می‌کند، در همین راستا سخن می‌گوید. ایشان همواره تأکید داشت که هنگامی که ما صحابه می‌گوییم، معلوم است که مقصودمان چه کسانی هستند.

وی خاطر نشان کرد: نکته دیگر این‌که در بخش دیگری از مطالب علوم قرآنی همانند شأن نزول و یا بحث معانی واژه‌های قرآن در زمان نزول و موضوعات این چینی، سخنان معاصران نزول اعتبار خاصی دارد؛ زیرا آنان در صحنه بودند و در حد یک گزارشگر و کسی که مستقیماً حاضر در معرض این رویدادها بوده‌اند؛ به خاطر همین است که در قالب تفاسیر شیعه، اقوال تابعین نقل شده و بسیاری از اوقات تأیید و پذیرفته می‌شود. ایشان به این امر توجه خاصی داشت و نظرات تابعین یا صحابه را می‌آورد و هر جا که نظرات آنان قابل نقد یا تردید

انسان با مطالعه کتب وی به حال و هوای کتاب‌های شیخ طوسی، علامه حلی و مرحوم طبرسی بازمی‌گردد

یکی از عرصه‌هایی که آیت‌الله معرفت در آن وارد شده و به حق از عهده آن برآمده، نقد اسرائیلیات است

عالمان اهل سنت ابن کثیر و صاحب المنار چنین کاری کرده‌اند. آیت‌الله معرفت نیز به همین شکل آن دسته از روایات را که ساخته و پرداخته دوره بنی امیه یا دوره بنی عباس بوده و با قداست قرآن و محکمت قرآن ناسازگار بوده طرد می‌کند.

این مدرس جامعه المصطفی (ص) با بیان این‌که اسرائیلیات، عصمت و شأن انبیاء (ع) را زیر سؤال برده است، اظهار کرد: آیت‌الله معرفت این روایات را با روش عالمانه مبتنی بر مبانی نقد کرده و نپذیرفته و به ویژه در جلد دوم التفسیر و المفسرون به این مسئله پرداخته است.

به نظر من اگر این مبانی آیت‌الله معرفت در دانشگاه‌ها و حوزه‌ها تدریس شود، از خیلی از مشکلاتی که برای شیعیان در جهان اسلام در اثر نشر همین اسراییلیات پیش می‌آید، خود را بیمه می‌کنیم. هنگامی که آیت‌الله معرفت عرصه علوم قرآنی را در این حال دیدند، وارد این عرصه شدند؛ لذا ایشان تنها به عنوان عالم علوم قرآنی مطرح شدند. این در حالی است که آیت‌الله معرفت تخصصش در فقه اگر بیشتر از علوم قرآن نبود، کمتر نیز نبوده است. وی در سراسر فقه از ابتدای طهارت تا آخر دیات صاحب نظر بود.

نویسنده کتاب اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث با بیان این‌که آیت‌الله معرفت دارای رساله عملیه بود، اظهار کرد: اگر چه ایشان هیچ وقت اجازه نداد که این رساله پخش شود، اما در سرتاسر فقه صاحب نظر بود. نظرات آیت‌الله معرفت عمیق،

دقیق و مبتنی بر مبانی و اصول بود و بدون هیچ‌گونه تعصبی نظرات خویش را بیان می‌کرد. در اواخر عمر شریفش درس خارج را در دانشگاه رضوی برای دانشجویان دکتری برگزار می‌کرد و من به عنوان مستمع آزاد در این جلسات شرکت می‌کردم که برایم بسیار مفید بود. به نظر من یک ساعت درس آیت‌الله معرفت به عنوان شش ماه درس خارج فقه مفید بود.

به نظر من اگر این مبانی آیت‌الله معرفت در دانشگاه‌ها و حوزه‌ها تدریس شود، از خیلی از مشکلاتی که برای شیعیان در جهان اسلام در اثر نشر همین اسراییلیات پیش می‌آید، خود را بیمه می‌کنیم

دیدگاه آیت‌الله معرفت نسبت به المیزان

این شاگرد آیت‌الله معرفت در بیان دیدگاه استاد خود نسبت به تفسیر المیزان علامه طباطبایی گفت: آیت‌الله معرفت دیدگاه علامه را در تفسیر قرآن به قرآن بسیار تمجید کرده بود و آن را دیدگاه خوبی می‌دانست. هر چند برخی به تفسیر علامه این ایراد را گرفته‌اند که مرحوم علامه این روایات را در حاشیه برده و به عنوان بحث روایی کمتر به آن پرداخته است. آیت‌الله معرفت معتقد بود که در واقع برداشت علامه طباطبایی از روایات در سرتاسر المیزان خود را نشان می‌دهد؛ یعنی ایشان به عنوان عالم بزرگ شیعه، مبانی تفسیر خودش را از آیات و روایات معصومین (ع) گرفته است و سپس وارد تفسیر شده است. به تعبیری دیگر، از همان آغاز که آیه را تفسیر می‌کند، مبانی و معارف اهل بیت (ع) را مدنظر قرار می‌دهد.

نویسنده فصولی از کتاب فرهنگ روابط اجتماعی در آموزه‌های اسلامی با بیان این‌که مبانی تفسیری علامه طباطبایی متخذ از معصومین (ع) بود، تصریح کرد: از آنجا که علامه طباطبایی بر اساس همان مبانی تفسیر می‌کند و نمی‌توان وی را متهم کرد که بر خلاف سنت اهل بیت (ع) تفسیر کرده است، مرحوم آیت‌الله معرفت شیوه قرآن به قرآن علامه طباطبایی را که با نگرش عالمانه به روایات بود را تشریح و تمجید کرد.

حجت‌الاسلام ایروانی در تبیین شیوه آیت‌الله معرفت در التفسیر الأثری الجامع اظهار کرد: جلد اول این تفسیر در زمان حیات ایشان بیرون آمد و ترجمه این کتاب از سوی مؤسسه التمهید به عهده من قرار داده شد. البته ترجمه این کتاب را انجام داده‌ام و به زودی چاپ خواهد شد. بعد از رحلت ایشان، پنج جلد دیگر از چاپ درآمد که بخش عمده کار از نظر مبانی است. این کار تا حدود آخر سوره بقره است. آن طور که ایشان در سر کلاس می‌گفت، خلایی را در تفسیر قرآن حس می‌کرد که در طول این چهارده قرن هیچ مفسری نیامده تمام این روایات تفسیری چه شیعه و چه سنی را از ابتدای قرآن جمع‌آوری کند و تمامی روایات را نقد سندی و به ویژه محتوایی کند.

روش تدریس آیت‌الله معرفت

وی در تبیین روش تدریس آیت‌الله معرفت تصریح کرد: ایشان پیش از کلاس مطالب و دیدگاه‌های فراوانی آماده می‌کرد، مبانی آن را بیان می‌کرد و سپس می‌گفت که خودتان از منابع، سایر مطالب را نگاه کنید. تدریس ایشان بر اساس شیوه بسیار زیبایی بود و به قول خودشان مطالب درس را به صورت نور پیش می‌برد که البته شتابزده نبود. ایشان همواره آن بخش از کار را که می‌توانستیم انجام دهیم و به عنوان نمونه اقوال را نگاه کنیم، به شاگردان ارجاع می‌داد. آیت‌الله معرفت حرف آخر را می‌زد و راه را نشان می‌داد. البته در آخرین جلسه که قرار بود بحث‌ها را ادامه دهند، ما به ایشان پیشنهاد کردیم که مباحث بانکی را به همین شیوه طرح کند که متأسفانه عجل به ایشان مهلت نداد.



اعتقاد آیت الله معرفت به حجیت خبر واحد به سیره عقلا

آیت الله معرفت معتقد بود حجیت خبر واحد، مستند به سیره و بنای عقلا است و عقلا خبر واحد را ثقه و اطمینان بخش و دلیل علمی می دانند و در تمامی موارد به آن ترتیب اثر می دهند، مگر آن که خللی در آن خبر آشکار شود.



احمدعلی افتخاری، محقق و مدرس دانشگاه، ضمن بیان این مطلب که آیت الله معرفت فقیهی برجسته بود، گفت: دشوار است درباره انسانی سخن گفتن که از اوج نشینان قله معنا بود و بی گمان همگنان در وادیه آوام، اما در حوض مقام و نیل به آمال گریز و گزیری نداریم از اعتراف به قصور تقصیر خویشتن که در آغاز سخن این جمله را سر می دهیم که «این

نه رویی است که من و صف جمالش دانم / این حدیث از دیگری پرس که من حیرانم». آیت الله معرفت، فقیهی برجسته بود که از فراسوی باورهای حاکم بر زمان خود آمد و از افق های برتر و فراتر سخن گفت و رسالت خطیر خودش را در جام بلورین قرآن و عترت (ع) یافت و زبان رسا و قلم شیوای خود را برای بیان ارزش ها و عظمت های نهفته کتاب خدا و سنت و سیره نبوی (ص) به کار گرفت تا کویر جان های تشنه و گوش های شنوای حقایق ناب را سیراب کند.

نویسنده کتاب رفتار دینی در جامعه مدنی در ادامه سخنانش تصریح کرد: این مفسر بزرگ و دانشمند نستوه و متوکل با باوری کامل در پرتو پیوند با سرچشمه معارف الهی و کلام سردمی با آثاری ماندگار و آرا و اندیشه های متعالی و خدایش جاودانگی یافت. امیدوارم که قدرشناسان و فرهیختگان در جامعه اسلامی راه این بزرگمرد تاریخ و فرهنگ تشیع را به ویژه در حوزه علوم قرآنی و تفسیر، هر چه بیشتر پیوند و به درجات متعالی ارتقا دهند.

مدرس دانشکده اصول دین در بررسی اندیشه های تفسیری آیت الله معرفت اظهار کرد: بیشتر حوزه فعالیت های این مرد بزرگ

در ارتباط با علوم قرآن و تفسیر است. لازم است برای آشنایی خوانندگان محترم معرفی اجمالی داشته باشیم که موضوع تفسیر، قرآن کریم و هدفش فهم مفاهیم قرآن است که بتوانیم به مقاصد عالی آن برسیم و روش هایی که انتخاب کرده اند، معمولاً برای کشف و فهم معانی قرآن کریم است که با بهره گیری از این روش ها می توانیم به اهداف برسیم.

روش آیت الله معرفت در تفسیر قرآن کریم

وی به بررسی دیدگاه های موجود درباره تفسیر پرداخت و تصریح کرد: آیت الله معرفت تفسیر را به دو بخش تقسیم می کرد: قسم اول تفسیر ماثور که شامل تفسیر قرآن به قرآن، تفسیر روایی و یا تفسیر قرآن به سنت و یا تفسیر قرآن به سخنان صحابه و تابعین است. روش دوم مورد نظر آیت الله معرفت، روش اجتهادی است که بر اساس نظر و عقل و استدلال عقلی صورت می گیرد. آیت الله معرفت یادآوری می کند که این شیوه بر اساس قدرت علمی و فنون علمی مفسران به سبک های مختلفی تقسیم می شود که شامل سبک های مذهبی، کلامی، صوفی (عرفانی، اشاری یا باطنی)، فلسفی، لغوی (ادبی)، تفسیر فقهی یا همان آیات الاحکامی،

تفسیر جامع و تفسیر اجتماعی است. البته تقسیم‌بندی وی نسبت به بخشی از محققانی که در این وادی کار کرده‌اند، بسیار کامل و جامع است. اگرچه ایرادات و انتقاداتی هم در این باره مطرح است. در ارتباط با تفسیر قرآن به قرآن، آیت‌الله معرفت معتقد است که این روش دو شیوه دارد، نخست این‌که اگر آیه‌ای در موضعی مبهم باشد و در موضع دیگر قرآن بیان شده باشد و هر دو آیه با هم تناسب معنایی و لفظی داشته باشند، می‌توانیم بررسی کنیم.

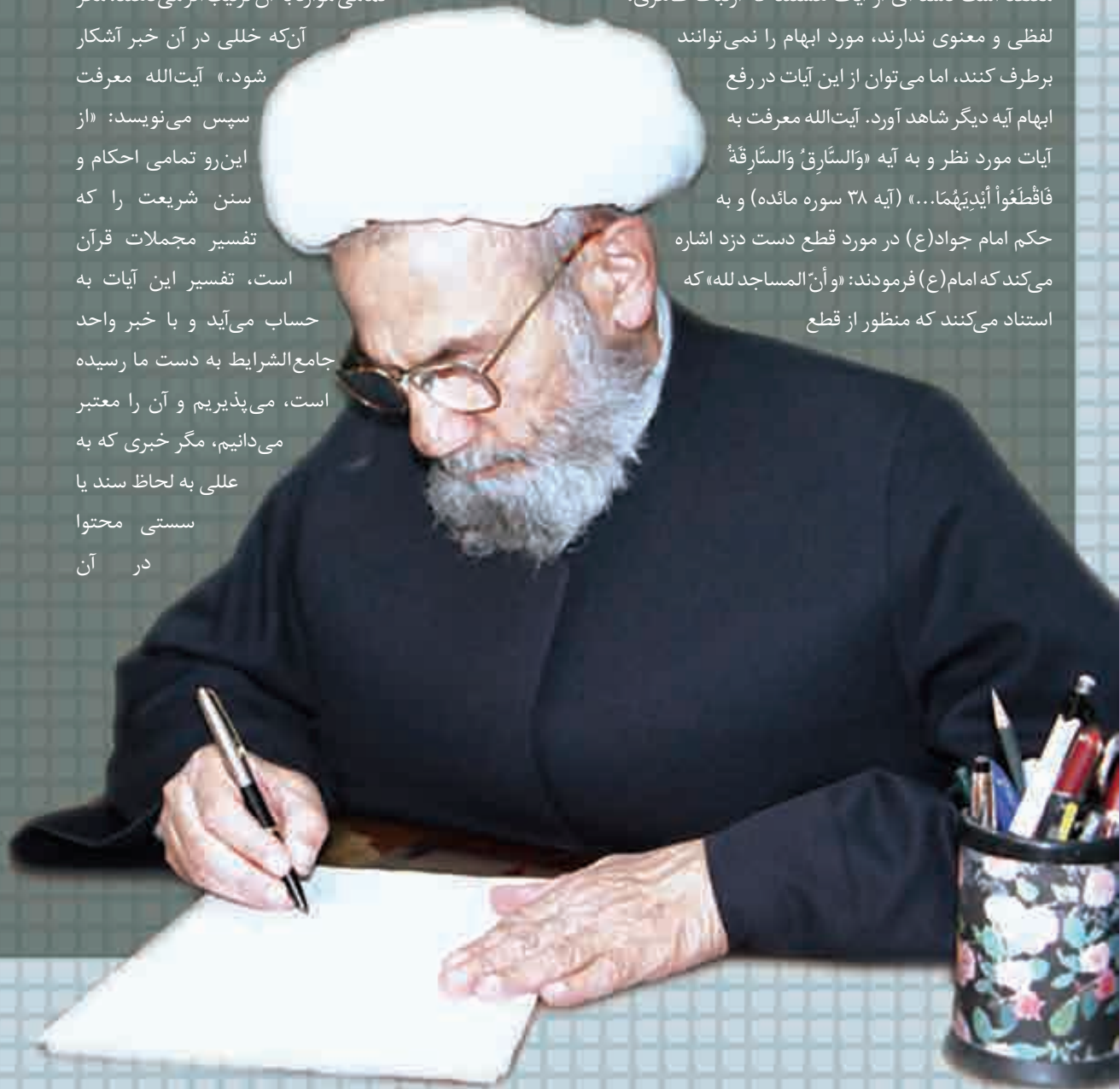
وی اظهار کرد: آیت‌الله معرفت آیات شب قدر را مثال می‌زند که در این آیات آمده است که قرآن را در شبی مبارک؛ یعنی در لیلۃ القدر ماه رمضان نازل کردیم، و استناد می‌کنند که این آیه با آیات دیگر روشن می‌شود و ما می‌توانیم به نتیجه برسیم. آیت‌الله معرفت معتقد است دسته‌ای از آیات هستند که ارتباط ظاهری،

لفظی و معنوی ندارند، مورد ابهام را نمی‌توانند برطرف کنند، اما می‌توان از این آیات در رفع ابهام آیه دیگر شاهد آورد. آیت‌الله معرفت به آیات مورد نظر و به آیه «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا...» (آیه ۳۸ سوره مائده) و به حکم امام جواد (ع) در مورد قطع دست دزد اشاره می‌کند که امام (ع) فرمودند: «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ» که استناد می‌کنند که منظور از قطع

دست، قطع انگشتان دست دزد است، نه قطع دست کامل؛ زیرا کف دست یکی از مواضع سجود است و این برای خداست و آن چیزی که برای خداست، بشر نمی‌تواند آن را قطع کند.

نویسنده کتاب الرسول (ص) یدعواکم به دیدگاه‌های آیت‌الله معرفت در مورد تفسیر روایی اشاره، و تأکید کرد: آیت‌الله معرفت در مورد اخباری که وارد شده است، در تفسیر روایی توجه دارد. همچنین وی در مورد حجیت خبر واحد در تفسیر، پس از مقدمه مفصلی که بیان می‌کند و جواب آیت‌الله خوئی را که بیان می‌کند که خبر واحد را علم تعبدی گرفته‌اند، نه تعبد به عمل، می‌دهد و می‌نویسد: «حجیت خبر واحد مستند به سیره و بنای عقلا است و عقلا خبر واحد را ثقه و اطمینان بخش و دلیل علمی می‌دانند و در تمامی موارد به آن ترتیب اثر می‌دهند، مگر

آن‌که خللی در آن خبر آشکار شود.» آیت‌الله معرفت سپس می‌نویسد: «از این رو تمامی احکام و سنن شریعت را که تفسیر مجملات قرآن است، تفسیر این آیات به حساب می‌آید و با خبر واحد جامع‌الشرایط به دست ما رسیده است، می‌پذیریم و آن را معتبر می‌دانیم، مگر خبری که به عللی به لحاظ سند یا سستی محتوا در آن





باطنی قرآن کریم معتقد بود. طبق احادیث و به فرموده پیامبر اعظم (ص) قرآن ظاهر و باطنی دارد، بلکه بطن‌های متعددی دارد. عده زیادی شاید به تفسیر ظاهری آیات بدون توجه به بطون آیات پرداخته باشند و بر اساس قرائن و ضوابطی که انجام می‌دهند، اگر تفسیر باطنیشان صحیح انجام گیرد، تفسیرشان بسیار خوب و صحیح است.

نویسنده کتاب رفتار دینی در جامعه مدنی تصریح کرد: آیت‌الله معرفت با توجه به شیوه‌ای که برگزید، همان راهی را که حضرت امام خمینی (ره) و علامه طباطبایی رفته بودند رفت و در تفسیرش تأیید کرد که قابل قبول است. در ارتباط با به دست آوردن مراحل بطن و تأویل آیات، آیت‌الله معرفت معتقد است که مراحل صحیح پی بردن به بطون قرآن عبارت است از جو یا شدن هدف آیه، سنجیدن هدف آیه با ویژگی‌های ذکر شده در متن آیه و آن چیزی که در تحقق یافتن هدف دخالت کند. آیت‌الله معرفت معتقد است اگر این موارد را نادیده بگیریم، مفهومی عام از بطن آیه برداشت می‌شود که مستقیماً در راستای هدف آیه قرار دارد و از ویژگی‌های ذکر شده در مورد آیه فراتر می‌رود و در موارد مشابه نزول آیه در هر زمان و مکان قابل تطبیق است. معیار صحت و درستی این برداشت در این است که مفهوم عام مستخرج از بطن آیه به گونه‌ای باشد که نزول آیه یکی از مصداق‌های شاخص آن مفهوم عام شود. اگر چنین نباشد و با ظاهر تنزیل تناسب نزدیکی نداشته باشد، چنین استخراج و استنباطی نادرست است و از قبیل تأویل باطل و تفسیر به رأی خواهد بود. همانند علامه طباطبایی و حسن عباس ذکی، آیت‌الله معرفت نیز این موارد را پذیرفت و این دو شرط و ضابطه را برای تأویل و بطن صحیح آورد.

وی در ادامه سخنانش به بررسی دیدگاه‌های تفسیر اشاری آیت‌الله معرفت پرداخت و گفت: در ارتباط با تفسیر باطنی و صوفیه، آیت‌الله معرفت تفسیر اشاری را پذیرفت. این نوع تفسیر دو نوع است: تفسیر صوفی نظری و تفسیر صوفی فیضی که در هر دو قسمت آیت‌الله معرفت دیدگاه‌های ذهبی را رد کرد و برایش قابل قبول نیست. همین اهمیت‌هایی که از دیدگاه‌های آیت‌الله معرفت عرض شد، قابل تأمل است که بتوانیم در این حوزه از نظریات بلندش استفاده کنیم و بهره‌مند شویم. یکی از آثار مدون آیت‌الله معرفت در زمینه روش‌های فراگیر و گرایش‌های تفسیری کتاب التفسیر و المفسرون است که بسیار اهمیت دارد و مطالب

مشهود باشد، که در آن صورت اعتبار ندارد.» بسیاری از شاگردان آیت‌الله خویی نیز در کتاب شناخت قرآن همین دیدگاه آیت‌الله معرفت را انتخاب کردند و پذیرفته‌اند.

نویسنده کتاب رفتار دینی در جامعه مدنی در ادامه سخنانش تصریح کرد: آیت‌الله معرفت می‌گوید که تفسیر عقلی یا اجتهادی؛ چون تکیه‌اش بر عقل و استدلال است، بیشتر از آن‌که بر نقل و آثار تکیه کند، تا معیاری بر نقد و پالایش داشته باشد، دلالت بر عقل رشید و رأی درست دارد. وی دگراندیشی‌های تفسیر تابعان را اجتهاد در تفسیر با تکیه بر تفسیر عقلی دانسته و می‌گوید: «آن‌ها که در مسائل قرآنی که به معانی صفات و اسرار آفرینش و احوال پیامبران و مثل آن‌ها بازگشت می‌کنند، اعمال نظر می‌کردند و آن‌ها را بر روش عقل عرضه می‌کردند و طبق حکم عقل رشید حکایت می‌کردند و چه بسا آن‌ها را به آنچه موافق فطرت سالم است، تأویل می‌کردند.» آیت‌الله معرفت در این رابطه به مدرسه مکه ابن عباس و مدرسه کوفه ابن مسعود به عنوان پیشگامان این روش اشاره می‌کند و مثال‌های متعددی را از تفسیر عقلی و اجتهادی آنان می‌آورد و می‌افزاید که تفسیر عقلی بعد از این‌ها به ویژه نزد معتزله و کسانی که راه آن‌ها را می‌رفتند که عقل را بر ظواهر نقلی مقدم می‌شمردند، رواج پیدا کرد و در هر یک از این تفسیرها و دیدگاه‌هایی که عرض شد با توجه به آرا و نظریات دیگران آیت‌الله معرفت نقدهایی داشته است.

اعتقاد آیت‌الله معرفت به تاریخچه کهن تفسیر اشاری

وی در ادامه به بررسی دیدگاه‌های تفسیر اشاری آیت‌الله معرفت پرداخت و گفت: در ارتباط با تفسیر اشاری، آیت‌الله معرفت مثل علامه طباطبایی معتقد است که این تفسیر تاریخچه‌ای بس کهن دارد و به قرن دوم و سوم هجری برمی‌گردد. این نوع تفسیر از زمانی که فلسفه یونانی به زبان عربی ترجمه و وارد فرهنگ اسلامی شد، در طول تاریخ فراز و نشیب‌هایی را داشت و مفسران با توجه به مذاهب مختلف اسلامی و عرفا و صوفیه هر کدام به گونه‌ای به این تفسیر پرداختند که نمی‌توان همه این رویکردها را یکسان بیانگریم و داوری واحدی را درباره آن‌ها داشته باشیم. برخی در این راه افراط کردند و به راه تفسیر به رأی و تأویل‌های بی‌دلیل افتادند، اما برخی از باطن قرآن بر اساس ضوابط صحیح استفاده کرده‌اند. آیت‌الله معرفت به روش صحیح

متنوعی را در زمینه گرایش‌های تفسیرش، از جمله گرایش‌های ادبی، اجتماعی و علمی دارد و عمده دیدگاه‌های بکرش در ارتباط با علوم قرآنی در این کتاب مطرح شده است. آیت‌الله معرفت می‌گوید که علوم قرآنی به دو گونه است؛ یکی علم درونی قرآن است که به آن علوم قرآن می‌گویند که شامل فقه، مسائل اعتقادی، کلامی، توحید و... است. همچنین علم بیرونی یا علوم قرآنی که در ارتباط با وحی، اعجاز، محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ و مسائل این چنینی صحبت می‌کند که در علوم قرآنی به تاریخ نزول قرآن کریم و اعجاز‌های مختلف توجه دارد که با توجه به روش تفسیری اش می‌گوید که باید توجه کنیم که این آیات با هم ارتباط ظاهری دارند با بدون ارتباط ظاهری هستند، در تفسیر قرآن به قرآن و تفسیر مآثور لازم است که این توجهات را داشته باشیم.

نسخ از دیدگاه آیت‌الله معرفت

نویسنده کتاب احیای قرآن؛ بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی (ره) در ادامه سخنانش گفت: نکات قابل توجه دیگر آیت‌الله معرفت در ارتباط با نسخ است. وی از جمله کسانی است که معتقد است نسخ به این معنایی که بسیاری از بزرگان معتقد هستند در قرآن صورت نگرفته است؛ چون نسخ به معنای لغوی عبارت است از ازاله و تغییر و ابطال و جایگزینی چیزی به جای چیز دیگر؛ مثلاً می‌گوییم نسخ‌الکتاب؛ یعنی با مقابله کتاب را نوشت و... نسخ گاهی به معنی ازاله و گاهی هم به معنای اثبات ضد آن در اصطلاح آمده است، اما در معنای دیگرش که انتقال و تحویل هست، به معنای این است که چیزی به جای چیز دیگر قرار گیرد. آیت‌الله معرفت معتقد است که نسخ شروطی دارد که اولاً باید منسوخ حکم شرعی باشد، دوم این‌که دلیل رفع حکم دلیلی شرعی باشد و سوم این‌که دلیل رافع متأخر از دلیل اول باشد و چهارم این‌که میان دلایل اول و دوم تعارض حقیقی وجود نداشته باشد و برای منسوخ و ناسخ هم شرایطی را مدنظر دارد.

نویسنده کتاب الرسول (ص) یدعوکم در ادامه سخنانش به دیدگاه‌های آیت‌الله معرفت درباره نسخ پرداخت و گفت: آیت‌الله معرفت می‌گوید که برای منسوخ شرایطی لازم است، اول این‌که حکم شرعی باشد نه حکم عقلی و استدلالی و اجتهادی، دوم این‌که محدود به زمان معینی نباشد؛ یعنی باید ظهور در استمرار داشته باشد و شرایط منسوخ به حکم دوم این است که متأخر از حکم اول باشد و تشریح آن از سوی شارع باشد، نه از عقل و اجماع، بلکه باید فقط از روی کتاب و سنت باشد. سوم این‌که دلیل منسوخ به همسانی و به همان دلیل منسوخ باید باشد و نه دلیل دیگری. همچنین آیت‌الله معرفت می‌گوید که شرط و دلیل ناسخ این است که شارع حکیم باشد که خداوند و پیامبران و ائمه (ع) هستند و نسخ تنها به حکم تعلق

می‌گیرد، نه لفظ آن. آن چیزی که رفع می‌شود، حکم است نه لفظ آیه؛ یعنی نسخ تلاوت نوعی تحریف است. آیت‌الله معرفت می‌گوید که نسخ در احکام دینی مجازی است و ظاهری، نه واقعی که مستلزم جهل و عدم علم خداوند نسبت به مسائل و مفاصل جهان باشد.

افتخاری اظهار کرد: آیت‌الله معرفت در اقسام نسخ می‌گوید که اول نسخ تلاوت و حکم است که روایتی از عایشه نقل شد که با حکم ۵ بار «عشر رضعات معلومات یحرمن» نسخ شده است. نسخ تلاوت به حکم را نداریم که مستلزم اعتقاد ما به تحریف قرآن خواهد بود که این هم ضمن این‌که خداوند در قرآن کریم به حفاظت از قرآن اشاره می‌کند و دلایل و شواهد دیگر نمی‌توانیم بپذیریم که این نسخ درباره قرآن صورت گرفته است. دوم این‌که نسخ تلاوت بدون حکم است که عده‌ای معتقد هستند که در سوره نور آیه رجم بوده که تلاوت آن نسخ شده است، ولی حکم آن باقی است که این هم باطل است؛ چون مایه تحریف خواهد بود که نمی‌توانیم تلاوت را نسخ کنیم، ولی حکم آن باقی مانده باشد. سوم نسخ حکم بدون تلاوت است که تنها موردی است که اتفاق افتاده است. آیت‌الله معرفت معتقد است که نسخ بر سه گونه است؛ نسخ حکم از طریق قرآن به قرآن، دوم از طریق قرآن به خبر متواتر و سوم از طریق قرآن به خبر واحد که از طریق قرآن به خبر واحد چنین نسخی اتفاق نیفتاده است؛ مثلاً سیوطی معتقد است که ۲۱ مورد نسخ در قرآن داریم، علامه شعرانی معتقد است که ۵ مورد نسخ داریم و آیت‌الله خوبی می‌گویند که ۱ مورد نسخ داریم و آیت‌الله معرفت نیز همین یک مورد را پذیرفت. آیت‌الله معرفت با توجه به این‌که ضرورت تلاش فرهنگی را در حوزه علوم قرآنی دید، بدون این‌که به فقه، اصول و فعالیت‌هایی که دیگر علما در حوزه فقهات دارند، بپردازد، به علوم قرآن توجه کرد. پیوستگی آیت‌الله معرفت به علوم قرآن و تفسیر و همچنین ضرورت بیان حقایق قرآنی و آموزه‌هایی که جامعه به آن‌ها نیاز داشت و مسلماً حوزه‌ای بوده که در آن کمتر کار شده است، باعث شد که وی با توجه به مقتضیات زمان و مکان آنچه را که لازم بود ارائه شود و نیاز جامعه ما اقتضاء می‌کرد، بیان کند.

این محقق و نویسنده اظهار کرد: آیت‌الله معرفت چه در زمانی که در نجف اشرف بود و یا زمانی که در حوزه قم بود. علاوه بر این‌که آثارشان گویای این است - بیشتر هم و غمّش را در حوزه علوم قرآنی و بیان حقایق قرآنی و روش‌های بسیار کارآمد و عملی و کاربردی در تفسیر قرآن به کار گرفت و به نکاتی اشاره کرد که تا این زمان شاید کمتر به این نکات توجه شده بود و از جمله نظریات بلندش در ارتباط با مسائل تفسیری و مسائل نسخ و علوم قرآنی است که جایگاه بسیار ممتازی برایش در حوزه علوم قرآنی و تفسیر باز کرده است، امیدواریم که قدرشناسان از این نظرات بتوانند بهره‌مند شوند و این نظرات را توسعه دهند.

عمل و اندیشه استاد معرفت؛ فرا زمان

وی در ادامه سخنانش زمان شناسی آیت الله معرفت را بسیار ارزنده و مفید خواند و تصریح کرد: آیت الله معرفت با توجه به این که انسان فرهیخته‌ای بود که فراتر از زمانش اندیشید و عمل کرد، آنچه را که احساس می‌کرد تکلیف است با همه توان انجام می‌داد؛ چون آگاهی و درک زمان از جمله ویژگی‌هایی است که یک انسان فرهیخته و به ویژه یک فقیه باید داشته باشد. انسان وارسته‌ای؛ مانند آیت الله معرفت تعبد داشت که بتواند مقتضیات زمان و مکان را درک کند و پاسخگو باشد. اسلام به عنوان یک دین جاوید مطرح است و برای زمان و مکان خاصی نیست و در حصار مکان و زمان نمی‌گنجد؛ لذا لازم است که نیازهای روز را از متن و بطن آیات و روایات استنباط و عرضه کنیم تا این که بتوانیم اقتدار مدیریت و سازمان دهی و برنامه‌های راهبردی را برای دین و قرآن که معجزه جاوید است، عرضه کنیم و پاسخگوی مسائل روز باشیم. دین ما و معجزه جاوید آن، آخرین دین و کتاب آسمانی، و پیامبر اسلام (ص) آخرین پیامبر هستند و لذا آیت الله معرفت این اهتمام را داشت که با توجه به شرایط زمان و مکان، موضوعات مبتلابه جامعه و خواست‌ها و نیازهای جامعه را درک کند و پاسخگو باشد. از جمله اقدامات وی این بود که با توجه به ضرورت تشکیل حکومت در عصر غیبت و مسئله ولایت فقیه و شبهاتی که بسیاری از مخالفان علی‌الخصوص وهابیان وارد کرده بودند، همچنین شبهاتی که از سوی مستشرقان به ویژه در علوم قرآنی وارد شد؛ مانند افسانه غرانیق و... را با دقت پاسخ گفت و کتاب‌های مختلفی؛ مانند ولایت فقیه را نوشت.

مدرس دانشکده اصول دین تأکید کرد: دشمنان با توجه به عنادی که با دین اسلام و مسلمانان دارند و کینه و کدورتی که با اسلام دارند از این شبهات بهره می‌گیرند و این‌ها را علیه دین و مذهب ما دستاویز قرار می‌دهند که کتاب‌های مختلفی در این باره نوشته شده است، از جمله کتب ضاله آیات شیطانی و باز شناسی قرآن کریم و... این‌گونه کارها از اندیشه‌های ناصوابی نشأت می‌گیرد که عده‌ای از مغرضان و مسلمانان منافق و نادان به ویژه وهابیان دارند، آیت الله معرفت در رفع این شبهات بسیار موفق بود و امیدواریم که بقیه هم با توجه به درک زمان تلاش کنند. عده‌ای از دانشمندان هستند که علی‌رغم این که انسان‌های فهیمی هستند، اما ممکن است از زمانه عقب باشند، عدم درک زمان بیشتری آسیب را در گرفتار شدن در خطاها و لغزش‌های فراوان ایجاد کرده است و باعث می‌شود که در دامن بسیاری از انحرافات و بدعت‌ها بیافتیم. شیوه‌ای که آیت الله معرفت در پاسخ به شبهات برگزید، همان شیوه معرفی شده قرآن

کریم برای دعوت، انذار، تبشیر و امر به معروف و نهی از منکر و موارد پیام‌رسانی است که در قرآن کریم و روایات بر رعایت آن‌ها سفارش شده است، وی چون عمری را در مطالعه قرآن و روایات صرف کرده است؛ تمام خلق و خویش قرآنی شده و نمی‌تواند خارج از این مجموعه اخلاقی باشد. خداوند در قرآن کریم به حضرت موسی (ع) و هارون (ع) می‌فرماید: «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى؛ و با او سخنی نرم گوید شاید که پند پذیرد یا برسد.» امر شده است به حضرت موسی (ع) و حضرت هارون (ع) که اگر به نزد شخصی مثل فرعون هم می‌روید به صورت ملایم و آرام و با حفظ کرامت صحبت کنید، شاید او پند گیرد و سفارشات زیادی شده است که با متانت و سعه صدر و با تکرار و توجه به فنون و صنایع آموزشی و ضرب‌المثل‌ها و بیان به اندازه درک و عقل و فهم مخاطب و همچنین شواهدی که قابل لمس و طرح است، با مخاطب سخن بگویید.

افتخاری تصریح کرد: آیت الله معرفت از این امتیازات استفاده می‌کرد و با توجه به دلایل عقلی و نقلی که مطرح بوده و بسیاری از اخبار و روایاتی که آمده بسیار متین در پاسخ به شبهات برخورد می‌کرد که جبهه مخالف از ادب و متانت او شرمند می‌شوند و کینه و خصومت در ارتباط با مناظرات و مجادلات پیش نیاید که یک طرف فکر کند که برنده است و طرف دیگر فکر کند که بازنده است، تمام سعی و تلاش بر این بوده که یک تلاش دو جانبه برای روشن شدن حقایق باشد و همکاری دوستانه و برادرانه و با افکار و اندیشه واحد و با توجه به اندیشه‌های واحدی که معتقد هستیم و به قدر مسلم به آن‌ها ایمان داریم با توجه به همان اعتقادات مطرح می‌کردند که مشکلات جانبی را نداشته باشد که موفق هم بود. در مورد نزول قرآن اقوال مختلفی هست، عده‌ای معتقدند که نزول قرآن دفعی بوده و بر قلب پیامبر (ص) نازل شده است، و بعد بر حسب نیاز به مرور زمان با توجه به مقتضیات زمان و شرایطی که ایجاد می‌کرده، مطرح شده است، عده‌ای هم معتقدند که این شاید القای معانی بوده و القای الفاظ بر حسب شرایط و نیاز بود، همچنین برخی معتقدند که به صورت دفعی بوده، ولی به صورت تدریجی باز هم نازل، گفته و قرائت و بعد ابلاغ شده است.

افتخاری اظهار کرد: مطرح است وقتی که وحی نازل می‌شود و جبرئیل (س) می‌خواسته آیات را ابلاغ کند، پیامبر (ص) بعضی وقت‌ها شتاب‌زده عمل می‌کرد پس آیه‌ای نازل شد که هیچ عجله‌ای نکن، صبر کن تا آیه ابلاغ شود و بعد شما بیان کنید. این نشان می‌دهد که آیات به صورت تدریجی آمده و بر حسب نیاز بوده، به خاطر این که با تکرار تأثیر بیشتری خواهد داشت؛ چون اگر یک دفعه می‌آمد، این تأثیر را نداشت که در مدت ۲۳ سال آمده است و در اثر نیازها و حوائجی که برای مردم پیش می‌آمده، نازل می‌شده است و این که دفعتاً نازل شده است.

روش تفسیری آیت‌الله معرفت جامع اجتهادی است

شخصیت علمی و اخلاقی آیت‌الله معرفت هست که فکر می‌کنم در جامعه علمی برای اساتید و دانشجویان قابل توجه باشد. یکی از نکات شخصیتی آیت‌الله معرفت بحث آزاداندیشی است که امروزه هم مورد نیاز جامعه علمی است؛ فارغ از برداشت‌های ناقص یا غلطی که از موضوع آزاداندیشی می‌شود. در شخصیت آیت‌الله معرفت نقاطی قابل توجه است که فکر می‌کنم رویکرد درست درباره آزاداندیشی را به ما نشان می‌دهد.

اسعدی اظهار کرد: با توجه به این‌که آیت‌الله معرفت عالم سنتی حوزه بود و در حد اجتهاد مراحل را طی کرده بود، اما در حصار محدودی از معلومات حوزوی گرفتار نشد و سعی کرد که فکرش را به صورت باز دنبال کند و تفکر و تعمق داشته باشد؛ در حوزه فقهی، تفسیری و بعضی از مسائل اجتماعی. استاد معرفت تعلق به هیچ جریان و حزب خاصی نداشت، در عین حال با متفکران جریان‌های مختلف سنتی و روشنفکری دوست بود و ارتباط فکری داشت، حتی این ارتباط اختصاص به محیط‌های حوزوی نداشت و محیط‌های دانشگاهی را هم یکی از عرصه‌های فکری و علمی خویش تلقی می‌کرد و به صورت فعال در دانشگاه‌ها حضور پیدا می‌کرد.

وی تقریب‌گروی را از صفات بارز آیت‌الله معرفت دانست و گفت: یکی دیگر از عناوینی که می‌شود در باب شخصیت آیت‌الله معرفت عنوان کرد، بحث تقریب‌گروی است. در حوزه مباحث اسلامی یکی از نیازهای بسیار عمده روز ما تقریب‌گروی است، به این معنا که علما و دانشمندان به نسبت فرقه‌ها و مذاهب مختلف اسلامی توجه داشته باشند. آیت‌الله معرفت از جمله علمای برجسته‌ای است که اگر بخواهیم کارش را از زاویه تقریب‌گروی در نظر بگیریم، مشابه طبرسی در مجمع‌البیان در حوزه تفسیر است. اگر مجمع‌البیان را بررسی و ملاحظه کنیم، مرحوم طبرسی آگاه و آشنا به آرای مختلف مذاهب اسلامی از سنی‌ها، صحابه و دیگران بود. آیت‌الله معرفت در حوزه تفسیر و علوم قرآن این رویکرد را دنبال کرد که رمز موفقیت وی هم همین بود و این عاملی شد برای این‌که



اگر از آثار استاد معرفت بخواهیم روش تفسیری مورد نظرش را دریابیم، همان تفسیر جامع اجتهادی است؛ یعنی از همه روش‌ها و گرایش‌ها استفاده می‌کند.



حجت‌الاسلام و المسلمین «محمد اسعدی»، عضو هیئت علمی گروه قرآن پژوهی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ضمن بیان این مطلب درباره آیت‌الله معرفت، گفت: با توجه به این‌که چند ترمی را در خدمت آیت‌الله معرفت حضور داشتم و از بیانات و مباحث استفاده کردم و شاگرد مستقیم وی بودم، نکاتی در مورد

آثارش ماندگار شود.

نزدیک تر بودند، بهتر می توانند در این باره توضیح دهند، اما آن

وی التمهید و التفسیر الأثری الجامع را از آثار با رویکرد

چیزی که برای بنده قابل توجه است این بود که آیت الله معرفت

تقریب‌گروی دانست و تصریح کرد: در التمهید و

نسبت به مسائل علمی، فروتنی خاصی داشت و از

التفسیر الأثری الجامع استاد معرفت این رویکرد را

این‌که پاسخگوی سؤالات معمولی دانشجویان و

دارد که همین دیدگاه چه بسا مورد انتقاد کسانی که با

طلاب پایه‌های پایین باشد، ابایی نداشت و به طور

دیدگاه‌های بسته‌تری به این حوزه نگاه

جدی وارد گفت‌وگومی شد. روحیه

می‌کردند، واقع شد.

طلبگی و حوزوی خاص

آیت‌الله معرفت نسبت به
مسائل علمی، فروتنی
خاصی داشت و از این‌که
پاسخگوی سؤالات معمولی
دانشجویان و طلاب
پایه‌های پایین باشد، ابایی
نداشت و به طور جدی وارد
گفت‌وگومی شد

شاگردپروری؛ ویژگی بارز

آیت‌الله معرفت

حجت‌الاسلام اسعدی، شاگردپروری را از

خودش را داشت که با

مردم کوچه و بازار نشست و

برخواست داشت و به مسجد می‌رفت و پاسخگوی

سؤالات جزئی مردم و دانشجویان بود. در ارتباط با

تواضع علمی نکته جالب این است که آیت‌الله معرفت

آثار خودش را در واقع حرف آخر تلقی نمی‌کرد و گامی در مسیر

پیشبرد علم می‌دانست؛ لذا گاه نقدهایی را بر آثارش می‌پذیرفت و

به ویرایش و اصلاح کتاب خود می‌پرداخت. نمونه آن را می‌توان در

مسئله نسخ مشاهده کرد که در اواخر حیاتش کتاب التمهید را

بازبینی کرد و بعضی از مسائل علمی را با جسارت و شهادت تمام

بازبینی کرد، از جمله مسئله استعمال لفظ در اکثر از معنا را.

عضو هیئت علمی گروه قرآن پژوهی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

گفت: نکته‌ای که در مورد آیت‌الله معرفت می‌توان گفت غیرت

علمی وی است. غیرت علمی به این معنا است که يك عالم، حضور

عالم‌نماها را در جامعه علمی برنتابد و در مقابل آن‌ها موضع بگیرد.

ثانیا يك عالم با توجه به غیرت علمی نسبت به حریم علم

پاسبان باشد و دانشمندان واقعی را ارج‌گذاری

کند. آیت‌الله معرفت این هر دو جنبه سلبی و

ایجابی را داشت و نسبت به عالم‌نماها در جامعه

روشنفکری حساسیت داشت،

اگر حتی در بعضی از

همایش‌ها و کنفرانس‌های

علمی متوجه می‌شد که بعضی از

عالم‌نماهایی که سابقه علمی درستی ندارند و

ادعای روشنفکری دارند، حضور خواهند داشت، از

حضور در این کنفرانس‌ها اجتناب می‌کرد و در مقابل

هیچ‌گونه توهین و تحقیری را نسبت به علمای راستین و علمای

گذشته حوزه بر نمی‌تابید. بارها در کلاس درس برای ما ملموس

بود که این جنبه ایجابی را نسبت به حفظ حریم عالمان راستین از

خودش نشان می‌داد.

صفات بارز آیت‌الله معرفت دانست و در این باره تشریح

کرد: نکته سوم درباره شخصیت آیت‌الله معرفت شاگردپروردی

بود. شاگردپروری طبیعتاً در حوزه اخلاق استادی می‌گنجد و

آیت‌الله معرفت این صفت را داشت. در طول مدتی که در خدمت

وی بودم، کاملاً این حس ملموس بود که دسترسی به ایشان کاملاً

به راحتی امکان‌پذیر بود؛ یعنی بر خلاف بعضی از اساتیدی که

عمدتاً در دانشگاه‌ها دانشجویان با آن‌ها برخورد می‌کنند و فقط در

کلاس درس می‌شود از آن‌ها استفاده کرد، آیت‌الله معرفت ساعات

مختلفی را در خارج از درس به راحتی برای شاگردان اختصاص

می‌داد، در مسجد و حتی در منزل به اشکالات و سؤالات

دانشجویان و طلبه‌ها اهمیت می‌داد. بارها حتی بعد از جلسات

پرسش و پاسخ با سؤال‌کنندگان صحبت می‌کرد و از افرادی

که سؤالات خوبی مطرح می‌کردند، تقدیر می‌کرد.

بعضی از اساتید هستند که فارغ از بحث درس و

استاد و شاگردی فقط در قالب درس‌های رسمی

پاسخگوی دانشجویان و

طلبه‌ها هستند، اما

آیت‌الله معرفت فارغ از این

چارچوب پاسخگوی سؤالات بود و

تشویق‌کننده محققانی بود که به وی مراجعه

داشتند.

آیت‌الله معرفت آثار خودش
را در واقع حرف آخر تلقی
نمی‌کرد و گامی در مسیر
پیشبرد علم می‌دانست؛ لذا
گاه نقدهایی را بر آثارش
می‌پذیرفت و به ویرایش و
اصلاح کتاب خود می‌پرداخت

تواضع، سخت‌کوشی، غیرت علمی آیت‌الله معرفت

اسعدی، تواضع علمی را صفت بارز آیت‌الله معرفت عنوان

درباره آن گفت: ویژگی چهارم شخصیت آیت‌الله معرفت تواضع

علمی و عملی‌اش بود، به لحاظ اخلاقی افرادی که به نوعی به وی

وی در

جایگاه علمی او

ادامه سخنانش

و کنفرانس‌ها

سخت‌کوشی علمی را از دیگر

سخنرانی‌های متعددی دارد.

صفات وی دانست و اظهار کرد: نکته

حجت‌الاسلام اسعدی نگارش کتاب

بعدی در مورد شخصیت آیت‌الله معرفت،

جامعه مدنی را نیز بر اساس همین رویکرد دانست و

سخت‌کوشی علمی وی بود، به این معنا که عالم و

تأکید کرد: کتاب جامعه مدنی نیز به طور خاص در

استاد خود را فقط منحصر در چند لحظه و دقیق و

دورانی که این مفهوم اهمیت پیدا کرده بود، از نگاه یک

ساعاتی که در کلاس حضور دارد، نداشته باشد. شاید این

حوزوی تدوین شد و این نشان دهنده زمان‌گرایی آیت‌الله معرفت

تعبیر برای آیت‌الله معرفت شایسته و به جا باشد که وی موقوفه

و محدود نشدن به پرسش‌ها و نیازهای علمی گذشته است. قطعا

خدمت اسلامی در عرصه‌های علمی بود و خود را وقف خدمت

شناخت شخصیت جامعی مانند استاد معرفت نیازمند گفت‌وگو با

اسلامی کرد، چه در کلاس‌های درسی که در دانشگاه قبول

عموم شاگردان و کسانی است که با وی در ارتباط بودند و بنده در

می‌کرد و چه در حوزه و چه در مسجد و منبر. بازنشستگی برای

حد محدودی که در خدمتشان بودم و شاگردی کردم، توانستم

آیت‌الله معرفت مفهومی نداشت، در شرایط سخت جسمی و بعد

نکاتی را عرض کنم. قبل از این‌که آیت‌الله معرفت استاد بنده

از جراحی‌های حادی که داشت در محافل علمی و جلسات درس

باشد، در دوره کارشناسی ارشد تحقیقی درباره بحث پلورالیسم

حضور می‌یافت.

دینی ارائه کردم، با توجه به این‌که بنده شاگردش نبودم و به

آیت‌الله معرفت خود را منحصر در آموخته‌ها و سؤالات نسل

مباحث تحقیقی و مطالعاتی هم مرتبط نبود و همچنین بدون

گذشته نمی‌کرد

این‌که هیچ سابقه انس و آشنایی باشد به ذهنم رسید که با استاد

وی زمان‌گرایی را از دیگر صفات شخصیتی آیت‌الله معرفت

معرفت صحبتی داشته باشم، جزوه تحقیقی جزئی‌ام را که

دانست و گفت: یکی دیگر از نکات مهم در مورد شخصیت آیت‌الله

چندان هم اهمیت نداشت، نه به لحاظ علمی و نه به لحاظ

معرفت بحث زمان‌گرایی بود، به این معنا که آیت‌الله معرفت خود را

دانشگاهی، خدمت استاد معرفت بردم، بسیار با سعه صدر

منحصر در آموخته‌ها و سؤالات نسل گذشته نمی‌کرد، بلکه به

برخورد کرد، جزوه را گرفت و آدرس داد که به منزلش بروم تا

مشکلات علمی زمان توجه داشت و طبیعتاً در حوزه تحقیقاتی این

جواب را بگیرم، چند روز بعد مراجعه کردم، خودش آمد و جزوه را

نیاز ملموس بود که به کتب علمی معاصر مراجعه داشت و کتابخانه

آورد و بسیار بسیار تشویق و ترغیب کرد.

غنی منزلش مشتمل بر جدیدترین و به روزترین آثاری بود که در

وی افزود: از این قبیل برخوردها برای من خیلی جالب بود،

جامعه علمی مرتبط با موضوعات مورد نظرش امکان دستیابی بود.

استادی که استاد عالی حوزه و دانشگاه بود و مسلماً وقت برایش

اسعدی در ادامه سخنانش ارتباط با مجامع علمی جهان را از

خیلی گران‌بها تر از آنی بود که برای طلبه و دانشجو صرف کند، اما

دیگر فعالیت‌های علمی آیت‌الله معرفت دانست و گفت: آیت‌الله

این‌گونه به طلبه‌ها و دانشجو پانث اهمیت می‌داد. دغدغه کلی و

معرفت با کشور مصر در ارتباط بود و جدیدترین کتب منتشر شده

مهم آیت‌الله معرفت به روز کردن معارف قرآنی و پاسخ‌گویی به

آن کشور برایش ارسال می‌شد و آثارش نیز بر اساس همین

سؤالات و شبهاتی بود که در جامعه امروز علمی با آن‌ها برخورد

رویکرد نوشته شده است. کتاب شبهات و ردود ناظر به شبهات

داشت. به همین خاطر خیلی تأکید داشت که آثار روز علمی در

معاصر هم هست و کتاب ولایت فقیه نیز شامل مسائلی است که

خصوص معارف قرآن، تفسیر و علوم قرآنی را حتما در اختیار

جامعه معاصر به آن احتیاج دارد. همچنین در بحث زن و تکریم

داشته باشد. طبیعتاً همان طور که مستحضر هستید اثر قیم

آیت‌الله معرفت با نام التمهید فی علوم القرآن است که در واقع در

دوران رکود

مباحث علوم قرآنی

نوشته شد و آیت‌الله معرفت

همت کرد و وقت زیادی را روی این

مسئله گذاشت و تا مدت‌ها مجلدات تکمیلی

آن منتشر می‌شد، این اثر برجسته‌ای است که لقب

«احیای علوم قرآنی در حوزه» را موجه کرده است.

اسعدی خاطر نشان کرد: طبیعتاً کتاب‌های مختصر،

پراکنده و بعضاً مطبوع و یا غیر مطبوع وجود داشته است، اما

آیت‌الله معرفت این موارد را به عرصه آورد و خودش به عنوان

معلم علوم قرآن در حوزه در درس‌های عمومی حوزه حاضر شد و

این دروس را تدریس کرد و این منشأ آثار و برکات زیادی شد که

کارهای بعدی هم از طرف شاگردان و دیگر اساتید را به دنبال

داشت. طبیعتاً نوآوری مفهومی نسبی دارد، با توجه به این

مفهوم از نوآوری که در عرف جامعه علمی کشور به آن پرداخته

می‌شود و طبیعتاً مورد محک و بررسی قرار می‌گیرد، یکی از

مهم‌ترین نوآوری‌های آیت‌الله معرفت مبحث بطن و تأویل قرآن

است. نظریه آیت‌الله معرفت درباره بطن و تأویل قرآن اهمیت

دارد، این نظریه هم تکیه بر روایات اهل بیت (ع) دارد و هم با نگاه

عرفی و عمومی در مورد زبان قرآن قابل توجیه است و نگاه

تعبدی صرف و غیر قابل فهم به زبان قرآن ندارد، با روش‌های

رایج در زبان‌شناسی هم قابل طرح است. آیت‌الله معرفت بیشتر

درباره نظریه بطن و تأویل قرآن نکاتی را مطرح و مباحث مفیدی

را ارائه کرد و باعث شد در ردیف نظریه‌های قابل اهتمام و اعتنا

مطرح شود. آیت‌الله معرفت درباره نوع خاصی از حجیت تفاسیر

صحابه و تابعان نظر قابل توجهی داشت، بر خلاف برداشت

بعضی‌ها که تصور کردند آیت‌الله معرفت از حجیت تفاسیر و

روایت صحابه و تابعین، آن نگاه روایت‌گرایانه افراطی اهل سنت

را دارد.

وی افزود: برخلاف این دیدگاه وقتی آیت‌الله معرفت از

حجیت آرا و تفاسیر صحابه و تابعین یاد می‌کند، در واقع تعبیری

دارد که افق‌گشا و راهگشا است، نه به حجیت تعبدی به معنای

خاص حوزوی و اصولی آن، بلکه حجیت به این معنا که برای ما

قابل اعتنا

هست، با توجه به

این‌که بزرگان از صحابه که

به تعبیر خودش شرف اخوت را

لکه‌دار نکردند و از عدالت ساقط نشدند؛ مثل

عبدالله بن مسعود، ابی بن کعب، ابن عباس و

این اهمیت دارد که در يك محیط شیعی با توجه به

رفتارهای غلط بعضی از صحابه که نگاه منفی نسبت به آن‌ها

وجود دارد، این نگاه تسری پیدا نکند به جنبه‌های علمی بزرگان

صحابه. این امری بود که آیت‌الله معرفت مطرح کرد و انتقادات

زیادی را هم متحمل شد و به خاطر این بود که این مفاهیم

درست تقریر نشده بود. این مطلب قابل توجه است با توجه به

این‌که این رویکرد از مرحوم طبرسی به یادگار مانده از تراش

تفسیری شیعه است و متکی به این نظریه هست و شاید مبلغ

اصلی آن در عصر حاضر مرحوم آیت‌الله معرفت باشد.

این محقق و مدرس دانشگاه اظهار کرد: طبیعتاً التفسیر

الأثری الجامع مبنای فکری در حوزه تفسیر پژوهی دارد و آن

اصل حجیت روایات تفسیری است. حجیت روایات تفسیری دو

معنا دارد: يك معنا حجیت تعبدی است که اختصاص به

معصومین (ع) دارد و آیت‌الله معرفت با توجه به منبع فکری و

مذهبی‌اش به این امر کاملاً پایبند بود و حجیت تعبدی روایات

تفسیری معصومین (ع) را قبول داشت. بحث دیگر حجیت

غیرتعبدی است، حجیت به معنایی که قبلاً عرض کردم، حجیت

به معنایی که برای ذهن مفسر راهگشا است، تا زمانی که معنایی

را از روایت صحابی به دست آورد، این معنا را بر قرآن عرضه کند و

مورد ارزیابی قرار دهد تا به نتیجه برسد. آیت‌الله معرفت با هر دو

معنا از حجیت روایات وارد نگارش التفسیر الأثری الجامع شد

که بتواند روایت‌های موجود بدون تحلیل و نقادی و زبان‌شناسی

نگارش یافته را به تحلیل و بررسی بگذارد.

عضو هیئت علمی گروه قرآن پژوهی پژوهشگاه حوزه و

دانشگاه در ادامه سخنانش گفت: رویکرد کلی و مبنایی کار

آیت‌الله معرفت این بود، اما متأسفانه موفق نشد کل کار را انجام

دهد، ولی شاگردانش کار را دنبال کردند و مجلدات را بر اساس

یادداشت‌ها و تکمیلات خودشان تکمیل کردند. نکته‌ای که هست این‌که نباید شخصیت تفسیری آیت‌الله معرفت را در التفسیر الأثری الجامع خلاصه کرد. این حوزه را چون خالی دید، به این حوزه پرداخت، وگرنه اصل تفسیری که کتاب التمهید مقدمه‌ای برای آن تفسیر است، بسیار گسترده‌تر و عام‌تر بوده و مفسر خواسته تنها جنبه روایی را تجزیه و تحلیل کند که در این کتاب منعکس کرد. اگر اکنون از آثار استاد معرفت بخواهیم روش تفسیری مورد نظرش و یا مورد تأییدش را در نظر بگیریم، با توجه به اصطلاحاتی که در عرف تفسیر پژوهان و در کتاب التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب منعکس شده همان تفسیر جامع اجتهادی است؛ یعنی از همه روش‌ها و گرایش‌های مختلفی که می‌تواند در خدمت تفسیر باشد، استفاده می‌کند و ثاباً به بعد خاصی از ابعاد تفسیری گرایش ندارند، نه روایت تنها ملاک تفسیر خواهد بود و نه بحث عقلی و عرفانی. همه این‌ها می‌تواند گوشه و جنبه‌ای از ابعاد معارف قرآن را تأمین کند.

اسعدی در ادامه سخنانش در بررسی جایگاه

آیت‌الله معرفت و آثارش در میراث مکتوب شیعه اظهار کرد: بسیاری از تراث مکتوب شیعی در حوزه‌های مختلف، چاپ نشده باقی مانده است و در این ارتباط محققانی که در حوزه فهرست‌شناسی و منبع‌شناسی کار کردند و یا منابعی را در اختیار دارند باید وارد عرصه شوند. به طور خاص تا آنجایی که بنده اطلاع دارم، کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی منابع متعددی در این حوزه در اختیار دارد که می‌توان بررسی و فهرست‌گیری کرد. ولی از آنچه که موجود است، اگر جامع‌ترین و کامل‌ترینش را نادیده بگیریم که کار تفسیری مجمع البیان فی علوم القرآن اثر مرحوم طبرسی است؛ یعنی غیر از هدف اصلی تفسیر که مدنظر طبرسی بوده، زوایا و ابعاد مختلفی از علوم قرآن در این کتاب گنجانده شده است را نادیده بگیریم، آنچه که به صورت مستقل و با این

حجت‌الاسلام اسعدی گفت: يك بار بنده بحث ترجمه را خدمت آیت‌الله معرفت مطرح و پیشنهاد کردم که برای انتشار قرآن از ترجمه آیت‌الله معرفت استفاده کنیم، برای این کار باید ترجمه‌ای از او دریافت می‌کردیم، آیت‌الله معرفت گفت: «ترجمه‌های مختلفی نوشته شده، اگر دوباره کسی بخواهد به صورت فردی و با این سبک و سیاق گذشته دست به کار



خلاف برخی از نویسندگان و محققان از بستر اجتهاد حوزه برخاست و مباحث علوم قرآنی را سامان داد که این نکته و ویژگی برجسته‌ای است. جهتی هم که باعث شد استاد معرفت در حوزه علوم قرآن وقت بیشتری را بگذارد، همان بحث زمان‌شناسی و احساس نیازی بود که داشت. منتهی با توجه به جامعیت و گستردگی ابعاد علمی آیت‌الله معرفت، بحث و جلسات فقهی را هم مرتباً برگزار می‌کرد و این مباحث به صورت هفتگی در منزلش برگزار می‌شد. همچنین در این اواخر رساله‌ای از فتاوایشان منتشر شد، عملاً هم پاسخگوی مسائل شرعی بود و هم در حوزه نیازهای روز پاسخگو بود. در حوزه مباحث کلامی هم بیشتر عمده مباحث کلامی وی در بحث محکم و متشابه منعکس شد، اما تا جایی که بنده اطلاع دارم آثار کلامی آیت‌الله معرفت هم منتشر شده که شامل جلسات، همایش‌ها و طرح‌های علمی است که خودش در آن‌ها شرکت کرده بود.

حجت‌الاسلام اسعدی در پایان سخنانش گفت: آیت‌الله معرفت نزول دفعی قرآن به معنای متداول و رایج را نمی‌پذیرفت و پیرو دیدگاهی بود که نزول دفعی قرآن را قبول نداشت و معتقد بود که اصل باور قرآن به صورت دفعی فارغ از چند روایتی که به لحاظ سندی قابل تأمل است، بیشتر رویکرد و نگاه عرفانی را به حوزه وجود و ماهیت قرآن و وحی و نزول قرآن دارد. آیت‌الله معرفت چندان موافقتی با صاحب‌نظران این حوزه نداشت؛ لذا بحث نزول دفعی را نمی‌پذیرفت.

حجم عظیم و وسیع در حوزه علوم قرآن در تفکر شیعه وجود دارد، اثر قیم آیت‌الله معرفت با عنوان التمهید است.

استاد معرفت با تکیه بر نگرش کلامی اهل بیت(ع)

رویکرد عقلی روایی را دنبال کرد

اسعدی در ادامه سخنانش به بررسی مباحث کلامی در جلد سوم التمهید که بحث محکم و متشابه است، پرداخت و تصریح کرد: آیت‌الله معرفت بحث محکم و متشابه را مطرح می‌کند که این بحث عرصه و قدمگاه اصلی مباحث کلامی است و رویکرد کلامی متکلمان مختلف را نشان می‌دهد. آیت‌الله معرفت با تکیه بر نگرش کلامی اهل بیت(ع) رویکرد عقلی روایی را دنبال کرده، به این معنا که نه معتزلی صرف و نه روایت‌گرای صرف است. با توجه به آثاری که از اهل بیت(ع) و به طور خاص امیرالمؤمنین(ع) در مورد تحلیل متشابهات در دسترس است، آیت‌الله معرفت مباحث تأویل متشابهات را در جلد سوم التمهید مطرح کرد، ضمناً در بیان بعضی از تأویلات، توجیهاات عقلی دانشمندان عقل‌گرای شیعه را مطرح و تحلیل جدیدی از آن ارائه داد.

عضو هیئت علمی گروه قرآن پژوهی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در ادامه سخنانش به حوزه‌های فقه و کلام آیت‌الله معرفت اشاره و اظهار کرد: در حوزه فقهی اهمیت کارهای آیت‌الله معرفت این بوده که بر

چکیده‌ای از مطالب فصل چهارم

می‌دهد و نظرات شیعه را به طور سلسله‌وار به رخ طرف مقابل می‌کشد و نظرات دانشمندان منصف اهل سنت را که می‌گویند شیعه قائل به تحریف نیست تذکر می‌دهد و کاملاً با رویکردی که این شبهه از ریشه زده شود و با یک برخورد عالمانه و فنی و همه جانبه پاسخ‌گوهست.

جلد هشتم و نهم التمهید اثر استاد معرفت، التفسیر و المفسرون فی ثبوت القشيب، در نقد التفسیر و المفسرون ذهبي است که با نگاه شیعی به مسئله تعریف تفسیر و تأویل، رابطه تأویل و تفسیر، نقش پیامبر (ص) در تفسیر، نقش صحابه در تفسیر، صحابه مهم در تفسیر و تابعان پرداخت. در این حلقه و زنجیره تحقیق‌ها، یک حلق مفقوده وجود داشت، و آن جایگاه اهل بیت (ع) در تفسیر بود. استاد معرفت وقتی این سیر تبعی را در جلد اول التفسیر و المفسرون خود تمام کرد و پا به پای ذهبی جلو رفت، بخش آخر جلد اول را اختصاص به نقش اهل بیت در تفسیر داد. در آنجا با بیان نمونه‌هایی ارزش و والایی مکتب اهل بیت (ع) را در تبیین و تبلیغ قرآن و معارف قرآنی به خوبی نشان داد.

رویکرد کلی بود که به مکتب شیعه در تفسیر قرآن داشت - مثلاً در بحث تأویل آن تأویل مصداقی شیعه را که از آن به تطبیق یاد می‌کنیم، توجه کرده است - و وقتی به بحث صحابه رسید و تفسیر را توضیح داد و در آنجا بیان کرد آن حلقه اصلی تفسیر که سلسله مفسران به او وصل می‌شود، علی بن ابیطالب (ع) است و لذا او مرجع تفسیری است. صحابی نحل‌های در عملیات تفسیر، از موالیان و شیعیان و ارادت‌مندان امیرالمؤمنین (ع) هستند که عبدالله بن مسعود، عبیدالله بن کعب، عبدالله بن عباس نام دارند و سه شخصیتی هستند که زیر نظر حضرت امیر (ع) رشد

یکی از مهم‌ترین تألیفات آیت‌الله معرفت، التفسیر الأثری الجامع است که همچنان که از نام آن پیداست تفسیری است که تمامی روایات شیعه و اهل سنت را با رویکرد نقد و بررسی در کنار خود جای داده است. بررسی جایگاه روایات تفسیری، آسیب‌شناسی تفاسیر مآثور و مبنای رجالی و حدیثی آیت‌الله معرفت در این باره از جمله نکاتی است که در این فصل به آن پرداختیم.



از همان آغاز کار می‌خواست بگوید که ما هنوز کسی که به طور جامع مجموعه روایات را کنار هم بگذارد و در آنجا حقانیت فرهنگ و عمق اندیشه شیعی را نشان بدهد - به گونه‌ای که خود روایات نشان دهند و بدون دخالت ما - و سخن بگوید، نداریم و ایشان می‌خواست که این کار بزرگ را انجام دهد. ستاد معرفت وقتی وارد مقدمات شد، دید که باید در این امر بماند و یک زودگذر و مقدمه ساده برای یک تفسیر ساده نیست؛ لذا اسم این مجموعه را التمهید گذاشت که الآن ۱۰ جلد شده است، در واقع مقدمه برای یک تفسیر بزرگ است. استاد معرفت به همه مباحث علوم قرآنی و روش‌های تفسیری پرداخته است، اول بحث و حی‌شناسی و بعد تاریخ قرآن و بحث مکی و مدنی، اسباب نزول، قرائات، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه و اعجاز و... را به طور مفصل بررسی کرد؛

آیت‌الله معرفت برای رفع این شبهه به التمهید جلد هفتمی را الحاق می‌کند و مسئله صیانت قرآن از تحریف را مورد تأمل قرار می‌دهد و شبهات مطرح شده و ریشه‌های این شبهه را توضیح می‌دهد و روایاتی را که در منابع اهل سنت و شیعه وارد شده است که ضعیف هستند و موجب سوء استفاده، مورد بررسی قرار

کردند و بنابراین دانش تفسیری در بین مسلمانان از حضرت امیر(ع) نشأت پیدا کرده است و نمی‌توان گفت که فرهنگ قرآنی از اندیشه غیر علوی منتشر شده باشد.

استاد معرفت در تفسیر اجتهادی رویکرد منصفانه را ادامه داد، و در تفسیر اجتهادی جامع، با یک روش فقهی و عرفانی و عقلی جلورفت و سپس وارد تفسیر اثری شد و این دو سه قرن اخیر را که با رویکرد علمی و اجتهادی و اجتماعی و موضوعی است، بیان کرد؛ بنابراین استخراج مجموعه اطلاعات عالمانه با رفتن در دل متن‌ها و استخراج زوایای پنهان و با بیان نقاط قوت و ضعف مجموعه تراث علمی و تفسیری، کاری است که در التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب انجام شده است.

اگرچه عمده تخصص آیت‌الله معرفت در علوم قرآنی و تفسیر بود، اما ایشان در زمینه‌های فقه، اصول و ادبیات عرب ید طولایی داشت و در مسائل مختلف فقهی همچون قضا، حدود و دیات، مدتی به کار علمی مشغول بود. اگر بخواهیم جایگاه کلی نگاشته‌های آیت‌الله معرفت را در یک جمله کوتاه بیان کنیم، باید به مرجعیت کتاب ایشان در زمینه علوم قرآنی اشاره کنیم.

اعتبار روایات صحابه و تابعین در دیدگاه آیت‌الله معرفت

اعتبار روایات صحابه و تابعین در حد اعتبار اهل لغت است. این نگاه حاکم است و نه آن اعتباری که ما برای امام صادق(ع) و امام باقر(ع) قائل هستیم. دیگر این‌که در این جمع بندی و کنار هم قرار دادن ما به تحلیل می‌رسیم؛ یعنی برای کسی که محقق این میدان است، هنگامی که این روایات را در کنار هم می‌بینیم، امکان داوری و مقایسه فراهم می‌شود. او می‌تواند به راحتی بفهمد که افرادی همانند قتاده، عکرمه و سدی چگونه تفسیر می‌کنند و امام صادق(ع) چگونه تفسیر می‌کنند. هنگامی که کلمات گوهر بار ائمه(ع) را در کنار گفتار این افراد می‌آوریم، کلام آنان خود به خود رنگ می‌بازد. این مسئله کار بسیار مهمی

است. در واقع هدف پنهان و دور که لایه‌های درونی و عمیق این مسئله را نشان می‌دهد، این است که ما می‌خواهیم روایات اهل بیت(ع) را ترویج کنیم و برتری روایات اهل بیت(ع) را در مقایسه با افرادی که در حد صحابه و یا تابعین هستند، نشان دهیم. کلام معصوم(ع) هنگامی که در کنار کلمات صحابه و تابعین قرار گیرد، هر انسان عاقلی می‌فهمد که این کلام هم‌جنس کلام بشری و از سنخ کلمات عادی نیست و برخاسته از حقایق دیگری است. به هر حال مسائل درونی شکل می‌دهد که اگر آیت‌الله معرفت در این طرح به سراغ صحابه و تابعین رفته است، اولاً نه به اعتباری که برای معصوم قائل است، ثانیاً این‌که اعتبار آنان در حد اهل لغت است.

نکته دیگر این‌که کتاب‌های آیت‌الله معرفت جنبه تقریبی دارد؛ یعنی ایشان اساساً فراشیعی و فرامنطقه‌ای فکر می‌کند و کلیت جهان اسلام را می‌بیند. لذا در تفسیر الاثری از جنبه شیعی نگاه نمی‌کند. مجموعه روایاتی که در اختیار شیعه و سنی است همه را جمع‌آوری کرده است. حال برخی این مسئله را بر نمی‌تابند؛ زیرا آنان خود به حقیقت این مسئله آگاه نیستند. راه اینان از کسانی که نقدهای عالمانه دارند جداست.

با کنار هم نهادن این منقولات اثری چند اتفاق مهم دیگر می‌افتد؛ اولین نتیجه این اقدام این‌که روایاتی که جمع‌آوری نشده و پراکنده بود، به صورت مکتوب جامعی درآورده‌ایم. دومین نکته این‌که پیشینیان روایات را طبقه‌بندی نکردند و تنها نوشتند، ارزش‌گذاری و پالایش نکردند و احادیث ضعیف، قوی و اسرائیلیات را با هم آوردند؛ لذا این روایات به طور کامل و در یک نگاه جامع، طبقه‌بندی نشدند. در این کتب تنها روایات به عنوان احادیث تفسیری نوشته شدند و در این بین حتی برخی از آن‌ها با آیاتی از قرآن منافات داشتند؛ یعنی با وجود این‌که بخشی از روایات این چنین بود، باز نیامدند تا بر قرآن عرضه

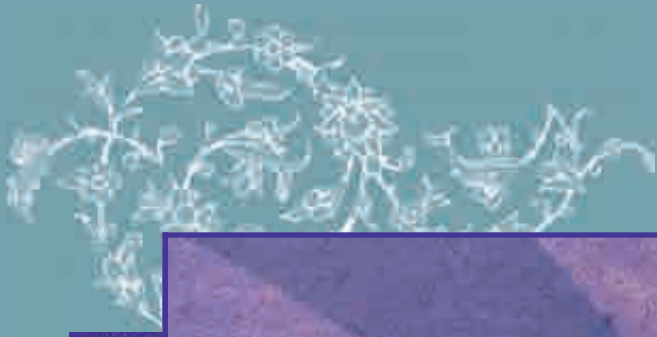
کنند. آیت‌الله معرفت با این رویکرد وارد شد تا تفسیری داشته باشیم که روایات اهل بیت (ع) در کنار روایات دیگران، جایگاه واقعی خود را نشان دهد.

روش تهیه و تدوین تفسیر

این تفسیر از سال ۷۹ شروع شد و در حدود ۱۰ تا ۱۲ نفر که بنده هم با جمعی از دوستان فاضل بودم، بنا بود که تمام روایات شیعه و اهل سنت را با کتبی که قبلاً با نام تفسیر اثری نوشته شده بود و هر منبع دیگری استخراج کنیم و این کار را انجام دادیم. در این اثر علاوه بر کتب تفسیر اثری، از تمامی منابع؛ مانند صحاح، مثانی، منابع روایی شیعه و اهل سنت، از منابع تاریخی، از تمامی معاجم و حتی با بهره‌گیری از نرم‌افزارهای کامپیوتری که در این جهت در اختیار بود، روایات جمع‌آوری شد و در حدود هفتاد هزار فیش که هنوز نیز موجود است، فراهم شد. این تنها کار مقدماتی و ابتدایی بود که در آن زمان انجام می‌شد. بعد از آن مرحله روایات بر اساس سوره به سوره طبقه‌بندی شد و کنار هم قرار گرفت. بعد از این طبقه‌بندی ابتدایی برای ایشان ارسال می‌شد و آنگاه آیت‌الله معرفت وارد بحث و تدوین این اثر از شمنند می‌شد.

التفسیر الأثری الجامع؛ عرصه مقایسه و مقارنه روایات تفسیری و آغاز راهی بزرگ در عرصه تفسیر قرآن است و نویسنده در این تفسیر برای خواننده امکان مقایسه و مقارنه روایات را مهیا کرده است.

صحابه تلقی‌کنندگان و برداشت‌کنندگان اول آیات قرآن هستند، در التفسیر الأثری آیت‌الله معرفت به کلام صحابه به عنوان یک گزاره تاریخی نگریسته شده است. مسئله دیگر این‌که در این تفسیر امکان مقایسه، داوری و پلایش روایات، ارزیابی روایات و تحلیل و نقد و بررسی، بعد از این‌که این روایات را کنار هم بگذاریم امکان پذیرفته است. اساساً هنگامی این تحلیل و تتبع درست و کامل است که تمامی منابع و روایات جمع‌آوری شده باشد. مسئله دیگری که باز از فوائد این نگاه است، این‌که هنگامی که روایات غیر معصومین (ع) همچون تابعین و اتباع آنان را می‌آوریم، در واقع می‌فهمیم که آنان از چه کسانی گرفته‌اند. بسیاری از این روایات نشان می‌دهد که سرچشمه آن معصوم (ع) بوده است. یکی از رویکردهای نام‌گذاری این تفسیر به عنوان الأثری الجامع همین مسئله است. البته علت دیگر عنوان جامع، به معنای جامع بین شیعه و اهل سنت است، اما این جامع بودن از جمیع جهات است؛ زیرا از همه گرایش‌ها استفاده می‌کند و حتی از علوم امروزی سود می‌برد و از همه روش‌ها و مبانی بهره کافی



دو هفته نامه

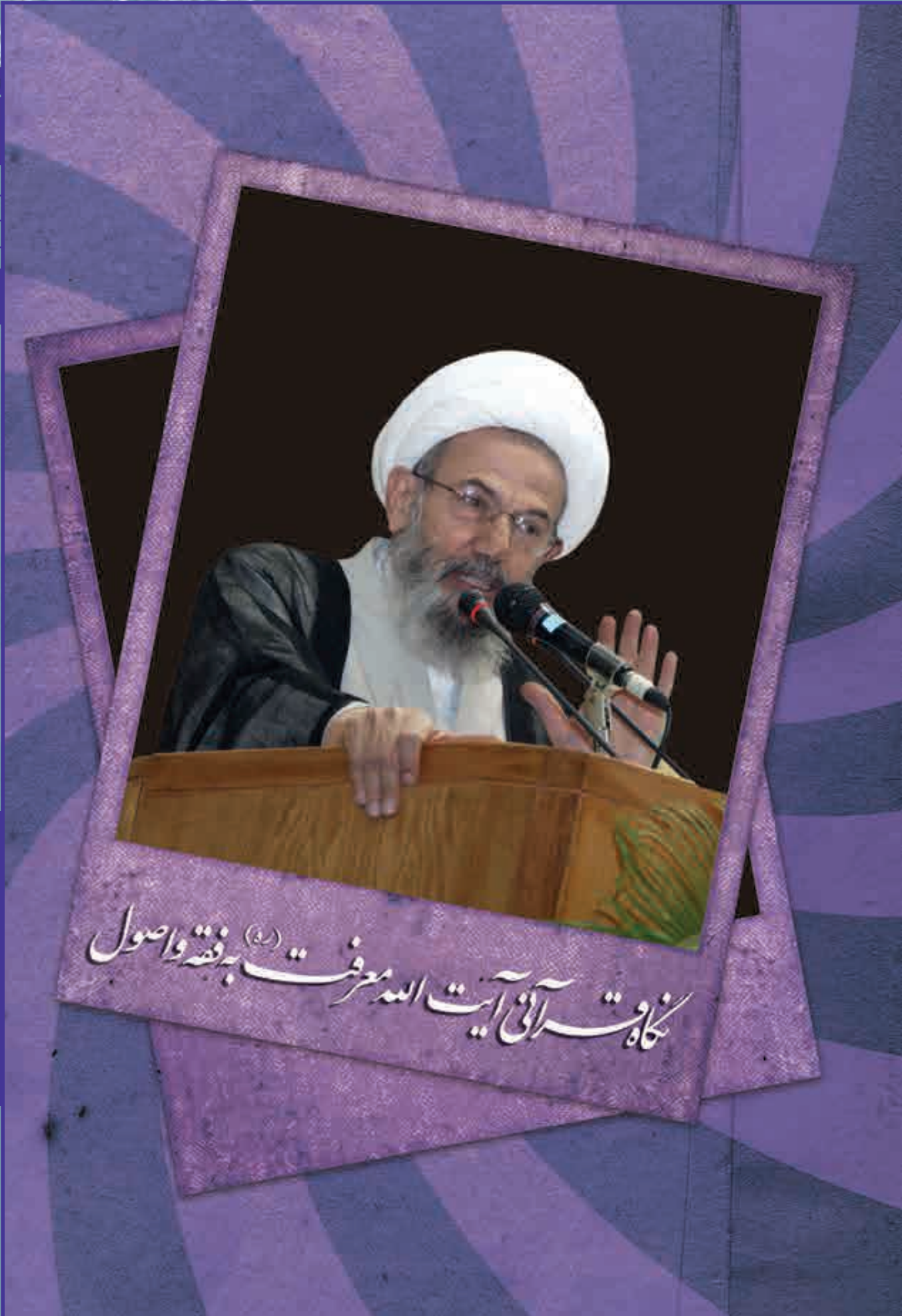
راهی

سال ششم

شماره ۷۹

۱۵ اردیبهشت ۱۳۸۹

۱۶۵



نگاه آرائی آیت الله معرفت (ره) به فقہ و اصول

آیت الله معرفت: احیاگر علوم قرآنی در دوران معاصر



آیت الله معرفت مرجعیت را در جهت احیای علوم قرآنی رها کرد



معرفت در حوزه نجف و در محضر اساتید بزرگ نجف اشرف درس خوانده بود، ولی دیدگاه‌های روشنی در مورد مسائل روز داشت در حالی که حوزه نجف نسبت به حوزه قم سنتی تر بود؛ لذا حوزه‌ای سیاسی نبوده است و الآن با حضور آیت الله سیستانی، و جبهه سیاسی جدیدی پیدا کرده است، در گذشته این چنین نبود، ولی فعالیت‌ها و سخنان سیاسی اجتماعی آیت الله معرفت در حوزه نجف اشرف نشان از مطالعات زیاد سیاسی و اجتماعی او دارد و به مصداق این حدیث از امام صادق (ع) بود که می‌فرمایند: «العالم بزمانه لا تهجم علیه اللوابس؛ کسی که به زمانه خویش آگاهی دارد اشتباهات بر او هجوم نمی‌آورد.» آیت الله معرفت در موضوعات جدید؛ مانند حقوق زنان و یا در باب حکومت دینی و اندیشه سیاسی اسلام، اطلاعات به روزی داشت و در درس‌ها تشویق می‌کرد که طلبه باید مطالعات به روز داشته باشد و آخرین داده‌های علمی را در رشته‌های علوم انسانی،

آیت الله معرفت با عمق مطالعات فقهی و اصولی زمینه مرجعیت را داشت، اما با ایثار و فداکاری از آن گذشت و در جهت احیای علوم قرآنی در حوزه‌های علمی گام برداشت.



حجت الاسلام والمسلمین «محسن غروی‌ان»، عضو هیئت علمی مدرسه عالی امام خمینی (ره)، در مورد شخصیت آیت الله معرفت ضمن بیان مطلب فوق، گفت: من از ابتدای ورودم به حوزه با کتاب‌های آیت الله معرفت در ارتباط بودم و با توجه به تبحر ایشان در مباحث مربوط به علوم و تاریخ قرآنی، به کتبشان مراجعه می‌کردم؛ چرا که بنده درس معارف قرآن را نزد آیت الله مصباح تلمذ، و در کنار آن، مقاله‌های آیت الله معرفت و بحث‌های ایشان را در مجلات و نشریات علمی تعقیب می‌کردم.

وی در مورد شخصیت سیاسی و اجتماعی آیت الله معرفت اظهار کرد: نکته‌ای که برای من جالب است، این‌که آیت الله

مطالعه کند.

وی با اشاره به این‌که در سفری به حج، توفیق داشتم که در هیئت علمی بعثه مقام معظم رهبری با ایشان همراه باشم و در طول سفر از محضر ایشان در موضوعات مختلف بهره‌مند می‌شدیم، اظهار کرد: نکته مهمی که وجه ممیز او و هم‌رتبه‌هایش در علوم قرآنی هست، این‌که در تحقیقات خود به کتب دست دوم مراجعه نمی‌کرد. وی در تتبع بسیار برجسته بود؛ یعنی مفسر متبعی بود و التمهید فی علوم القرآن نشان از عمق تتبعات او در کتب مختلف عامه و خاصه است.

به قرآن کرد و واقعا در علوم قرآنی به درجه اجتهاد مطلق رسیده بود و سایر محققان به ایشان رجوع می‌کردند.

غرویان ضمن بیان این‌که آیت‌الله معرفت در فقهت هم در سطح مرجعیت بود، خاطرنشان کرد: اگر آیت‌الله معرفت رساله‌ای فقهی منتشر می‌کرد، قطعا بسیاری از افراد در فروع مقلد او بودند؛ لذا فعالیت وی در علوم قرآن، ایثاری در جهت احیای علوم قرآنی در حوزه‌های علمیه بود؛ لذا از مرجعیت گذشت، برای این‌که حق قرآن را ادا کند. علامه طباطبایی و آیت‌الله معرفت دو شخصیتی هستند که با دوری از هرگونه

این مدرس حوزه علمیه قم با بیان این‌که يك محقق برجسته در تحقیقات و تعلیقات خود باید سعی کند به منابع درجه اول مراجعه کند، تصریح کرد: این حالت در آثار آیت‌الله معرفت هویداست و در رتبه کتاب التمهید فی علوم القرآن، کتابی وجود ندارد و در اکثر مراکز علمی این کتاب، جزو کتاب‌های درسی است. در بعضی مباحث محتوایی، آیت‌الله معرفت صاحب ابتکار بود و نظریات خاصی داشت؛ مثل محکم و متشابه آیات قرآن؛ لذا آیت‌الله معرفت هم تتبع و هم تحقیق‌های خوبی در علوم قرآن داشت؛ یعنی هم جستجوهای خوبی در علوم قرآن و هم اظهار نظرهای بکر و تازه‌ای در تحقیقات او دیده می‌شود.

شهرت طلبی به احیای علوم قرآنی در حوزه‌های علمیه پرداختند و البته علامه طباطبایی نیز با تدریس فلسفه در حوزه‌های علمیه، موجی از فلسفه را در حوزه علمیه قم به راه انداخت و به سمت مرجعیت نرفت، در حالی که کاستی نسبت به مراجع زمان خود در فقه و اصول نداشت، هر دو بزرگوار با وارد شدن به تفسیر و علوم قرآن تضحیه و ایثار کردند.

قلم و نگارش آیت‌الله معرفت به گونه‌ای بود که کتاب‌هایی همچون التمهید فی علوم القرآن، به عنوان جامع‌ترین کتاب درسی در زمینه علوم قرآنی تلقی شده است

وی قلم آیت‌الله معرفت را قلم روان و قابل فهم برای همگان دانست و اظهار کرد: نوشتن کتاب‌های درسی از ویژگی‌های آیت‌الله معرفت بود، به نحوی که در طول حیات خویش توانست علوم قرآنی را در قالب کتاب درسی در میان طلاب و دانشگاہیان ترویج دهند. این در حالی است که بسیاری از علما و اندیشمندان با مطالعه و تألیف کتاب‌های بسیاری نتوانستند آثار خود را به صورت کتاب درسی تدوین کنند و لذا آثار آنان به صورت کلاسیک در صحنه دانشگاہ‌ها نیامده است و فقط در کتابخانه‌ها و پژوهشکده‌ها برای استفاده قشر خاصی از مردم قرار گرفته است. در حالی که قلم و نگارش آیت‌الله معرفت به گونه‌ای بود که کتاب‌هایی همچون التمهید فی علوم القرآن، به عنوان جامع‌ترین کتاب درسی در زمینه علوم قرآنی تلقی شده است.

مدرس حوزه علمیه قم در مقایسه آثار قرآنی آیت‌الله جوادی آملی با آیت‌الله معرفت گفت: برخی از آثار آیت‌الله جوادی را شاگردانش تنظیم کرده‌اند که به نظر بنده، آن‌گونه که باید و

آیت‌الله معرفت در فقهت هم در سطح مرجعیت بود

وی در مورد مرجعیت آیت‌الله معرفت تأکید کرد: آیت‌الله معرفت با عمق تحصیلات فقهی که داشت، واقعا زمینه مرجعیت را دارا بود و استادانی که در فقه و اصول در نجف دیده بود، فضا را برای زعامت مرجعیت وی آماده کرده بود و همین عمق، تتبع و تحقیق آیت‌الله معرفت در علوم قرآنی نشان دهنده این است که او در سایر علوم اسلامی؛ مثل فقه، اصول و کلام، در درجه عالی بود، ولی بنا به احساس ضرورتی که ایشان نسبت به غریب بودن قرآن در حوزه‌های علمیه داشت، بیشتر تحقیقات خود را متمرکز بر علوم قرآنی و مباحث مربوط



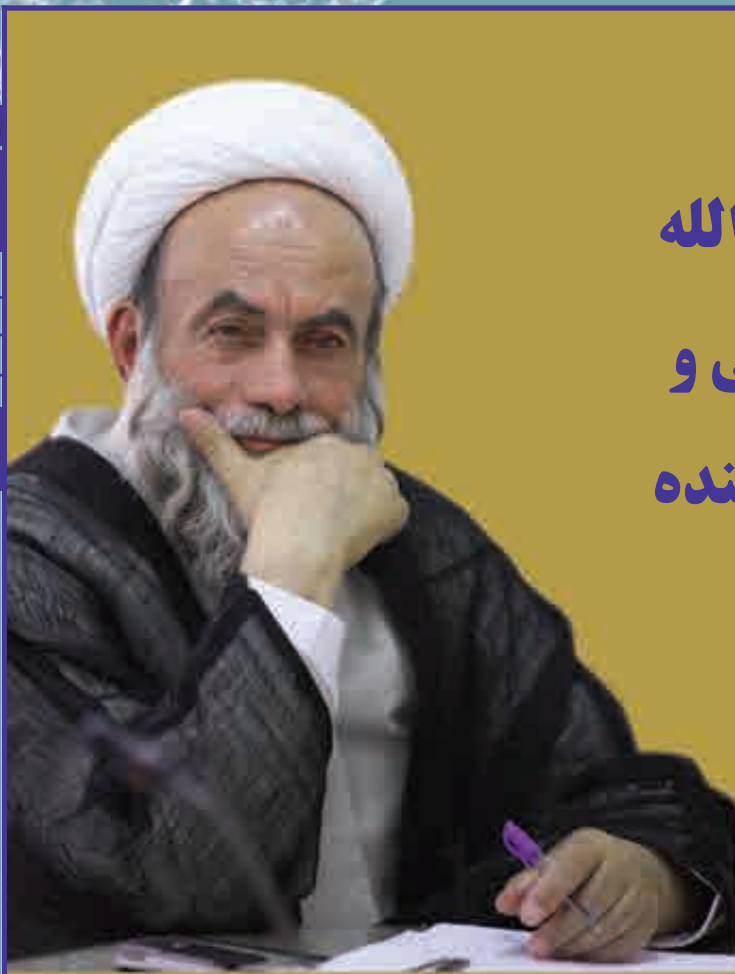
کتاب درسی است، منظور از این خاطره این است که برخی از بزرگان، ذوق نگارش کتاب درسی دارند و آیت‌الله معرفت در نگاشتن کتاب درسی نیز همچون آیت‌الله مصباح تلاش بسیار کرد و تحولی را در نگاشتن اثر در میان حوزویان اجرا کرد.

مدرس حوزه علمیه قم با بیان این‌که نگارش آیت‌الله معرفت که اکثراً کتاب درسی شده‌اند، نشان از ذهن منظم و اطلاعات دسته‌بندی شده ایشان است، عنوان کرد: ویژگی دیگر آیت‌الله معرفت این بود که ایشان، با این‌که شخصیت پرورش یافته حوزه علمیه بود، ولی با دانشگاه‌ها، افکار و نسل جدید ارتباط داشت و در عرصه روشنفکری حضور پیدا می‌کرد و این ارتباط‌ها در قلم‌شان تأثیرگذار بود.

وی در پایان خاطرنشان کرد: از لحاظ اخلاقی، تواضع ایشان در محافل مختلف، برای بنده جالب توجه بود و ایشان منزل بسیار ساده از محله چهارمردان در نزدیکی مسجدشان داشتند و مکرر بنده دیدم که تنها و خیلی متواضع خرید روزمره زندگی را خود انجام می‌داد و این رویه برای ما آموزنده بود، خصوصیت اخلاقی دیگر ایشان، شاگرد پروری بود که این خصیصه را همه علما ندارند و ایشان در این زمینه هم واقعا از امتیاز بالایی برخوردار بودند؛ لذا راه‌های تحقیق و پژوهش را به طلبه و دانشجو نشان می‌داد و پایان‌نامه‌های بسیاری را راهنمایی کرد و این نشانگر شاگرد پروری و تواضع بالای او بود.

شاید حق مطلب رعایت نشده است؛ چرا که تدوین خوبی نشده‌اند؛ لذا برای تدریس، مناسب به نظر نمی‌رسد، مگر این‌که از نو نگارش و باز تولید شود؛ چرا که باید تنظیم و درس‌بندی شود تا به شکل درسی در بیاید. برخی از بزرگان هستند که ذوق نگارش کتاب درسی دارند؛

مانند آیت‌الله مصباح؛ چرا که در فلسفه و چه در سایر بحث‌هایشان، کتاب‌های درسی نگاشته؛ مثلاً آموزش فلسفه را خود آیت‌الله مصباح نوشته و البته ابتدا قرار بود که بنده و آقای میرباقری و غلامی عقاید را بنویسیم و آقای بی‌ریا و علی مصباح (فرزند ارشد آیت‌الله مصباح) فلسفه را بنویسند که متأسفانه کار کتاب فلسفه ادامه داده نشد و خود آیت‌الله مصباح در آبعلی تهران در تابستان سال ۶۰ کتاب را نگاشتند. ولی بنده و همکاران مباحث عقاید را تدوین کردیم که آیت‌الله جنتی بعد از دیدن محصول گروه ما به علت مبسوط بودن تحقیق، از خود آیت‌الله مصباح درخواست کردند که این مجموعه تحقیقات به صورت مجمل تر ارائه شود؛ لذا آیت‌الله مصباح مطالب ما را خلاصه کرد و به همراه ویرایش مجدد منتشر شد، البته با نظر آیت‌الله مصباح، کار تحقیقی گروه ما، با عنوان بحثی مبسوط در آموزش عقاید توسط انتشارات دارالعلم منتشر شد؛ لذا هم آموزش فلسفه و هم آموزش عقاید آیت‌الله مصباح سال‌هاست که در حوزه و دانشگاه



تألیفات قرآنی آیت الله معرفت بر آثار فقهی و اصولی وی سایه افکنده است

حساس بود. کاری که مرحوم معرفت در طول عمرش در حوزه انجام داد، پاسخ به خلأ موجود در حوزه‌ها بود، چون در حوزه، دروس فقه، اصول، فلسفه... زیاد وجود دارد، اما نسبت به قرآن و مسائل مطرح در اطراف آن کمبودهایی وجود دارد. آیت الله معرفت به این نکته رسید که سؤالاتی که در ذهن جوان‌ها، دانشجویان و طلاب است، نیازمند بحث تخصصی خاصی است که در توان هر کسی نیست و در حوزه‌ها کمرنگ است. امروزه هم علما به این معنا و نقیصه معترف هستند، لذا وی در این عرصه گام گذاشت و بسیار هم موفق بود.

وی با اشاره به نقش آیت الله معرفت در علوم قرآنی تصریح کرد: آیت الله معرفت در رشد و بالندگی علوم قرآنی در حوزه نقش کلیدی، اساسی و حیاتی داشت که نتیجه آن انتشار آثار مهمی در این زمینه است و اولین اثرش التمهید فی علوم القرآن بود که اثر ارزشمندی است و به تفسیر جامع کشیده شد که عمر شریفش وفا نکرد تا این کار را به پایان برساند. آیت الله معرفت در این زمینه کار و بحث علوم قرآنی در حوزه را تکمیل کرد، نه اینکه علوم قرآنی در حوزه نبوده، بلکه جسته و گریخته مطرح بوده است، مثلاً آیت الله

آیت الله معرفت در رشته‌های فقه و اصول هم صاحب نظر بود، اما این آثار زیر سایه فعالیت‌های علوم قرآنی وی قرار گرفته و باعث کمرنگ شدن آن‌ها شده است.



حجت الاسلام والمسلمین «محمد نقدی»، مدیرعامل مؤسسه فرهنگی ترجمان وحی و مدیرمسئول و سردبیر مجله ترجمان وحی، درباره آیت الله معرفت گفت: آشنایی بنده با آیت الله معرفت به زمان حضور وی در ایران برمی‌گردد، وقتی که رژیم بعث عراق علمای ایرانی من جمله وی را از این کشور اخراج کرد و علما به ایران آمدند، آیت الله معرفت نیز به ایران بازگشت و در قم مستقر شد. اولین کاری که وی کرد این بود که در حوزه علمیه قم به تدریس در سطوح عالی اشتغال ورزید و کلاس‌های خیلی خوب و جذابی برپا کرد و این کلاس‌ها به سرعت در میان کلاس‌های دروس علمای دیگر مطرح شد.

وی درباره دغدغه آیت الله معرفت حتی در زمان حضورش در کربلا اظهار کرد: ویژگی آیت الله معرفت و دغدغه‌ای که حتی در نجف و کربلا داشت این بود که نسبت به خلأهای موجود حوزه

خزعلی قبل از آیت‌الله معرفت در حوزه علمیه قم درس تفسیر داشت، در حالی که خیلی از علما این درس تفسیر را نداشتند، ولی وقتی که آیت‌الله معرفت به حوزه علمیه قم آمد، از نظر نوشتن و پدید آوردن آثار و هم در زمینه تدریس و گفت‌وگو خیلی موفق عمل کرد.

وی به بررسی کتاب التمهید آیت‌الله معرفت پرداخت و اظهار کرد: اهل فن می‌دانند که کلیه موضوعاتی که در کتاب التمهید مطرح شده، قبلاً توسط علمای سابق به رشته تحریر درآمده، منتها آنهایی که خبره هستند وقتی که خلایی را در این آثار ببینند، از نظر زمان و تطور آن علم و از نظر پاسخگویی به سؤالات آن عصر به نگارش کتاب‌هایی در این زمینه می‌پردازند. یکی از کتاب‌های آیت‌الله معرفت کتاب التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب است که یکی از علمای اهل سنت به نام ذهبی کتابی

با عنوان التفسیر و المفسرون دارد که وی در این کتاب حمله شدیدی به کارهای تفسیری علمای شیعه کرده است. آیت‌الله معرفت در این اثر پاسخ خیلی از افرادی را که در نشریات و کتاب‌ها مسائلی را مطرح کرده بودند داد و هم میراثی را برای دیگران باقی گذاشت که قابل استفاده باشد. آیت‌الله معرفت در رشته‌های فقه و اصول هم صاحب نظر بود که آثار فقه و اصولی وی زیر سایه فعالیت‌های علوم قرآنی قرار گرفت و باعث کمرنگ شدن آنها شده است.

وی زیر سایه قرار گرفتن برخی از آثار دانشمندان و علما را طبیعی خواند و افزود: البته کمرنگ شدن برخی از آثار و جلوه‌گر شدن برخی دیگر از آثار علما و دانشمندان طبیعی است و این دلیلی بر ضعف آنها نیست، بعضی از دانشمندان و علما در یک موضوع خاص رنگ و صبغه پیدا می‌کنند، در حالی که در چند رشته صاحب نظر هستند. آیت‌الله معرفت بارزه شخصیتش از نظر مسائلی که در حوزه بوجود آمده بود، علوم قرآن و تفسیر بود که به هیچ وجه از ارج و کار فقهی وی نمی‌کاهد.

مدیرمسئول مجله ترجمان وحی به بررسی دیگر دغدغه‌های فکری آیت‌الله معرفت پرداخت و اظهار کرد: یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های آیت‌الله معرفت پاسخگویی به شبهاتی بود که از طرف مستشرقان و سایر کسانی که نسبت به معارف اهل بیت (ع) و شیعه اطلاع ندارند، مطرح شد. وی دروس تخصصی و کارشناسی را در

حوزه رایج کرد و توانست در این زمینه کارهای مهمی انجام دهد که این آثار به عنوان منبعی برای استفاده علاقه‌مندان مطرح شد.

حجت‌الاسلام نقدی به بیان خاطره‌ای از آیت‌الله معرفت پرداخت و گفت: بنده در میان سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۰ مسئولیت اداره دانشکده الهیات و تبلیغ (که بعدها به الهیات و معارف اسلامی و ارشاد تغییر نام داد) دانشگاه امام صادق (ع) را بر عهده داشتم که سه گرایش در این دانشکده دایر شد. آن موقع برای دانشجویان این دانشکده که می‌خواستند پایان‌نامه را بگذرانند، آیت‌الله استادی، آیت‌الله معرفت و آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی را معرفی می‌کردم و دانشجویان با این اساتید پایان‌نامه می‌گرفتند و در دفاع هم شرکت می‌کردند. آیت‌الله معرفت یکی از این اساتید بود که گذشته از این که در چند پایان‌نامه به عنوان استاد راهنما بود، برای تدوین برنامه‌های دانشکده در زمینه قرآن و حدیث و فن

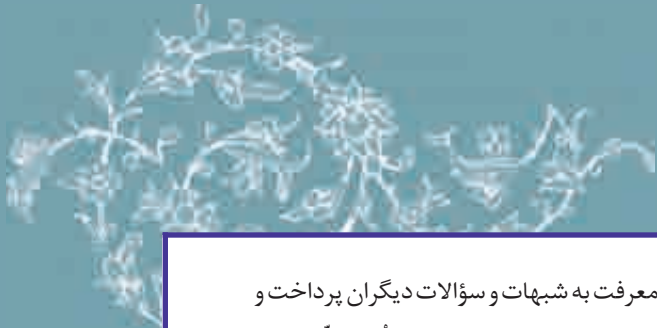
ترجمه بعضی از سرفصل دروس را با بنده همکاری کرد و ما سرفصل‌ها را نوشتیم و این دلیل بر روشن فکری و اعتقاد به ارتباط حوزه و دانشگاه است که در روحیه خیلی از افراد شاید نباشد. ایشان به این گونه کارها عشق می‌ورزید.

مدیرمسئول و سردبیر مجله ترجمان وحی گفت: یکی از آثار مهم آیت‌الله معرفت کتاب صیانة القرآن من التحریف است، تحریف‌پذیری موضوع مورد مناقشه‌ای است که از زمان مرحوم محدث نوری بهانه‌ای شد و به دست دشمنان

و مخالفان اسلام و قرآن افتاد و تاکنون هم ادامه دارد و هر کسی از زاویه‌ای به این موضوع نگاه کرده است. مرحوم آیت‌الله معرفت به خاطر علم و احاطه‌ای که به زبان عربی داشت و آثار علما را به زبان اصلی مورد بررسی قرار می‌داد، همچنین وی در حوزه هزار ساله نجف تحصیل کرده بود و هم با مراکز علمی جهان اسلام در ارتباط بود، تقریباً همه مباحث و مسائل مطرح در این باره را شنیده بود. در این کتاب تمام تلاش آیت‌الله معرفت این بوده که با توجه به علم و اطلاع از سخنان دیگران پاسخی را ارائه دهد که جای بهانه‌ای را برای منتقدان باقی نگذارد و فراموش نمی‌کنم در یکی از کنگره‌هایی که در مدرسه آیت‌الله العظمی گلپایگانی برگزار شد، این کتاب به عنوان اثر برگزیده انتخاب و منتشر شد.

وی در مورد شخصیت آیت‌الله معرفت اظهار کرد: اگر بخواهم آیت‌الله معرفت را در چند جمله تعریف کنم، شخصی متواضع،

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های آیت‌الله معرفت پاسخگویی به شبهاتی بود که از طرف مستشرقان و سایر کسانی که نسبت به معارف اهل بیت (ع) و شیعه اطلاع ندارند، مطرح شد



ساده زیست، فروتن، اهل برخورد بسیار متین با قشرهای مختلف بود که به این دلایل مورد توجه همه بود و آن چیزی را که در حوزه دین فرا گرفته بود، به آن عمل می‌کرد. ممکن است بعضی از اشتغالات باعث شود که ما انسان‌ها نسبت به بعضی از امور غفلت داشته باشیم، ولی وی اصلاً این‌گونه نبود و همه کارهایش برای همه افراد و اقشار مردم بود، نماز جماعت، کلاس‌های تفسیر و... هیچ موقع از مردم جدا نشده بود. یکی از ویژگی‌های مهم پیغمبر (ص) که خداوند متعال در قرآن مجید به آن اشاره می‌کند با مردم بودن است. قرآن کریم می‌فرماید: «كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِّنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ؛ همان طور که در میان شما فرستاده‌ای از خودتان روانه کردیم [که] آیات ما را بر شما می‌خواند و شما را پاک می‌گرداند و به شما کتاب و حکمت می‌آموزد و آنچه را نمی‌دانستید به شما یاد می‌دهد.» (سوره مبارکه بقره، آیه شریفه ۱۲۹)

وی این ویژگی را از ویژگی‌های علمای دین هم دانست و افزود: یکی از ویژگی‌های خوب علمای دین هم این است که این خودی بودن را از دست ندهند و آیت‌الله معرفت در این صفت بسیار بارز بود، مرزی میان خود و مردم قائل نشده و در متن مردم بود. آیت‌الله معرفت با جلالت قدر دعوت ما را پذیرفت و به دانشگاه امام صادق (ع) آمد و بسیار ساده رفتار می‌کرد و عملاً حوزه را وارد دانشگاه کرد.

صحیح نوشتن؛ از نشانه‌های علمی و تحقیقی استاد معرفت

نقدی در ادامه سخنانش در بررسی شخصیت علمی و تحقیق

آیت‌الله معرفت ضمن اشاره به خاطره‌ای خاطرنشان کرد:

یکی از ویژگی‌های شخصیتی آیت‌الله معرفت

علاقه‌مندی به مطالعه و تحقیق بود، وی اگر به

مسئله‌ای برخورد می‌کرد تا آن را حل نمی‌کرد به

مسائل دیگر نمی‌پرداخت. در

ماه رضانی در

کتاب‌فروشی‌ای در قم رفته

بودم، وی خود شخصاً برای خرید کتاب

آمده بود. کتابی هست با نام البیان فی غریب

إعراب القرآن نوشته «ابوالبرکات عبدالرحمن بن

محمد انباری» از علمای بغداد که انتشارات هجرت در قم

منتشر کرده بود، آیت‌الله معرفت اطلاع پیدا کرده و خودش به این

انتشارات آمده بود تا دو جلد از این کتاب را تهیه کند. این دلیل

اهتمامش بود که زمانی که می‌فهمید نیاز به یک منبعی هست،

بنده خود شاهد بودم که خودش برای تهیه کتاب اقدام می‌کرد.

وی درست و صحیح نوشتن را یکی دیگر از نشانه‌های علمی و

تحقیقی استاد معرفت خواند و اظهار کرد: مسئله بالاتر از همه

این‌ها این‌که وی گذشته از این‌که تا مسئله‌ای را خوب و کامل حل

نمی‌کرد و فارغ نمی‌شد به مسئله دیگر نمی‌پرداخت به فکر

تألیفات گسترده و زیاد نبود که هر کدام دارای نقاط ضعف و

اشکالاتی هم باشد، بالاترین تواضع وی این بود که نظرات دیگران

را هم می‌خواست که این دلیل بر علم و دانش بالای او بود، نه فقر

آیت‌الله معرفت از طریق «جَادِلْهُمْ بِآيَاتِي هِيَ أَحْسَنُ» ضمن روشن کردن محل نزاع تلاشش بر این بود که ادله روشنی را برای مخالفان بیاورد که بتواند آن‌ها را اقناع کند که حرف یا شبهه‌شان صحیح نیست

این محقق و نویسنده در ادامه سخنانش به یکی از خاطرات با آیت‌الله معرفت اشاره کرد و گفت: بنده فراموش نمی‌کنم، زمانی که «مجید معارف» دانشجوی دوره دکترای دانشگاه تربیت مدرس بود، وقتی که فهمید دانشگاه امام صادق (ع) آیت‌الله معرفت را دعوت به همکاری کرده، از آیت‌الله معرفت خواست که در گروه قرآن و حدیث این دانشگاه هم شرکت کند. امروزه خیلی از علمای راه به دانشگاه دارند، ولی آن موقع این‌که یک عالم حوزوی به دانشگاه راه پیدا کند و بتواند ارتباط ایجاد کند و موفق باشد، گام بسیار بزرگی بود که امروزه هم این خلأ وجود دارد، ممکن است کارشناسانی داشته باشیم که در مراکز علمی حضور پیدا کنند، ولی اکنون در سطح آیت‌الله معرفت کمتر به این کارها می‌پردازند.

حجت‌الاسلام نقدی در ادامه سخنانش به بررسی نحوه

حجت‌الاسلام نقدی در ادامه سخنانش به بررسی نحوه

وی نظرخواهی از دیگر علما را از صفات خوب و درست آیت‌الله معرفت برشمرد و بیان کرد: آیت‌الله معرفت حتی وقتی که در موضوعی مسئله‌ای را حل کرده بود و برایش تمام شده بود، این دیدگاه‌ها و نوشته‌ها را برای علمای دیگر می‌فرستاد تا ببیند آن‌ها چه نظری دارند و این صفتی است که علمای مبرز و مهم دارند؛ یعنی مستبد به رأی و نظر خودش نبود، احتمال می‌داد که نظر و عقیده خودش نقدی داشته باشد.

سردبیر نشریه ترجمان وحی در ادامه سخنانش یکی از دغدغه‌های آیت‌الله معرفت را وجود اغلاط نوشتاری و رسم‌الخط عثمان طه برای فارسی‌زبان‌ها دانست و گفت: آیت‌الله معرفت چند کار تحقیقی و تألیفی در دست داشت که متأسفانه عمرش کفاف نکرد، اما دیگران و شاگردانش به دنبال آن رفتند، یکی از این کارها که مهم هست و امروزه به درد ما هم می‌خورد، کتابت قرآن است، امروزه قرآن‌هایی که در کشور ما منتشر می‌شود، به خط عثمان طه و به روش عثمانی است.

حجت‌الاسلام نقدی در پایان گفت: روش عثمانی روشی است که حدود ۶۰ سال پیش مطابق رسم الخط قرآن عثمان خلیفه سوم نگاشته شد، که اکنون در کشور ما در تیراژ میلیونی منتشر می‌شود، مرحوم آیت‌الله معرفت اغلاطی را که در این قرآن از نظر نوشتاری هست توجه و عنایت داشت که باید این‌ها اصطلاح شود. برخی از شاگردانش دنبال این کار رفتند و امیدواریم که این کار به نتیجه برسد، این یکی از کارهای خوب و مهم است که این اغلاط از نظر نگرشی غلط محسوب می‌شود، البته هم‌اکنون آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی و دیگر علما هم به دنبال این کار هستند.

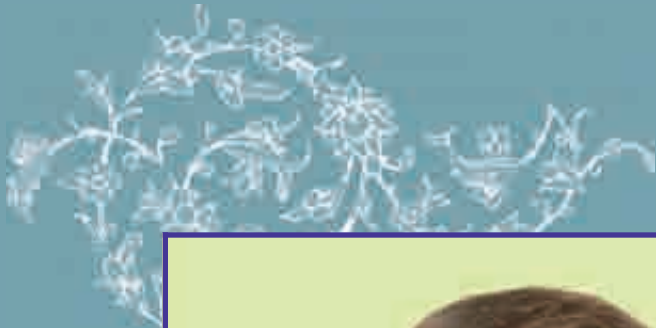
آیت‌الله معرفت؛ تبیین‌کننده محوریت قرآن در فقه به صورت کاربردی

اولین، مهم‌ترین و مؤثرترین دانش اسلامی، فقه است، و فقه استاد معرفت قرآن‌محور بود؛ چرا که فقه به تبیین چگونه زندگی کردن می‌پردازد و استاد، قرآن‌محور بودن فقه به صورت کاربردی را تبیین کرد.



«حسن حکیم‌باشی»، در مورد شخصیت علمی و پژوهشی آیت‌الله معرفت، گفت: بنده از اوایل دهه هفتاد با استاد معرفت آشنا شدم، و آشنایی‌ام نیز به این طریق بود که در آن زمان، استاد برای تدریس و سخنرانی‌هایی – که بیشتر توسط دانشگاه علوم اسلامی رضوی دعوت می‌شد. به مشهد می‌آمد و در این ایام که در مشهد بودند، بنده از ایشان استفاده‌های بسیاری را می‌بردم. آیت‌الله معرفت در دانشگاه علوم اسلامی رضوی بنیاد جدید و جریان علمی در عرصه پژوهش‌های قرآنی به راه انداخت که امروز ثمرات آن مشهود است و از طریق تربیت شاگردان مبرز، که هم‌اکنون از اساتید و صاحب‌نظران علوم قرآنی در کشور هستند، اندیشه‌های خود را ترویج داد. سفرهای آیت‌الله معرفت به مشهد تقریباً تا نزدیکی پایان حیات‌شان ادامه یافت و در اواخر سالی سه تا چهار بار به مشهد عزیمت می‌کردند و ما علاوه بر استفاده از محضرشان، در برخی از کارهای علمی با استاد همکاری می‌کردیم که این همکاری گاه به ویرایش و گاه به ترجمه منجر شده بود.

این قرآن‌پژوه در پاسخ به این سؤال که نوآوری‌های استاد معرفت در قرآن‌پژوهی به چه صورت است؟ گفت: این سؤال بسیار گسترده است و اساساً علوم قرآنی در حوزه‌های علمی شیعه متروک و منزوی بود، حتی برخی با بدبینی و نگاه‌های منفی به سراغش می‌رفتند، آیت‌الله معرفت، تلایه‌دار حرکت به سمت علوم قرآنی در شیعه بود. علوم قرآنی تا زمان



آیت الله معرفت از يك سری نگاه‌های کهنه، کتابخانه‌ای، کلیشه‌ای و غیر کاربردی رنج می‌برد؛ لذا استاد معرفت تحولی ایجاد کرد؛ اول به تدریس علوم قرآنی به صورت مجزا رسمیت بخشید و دیگر، اهمیت و فلسفه وجودی اش را تبیین کرد و بعد هم آن را تقویت، و ارتباطات موجود و مؤثر علوم قرآنی و دیگر رشته‌ها را نشان داد. برخی، نگاهشان به علوم قرآنی این است که در عرض علوم دیگر است؛ یعنی علوم قرآنی در کنار علوم دیگر همچون فقه و اصول و تاریخ است و این دیدگاه مورد تأیید نیست، دیدگاه دیگری وجود دارد و آن این‌که قرآن از نظر ما منظور و معیار همه معرفت‌هاست، که در نتیجه در فلسفه و فقه و اصول مان باید قرآن محور باشد و استاد معرفت این دیدگاه را قبول داشت.

حکیم‌باشی عنوان کرد: این قرآن محوری نه این‌که مورد قبول نبود، اما خیلی نمود عینی نداشت و مورد توجه نبود و استاد معرفت آمد همه این مسائل را زنده کرد و در واقع اولین، مهم‌ترین و مؤثرترین دانش اسلامی، فقه است که فقه استاد هم قرآن محور بود؛ چرا که فقه به تبیین چگونه زندگی کردن می‌پردازد و استاد، قرآن محور بودن فقه به صورت کاربردی را تبیین کرد.

دیده می‌شود و در بسیاری از موارد دچار تحول هم شده است. این‌که بگوییم استاد معرفت در همه تحولات پیشگام بود، سخنی صحیح نیست، بلکه آیت الله معرفت ادامه دهنده سیر تحول خواهی امام خمینی (ره)، شهید محمدباقر صدر، شهید مطهری و علامه طباطبایی - پیشگام رویکرد قرآنی به همه مسائل زندگی هستند. بود.

این محقق علوم اسلامی افزود: آیت الله معرفت در نهادینه کردن قرآن و برداشت مسائل دینی از قرآن گام مؤثری برداشت و در بسیاری از زمینه‌های این موضوع، نوآور و مبدع بود. حکیم‌باشی عنوان کرد: آیت الله معرفت در مسائل مربوط به وحی، تأویل و... نظریات ابتکاری داشت و یا تکمیل‌کننده نظریاتی بود که توسط گذشتگان مطرح شده بود. نوع نگاه استاد به شبهات قرآن و تحریف اساسا يك نگاه کلان بود.

آیت الله معرفت ادامه‌دهنده سیر تحول‌خواهی امام خمینی (ره) بود

این مدرس حوزه و دانشگاه در پاسخ به این سؤال که آیا نظرات فقهی آیت الله معرفت به خاطر فعالیت در قرآن با آرای فقهی دیگر فقها تفاوت داشت یا خیر؟ گفت: فقه نقاط تعامل و ارتباط با خیلی از علوم همچون سیاست، کلام، فلسفه و... دارد؛ لذا با توجه به نوع نگاه به این علوم به صورت کلان که زیرساخت طبیعی آن باید قرآن باشد، نوع احکام نیز متفاوت می‌شود و نمونه‌هایی از این‌گونه نگاه‌ها در موضوعاتی همچون جامعه مدنی، ولایت فقیه و مباحث اخلاقی استاد معرفت

چکیده‌ای از مطالب فصل پنجم

آیت‌الله معرفت در حوزه نجف و در محضر اساتید بزرگ نجف اشرف درس خوانده بود، ولی دیدگاه‌های روشنی در مورد مسائل روز داشت در حالی که حوزه نجف نسبت به حوزه قم سنتی‌تر بود؛ لذا حوزه‌ای سیاسی نبوده است و الآن با حضور آیت‌الله سیستانی، وجهه سیاسی جدیدی پیدا کرده است، ولی در گذشته این چنین نبود، ولی فعالیت‌ها و سخنان سیاسی اجتماعی آیت‌الله معرفت در حوزه نجف اشرف نشان از مطالعات زیاد سیاسی و اجتماعی او دارد و به مصداق این حدیث از امام صادق (ع) بود که می‌فرمایند: «العالم بزمانه لا تهجم علیه اللوالبس؛ کسی که به زمانه خویش آگاهی دارد اشتباهات بر او هجوم نمی‌آورد.» آیت‌الله معرفت در موضوعات جدید؛ مانند حقوق زنان و یا در باب حکومت دینی و اندیشه سیاسی اسلام، اطلاعات به روزی داشت و در درس‌ها تشویق می‌کرد که طلبه باید مطالعات به روز داشته باشد و آخرین داده‌های علمی را در رشته‌های علوم انسانی، مطالعه کند.

آیت‌الله معرفت با عمق تحصیلات فقهی که داشت، واقعا زمینه مرجعیت را دارا بود و

آیت‌الله معرفت در رشته‌های فقه و اصول هم صاحب‌نظر بود که آثار فقه و اصولی وی زیر سایه فعالیت‌های علوم قرآنی قرار گرفت و باعث کمرنگ شدن آنها شده است. ویژگی آیت‌الله معرفت و دغدغه‌ای که حتی در نجف و کربلا داشت این بود که نسبت به خلأهای موجود حوزه حساس بود. کاری که مرحوم معرفت در طول عمرش در حوزه انجام داد، پاسخ به خلأ موجود در حوزه‌ها بود، چون در حوزه، دروس فقه، اصول، فلسفه و... زیاد وجود دارد، اما نسبت به قرآن و مسائل مطرح در اطراف آن کمبودهایی وجود دارد.



البته کمرنگ شدن برخی از آثار و جلوه‌گر شدن برخی دیگر از آیات علما و دانشمندان طبیعی است و این دلیلی بر ضعف آنها نیست، بعضی از دانشمندان و علما در یک موضوع خاص رنگ و صبغه پیدا می‌کنند، در حالی که در چند رشته صاحب‌نظر هستند. آیت‌الله معرفت بارزه شخصیتش از نظر مسائلی که در حوزه بوجود آمده بود، علوم قرآن و تفسیر بود که به هیچ وجه از ارج و کار فقهی وی نمی‌کاهد.

استادانی که در فقه و اصول در نجف دیده بودند، فضا را برای زعامت مرجعیت آماده کرده

بود و همین عمق، تتبع و تحقیق آیت الله معرفت در علوم قرآنی نشان دهنده این است که او در سایر علوم اسلامی؛ مثل فقه، اصول و کلام، در درجه عالی بود، ولی بنا به احساس ضرورتی که ایشان نسبت به غریب بودن قرآن در حوزه‌های علمیه داشت، بیشتر تحقیقات خود را متمرکز بر علوم قرآنی و مباحث مربوط به قرآن کرد و واقعا در علوم قرآنی به درجه اجتهاد مطلق رسیده بود و سایر محققان به ایشان رجوع می‌کردند.

اگر آیت الله معرفت رساله‌ای فقهی منتشر می‌کرد، قطعا بسیاری از افراد در فروع مقلد او بودند؛ لذا فعالیت وی در علوم قرآن، ایثاری در جهت احیای علوم قرآنی در حوزه‌های علمیه بود؛ لذا از مرجعیت گذشت، برای این که حق قرآن را ادا کند. علامه طباطبایی و آیت الله معرفت دو شخصیتی هستند که با دوری از هرگونه شهرت طلبی به احیای علوم قرآنی در حوزه‌های علمیه پرداختند

ویژگی دیگر آیت الله معرفت این بود که ایشان، با این که شخصیت پرورش یافته حوزه علمیه بود، ولی با دانشگاه‌ها، افکار و نسل جدید ارتباط داشت و در عرصه روشنفکری

حضور پیدا می‌کرد و این ارتباطها در قلم‌شان تأثیرگذار بود.

بخش روایات تفسیری که سخت‌ترین و زمان‌برترین بخش تفسیر را شامل می‌شود، غالباً روند تفاسیر از روند تساهل و تسامح پیروی کرده و چه بسا که حتی ظواهر آیات، تحت الشعاع روایات واقع شده و مسیر درک پیام الهی را متوقف ساخته است؛ یعنی سفارش عرضه روایات به قرآن، جایگزین عرضه قرآن بر روایات شده است. چنین روندی موجب شده که در روایات فقهی - که بخش فروع دین را پاسداری می‌کند - تلاش گسترده‌ای صورت گرفته و علوم اصول فقه، رجال و حدیث‌شناسی تا حدودی پالایش روایات فقهی را عهده‌دار شده است، ولی متأسفانه در قرآن - که پایه اعتقادات انسان‌ها در تمام عرصه زندگی است - تاکنون شاهد چنین تحولی نبوده‌ایم. آیت الله معرفت با احساس چنین نقیصه و نقصان علمی در حوزه قرآنی بود که کمر همت برکشیده و با همکاری گروهی از دست‌پروردگانش، التفسیر الاثری الجامع را پایه‌گذاری کرد تا فرصت‌سوزی‌ها و مسامحت‌های قرون گذشته را در این وادی جبران کرده و پالایش روایات تفسیری را بیش از این معطل نگذارد.



گزارش تصویری



دومین شماره

راهی

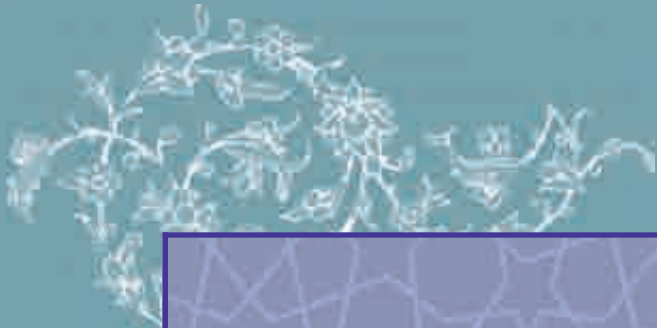
سال ششم

شماره ۷۹

۱۵ اردیبهشت ۱۳۸۹

۱۷۶

آیةالله معرفت: احیای علوم قرآنی در دوران معاصر



دومین شماره

راهی

سال ششم

شماره ۷۹

۱۵ اردیبهشت ۱۳۸۹

۱۷۷



آیت الله معرفت: احیای علوم قرآنی در دوران معاصر



گزارش تصویری

تشییع پیکر مطهر آیت الله معرفت (ره)

دومین شماره

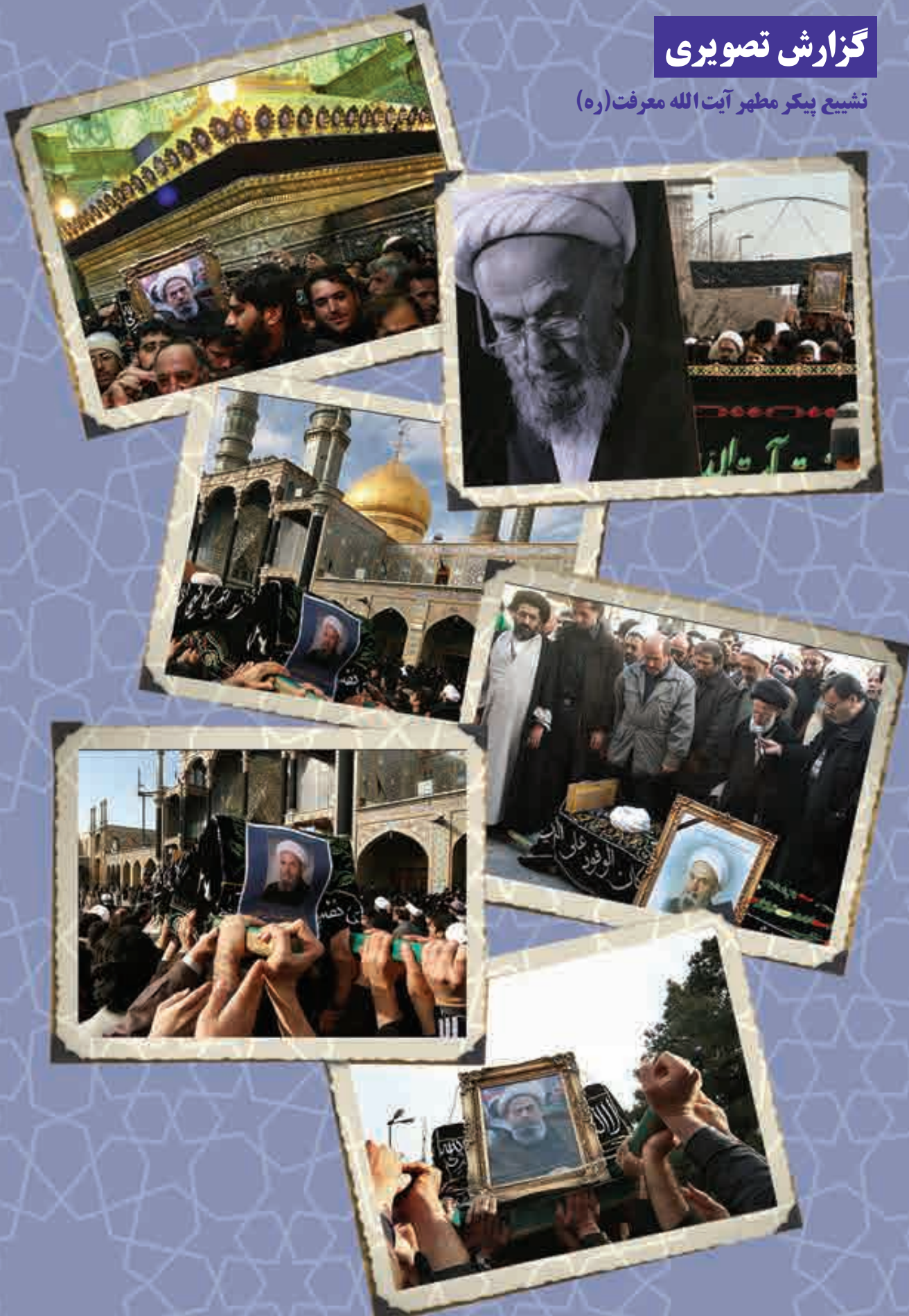
راهی

سال ششم

شماره ۷۹

۱۵ اردیبهشت ۱۳۸۹

۱۷۸



آیت الله معرفت: احیای علوم قرآنی در دوران معاصر

ممنوع



شما هم می توانید

باشید

خبرنگار افکار قرآن

با ثبت نام در نشانی:

WWW.IQNA.IR

♦ اخبار قرآنی منطقه و محل خود را با نام خود
♦ بروی خروجی خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) ببینید

